



# تلاش و شوق

نقش لوکِ حسینے در افزایش رضایت از زندگی

نویسنده: احمد صابری تولایی







سبح

سبحانك يا ذا الجلال والإكرام



# شوقِ زخم

نقش سلوک حسینی در افزایش رضایت از زندگی



## شوق زخم

نقش سلوک حسینی در افزایش رضایت از زندگی

- به سفارش: اداره کل امور مبلغین سازمان تبلیغات اسلامی
- کاری از: شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی
- پژوهشگران: احمد صابری تولایی، جواد بوژمهرانی، علی علیزاده
- عباس جهانی خضربیگی، ابوالفضل فرزین خضربیگی
- حسن اردمه، محمد ایزدی یزدان آبادی
- ویراستار: سید اسماعیل هاشمی
- مدیرهنری: محمد صادق صالحی
- نوبت چاپ: اول، ۱۴۰۲
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۱۸۰۰۰



سامانه شمع

shabaketabligh.ir

۰۲۵-۳۲۹۰۹۵۵

مرکز پخش کتب اداره راهبری محتوای تبلیغی

آدرس: قم، بلوار امین، کوچه ۸، فرعی سوم، پلاک ۲

ایتای اداره راهبری: shabakeh-motavasselan.com

شماره تماس: ۰۲۱۹۱۳۰۳۲۲

شماره همراه: ۰۹۳۷۸۱۳۰۵۷



برای شرکت در نظر سنجی کتاب اسکن کنید

- ۱۱ درآمد
- ۳۳ قدردانی
- ۳۵ سخن مؤلف
- جلسه اول**
- ۳۷ حیات طیبه**
- ۳۹ مقدمه
- ۴۱ انواع حیات
- ۵۲ فرایند تولید احساس
- ۶۰ پیشرفت علمی ایران در آئینه آمار بین المللی
- ۷۲ جنگ شناختی
- جلسه دوم:**
- ۷۷ حیات حسینی**
- ۷۹ الگوهای رضایت
- ۱۱۶ ما و الگوهای عینی رضایت در زندگی
- جلسه سوم:**
- ۱۱۷ حیات غربی**
- ۱۱۹ رابطه توقعات و احساس رضایت در زندگی
- ۱۴۴ مدیریت توقعات؛ راز شادی وسط غم‌ها
- جلسه چهارم:**
- ۱۴۵ توقعات از خود**
- ۱۴۸ چرایی اصلاح توقعات از خود
- جلسه پنجم:**
- ۱۷۷ توقعات از خداوند**
- ۱۸۰ توقعات نابجا از خداوند
- ۱۸۲ پنج گام کلیدی برای تصحیح توقعات از خدا
- ۱۹۸ عرفان الهی در کلام حسینی



**جلسه ششم:**

**۲۰۱ توقعات از دنیا**

- ۲۰۴ دنیا مانند بازار، (تعامل محور) است؛ توقع موفقیت بدون تعامل ممنوع!  
۲۲۷ مشاغل انبیاء

**جلسه هفتم:**

**۲۳۳ توقعات از خانواده (همسر)**

- ۲۳۵ خانواده، اولین حوزه ارتباطی  
۲۳۹ محورهای توقع از همسر  
۲۴۱ ریشه توقعات غلط و بیجا در خانواده

**جلسه هشتم:**

**۲۵۹ توقعات از فرزندان**

- ۲۶۲ خانواده مطلوب  
۲۶۷ ویژگی‌های فرزند و توقعات والدین

**جلسه نهم:**

**۲۸۵ توقع از دیگران مبتنی بر ولاء طرفینی**

- ۲۸۷ سطوح تحلیل ولایت

**جلسه دهم:**

**۳۰۹ توقعات از جامعه اسلامی**

- ۳۱۲ واقعیت اول: مدیریت جامعه چندعاملی است  
۳۱۳ ارکان جامعه مطلوب  
۳۲۴ شهادت امام حسین علیه السلام، محصول چیست؟  
۳۳۴ توقعات مردم از نظام جمهوری اسلامی  
۳۴۹ پیامدهای فردی بی‌حجابی  
۳۵۰ پیامدهای خانوادگی بی‌حجابی  
۳۵۲ پیامدهای اجتماعی بی‌حجابی

**کتابنامه**

**۳۵۷ (منابع و مأخذ)**

- ۳۵۹ الف. کتاب‌ها  
۳۶۴ ب. مقاله‌ها  
۳۶۵ ج. ارجاع به اینترنت



## درآمد

بِسْمِ رَبِّ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ وَ عَلَى الْأَرْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ بِفِنَائِكَ  
عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامٌ اللَّهِ (أَبَدًا) مَا بَقِيَتْ وَ بَقِيَ اللَّيْلُ وَ النَّهَارُ وَ لَا جَعَلَهُ  
اللَّهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَ عَلَى عَلِيٍّ بْنِ  
الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَ عَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ

باز ماه محرم رسید و توفیق نوکری برای سربازان لشکر تبیین و تبلیغ آغاز شد. حمد بی پایان خدای منان را که نعمت زندگی و خلعت بندگی و نوکری اربابمان را به ما ارزانی داشت. بوی پیراهن خونین کسی می آید. آسمان و زمین به هم می ریزد، فرشته ها کم طاقت می شوند و شیون کنان برای زیارت قبرش لحظه شماری می کنند. حال و هوای عشق حسینی که در کوچه و خیابان می پیچد، دل را روانه اشک و روضه می کند. امسال برای ارباب آستین نوکری بالا زدیم تا جرعه ای معرفت، از کوثر کثیر هدایت حسینی و زینبی بگیریم و در کام همه دوستداران و دلدادگان این خمیه و خانه بریزیم. خمیه، خمیه حسین است و خانه، خانه اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ. ممنون مادر این خانواده ایم که مادری را در حق ما تمام کرد. باز هم راهمان دادند،





مراقبمان بودند و نوازشمان کردند. آمده‌ایم امسال نگاهمان را عوض کنیم، دلمان را صاف کنیم و حواسمان را جمع. با خود می‌گوییم چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید. ابی‌عبدالله علیه‌السلام همه را دعوت می‌کند؛ فرق نمی‌گذارد؛ همه را می‌خَرَد؛ دَرَهَم می‌خَرَد. نگاه به قدوبالای اعمالمان نمی‌کند. با چشمِ بینای به پیدا و پنهانِ عالم، نگاهمان نمی‌کند که اگر چنین کند همه جامانده و وامانده خواهیم شد. همه را می‌خَرَد و با خود می‌برد. سفینه است دیگر؛ شمر هم که باشی لحظهٔ آخر می‌گوید: اگر از روی سینه‌ام کنار بروی نجات می‌دهم. خودت را بیچاره نکن؛ برو.

امسال مراقبیم با چشم بد به میهمانان نگاه نکنیم؛ ما که باشیم که میهمانت را برنجانیم. زحمتش با خود شماست. با بچه‌هایتان: علی اکبر و علی اصغرتان، با نازدانه‌ها و کودکان معصوم و مظلومتان، کوچه‌به‌کوچه و خانه‌به‌خانه می‌گردید، پیدایشان می‌کنید و به میهمانی عشق دعوتشان می‌کنید؛ ما همیشه این زمزمه را باور داشتیم؛ آری! خیلی حسین زحمت ما را کشیده است.

امسال با صدای بلند فریاد می‌زنیم حسین جان! در سلم و سلامت است هر آنکه تو پناهش دادی. با صدای بلند فریاد می‌زنیم «سَلِّمْ لِنِ سَائِكُمْ». حسین جان! میهمان شما نور چشم ماست. با نور خودت در تاریکی هیئت، در میان اشک و روضه‌ها، جلوی پایمان را روشن می‌کنی؛ زندگی‌مان را نور می‌بخشی؛ فرق نمی‌گذاری. نور تو همه را روشن می‌کند؛ ما کار سختی نداریم؛ فقط کافیست خودمان را به تو برسانیم، فقط باید خود را در مسیر این نور خاموش نشدنی قرار دهیم. آری! ارباب، خود رسم ذره‌پروری داند.

### نوآوری‌مان به کجا رسید؟

ادارهٔ راهبری محتوای تبلیغی در شمع، بعد از دو ماه گفت‌وگو و تشکیل جلسات مختلف برای تعیین مسیر، سیاست‌ها و تعیین راهبردهای محتوایی سازمان تبلیغات اسلامی و بعد از پیگیری دغدغه‌ها و راهبردهای کلان معاونت محترم راهبردی سازمان تبلیغات اسلامی، برنامه و مدل



راهبری خود را در محتواهای تبلیغی محرم امسال به این شکل ترسیم و تقدیم می‌کند:

### جهاد تبیین، قانونی همیشگی!

قانون نانوشته، نوشته شده و پیش شرط جدی مادر مناسبت‌های تبلیغی پیش رو، اهتمام گروه‌های تولید محتوای تبلیغی، به نقشه‌های جهاد تبیین و تبعیت از شاخصه‌های یک تبلیغ جهادگونه است. شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی و هیئت نظارت و ارزیابی محتوایی سازمان تبلیغات، این اصول و شاخصه‌ها را مطمع نظر قرار داده و تولیدکنندگان محترم محتوای تبلیغی باید این شاخصه‌های جهاد تبیینی را در آثار خود مدنظر قرار دهند. این شاخصه‌ها عبارت‌اند از:

۱. تبیین مفاهیم عالی اسلامی و مبانی انقلاب بارویکردی جامع (که رویکرد اجتماعی دارند)؛
۲. تبیین آرمان‌ها و اهداف نظام اسلامی (برای نشان دادن قله و امیدآفرینی برای حرکت روبه‌جلو)؛
۳. تبیین پیشرفت‌ها و دستاوردهای انقلاب اسلامی (برای ازبین بردن لجن پراکنی‌ها و ایجاد حس «ما می‌توانیم»)
۴. تبیین روایت درست از حوادث (برای جلوگیری از تحریف و خنثی‌سازی جنگ شناختی).

### کلان‌راهبردها در تولید محتوا و دو تحول در تبلیغ

ذهنیت ما در فضای تبلیغ، این است که مبلغ باید یک پیام را به مخاطب برساند. تصویر کلی ما در فضای تبلیغ، این‌طور شکل گرفته است که کدام حرف را چگونه و به کدام مخاطب برسانیم؟ سؤال اینجاست که این تبلیغ در چه ظرف و فضایی در حال شکل‌گیری است؟ ما بیش از آنکه به پیام

۱. دین بارویکرد جامع و حداکثری در دو بعد فردی و اجتماعی باید محقق شود و برای زندگی انسان حرف برای گفتن دارد.



فکر کنیم باید به طرف انتقال پیام فکر کنیم. فضایی که در آن، پیام تبلیغی منتقل می‌شود، مهم است. در مسئله انتقال پیام، دو نکته باید مورد توجه واقع شود: اول، فضای فرستنده و دوم، فضای گیرنده پیام است. اگر بهترین محتواها با بهترین بسته‌بندی و تبلیغ در اختیار مبلغ قرار گیرد و به مخاطبین منتقل شود، اما دو تحول در فضای تبلیغی شکل نگرفته باشد، در عمل، خروجی لازم را نخواهیم گرفت.

### تحول اول: نشر خوبی‌ها رویکردی ۵ ساله!

تحول اول، تحول در شنونده و مخاطب است. فضایی که ما داریم یک چیز است؛ ولی دریافت مخاطب و شنوایی او یک چیز دیگر. مخاطب لزوماً آنچه ما می‌خواهیم را نمی‌شنود. شاید این تجربه برای بسیاری از مبلغین وجود داشته باشد که گاهی ما دستاوردهای جمهوری اسلامی را بیان می‌کنیم ولی مخاطب مان برداشتی برعکس دارد. از این واکنش مخاطب می‌فهمیم که این پیام، امیدآفرین نیست. اتفاق خوبی افتاده و ما این اتفاق را مطرح کردیم؛ ولی او طور دیگری دریافت می‌کند! لزوماً قدرت خود پیام و طراحی پیام خیلی مهم نیست. اینکه مخاطب عیب‌یاب است، منفی‌یاب است، با هرچه مواجه می‌شود اول نقاط منفی را می‌بیند، مهم است. حقیقتاً تبیین برای چنین مخاطبی به مشکل می‌خورد. در نتیجه در فضای تبلیغ پیام، به آنچه که زمینه را برای انتقال پیام فراهم می‌کند باید توجه کرد.

رهبر معظم انقلاب اخیراً در دیدار مداحان فرمودند: «اشکال کار ما این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم استدلال می‌آوریم، اثر نمی‌کند. چرا؟ چونکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. این‌ها را در فضایی انجام می‌دهیم که متناسب با پیام ما نیست؛ لذا اثر نمی‌گذارد.»<sup>۱</sup> باید فرهنگ‌سازی انجام شود. آن فضایی

۱. «شما باید مبارزه با طاغوت را، مبارزه با ظالم را، مبارزه با استکبار را، مبارزه با فساد را در فضای کشور منتشر کنید. اشکال کار ما در بسیاری از جاها این است که دستور می‌دهیم، نصیحت می‌کنیم، استدلال می‌کنیم، منطقی می‌آوریم، اثر نمی‌کند؛ چرا؟ برای اینکه فضای عمومی، فضای متناسب با آنچه ما خواسته‌ایم نیست. من بارها تکرار کرده‌ام «فرهنگ‌سازی»؛ فرهنگ‌سازی یعنی همین کاری که شما



که پیام ما در آن اثر می‌کند با فرهنگ‌سازی ایجاد می‌شود. ما در جامعه باید فرهنگ‌سازی کنیم. آدمی که روحیه‌اش ناامیدانه است کارش خیلی سخت است. اینکه بخواهید ظرفیت‌ها و پیشرفت‌ها را به او بدهید به تنهایی عمل نمی‌کند؛ مثلاً اگر شما پیشرفت در ساخت زیردیی را مثال بزنید او کیفیت پرابد را مثال می‌زند.

تا وقتی فضا را نسازیم پیام ما به خوبی سر جایش نمی‌نشیند. به صرف ارائه محتوا و اطلاعات، جواب نمی‌دهد؛ زمانی جواب می‌دهد که زمینه و آمادگی برای فرد، فراهم باشد. اگر بتوانیم صفت «دیدن خوبی‌ها» را در جامعه ایجاد کنیم، آن وقت ارائه محتوا و اطلاعات، طوری جواب می‌دهد که دیگر مدام دنبال عُرزدن نباشد. حالا باید ببینیم چطور می‌شود جامعه را به این سمت برد.

ویژگی امیدوار بودن و سرمایه‌ها را دیدن چطور در جامعه گسترش یابد؟ ما انگار تعهد نانوخته داریم که هر ضعفی که می‌بینیم را همه جا جار بزنیم تا تسکین خاطر پیدا کنیم؛ [مانند والدینی که فرزند را برای تربیت، تنبیه نمی‌کنند بلکه برای تسکین دل خودشان او را تنبیه می‌کنند]. این را با فرهنگ و تعهد دیگری باید جایگزین کرد. اینکه هر جا یک خوبی می‌بینیم آن را بیان کنیم، آن وقت در آن فضا منطق اثر می‌کند. جامعه ما باید هر امر خوبی می‌بیند نقل کند. مردم دائماً که خوبی‌ها را می‌بینند، برای همدیگر نقل کنند. این حالت اگر پرتکرار شود فضا خیلی خوب می‌شود.

---

می‌توانید بکنید. یکجا لازم است فضای کشور فضای استقامت در مقابل دشمن باشد، یکجا لازم است فضای هجوم به دشمن باشد، یکجا لازم است فضای پیروی از دانش و علم باشد، یک روز لازم است فضای تعقل و تدبّر باشد؛ فضا سازی باید بشود. من راجع به «خانواده» به شما گفتم، راجع به «فرزندآوری» به شما گفتم؛ نقشی که شما در این زمینه می‌توانید ایفا کنید از نقش وزارت بهداشت و سازمان بهداشت و مانند این‌ها خیلی بیشتر است. می‌توانید فضا به وجود بیاورید، می‌توانید بصیرت دهی کنید، می‌توانید امید دهی کنید. امروز می‌بینید که یکی از مهم‌ترین شگردهای دشمن تزریق ناامیدی است. کجا؟ در مهم‌ترین نقطه وجودی کشور، یعنی جوانان که آن‌ها را با انواع شیوه‌ها و طرق و شگردها مأیوس کنند. شما می‌توانید درست ضدّش عمل کنید، امید دهی کنید؛ شما می‌توانید در فکر و عمل هدایت کنید، منتها خوب شرط دارد.» (بیانات در دیدار مداحان اهل بیت علیهم‌السلام ۲۲ دی ۱۴۰۱؛ دسترسی در: <https://khl.ink/f/51746>).





صرف اینکه جریانی تبلیغی راه بیندازیم که محتواهای امیدوارکننده تولید و بیان کند، مسئله حل نمی‌شود بلکه باید توسط خود مردم این فضا ایجاد شود. با تریبون‌های دولتی و حکومتی این کار قابل انجام نیست. دشمن در جنگ شناختی در حال تغییر دادن شناخت‌هاست. به ما می‌گوید شما ناتوانید، بدبختید و روزبه‌روز بدتر می‌شوید.

نقطه‌ی تمرکز ما ارائه اطلاعات و تحلیل نیست بلکه نقطه‌ی تمرکز ما این است که انسان‌ها را به این توجه دهیم که چه مقدار مثبت‌گرا یا منفی‌گرا هستند. اگر تلاش کنیم ویژگی‌های مخاطب را تغییر دهیم موفق خواهیم بود.

«نشر خوبی‌ها» رویکردی ۵ ساله برای بازتعریف و اصلاح نگاه مردم به عرصه‌ی اجتماعی و زندگی پیرامون آن‌هاست که یکی از جدی‌ترین برکات آن، امیدآفرینی در جامعه‌ی ایرانی-اسلامی ماست. نشر خوبی‌ها، یک فرهنگ است و صرفاً یک کنش و الگوی رفتاری یا یک عملیات و پویش نیست. نشر خوبی‌ها می‌خواهد در فرهنگ، تغییر ایجاد کند و به تعبیر دقیق‌تر، یک پیشران تحول فرهنگی در جامعه است.

نشر خوبی‌ها بنا دارد فرهنگ دیدن خوبی‌ها و روایت و نشر آن‌ها، همچنین قدردانی و تکریم خوبان را، در جامعه توسعه بدهد. همچنین بنا دارد برای الگوسازی از کارهای خوبی که امروزه در جامعه اولویت دارند، تلاش کند.

رویکرد نشر خوبی‌ها، وقتی کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ شود و بتواند دایره وسیعی از مردم را با خود همراه کند؛ به همان وزانی که عیب‌بینی و آسیب‌شناسی، در نقطه‌ی مقابل این رویکرد، تبدیل به فرهنگی شایع در میان ما شده و در مواجهه با هر انسان و هر اتفاقی، ابتدا آسیب‌ها، عیوب، آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه‌گری می‌کند.

نمونه‌ی بارز ایجاد حاکم‌شدن ملکه زیبانگاری و خوب‌اندیشی و صدور، زمزمه و تبلور این ملکه مقدس، آن‌هم در همه‌ی مراحل زندگی یک انسان را، به راحتی می‌توانیم در تاروپود زندگی حسینی و زینبی علیهم‌السلام مشاهده کنیم. یکی از شاه‌بیت‌های این غزل بی‌بدیل تاریخ بشریت که قدرت این الگوی



درخشان را بیش از پیش روشن می‌کند، کلام رازآلود و معجزه‌آسای عقیده بنی‌هاشم حضرت زینب کبری ع.ا.س. است که فرمود: «مَا رَأَيْتُ إِلَّا جَمِيلًا». شاخصه و گام‌های عملیاتی این داروی کم‌نظیر، عبارت‌اند از:

۱. شناخت خوبی‌ها؛
۲. دیدن خوبی‌ها؛
۳. روایت خوبی‌ها؛
۴. قدردانی و تکریم خوبان.

### ابعاد نشر خوبی‌ها

۱. شناخت خوبی‌ها (کدام خوبی‌ها، امروز ضرورت دارند؟)

در هر برهه‌ای از زمان و موقعیتی از تاریخ، بر اساس شرایط و اولویت و مسائل جبهه حق، گزاره‌هایی از معارف الهی، ضرورت و اولویت پیدا می‌کنند و باید جامعه را متوجه آن گزاره‌ها کرد. این نکته درباره صفات و ویژگی‌ها و رفتارهای اجتماعی نیز صادق است؛ یعنی در برخی مقاطع، ضرورت ایجاد می‌کند تا خلقیات و صفات اجتماعی خاصی در جامعه ترویج و توسعه یابد. مثلاً گاه، غیرت دینی، اولویت می‌یابد و گاه، صبر و مصابره و گاهی سلم و مدارا. نشر خوبی‌ها، فرصتی برای گفت‌وگو درباره این امر مهم در مهندسی فرهنگی جامعه است.

۲. دیدن خوبی‌ها (در هر مواجهه‌ای، اول خوبی‌ها و دارایی‌ها را ببینیم)

آسیب‌شناسی، عیب‌یابی و ضعف‌بینی، امروز به‌عنوان یک رویکرد و یک فرهنگ، در جامعه ایران، بروز و ظهور زیادی دارد. هرکدام از ما، آسیب‌شناسانی حرفه‌ای و پرمدعا در عرصه‌های مختلف هستیم. امروز یکی از ضرورت‌های جامعه در جنگ شناختی، تغییر این منظر است. جامعه باید ذائقه خوب‌بینی پیدا کند و خوبی‌ها، دارایی‌ها و قوت‌های خود و اطراف خود را ببیند. دیدن خوبی‌ها، خودش یک فرهنگ است. فرهنگی که در تعارض با فرهنگ آسیب‌شناسی و دیدن خلأهاست. دیدن خوبی‌ها، وقتی



کارساز و کارگشا خواهد بود که تبدیل به فرهنگ عمومی شود و در متن حیات اجتماعی ما جاگیر شود؛ درست به همان وزانی که دیدن عیب‌ها در نقطهٔ مقابل این رویکرد، فرهنگی شایع در بین ماست و در مواجهه با هر انسان و هر اتفاقی، اول آسیب‌ها، عیوب، آفت‌ها و چالش‌هایش برای ما جلوه می‌کند.

اگر جامعه در نگاه به اطراف خود، فقط ضعف، کاستی و عیب و نقص ببیند، ناامید و متوقف می‌شود؛ ولی اگر سرمایه‌ها و نقاط قوت را ببیند - که عزم‌آفرین و حرکت‌زا هستند - برمی‌خیزد و پیش می‌رود.

### ۳. ابراز و اعلان (آنچه معتقدیم و می‌پسندیم را اعلام کنیم)

امروز، دنیای ارتباطات و شبکه‌های اجتماعی، به وضوح قدرت ابراز و اعلان را در ایجاد غلبه اجتماعی، نشانمان می‌دهد. وقتی یک پست در دنیای مجازی، پسندهای مکرر دریافت می‌کند و پیام‌های متعدد در تأیید خود می‌گیرد، هر بیننده‌ای، طبیعتاً نتیجه می‌گیرد که پیام کلیدی آن پست، موافقان پرشماری دارد.

یکی از مسیرها برای نشر خوبی‌ها، همین ابراز و اعلان پسندها و ناپسندهای متکثر توسط آحاد جامعه است. این فرمول، یکی از رهیافت‌ها برای اظهار حق و ازهاق باطل است. اگر عموم اهل ایمان، آنچه عقیده دارند را در صورت‌های مختلف ابراز کنند و آنچه می‌پسندند را اعلان نمایند، غلبه اجتماعی حق بر باطل شکل می‌گیرد. لذا "شعار" در فرهنگ دینی، مورد تأکید است. چرا که قالبی برای اعلان و ابراز عقاید و پسندهاست.

این فرهنگ در فضای مجازی، سیطره و سطوت می‌سازد و هر عقیده و مطلوبی که بیشتر ابراز می‌شود، قدرت بیشتری می‌یابد.

### ۴. دعوت به خوبی‌ها (دیگران را به خیر و خوبی دعوت کنیم)

یکی از وظایف جامعهٔ ایمانی که در قرآن کریم، در عداد امر به معروف و نهی از منکر ذکر شده، دعوت به خیر است. دعوت به خیر، مفهومی بسیار



گسترده‌تر از امر به معروف و نهی از منکر است و حتی می‌توان آن را مقدمه و پیش‌نیاز دانست. امر به معروف و نهی از منکر، قالبی محدّد و چارچوبی شرعی و فقهی دارد اما دعوت به خیر، مفهومی موسّع و دارای صورت‌ها و اشکال عملی متنوعی است.

#### ۵. روایت خوبی‌ها (خوبی‌های خوبان را برای دیگران روایت کنیم)

اینکه هرکس در متن زندگی و روابط خود، رویکرد دیدن خوبی‌ها را اتخاذ کرده باشد، هرگز کافی نیست. دیدن خوبی‌ها وقتی می‌تواند به ما قدرت ایجاد تغییر در جامعه را بدهد که به مرحله روایت خوبی‌ها برسد.

اگر مردم ما، به‌عنوان یک رسالت انسانی و تعهد اجتماعی، خوبی‌هایی که در اطراف خود می‌بینند را در قالبی ساخت یافته و آمیخته با احساس با دیگران در میان بگذارند و از تجربه خود در مواجهه با خوبان و خوبی‌هایشان، با دیگران سهیم شوند، «کلان‌روایت» خلق می‌شود و هرچه کم و کیف مشارکت عمومی در روایت خوبی‌ها بیشتر شود، این کلان‌روایت قدرت و سطوت بیشتری می‌یابد و بر احساس ناامیدی و ضعف و ناراستی جامعه، غلبه تام و تمام پیدا می‌کند.

#### ۶. قدردانی و تکریم خوبان (خوبان را تکریم کنیم)

در نشر خوبی‌ها به دیدن و روایت خوبی‌ها بسنده نمی‌کنیم؛ حتی خوبانی که واجد خوبی‌ها هستند را مورد تکریم و قدردانی قرار می‌دهیم. به تعبیر دیگر، فرهنگ قدردانی و تکریم خوبان، بُعد مهمی از نشر خوبی‌ها و مکمل آن است که هم خوبان را در خوبی‌هایشان راسخ‌تر می‌کند و هم برای دیگران، الگوهای متعدد و قابل تکثیر می‌سازد.

امروزه فرهنگ قدردانی، در گردهمایی‌ها و مراسمات بسیاری دیده می‌شود؛ اما نباید در این اندازه محدود شد. فرهنگ نشر خوبی‌ها، می‌گوید هر کجائیت و اقدام و اثر خوبی دیدیم، همانجا از فردی که آن خوبی را خلق کرده قدردانی کنیم، یا اینکه با جمعی از افراد به محل زندگی یا موفق اثرگذاری او برویم و او را تکریم کنیم.





انسان‌ها وقتی می‌فهمند کارشان دیده شده و موردپسند و قبول دیگران واقع شده، انگیزهٔ مضاعفی برای ادامه مسیر خوب بودن می‌یابند. فرهنگ قدردانی از خوبان و خوبی‌هایشان، انرژی اجتماعی قدرتمندی برای پیشبرد جامعه در مسیر خوبی‌ها، به مردم می‌دهد.

### تحول دوم: توجه به لوازم، شرایط و ابزارهای ایجاد «ولاء طرفینی» برای تقویت اتحاد و پیوندهای اجتماعی

تحول دوم، تحول در گوبنده و کنشگر است. حرف دوم که بسیار مهم هم است و ناظر به گوبنده و تبیین‌کنندگان و طیف متدینین باید موردتوجه قرارگیرد بحث ولاء و رفق و مداراست.

اعلام بی‌زاری از بی‌حجاب‌ها کار اشتباهی است. انزجار از گناه موجب شده که از خود گنهکار منجز شویم. ما باید گوهر وجودی آن‌ها را ببینیم؛ کاری که خود حضرت آقا تلاش کردند به ما منتقل کنند. باید بی‌حجاب را از فعلش تفکیک کرد. از خود او متنفر نبود بلکه از فعلش متنفر بود و گرنه احساس کینه و غضب نسبت به بی‌حجاب‌ها زیاد می‌شود و بالعکس. ابراز کینه‌ها از هر دو طرف یعنی باحجاب و بی‌حجاب زیاد می‌شود. [متأسفانه] فضای سلم، محبت واقعی، انتقال معارف و هم‌نشینی و گفت‌وگو کم است.

ایشان در عید فطر امسال از مردم خواستند که اتحاد خودشان را حفظ کنند. اینکه مردم با هم بجنگند به خاطر عقاید و سلاقی، خواست شیطان است. همه در کنار هم زندگی کنند و با هم مهربان باشند. این بغضی که در حال ایجاد و زیاد شدن است وحدت را از بین می‌برد. رهبر انقلاب در همین خطبه‌ها فرمودند: این معنویتی که به دست آورده‌اید را خرج اتحاد و همدلی و خنثی‌سازی دوقطبی‌ها کنید!

۱. «از مردم عزیزمان هم انتظار می‌رود که به برکت ماه مبارک رمضان و دستاوردهای بزرگی که در این ماه داشتند، اتحاد خودشان را حفظ کنند. بحمدالله از اوّل انقلاب که امام بزرگوار در کلمات نورانی خود به طور دائم بر روی وحدت مردم، اتحاد مردم تکیه میکرد، مردم ما متحد بوده‌اند و این اتحاد در موارد بسیاری توانست راه‌های دشواری را، تنگه‌های سختی را برای مردم باز کند و راهگشای راه‌ها باشد؛ این اتحاد باید حفظ بشود. دشمن با اتحاد ملت ایران مخالف است؛ با یکپارچگی شما مخالف است؛ با یکدست بودن



با مردم اهل شفقت باشیم؛ اهل دوستی باشیم. اگر می‌خواهیم فضا برای انتقال پیام، مناسب شود، این تحول در مبلّغ و کنشگر ضروری است. ما امروز به‌واسطهٔ افزایش بغض و غضب، امکان دسترسی به مردم را از دست داده‌ایم. در روایت داریم که «قلبیت را پر از محبت به مردم کن.»<sup>۱</sup> ماه محرم یکی از بهترین فرصت‌ها برای ایجاد تحول دوم است. می‌توانیم این گفت‌وگو را با مردم مطرح کنیم که «سَلِمَ لِمَنْ سَأَلْتَهُم» همین معنا را می‌رساند. این سلم در بین دوستان حسین علیه السلام موقعیت مناسبی ایجاد کرده است که باید از این فرصت استفاده کرد؛ ولی اگر این برائت زیاد شود نمی‌توانیم کاری کنیم و فرصت تأثیرگذاری را از دست می‌دهیم.

باید اعلام کنیم که ما مشکلات و اختلاف‌هایمان را در خیمه امام حسین علیه السلام حل کرده‌ایم. «مُحِبِّ لِمَنْ أَحَبَّكُمْ»، «وَلِيٍّ لِمَنْ وَالَاكُمْ» و «سَلِمَ لِمَنْ سَأَلْتَهُمْ وَحَرَبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ»، یعنی محرم بهترین فرصت است که قلبمان را مالا مال از محبت همدیگر کنیم. این پیام را به جامعه منتقل کنیم که برای حل مشکلات، محبت واقعی نسبت به مردم را در خودمان ایجاد کنیم. ما نسبت به گنهکار محبت داریم ولی از گناه او بیزاریم. پس اتحاد مردم، نتیجهٔ آن تحول دوم است و ما برای محرم امسال توجه به این اتحاد را در محتوای‌های تبلیغی ضروری می‌دانیم. جدای از اینکه برای چه مسئله‌ای و در مورد چه موضوعی صحبت خواهیم کرد، باید به‌صورت موضوعی به مسئلهٔ اتحاد بپردازیم و اگر به موضوع دیگری در محرم می‌پردازیم، توجه به این بحث به‌صورت یک راهبرد محتوایی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد.

ملت مخالف است. دشمن مایل است که مردم به خاطر عقاید و سلیق مختلف با هم بجنگند، با هم دعوا کنند. در یک جامعه، سلیق مختلفی هست، عقاید مختلفی هست، نگاه‌های مختلفی به مسائل هست؛ باشد، مانعی ندارد؛ همه در کنار هم زندگی کنند، با هم کار کنند، با هم مهربانی کنند؛ رأفت میان مردم، بایستی و سوسه‌های دشمن را برای بدبین کردن مردم به یکدیگر یا بدبین کردن مردم به مسئولان زحمت‌کش کشور باطل کرد.» (بیانات در خطبه‌های عید فطر ۲ اردیبهشت ۱۴۰۲، دسترسی در: <https://khl.ink/f/52602>).

۱. امام علی علیه السلام در نامه‌ای به مالک اشتر فرمودند: «وَأَشْعِرْ قَلْبَكَ الرَّحْمَةَ لِلرَّعِيَّةِ وَالْمَحَبَّةَ لِمَنْ وَالَ الْلُطْفَ بِهِمْ وَلَا تَكُونَنَّ عَلَيْهِمْ سَبْعًا ضَارِبًا تَغْتَمُّ أَعْيُنُهُمْ؛ دلت را از محبت به مردم و مهربانی و لطف در حق آنها پر گردان. مبادا مانند حیوان درنده در فکر دریدن آنان باشی...» (نهج البلاغه، نامه ۵۳).



خروجی این دو تحول که حتماً احتیاج به گذر زمان و پیگیری و ممارست دارد، تقویت امید به آینده و زندگی بهتر در سایهٔ دین و اهل بیت علیهم السلام است و باعث افزایش اتحاد و اتصال بین آحاد جامعه شده و اختلاف‌ها را کم‌رنگ‌تر و کم‌رنگ‌تر می‌کند و اتحاد جامعهٔ اسلامی را روزبه‌روز بیشتر خواهد کرد؛ ان شاء الله.

### فعال‌ترین گسل در محرم امسال

حضرت آقا در دیدار روز اول فروردین اشاره فرمودند که یک‌جاهایی باید اغماض و چشم‌پوشی کرد تا دوقطبی ایجاد نشود.<sup>۱</sup> مسئله این است که گسل‌هایی در جامعه ایجاد شده و در حال تبدیل شدن به دوقطبی است. یکی از اصلی‌ترین محمل‌های این دوقطبی، حجاب است. از جسارت‌ها و اهانت‌های برنامه‌ریزی‌شده علیه بانوانِ محجبه گرفته تا ماست‌پاشی‌های افراطی و بدون مجوز عقل و شرع، همه در همین راستا هستند تا همدلی و اتحاد و همنشینی مؤمنین و مسلمانان و عاشقان و دوستان سید و سالار شهیدان را خدشه‌دار کنند و نگذارند از قبل این گردهمایی‌های نورانی و تحول‌آفرین، دل و دین و دنیای ما جلا پیدا کرده و به این چشمهٔ پاک‌کننده و حیات‌بخش متصل شود. جامعه در دوقطبی با حجاب و بی‌حجاب دارد نفرت و کینه را بیشتر بروز می‌دهد و فاصلهٔ بین مردم زیادتر می‌شود. بی‌حجاب‌ها در برنامه‌ها و گردهمایی‌های عمومی شرکت نمی‌کنند و آن‌ها را تحریم کرده‌اند. این زنگ خطر بزرگی است. گسل‌هایی در حال فعال شدن است که باید به صورت جدی به آن توجه کرد. مسئله مهم، تقابل و صف‌آرایی است. امسال حتماً باید به مسئله پوشش و این درگیری کاذب پردازیم و آن را به نفع جبههٔ انقلاب و

۱. «یک‌جاهایی اغماض و گذشت لازم است، [اما] گذشت نمی‌کنیم. سربک اختلاف نظر کوچک، یقه‌ی همدیگر را می‌گیریم؛ چرا؟ ممکن است دو نفر در یک مسئله‌ای - مثلاً در یک مسئله‌ی سیاسی - اختلاف نظر داشته باشند؛ خوب داشته باشند؛ چرا باید با هم دعوا کنند؟ چرا باید یقه‌ی همدیگر را بگیرند؟ چرا باید دوقطبی در جامعه ایجاد بشود؟ باید اغماض کرد. یک‌جاهایی بایستی چشم‌پوشی کرد، باید اغماض کرد. این هم یکی از مشکلات ما است.» (بیانات در اجتماع زائران و مجاوران حرم مطهر رضوی فروردین ۱۴۰۲؛ دسترسی در:



مکتب امام حسین علیه السلام مصادره کنیم تا موج سواران خائن، از این فرصت و شکاف استفاده نکرده و آن را تبدیل به یک گسل اجتماعی در جامعه ایرانی و اسلامی نکنند. پرداختن به مسئله حجاب، از باب ضرورت و برای آرام کردن آتشفشان نهفته و نیمه‌فعالی است که دشمن با مرگ مهسا امینی طراحی آن را وارد مرحله جدیدی کرد و الان برای بهم‌زدن آرامش و امنیت حسینی و سلیم جوشیده در سایه خیمه سیدالشهدا علیه السلام به انتظار نشسته است. پرداختن به این مسئله به معنای بی‌اهمیت بودن مسئله اقتصاد، جمعیت، خانواده و دیگر مسائل موردعنایت رهبری نبوده و ما در محتوای تبلیغی گذشته به آن توجه کرده‌ایم و بازهم در محتوای‌های محرم به آن‌ها خواهیم پرداخت؛ اما این گسل‌شناسی و پرداخت به این گسل نیمه‌فعال را برای خود فرض می‌دانیم و شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی را به پرداختن به همین مسئله مهم اجتماعی دعوت می‌کنیم.

توجه به این موضوع از این جهت ضرورت دارد که با ایجاد گسل‌های اجتماعی - که گاهی برخی از آن‌ها فعال شده - [در حقیقت] به یک اصل بسیار حیاتی و کلیدی در حکومت اسلامی، که عبارت است از «ولاء طرفینی در میان مردم» لطمه وارد می‌شود. این شاخصه «ولاء طرفینی در میان مردم» شاخصه‌ای مهم در چرخه ولایت الهی است که زمینه را برای تحقق ولایت ولی جامعه بر مردم فراهم می‌کند. اگر ولاء طرفینی و رفق و مدارا و محبت بین مردم به خطر بیفتد، امیرالمؤمنین علیه السلام هم که باشد باید ۲۵ سال خانه‌نشین باشد تا مردم به هم متصل شده و ملت و امت را تشکیل دهند تا بیعت با ولایت معنا پیدا کند.

### «ولاء طرفینی» و آسیب‌های پیش‌روی آن<sup>۱</sup>

ما باید حرف نو انقلاب اسلامی را در مسائل مهم فرهنگی دنبال کنیم. حرف نو انقلاب اسلامی چیست؟ بهترین جایی که می‌شود این اندیشه را فهمید،

۱. حجت الاسلام محسن قنبریان (استاد حوزه و دانشگاه و پژوهشگر)





بیانات خود آقااست که ۳۵ فیش در سایت ایشان تحت عنوان «حرف نو انقلاب اسلامی» آمده است. وقتی گفتیم حرف نو انقلاب اسلامی، پس دو مقابل و معارض دارد: یکی روشنفکری و تجدد و دیگری تحجر و سلفی‌گری. انقلاب، مقابل این دو است و امام بزرگوار هم تا آخر مقابل همین‌ها بود.<sup>۱</sup>

الان بین جهادگران جهاد تبیین با مطالبه‌گران، جنگ در جریان است. توجه به این نقشه و نصب‌العین قرارداد آن، به برخی از ماموریت‌هایی که در میدان بچه‌های انقلابی بر سرش جنگ است، نظم می‌دهد. آن اندیشه و حرف نو، مابازاءهایی دارد که اگر آن‌ها را نشناسیم، در خط انحرافی سقوط می‌کنیم که آن دیگری‌ها یا تجدد است یا تحجر. این مابازاءها خیلی مهم هستند. به نظر می‌رسد اگر به این ویژگی‌های جداکننده توجه نشود، در مسائلی مثل امتدادهای فرهنگی و گفتمانی و تبلیغی نمی‌توانیم خط‌کش بگذاریم که آیا الان داریم محصول انقلاب اسلامی را سر منبر می‌بریم یا اندیشه دیگری را؛ چون این اندیشه‌ها خیلی به هم نزدیکند؛ مخصوصاً انقلابی‌هایی که حرف نو دارند با اندیشه تحجر در یک حجره زندگی می‌کنند و در یکجا استنشاق می‌کنند و مسئله‌هایشان هم خیلی مشترک است؛ ما می‌گوییم «حجاب» او هم می‌گوید «حجاب»، ما می‌گوییم «حکومت» او هم می‌گوید «حکومت» ما می‌گوییم «حدود» او هم می‌گوید «حدود».

یکی از حرف‌های نو انقلاب اسلامی «توحید و کرامت انسان» است. اگر این مابازاء نیاید بقیه هم قاطی می‌شوند. کرامت انسان به تنهایی شعار متجددین و روشنفکرها شده است. آن‌ها توحید را حذف کرده‌اند و عملاً مثل قائلین به اومانیزم عمل می‌کنند؛ چون وقتی استمرار توحید نیامد به نوعی پذیرش سکولاریسم است. توحید نیز به تنهایی شعار متحجرین شده است. آن‌ها کرامت انسان را حذف کرده‌اند؛ به همین خاطر، طالبان نه رأی می‌گیرد و نه قانون اساسی دارد. داعش هم می‌گوید «توحید» اما توحید واقعی نیست.

۱. در برخی موارد ادبیات آقا و امام متفاوت شده است مثلاً حضرت آقا در برخی از سخنرانی‌های رحلت امام مثلاً تحجر را به نحوه‌های دیگری خوانده است اما اصل ماجرا یکسان است و هر دو در یک خط هستند.



از دیگر حرف‌های نوی که آقا می‌فرمایند، «ولایت و مردم»، «اسلام و جمهوریت»، «مردم سالاری دینی» و... است. این چیزهایی که ظاهراً پارادوکس هستند را در کنار هم می‌شنوید. آقا بایک بیان صریحی فرمودند که خلاصهٔ جمهوری اسلامی، خدا و مردم است. ما نمی‌خواهیم ثبوتاً خدا و مردم را در کنار هم بگذاریم؛ اصلاً سخن در اثبات است؛ یعنی وقتی از خدا خواهش می‌کنی، اگر «مردم» در آن وجود ندارد، این آن توحید پیامبر اسلام نیست.

پس توجه به این مابازها و ویژگی‌های جداکننده و توجه به آن دیگری‌ها مهم است و مثل مقدمه و پیش‌درآمد می‌ماند. حالا با توجه به این دو مورد، مسئله را سرمیز می‌گذاریم.

### **مسئله حجاب، مثالی جدی، پیش‌روی هیئت‌ها در محرم و معجزه «ولاء طرفینی» برای حفظ و تقویت اتحاد و پیوندهای اجتماعی**

در بحث حجاب باید چند اصل اندیشه‌ای را وسط بگذاریم (مثل قانون اساسی که بالادست قانون عادی می‌نشیند. بالاتر از این لایه و بالاتر از آن کنش، یک اصولی وجود دارد که این کنش‌ها در آن اصول، یک معنا و بدون آن اصول معنای دیگری دارند)؛ یکی از آن اصول مهم، ولاء طرفینی و ولاء اجتماعی است. رهبر معظم انقلاب علیه السلام در آخر کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی در قرآن»، در فصل ولایت معتقدند: «ولاء» یعنی پیوستگی، چسبندگی، کنار هم بودن و هیچ فاصله‌ای نداشتن. ایشان به‌طور واضح و روشن، ولایت را دارای سه رکن می‌دانند:

۱. ولاء مردم با هم؛

۲. پیوستگی مردم با ولی؛

۳. گسستگی آن‌ها از دشمن.

مرحوم علامه شاه‌آبادی در کتاب «شذرات‌المعارف» همین را تعبیر کرده است به «خیط نبوت و ولایت» و «خیط اخوت» که حالت طولی و عرضی



دارد. ولاء حاکم، ولاء خداست که بر مردم حکومت دارد ولی مردم بر او حکومت ندارند. علامه طباطبایی ذیل آیات مربوطه، همین مطلب را گفته و علامه مطهری نیز در کتاب «روحانیت و رهبری» همین مطلب را دارند؛ یعنی تقریباً در کلمات همه آمده است و فرقی فقط اجمال و تفصیل است. «ولاء اجتماعی» و «ولاء طرفینی» جامعه‌سازی می‌کند و «ولاء طولی» حکومت‌سازی؛ یعنی اگر ولاء عمومی و اجتماعی آسیب دید جامعه دچار غسل و شکاف می‌شود و بدون شک «ولاء طولی» هم آسیب می‌بیند. آیت‌الله شاه‌آبادی این را توضیح داده است و تعبیری نزدیک به این دارد که در «إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ»، «ولئ» معصوم است؛ او مثل نگین انگشتر است و باید یک رکابی باشد تا نگین بر آن قرار بگیرد. اگر خیط اخوت تشکیل نشود خیط نبوت در هواست. اگر پود نباشد حتی اگر تار باشد باز هم فایده‌ای ندارد و درهم‌تنیده نمی‌شوند.

پیامبر خدا ﷺ وقتی به مدینه مهاجرت کردند اولین کاری که انجام دادند اخوت بین «اوس» و «خزرج» و بعد بین مهاجر و انصار بود تا حاکمیت اسلام تثبیت شد؛ یعنی اول جامعه‌سازی کردند و بعد حکومت تشکیل دادند.

### «ولاء» و «اسلم» چه افرادی را شامل می‌شود و چه مرزی دارد؟

حالا محدوده این «ولاء» بین مردم تا کجاست؟ محدوده این ولاء تا مستضعفین در زمین است؛ یعنی فقط کافر و آن کسی که جحود دارد از این ولایت بیرون است؛ حتی آن مستضعفی که امام را نشناخته است را هم شامل می‌شود؛ به دلیل روایت صحیح عمر بن عوام از امام صادق علیه‌السلام که فرمودند: «آن مستضعفین فکری، هم اهل ولایت هستند، اما در حد مناکحه و موارثه و مخالطه، ولی ولایت در دین ندارند». امثال این‌ها جزء جامعه ما هستند ولی ولایت در دین ندارند.

### ولاء، سکه دورواست!

این ولاء یک سکه دورواست که یک روی آن در سوره انفال آیه ۷۲ بیان شده و روی دیگرش در آیه ۷۱ سوره توبه.



در سوره مبارکه انفال یک روی سکه را می‌گوید که عبارت است از: نصرت دادن، حامی شدن و انجام خدمات. ولاء یعنی شخصی که برادر توست مثل پیکر توست که باید به آن خدمت کنی و اگر گرسنه خوابید، تو مسلمان نیستی. شارع مقدس ۳۰ حق برای برادر مؤمن گفته است که در همه این‌ها مؤمن ظاهری منظور است، نه مؤمنی مثل سلمان. این ولاء موجب تصحیح عمومی می‌شود؛ «يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ». لذا شیخ محمد سند از این ولاء به ولایت توأسی تعبیر می‌کند؛ «تَوَاصُوا بِالْحَقِّ وَتَوَاصُوا بِالصَّبْرِ».

نکته این است که این اصل، راه حل مسئله امر به معروف و نهی از منکر است؛ یعنی اگر این ولاء طرفینی از بین رفت امر به معروف قاعدتاً از بین می‌رود. آن چیزی که خدای متعال تعبیر کرده است که «مَصْلَحَتاً لِلْعَوَامِّ» و ۸۰ درصد آن با نهی از منکر لسانی است، از کار می‌افتد و به‌طور طبیعی اگر نهی از منکر لسانی از کار افتاد همه کارها گردن قوه قهریه می‌افتد و این همان وضعی می‌شود که ما الان گرفتار آن هستیم. ولاء اجتماعی باید احیا شود. این یک اصل است که در کلمات همه بزرگان هست، هم به صورت مصرح و هم به صورت غیرمصرح؛ مثل تعبیری که رهبری دارند مانند «انسجام اجتماعی» و «وحدت و همدلی» و امثال این‌ها که پرتکرار هم است. همین ماه‌هایی که گرفتار غسل حجاب هستیم، هر جا در مورد حجاب مطلبی را فرموده‌اند، وحدت و همدلی و زیست مهربانانه را هم بیان کرده‌اند.

### روش‌های حل مسائل فرهنگی از دریچه امر به معروف و نهی از منکر (پند و بند و تدبیر)

اگر نظریه مبنا داشته باشیم می‌توانیم بر اساس آن‌ها نظریه‌پردازی کنیم و روش‌ها را به دست آوریم. شهید مطهری در کتاب «امر به معروف» می‌گوید: روش «پند و بند و تدبیر» راه حل مسئله است. همین، در جامعه حزب‌اللهی ما، دوگانه خوانده می‌شود. در جامعه نخبگانی و روحانی ما این، دوگانه شده است. اینکه می‌بینید دوستان حزب‌اللهی نسبت به





کار فرهنگی شرطی شده‌اند و کار فرهنگی را قسیم کار قضایی گرفته‌اند و همین‌که می‌گویی کار فرهنگی، عصبانی می‌شوند که آقا! تو می‌خواهی برخورد قضایی را کم‌رنگ کنی، این دوگانه نیست بلکه سه‌گانه است:

۱. «بند» همان کار فرهنگی و تبیینی و امثال این‌هاست؛

۲. «بند» مقابله قانونی است. ما در مقابل کسی که می‌گوید هیچ الزام و تعزیری در اسلام در مورد حجاب وجود ندارد می‌گوییم در این زمینه تعزیر و حکم الزامی وجود دارد؛ چون ما اسلام سیاسی را پذیرفته‌ایم و اسلام سیاسی در ارزش‌ها نیز مداخله می‌کند و حتی ممکن است یک جاهایی به حد و تعزیر هم برسد پس «بند» هم داریم؛

۳. «تدبیر» هم سومی است.

اگر گفتیم «ولاء طرفینی» پشت دست امر به معروف و نهی از منکر است و اگر ولاء طرفینی نباشد هیچ تأثیر لسانی‌ای صورت نمی‌گیرد و شارع مقدس ۸۰ درصد بار امر به معروف را در تذکر لسانی قرار داده است، پس باید این را احیا کنیم.

بنابراین شما نه فقط محصول تبلیغی برای حجاب یا امر به معروف بنویسید بلکه برای خود این همدلی و انسجام هم باید محصول تولید شود؛ اما به صورت مقید. نه این همدلی می‌خواهد توصیه‌ها را حذف کند - که این خواسته متجددین است و می‌گویند با هم برادر باشید ولی کاری به هم نداشته باشید که دیگری چگونه می‌خواهد زندگی بکند - و نه خوانش برخی از دوستان حزب‌اللهی که به علت هم‌حجره بودن با برخی متحجرین اصلاً همدلی را بر نمی‌تابند و کسی را که کشف حجاب کرده را دشمن و برانداز می‌دانند. اصلاً فرض کنیم این‌ها برانداز هستند - درحالی‌که برخی این‌گونه نیستند - این‌ها مثل تیراندازهای میدان ژاله در زمان امام رحمة الله علیه هستند که آدم‌ها را می‌کشتند. امام با تفنگ‌دار میدان ژاله متفاوت از تفنگ‌دار شلمچه برخورد کرد. او بعثی بود و این ایرانی. امام رحمة الله علیه کاری کرد که او از سربازخانه خارج شود و به سمت ما بیاید. اصلاً به قول برخی، لباس



بد پوشیدن هم نوعی براندازی است، ولی به هر حال براندازی که خارج از مرز است و آن براندازی که داخل مرز است نوعش و روش خلع سلاحش با هم تفاوت دارد.

### دو کار اساسی برای انتقال پیام

باید اولاً ظرف را فراهم کنیم. پیام، آن وقتی شنیده می شود که ظرفش فراهم شود. اینکه ما صرفاً در فضای مجازی یا در هیئات مطالبی را بگوییم و او نشنود و ارتباط نگیرد که فایده ای ندارد. باید از انواع روش هایی که می شود گفت و گو کرد استفاده شود. مثلاً آتاقی طراحی شود و پدیده هایی که ثبوتاً و لاء اجتماعی را بیان می کند یا ظرفیت روایت و لاء اجتماعی یا همدلی را دارد را بسازیم و آن هایی که ساخته شده است را خوب روایت کنیم. این یکی از وظایف اصلی ماست.

کار دوم ما برای حل این مسئله مربوط به پیام هایی است که می خواهیم به این ظرف انتقال بدهیم. اولین اتفاقی که باید در این عرصه رقم بزنیم این است که دعوای بین خودمان را جمع کنیم و با هم متحد شویم.

بحث بعدی، در مورد محتواهای تاریخی و آیه و روایی است که می توان از آن ها استفاده کرد. در روایت صحیح، ریان بن سهل از امام رضا علیه السلام نقل می کند که عده ای از اهل بیت امام رضا علیه السلام به خراسان آمدند. به امام رضا علیه السلام اطلاع دادند که این افراد امور قبیحه ای انجام می دهند، این ها را نهی کنید. حضرت فرمودند که من این ها را نهی نمی کنم زیرا از پدرم شنیدم که فرمود: «النصیحةُ خشنهٌ» یعنی نصیحت تیزی ای دارد که موجب درگیری می شود و طرف نمی پذیرد. امام رضا علیه السلام که این قدر در مورد امر به معروف روایت دارد قطعاً نمی خواهد حکم امر به معروف را نقض کند. اگر دقت کنیم می بینیم که اینجا و لاء آسیب دیده است و آسیب می بیند. به فضای آن زمان که نگاه می کنیم می بینیم و لاء آسیب دیده است؛ مثلاً وقتی امام جواد علیه السلام به دنیا آمده مردم می گویند بچه امام رضا علیه السلام نیست، بر سر ارث و میراث با برادران ایشان اختلاف پیش آمد؛ لذا در این فضایی که



ولاء آسیب دیده است حضرت می فرماید: «النَّصِيحَةُ خَشْيَةٌ». سیره ایشان را که نگاه می کنیم می بینیم که ایشان ولاء را ترمیم کرده است؛ همان جایی که بر اثر اختلاف بر سر ارث با برادر خود به دادگاه می رود، به او می گوید: من می دانم تو نیازمند هستی و من همه بدهی تو را می دهم.

از این گونه موارد در سیره معصومین عليهم السلام زیاد است. فی الحال پیام و دّ به جامعه بده و بعد نهی از منکر هم بکن؛ اما وقتی که می بینیم بین افراد، یک گارد و مقاومتی هست در اینجا نمی شود نهی از منکر کرد و اثر هم ندارد.

### «هم قلم» جریانی برای صحنه گردانی تریبون و تبلیغ!

ما، تولیدکنندگان محتوای تبلیغی را به مثابه فرماندهان و بخشی از صحنه گردانان تریبون های نظام مقدس جمهوری اسلامی و اثرگذاران بر منبر و تبلیغ می دانیم. قدرت تولیدکنندگان محتوای تبلیغی برای درهم تنیدن این مسائل و موضوعات پیرامون آن ها برای طراحی موضوعی جذاب و سناریویی اثرگذار از دل کربلا و عاشورا را ارج نهاده و مورد مباحثات خود قرار می دهیم. تولید محتواهای تبلیغی مورد علاقه و صدالبته مورد نیاز مخاطب است و اثرگذار بر جان و جهان او را در توان و تخصص شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی (هم قلم) می دانیم و به انتظار محصولات تبلیغی ارزشمند در همه مناسبت های تبلیغی خواهیم نشست.

ایجاد رویکرد «نشر خوبی ها» در مخاطب و شاخص قرارداد «ولاء طرفینی» و محبت و اتحاد با شعار «سَلِّمْ لِمَنْ سَلَّمَ» در گوینده و کنشگران میدان دینداری برای ما بسیار مهم است. ما این دو تحول را برای ایجاد انگیزه و تغییر در دنیای تبلیغ، از اثرگذارترین موتورهای پیشران در تحقق جهاد تبیین و تبلیغ مؤثر، برای رسیدن به اهداف والای ایران قوی و جمهوری اسلامی می دانیم.



## قدرشناسیم

مجموعه حاضر با تلاش شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی تألیف شده است. بر خود لازم می‌دانیم از تمام عزیزانی که ما را در طراحی و تعیین راهبردها و مسئله مهم محرم امسال یاری رساندند، صمیمانه قدردانی کنیم: حجج اسلام: محسن قنبریان، علی اصغر سهرابی، محمد جنتی‌محب، علیرضا پناهیان، و شورای مرکزی شبکه ملی تولیدکنندگان محتوای تبلیغی.

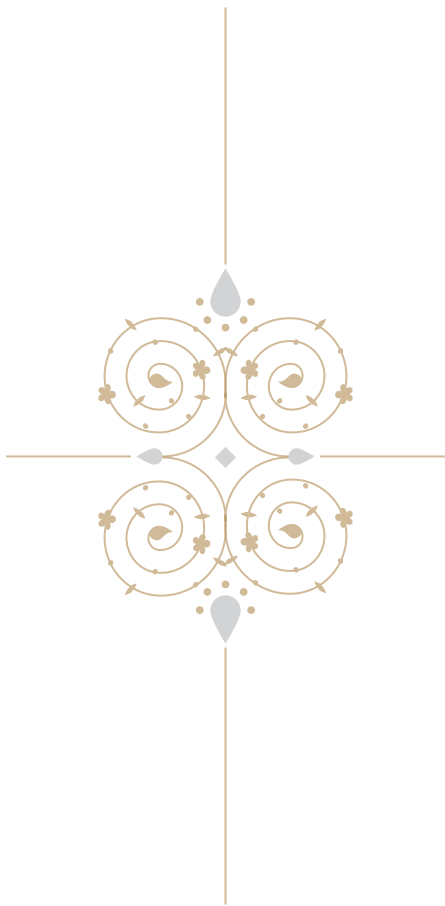
وَالسَّلَامُ عَلَىٰ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

رضازندوکیلی

مدیراداره راهبری محتوای تبلیغی

شمع (شبکه مبلغان و عملیات‌های تبلیغی)





## قدردانی

قال الرضا عليه السلام: مَنْ لَمْ يَشْكُرِ الْمُنْعِمَ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ لَمْ يَشْكُرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ

از دست و زبان که برآید کز عهده شکرش به درآید؟

خلق یک پیروزی، وابسته به زحمت یک فرد نیست بلکه همه اعضای تیم در آن پیروزی نقش دارند. تولید یک اثر علمی نیز محصول زحمات عده‌ای همدل و همراه است که مسئولانه و خالصانه پای در این راه گذارده‌اند.

باید قدردان بود از همه عزیزانی که مستقیم یا غیرمستقیم در خلق این اثر مؤثر بودند. از آن‌ها که حمایت کردند و تشویق تا آن‌ها که انتقاد کردند و پیشنهاد و تا آن‌هایی که دعا کردند و ...

و باید تشکر ویژه داشته باشم از تیمی که با کار شبانه‌روزی و احساس مسئولیت خود از خواب و خوراک و کارهای دیگرشان کاستند و بر حضور عینی خود برای تولید این محصول افزودند؛ هم‌سنگرانم در سنگر موسسه فرهنگی تبلیغی «به سوی ملکوت» آقایان جواد بوژمهرانی، علی علیزاده، عباس جهانی، ابوالفضل فرزین، حسن اردمه و محمد ایزدی که انصافاً کوشیدند تا محصولی شایسته، ناظر به مهم‌ترین مسائل



روز مخاطب را در اختیار مؤمنین علاقه‌مند به معارف دین آماده کنند و صدا البته تشکر ویژه‌تر را باید از پشتیبانی‌های خالصانه همسران این عزیزان داشته باشیم؛ آن‌ها که نه نامی برایشان مهم است و نه آوازه‌ای، آن‌ها که فقط و فقط با حضرت زهرا علیها السلام معامله کرده‌اند که صبوری کنند و در غیاب همسر، به تنهایی بار زندگی و فرزندان را بردوش کشند تا شوهرانشان در سنگر خدمت به امام زمان علیه السلام بی‌دغدغه مشغول جهاد شوند.

و در پایان، قدردان همسر صبور، فداکار، زحمتکش و همراه و همدلم هستم که زحمات زیادی را متحمل می‌شود تا بار غنای تبلیغی مبلغین کشور ارتقاء یابد.

این تیم همراه، این توفیق خدمت، این فکر ناب، این قلم و حوصله و... همه و همه نیست مگر به توفیق الهی و نگاه ویژه ولی نعمت‌مان علی ابن موسی الرضا علیه السلام که با نگاه لطف خود سرپناهمان داده و یاورمان شده است.

الحمد لله على كل النعم  
احمد صابری تولائی

این اثر ناقابل پیشگوشی است به محضر بانوی آب و آئینه و آفتاب، کعبه مشکلات و مصائب، اسوه صبر و ایثار، عشق حسین، زینب کبری! باشد که ما را نیز مانند حسین مشمول دعای خیر خویش گرداند، بانویی که حسین به او التماس دعا گفت که «یا أختاه! لا تُنسينی فی نافلۃ اللیل»





## سخن مؤلف

دنیای امروز، دنیای تقابل‌هاست و مهم‌ترین محور تقابل تمدنی اسلام و غرب برسر چگونگی زیستن است.

ما دو نوع زندگی داریم، «حیات طیبه» و «حیات خبیثه» که قرآن کریم به زیبایی راه رسیدن به حیات طیبه را با معرفی ایمان و عمل صالح، چنین فرموده است: ﴿مَنْ عَمِلْ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾<sup>۱</sup>

مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه احساس رضایت از زندگی است و معتقدیم که والاترین مصادیق این نوع حیات، ائمه معصومین علیهم‌السلام هستند. ائمه معصومین احساس رضایت عمیق و دایمی در زندگی خود داشتند و زندگی امام حسین علیه‌السلام اوج این ویژگی را داشت چراکه در گودال قتلگاه فرمود: «الهی رضا بقضائک» و خدا هم آیه «یا ایها النفس المطمئنه» را در روز عاشورا مجدداً نازل کرد.

مهم‌ترین دعای ما همرنگی در سبک زندگی با اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام است و در ادعیه و زیارات مأثوره نیز به خواندن آن امر



شده ایم: «اللهم اجعل محیای محیا محمد و آل محمد»<sup>۱</sup>

برای دستیابی به رضایت در زندگی باید توقعاتمان را با واقعیات منطبق کنیم؛ هرچند غرب برای رسیدن به این راهکار سالیان سال تلاش کرده و با تجویز روش‌هایی مانند توسعه امکانات، تلقین، توهم و... برای ایجاد این احساس ناکارآمد بوده و اخیراً به این راهکار روی آورده است که باید در نگاه آدمی تغییر ایجاد شود.

معارف اسلامی و دستورات اهل بیت علیهم‌السلام از دیرباز راه رسیدن به این مهم را برای تعدیل توقعات، تفکر واقع‌گرا می‌دانست و این را نیز به پیروان خود توصیه کرده است.

تعدیل توقعات، گستره وسیعی از ارتباطات انسان را دربرمی‌گیرد، ولی مهم‌ترین حیطه‌های ارتباطی- که شناخت درست آن‌ها و تعدیل توقعات از آن‌ها نقش بسزایی در ایجاد حس رضایت دارد- موارد ذیل است:

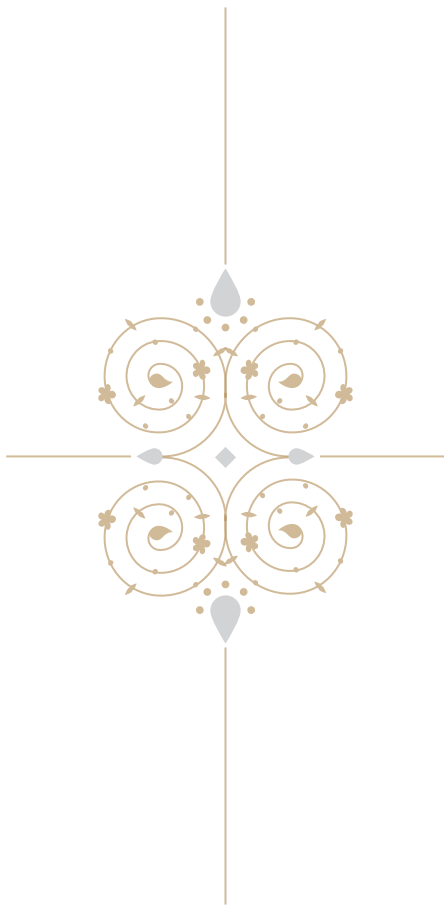
- خود
- خدا
- دنیا
- همسر
- فرزندان
- دیگران
- آحاد جامعه اسلامی

بهره‌گیری از سیره و کلام اباعبدالله الحسین علیه‌السلام برای شناخت دقیق مقوله‌های فوق به ما کمک می‌کند تا در مسیر زندگی خود حسینی زندگی کنیم.



جلسه اول

حيات طيبه



## «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ»

### مقدمه

«شعارهای عاشورایی» پیام‌هایی رسا و آگاهی‌بخش و برگرفته از فرهنگ غنی عاشورا است که عمدتاً ریشه در بیانات امام حسین علیه السلام دارد. این شعارها به‌طور کلی به چهار دسته زیر تقسیم شده است:

۱. انتساب آن‌ها به امام حسین علیه السلام قطعی است.

۲. «نقل به معنا» شده است و نقل لفظ آن‌ها در مصادر اصیل وجود ندارد.

۳. «مضمون» آن‌ها در روایات قطعی الصدور ملاحظه می‌شود.

۴. ساختگی است و به واسطه اطلاق، عمومیت و افاده مفهومی غلط، نمی‌توان پذیرفت که از ناحیه امام صادر شده باشد.

در این میان، برای شعار «كُلُّ يَوْمٍ عَاشُورَاءُ وَكُلُّ أَرْضٍ كَرْبَلَاءُ» به‌عنوان روایت معصوم، سندی وجود ندارد، ولی با توجه به منابع روایی، این شعار، جزء دسته سوم شعارهای عاشورایی قرار می‌گیرد.

نخستین بار محمد بن سعید صنهاجی بوصیری عبارت «کل یوم و کل ارضی لکربی، منهم کربلا و عاشورا» را در قصیده خود، معروف به «همزیه»



بیان کرده است.<sup>۱</sup> علی شریعتی در کتاب «حسین وارث آدم»، آن را به امام صادق علیه السلام نسبت داده است،<sup>۲</sup> همچنین این عبارت در سخنان برخی از عالمان دینی در دوران متأخر به کار رفته است.

امام خمینی رضوانه الله علیه در سخنرانی‌ها و پیام‌های خود این عبارت را به کار برده است<sup>۳</sup> و نیز آیت‌الله خامنه‌ای مد ظله در سخنان خود بدون آنکه آن را حدیث بدانند به این عبارت اشاره کرده است<sup>۴</sup> و شهید مطهری نیز بدون اشاره به حدیث بودن یا نبودن آن از این عبارت استفاده کرده است.<sup>۵</sup>

یکی از پیام‌های مهم این شعار این است که «دنیا دنیای تقابل هاست.» از ابتدای خلقت بشر، خیر و شر و حق و باطل سرستیز داشته و باهم در تقابل بوده‌اند؛

● از آدم و ابلیس تا هابیل و قابیل؛

● از موسی و فرعون تا ابراهیم و نمرود؛

● از علی و معاویه تا حسین و یزید؛

و تا به امروز که تقابل در سطح دو جریان کلان مطرح است و هرچه به سمت آخرالزمان می‌رویم این تقابل جدی‌تر شده و برهنه‌تر در میدان نبرد حاضر می‌شود.

فرهنگ غربی سعی دارد با طرح «تمدنی جهانی» همه عناصر زندگی انسانی را - با نگاهی که به عالم و آدم دارد - معنا کند. عملاً نیز عموم بشر در آن واقع شده است؛ ولی در دل توسعه‌یافتگی به معنای غربی آن، قناعت و نوع‌دوستی به معنای واقعی آن و حضور روح ایمان در جامعه، به حاشیه

۱. امین، اعیان الشیعة، تحقیق حسن امین، ج ۱، ص ۶۵۲.

۲. شریعتی، حسین وارث آدم، ص ۴۹.

۳. امام خمینی، صحیفه امام، ج ۹، ص ۴۴۵.

۴. بیانات در مراسم مشترک دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، پایگاه اطلاع‌رسانی آیت‌الله خامنه‌ای.

۵. مرتضی مطهری، مجموعه آثار، ج ۳، ص ۴۳۴.



رفت و این بود که انقلاب اسلامی به عنوان تمدنی جهانی بدون نقص‌های آن تمدن، جایگاه تاریخی پیدا کرد. از این جهت می‌توان گفت رقابت انقلاب اسلامی با غربی است که غیر خود را بر نمی‌تابد.

حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه در این رابطه توصیه کرده‌اند که جهان اسلام حداقل باید یک ابرقدرت شود، لذا در سخنانی می‌فرمایند: «راستی، اگر مسلمانان مسائل خود را به صورت جدی با جهان‌خواران حل نکنند و لااقل خود را به مرز قدرت بزرگ جهان نرسانند آسوده خواهند بود؟» البته تقابل تمدن نوین اسلامی با فرهنگ مدرنیته مانند تقابل چین و روسیه با غرب نیست، بلکه تقابلی است در سطح «فرهنگ» و «حقیقت» که تقابل جدیدی است و البته باقی ماندن در این تقابل، جرئت و توکل خاص خود را می‌طلبد، جرئت و توکلی که در بنیان‌گذار انقلاب اسلامی بود و حکمت صدرایی آن را پشتیبانی می‌کرد!<sup>۱</sup>

امروزه یکی از مهم‌ترین محورهای تقابل بین جبهه حق (اسلام ناب محمدی) و جبهه باطل (گفتمان تفکر غرب) محور سبک زندگی و دعوا بر سر چگونه زیستن است. هر دو جبهه در شعار مشترک، ولی در تعریف و روش باهم اختلاف دارند. هر دو در پی خوش‌بختی و سعادت‌مندی انسان هستند؛ اما در تعریف خوش‌بختی و سعادت‌مندی و همچنین روش و سبک دستیابی به آن اختلاف وجود دارد.

## انواع حیات

ما با دو نوع حیات «طیبه و الهی» و حیات «خبیثه و شیطانی» مواجه هستیم.

## حیات خبیثه

ابتدا باید به معنای این نوع حیات در قرآن کریم بپردازیم.



## معنای حیات خبیثه

قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ اجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ الْأَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ» (کلمه «ناپاک») مانند درخت ناپاک، بی‌ریشه و بی‌ثباتی است که هر روز به گوشه‌ای پرتاب می‌شود).

کفر و شرک،<sup>۲</sup> گفتار باطل و برنامه‌های گمراه‌کننده،<sup>۳</sup> انسان‌های ناپاک و آلوده و خلاصه هر چیز خبیث و ناپاک<sup>۴</sup> می‌تواند از مصادیق «کلمه خبیثه» باشد. درخت زشت و شومی که ریشه آن کنده شده است، نه رشد و نمو دارد و نه ترقی و تکامل، نه گل و میوه و نه سایه و منظره و نه ثبات و استقرار؛ بلکه قطعه چوبی است که جز به درد سوزاندن و آتش زدن نمی‌خورد، بلکه مانع راه است و مزاحم رهروان و گاه‌گزنده، مجروح‌کننده و مردم‌آزار! تاریخ مملو است از افرادی که در این حیات خبیثه تنفس کرده و خسارات زیادی نیز به بار آورده‌اند.

## نمونه‌های قرآنی

قرآن کریم گاه با توصیف کلی از این افراد یاد می‌کند و نهایتاً قضاوت «ان الله لا یحب» را در موردشان به کار می‌برد:

- «وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ»<sup>۵</sup>
- «إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ»<sup>۶</sup>
- «فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ»<sup>۷</sup>

۱. ابراهیم، ۲۶.

۲. محمد بن حسن طوسی، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۲۹۳، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۳. ملا محسن فیض کاشانی، ملا محسن، الاصفی فی تفسیر القرآن، تحقیق، درایتی، محمدحسین، نعمتی، محمد رضا، ج ۱، ص ۶۱۷، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، قم، چاپ اول، ۱۴۱۸ ق.

۴. تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۳۳۵.

۵. آل عمران، ۵۷.

۶. اعراف، ۵۵.

۷. آل عمران، ۳۲.



• ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ كَفَّارٍ أَثِيمٍ﴾<sup>۱</sup>

• ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا﴾<sup>۲</sup>

• ﴿وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ﴾<sup>۳</sup>

• ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمَخَائِنِينَ﴾<sup>۴</sup>

• ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْتَكْبِرِينَ﴾<sup>۵</sup>

• ﴿إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ﴾<sup>۶</sup>

و گاه به صورت شخصی از آن‌ها نام می‌برد و قصه آن‌ها را به سمع و نظر مخاطبین خود می‌رساند؛ فرعون، نمرود، همسران حضرت نوح و حضرت لوط، برصیصای عابد، بلعم باعورا و...

﴿ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَامْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحِينَ فَخَفَّتَاهُمَا فَلَمْ يَغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ﴾<sup>۷</sup>

خیانت همسر حضرت نوح و لوط به ولی خدا، خسارت‌های جبران‌ناپذیری برای اعتبار اجتماعی این دو پیامبر در پی داشت تا جایی که اثر تبلیغ و هدایت‌گری این بزرگواران را در جامعه کاهش می‌داد.

### نمونه‌های تاریخی

در طول تاریخ، افرادی که شیطانی زندگی کرده‌اند کم نبوده‌اند ولی برخی از نام‌ها در دناوت و پستی، فسادانگیزی و قتل، شهره خاص و عام هستند که وجودشان سرشار از شرارت بود و حضورشان همراه با غارت.

۱. بقره، ۲۷۶.

۲. نساء، ۱۰۷.

۳. حدید، ۲۳.

۴. انفال، ۵۸.

۵. نحل، ۲۳.

۶. اعراف، ۳۱.

۷. تحریم، ۱۰.



### چنگیزخان مغول

یورش مغولان به ایران در سال ۶۱۶ ق / ۱۲۱۸م آغاز شد. «ادوارد تلر» در خاطراتش درمورد حمله چنگیزخان مغول به ایران در دوره خوارزمشاهی می‌نویسد: «یک نمونه مهم در تاریخ، جنگ‌های چنگیزخان مغول و بویژه تخریب سرزمین‌های پارسی است. بیش از نصف جمعیت سرزمین تسخیر شده نابود شد و پارس - که همان ایران امروزی است - هرگز جلال و ابهت پیشین خود را دیگر بازیافت.»

حمله چنگیزخان مغول چنان دهشتناک و بی‌رحمانه بود که خیابان‌های نیشابور «که مهد علم و دانش و نوآوری آن زمان بود، تبدیل به جویبارهای خون گردید و از سران مردان و زنان و کودکان هرم‌هایی ساخته شد و حتی به سگ‌ها و گربه‌های شهر نیز رحم نکردند.» از این روست که تاریخ‌نگار دیگری می‌نویسد: شکی نیست که نابودی ویرانی که در حین خیزش دولت مغول در ایران به وقوع پیوست و قتل‌عام وسیعی که در آن زمان رخ داد، در هزار سال هم ترمیم نخواهد گشت، حتی اگر فاجعه دیگری نیز به وقوع نپیوندد.

هرچند اعداد و ارقام از قرن سیزدهم نمی‌تواند زیاد دقیق باشد؛ اما براساس تحقیقات دانشمندان گفته می‌شود بر اثر حمله‌های چنگیزخان، قتل‌ها و قحطی‌هایی که بر اثر آن به وجود آمد، حدود ۱۰ درصد (چهل میلیون نفر) از جمعیت دنیا در آن زمان از بین رفت.

### ولاد سوم

«ولاد» به میخ‌کشنده یا «ولاد دراکولا» در سه بازه زمانی ۱۴۴۸، ۱۴۵۶ تا ۱۴۶۲ و ۱۴۷۶ فرمانروایی کرد. او را بیشتر به علت مجازات‌های سنگینی که در روزگار فرمانروایی‌اش اعمال می‌کرد می‌شناسند. شخصیت او را الهام‌بخش داستان دراکولا دانسته‌اند. بیش از ۲۰ هزار مرد و زن و کودک در دوران فرمانروایی او کشته شدند.



## صدام حسین

یکی از جنایتکاران تاریخ، صدام حسین تکریتی است که حتی به خانواده و نزدیکان خود نیز رحم نکرد.

کشتار مردم در حلبچه، نخستین مرحله از نسل‌کشی تکان‌دهنده‌ای بود که صدام بلافاصله پس از پایان جنگ در کردستان عراق به راه انداخت. فاجعه حلبچه خون‌بارترین حمله شیمیایی به غیرنظامیان در طول تاریخ با بیش از ۵ هزار قربانی بی‌دفاع است.

کتاب‌های زیر درباره جنایات این دیکتاتور قرن نوشته شده است:

- «خاطرات پزشک صدام» نویسنده: علا بشیر
- «روزهای بلند، شب‌های کوتاه» نویسنده: حیدر شجاعی
- «قراردادها و نیرنگ‌ها (زندگی و سرنوشت حسین کامل)» نویسنده: علی الساقی<sup>۱</sup>

## ویژگی‌های حیات خبیثه

زندگی بدون ثبات که با هر بادی به جهتی خم‌وراست می‌شود.

در آیت الکرسی می‌خوانیم: «**والذین کفروا اولیائهم الطاغوت**»<sup>۲</sup> (کسی که از زندگی الهی فاصله می‌گیرد محور خاصی برای زندگی ندارد و هر روز رئیس و سرپرستی دارد).

- یک روز محور زندگی او هوای نفس است.
- یک روز محور زندگی او حرف مردم است.
- یک روز محور زندگی او منافع شخصی است.
- و...

1. <https://www.ketabrah.ir/book-tag/%D8%AC%D9%86%D8%A7%D-B%8C%D8%A7%D8%AA-%D8%B5%D8%AF%D8%A7%D9%85-%D8%AD%D8%B3%D-B%8C%D9%86>





## حیات طیبه

نوع دومی حیات که قرآن از آن در مقابل حیات خبیثه سخن به میان می‌آورد حیات طیبه است.

### معنای حیات طیبه

مفسران قرآن معانی متعددی مانند روزی حلال،<sup>۱</sup> قناعت و خشنودی از قسمت الهی،<sup>۲</sup> عبادت توأم با روزی حلال<sup>۳</sup> و زندگانی در طاعت خداوند<sup>۴</sup> برای «حیات طیبه»<sup>۵</sup> ذکر کرده‌اند.

باتوجه به نتایجی که از انجام عمل صالح نصیب مؤمنان می‌شود مفهوم حیات طیبه چنان وسیع و گسترده است که همه این موارد و بسیاری موارد دیگر را دربرمی‌گیرد. در حقیقت، موارد نامبرده از باب مصادیق است؛ بنابراین حیات طیبه یعنی زندگی پاکیزه از هر نظر، پاکیزه از آلودگی‌ها، ظلم‌ها، خیانت‌ها، دشمنی‌ها، اسارت‌ها، ذلت‌ها و انواع نگرانی‌ها و هرگونه چیزیی که آب زلال زندگی را در کام انسان ناگوار می‌سازد.<sup>۶</sup>

به دیگر سخن، حیات طیبه یعنی زندگی‌ای که نیازهای مادی، جسمانی و معنوی - چه عملی و روحی - آدمی را پاسخ‌گو باشد.<sup>۷</sup> باتوجه به اینکه در دنبال آن، سخن از جزای الهی به نحو احسن به میان آمده، استفاده می‌شود که حیات طیبه مربوط به دنیا است و جزای احسن مربوط به آخرت.

۱. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، ج ۶، ص ۴۲۴، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا.

۲. ملا محسن فیض کاشانی، الاصفی فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۶۶۲، قم، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.

۳. اسماعیل بن عمرو ابن کثیر دمشقی، تفسیر القرآن العظیم، ج ۴، ص ۵۱۶، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول، ۱۴۱۹ق.

۴. حسین بن علی ابوالفتح رازی، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۸۹، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۰۸ق.

۵. «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ»؛ نحل، ۹۷.

۶. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۱۱، ص ۳۹۴، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ اول، ۱۳۷۴ش.

۷. علی خامنه‌ای، سایه سار ولایت (منشور مطالبات مقام معظم رهبری از دانشگاه و دانشگاهیان)، ج ۶، ص ۲۵ (باندرکی ویرایش)، قم، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۸ش.



حیات طیبه که در آن هیچ‌گونه خباثت و فساد و وجود ندارد از حیات عادی انسانی جدا نیست، بلکه مرتبه‌ای از مراتب آن است که برخی افراد بشر دارای آن هستند.

### ویژگی‌های حیات طیبه

در دعای ابو حمزه، حیات طیبه، با سه خصوصیت مطرح شده است:

«وَأَجْعَلَنِي مِمَّنْ أَطْلَقَتْ عُظْمُهُ وَحَسَنَتْ عَمَلُهُ وَآمَنَتْ عَلَيْهِ نِعْمَتَكَ وَرَضِيَتْ عَنْهُ وَ أَحْيَيْتَهُ حَيَاةً طَيِّبَةً فِي أَدْوَمِ السُّرُورِ وَأَسْبَغِ الْكِرَامَةَ وَأَتِمِّ الْعَيْشَ»

بعد از اتمام نعمت و رضوان حق، حیات طیبه با سه خصوصیت آمده است:

۱. سرور داریم

۲. کرامت فراگیر

۳. عیش تمام

پایدارترین سرورها و فراگیرترین کرامت‌ها و تمام‌ترین عیش‌ها در حیات طیبه و زندگی پاک نهفته است.

### ۱. سرور داریم

سرور این‌ها برخاسته از نعمت‌ها و قدرت‌ها و برخاسته از دنیا و خویش نیست که ناپایدار و متزلزل باشد. در کنار نعمت‌های متغیر، برخوردارهای حساب‌شده و ثابت وجود دارد و این برخوردارها پایگاه سرور پایدار است.

کسی که آموخته است همراه عطاء و بلاء بهره‌مند باشد همیشه در حال سرور و ابتهاج است و هیچ‌گاه ذلیل موقعیت‌ها و نعمت‌ها و قدرت‌های متزلزل و متغیر نیست. «لَكَيْلًا تَأْسُوْا عَلٰی مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوْا بِمَا آتَاكُمْ وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُوْرٍ»<sup>۱</sup> (تا از آنچه از دستتان می‌رود، سرخورده نشوید و به آنچه خدا به شما می‌دهد، سرخوش نشوید! خدا خیال‌با فان خودپسند را دوست ندارد.)



سرور دایم زمانی است که آمدورفت نعمت‌ها در تو موج ایجاد نکند، مانند صندوق‌دار بانک که اگر در یک روز صدها مشتری، میلیاردها پول از او بگیرند ناراحت نمی‌شود و اگر میلیاردها پول بیاورند خوشحال نمی‌شود، بلکه آنچه در او سرور ایجاد می‌کند انجام وظیفه است.

## ۲. کرامت فراگیر

کرامت و بزرگواری آن‌ها، فراگیر است. در هر موقعیتی، موضع‌گیری مناسب و برخورد درست دارند و این است که ذلیل شرایط و اسیر موقعیت‌ها نیستند.

## نمونه‌های تاریخی

### برخورد ابوذر با معاویه

«جلام بن جندل غفاری» نقل کرده است که من در قنسیرین و عواصم مزدور معاویه بودم. روزی نزد معاویه آمدم و از وضع کار خود می‌پرسیدم. ناگهان فریادی از در خانه معاویه شنیدم که می‌گفت: قطار [شترها] آمد و باری از آتش برای شما آورده است. خداوند! لعنت کن کسانی را که امر به معروف می‌کنند و خود، آن را ترک می‌کنند. خداوند! لعنت کن کسانی را که از منکر نهی می‌کنند و خود مرتکب آن می‌شوند.

معاویه از این فریاد مضطرب شد و رنگش تغییر کرد و به من گفت: ای جلام، آیا این فریادکننده را می‌شناسی؟

گفتم: نه، نمی‌شناسم.

معاویه گفت: کیست آنکه عذر جندب بن جناده (ابوذر) را در کاری که پیش گرفته است برای من بیاورد؟ او هر روز می‌آید و نزدیک در کاخ ما، آنچه را که شنیدی فریاد می‌زند. سپس گفت: ابوذر را پیش من بیاورید.

عده‌ای ابوذر را (درحالی‌که او را می‌رانند) وارد جایگاه معاویه کردند. ابوذر در مقابل معاویه ایستاد.

معاویه به او گفت: ای دشمن خدا و رسول خدا، هر روز به سوی ما می‌آیی



و می‌گویی آنچه می‌خواهی. بدان اگر من می‌خواستم کسی را از یاران محمد ﷺ بدون اجازه امیرالمؤمنین عثمان بکشم، تو را می‌کشتم ولی من درباره تو از وی اجازه خواهم گرفت.

جلام می‌گوید دوست داشتم ابوذر را که مردی از قوم من (قبیله غفار) بود ببینم. به طرف او متوجه شدم و او را دیدم. مردی بود گندم‌گون و کم‌گوشت (لاغر) و گونه‌هایش تورفته و خمیدگی در پشت داشت.

پس رو به معاویه کرد و گفت: من دشمن خدا و رسول خدا نیستم، بلکه تو پدرت دشمنان خدا و رسول او هستی. اسلام را اظهار و در درونتان کفر را پنهان کردید. رسول خدا ﷺ چندبار تو را نفرین فرمود که از غذا سیر نشوی و از پیامبر شنیدیم که فرمود: در آن هنگام که زمامداری امت من به دست کسی بیفتد که سیاهی چشمش بزرگ و گلویش گشاد باشد، کسی که هرچه بخورد سیر نشود، باید امت من از او برحذر باشد.

معاویه گفت: من آن مرد که تو می‌گویی نیستم.

ابوذر گفت: تویی همان مرد! رسول خدا ﷺ این خبر را به من داده است و من از آن حضرت شنیده‌ام که می‌فرمود: خداوند! لعنت کن او را و اسیر مکن مگر با خاک و از آن حضرت شنیدم که فرمود: اسافل اعضای معاویه در آتش است.

معاویه خندید و دستور داد ابوذر را زندانی کردند. آنگاه گزارشی درباره او به عثمان نوشت. عثمان در پاسخ وی چنین نوشت: جندب (ابوذر) را سوار بر مرکبی کن و به نزد من بفرست. معاویه او را به وسیله کسی فرستاد که شب و روز او را در راه حرکت می‌داد. او را بر شتری پیر و لاغر سوار کرده بود به طوری که وقتی ابوذر به مدینه رسید، گوشت ران‌هایش از بین رفته بود.<sup>۱</sup>

### برخورد میثم تمار با عبیدالله ابن زیاد

ابوسالم، میثم بن یحیی تمار اسدی از یاران بزرگوار امیر مؤمنان ﷺ، امام

۱. علامه محمدتقی جعفری، ابوذر غفاری.



حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام بود. امام علی علیه السلام او را از زنی که وی را به غلامی داشت خرید و آزاد کرد. او در محضر باب علم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم به جایگاه والایی از علم دست یافت تا آنجا که او را «عالم به مرگ‌ها و حوادث» دانسته‌اند.<sup>۱</sup>

عبیدالله بن زیاد دستگیرش کرد و چون او را نزدش آوردند و گفته شد که از محبوب‌ترین کسان نزد علی علیه السلام بوده است گفت: سرورت درباره رفتار من با تو چه گفته است؟

گفت: به من خبر داده که تو مرا پس از نه نفر دیگر به دار می‌کشی؛ داری که کوتاه‌ترین است و نزدیک‌ترین جای به غسل‌خانه، از آن من است.

گفت: با او مخالفت می‌کنیم.

میثم گفت: چگونه مخالفت می‌کنی؟! به خدا سوگند، او جز از پیامبر خدا و او جز از جبرئیل و او جز از خدای متعال به من خبر نداد. چگونه با اینان مخالفت می‌کنی؟ بی‌گمان من جایگاه به دار کشیدنم را در کوفه می‌شناسم و من نخستین کسی هستم که در اسلام، بر دهانم لگام می‌بندند.

پس عبیدالله، میثم را با مختار بن ابی‌عبید به زندان انداخت. میثم تمار به مختار گفت: تو رهایی می‌یابی و به خون خواهی حسین علیه السلام برمی‌خیزی و این کسی که ما را می‌کشد، می‌کشی.

او نخستین خلق خدا بود که پس از اسلام بر او لگام زدند. زمان کشته شدن میثم، ده روز پیش از ورود امام حسین بن علی علیه السلام به عراق بود و در روز سوم به دار کشیدنش با سرنیزه زخمی‌اش کردند که تکبیر گفت و در پایان روز، خون از دماغ و دهانش سرازیر شد.<sup>۲</sup>

یکی از تأثیرگذارترین بخش‌های مجموعه مختارنامه دیالوگ‌های ابن زیاد و میثم تمار است که ماهیت پلید ابن زیاد را به زیبایی برای مخاطب آشکار و

۱. دانش‌نامه امیرالمؤمنین علیه السلام؛ ج ۱۳، ص ۵۸۸.

۲. الإبراشاد؛ ج ۱ ص ۳۲۳، الإصابه؛ ج ۶، ص ۲۴۹، ش ۸۴۹۳.



در مقابل، کرامت میثم و موضع‌گیری با اقتدار و صلابت او را با زبان هنر به مخاطب منتقل کرد:

ابن زیاد: چند وقت است تنت به آب نخورده خرمافروش؟ شما غسل نمی‌کنید؟

میثم: اولاً خاک پاک‌کننده است و در غیاب آب می‌تواند، رفع حاجت کند. ثانیاً شپش در این دنیا خونم را بمکد، به از آن است که تن فربه‌ام در گور گرفتار مار و عقرب شود.

ثالثاً این خاصیت حرام‌زاده است که با تحقیر و تهمت دشمنانش را آزار کند والا نه من خاک و خلیم و نه شپشی با خود دارم.

### ۳. عیش تمام

«قَالَ عَلِيُّ بْنُ شُعَيْبٍ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عليه السلام فَقَالَ لِي يَا عَلِيُّ مَنْ أَحْسَنُ النَّاسِ مَعَاشاً قُلْتُ أَنْتَ يَا سَيِّدِي أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي فَقَالَ عليه السلام يَا عَلِيُّ مَنْ حَسَنَ مَعَاشٍ غَيْرِهِ فِي مَعَاشِهِ يَا عَلِيُّ مَنْ أَسْوَأَ النَّاسِ مَعَاشاً قُلْتُ أَنْتَ أَعْلَمُ قَالَ مَنْ لَمْ يُعِشْ غَيْرُهُ فِي مَعَاشِهِ» (علی بن شعیب گوید خدمت امام رضا علیه السلام رسیدم، به من فرمود: ای علی زندگی چه کسی بهتر است؟ گفتم ای آقایم شما از من داناترید، فرمود: ای علی کسی که دیگری از زندگی و حیات او بهره‌مند شود. ای علی، زندگی چه مردمی بدتر است؟ گفتم شما داناترید، فرمود: کسی که دیگری در زندگیش زندگی نکند و بهره‌ای نبرد.)

به بیان حضرت رضا علیه السلام عیش تمام، این است که در زندگی مادی و معنوی و در وسعت وجود تو، دیگران بهره‌مند و بارور شوند. این‌ها که عزت و اقتدار حق را چشیده‌اند، دیگر ذلت در راه او برایشان سنگینی ندارد. ذلت و عزت با چشم و نگاه و زبان و حرف مردم مشخص نمی‌شود که ذلت و عزت از غنا و فقر قلبی برخاسته و با قرب و بُعد هدف و با قرب و بُعد حق، مشخص می‌شود. کسی که از رزق کریم واسع برخوردار است، دیگر ذلیل نیست و در زیر خاکروبه‌ها و خنجرهای شماتت، عزیز و مقتدر است،



کم نمی‌آورد و باخت نمی‌دهد و همین سرشاری، به خصوصیت سوم می‌انجامد و عیش تمام را می‌آورد.

پس در واقع بهترین زندگی، آن نیست که تو در کنار نعمت و قدرت و یا بهره‌مند از عنایت‌های حق و حضور او باشی. زندگی تمام، زندگی کسی است که زاینده است و سازنده و دیگران از وجود آن بهره‌مند هستند. در نهایت این سه ویژگی باید به رضایت از زندگی منجر شود.

به عبارت دیگر مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه احساس رضایت از زندگی است.

### فرایند تولید احساس

احساس‌های ما تابع نوع شناخت و زاویه نگاه ما به هر چیز است، اینکه ما یک مقوله را چگونه تعریف می‌کنیم، می‌تواند حال خوب یا بد تولید کند.

### تعریف ما از مرگ چیست؟

اگر مرگ را پایان راه و تمام شدن خود ببینیم حتماً از آن متنفر خواهیم شد و برای فرار از آن دست به هر کاری خواهیم زد. جفری پرستون بیزوس (Jeffrey Preston Bezos) مؤسس فروشگاه اینترنتی آمازون و شرکت هوافضای «بلو اوربجین» با بیش از ۱۱۳ میلیارد دلار دارایی، ثروتمندترین فرد جهان است.<sup>۱</sup>

بیزوس هزینه زیادی برای فرار از مرگ خرج کرد و پروژه‌ای با عنوان «نامیرایی» را به دانشمندان سپرد تا بلکه بتواند از مرگ نجات یابد. او در مصاحبه‌ای می‌گوید: من دارم پیر می‌شوم سریع‌تر این پروژه را به اتمام برسانید.

همچنین ایتزکوف، دانشمند روسی به تازگی برای میلیاردرهای لیست ثروتمندان «فوربس» با ارسال نامه سرگشاده‌ای از آن‌ها خواسته است برای افزایش طول عمر خود هم که شده به این پروژه کمک مالی کنند. وی در این نامه با وعده زندگی ابدی به هزار و ۲۶۶ ثروتمند جهان، اعلام کرده

1. <https://jadoyebavar.ir/jeff-bezos/>





است که می‌تواند امکان پذیر بودن این ایده را به هر فردی که درباره آن تردید دارد به اثبات برساند.<sup>۱</sup>

اما اگر تعریف ما از مرگ مانند اولیاء الهی باشد که مرگ را یک واقعیت غیرقابل انکار و پدیده‌ای قطعی می‌دانند هرگز تلاشی برای فرار از آن نخواهیم کرد. امیرالمؤمنین قطعیت مرگ را این‌گونه بیان می‌کنند: «أَنْتُمْ طُورَاءُ الْمَوْتِ، إِنْ أَقْتَمْتُمْ لَهُ أَخَذَكُمْ، وَإِنْ فَرَرْتُمْ مِنْهُ أَدْرَكَكُمْ، وَهُوَ أَلْزَمُ لَكُمْ مِنْ ظِلِّكُمْ، الْمَوْتُ مَعْقُودٌ بِأَوْصِيَّكُمْ»<sup>۲</sup> (شما فراریان (و تعقیب شدگان) مرگ هستید. اگر برایش بایستید شما را می‌گیرد و اگر هم از آن بگریزید به شما می‌رسد. او از سایه شما به شما پیوسته‌تر است، مرگ بر پیشانی شما گره خورده است.)

و اگر مانند پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، مرگ را هدیه الهی بدانیم که فرمود: «الْمَوْتُ رِيحَانَةُ الْمُؤْمِنِ»<sup>۳</sup> (به مرگ اشتیاق خواهیم داشت و احساس ما به مرگ شوق است نه تنفر.)

امام سجاد عَلَيْهِ السَّلَام به زیبایی این دو نگاه را در تعریف مرگ آورده است: «لَمَّا سُئِلَ عَنِ الْمَوْتِ: لِلْمُؤْمِنِ كَنْزٌ شِيَابٍ وَسِخَّةٌ قَلِيلَةٌ، وَفَكَرٌ فَيُودٍ وَأَغْلَالٌ ثَقِيلَةٌ، وَالْإِسْتِبْدَالِ بِأَفْخَرِ الشِّيَابِ وَأَطْيَبِهَا رَوَاتِحَ، وَأَوْطَأَ الْمَرَائِبِ، وَأَتَسَّى الْمَنَازِلِ؛ وَلِلْكَافِرِ كَخَلْعِ شِيَابٍ فَاحِخَةٌ، وَالتَّقْلِ عَنِ مَنَازِلِ أُنَيْسَةٍ، وَالْإِسْتِبْدَالِ بِأَوْسَخِ الشِّيَابِ وَأَخْسَنِهَا، وَأَوْحَشِ الْمَنَازِلِ، وَأَعْظَمِ الْعَذَابِ»<sup>۴</sup>

(در پاسخ به این پرسش که مرگ چیست؟ فرمود: برای مؤمن چون برکندن جامه‌هایی چرکین و شپشی از تن است و از هم گسستن برکندن زنجیرهای گران‌بار و جایگزین کردن فاخرترین و خوش‌بوترین جامه‌ها و راهوارترین مرکب‌ها و امن‌ترین منزل‌ها و برای کافر به‌منزله برکندن جامه‌هایی فاخر از تن و منتقل شدن از منزل‌هایی امن و جایگزین کردن

1. hamshahrionline.ir/x3xCY

۲. نهج البلاغه، نامه ۲۷.

۳. کنز العمال، ج ۴۲، ص ۳۶.

۴. معانی الأخبار، ۴/۲۸۹.



آن‌ها به کثیف‌ترین و خشن‌ترین جامه‌ها وحشتناک‌ترین منزل‌ها و بزرگ‌ترین عذاب است.)

با این تعریف از مرگ است که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «وَاللَّهِ لَأَبْنُ أَبِي طَالِبٍ أَنَسٌ بِالْمَوْتِ مِنَ الطِّفْلِ بِئَدْيِ أُمِّهِ»<sup>۱</sup> (علاقه من به مرگ از علاقه طفل به پستان مادر بیشتر است.)

### بربر و شوق مرگ

این نگاه عرفانی به مرگ، یاران امام حسین علیه السلام را مشتاق مرگ می‌کرد.

غلام عبدالرحمان بن عبد ربه انصاری می‌گوید: با مولایم بودم. هنگامی که دشمنان حضور یافتند و به حسین علیه السلام روی آوردند، حسین علیه السلام فرمان داد تا خیمه‌ای برپا شود و سپس مُشک را در دیگی بزرگ با آب درآمیزند. آنگاه حسین علیه السلام به درون آن خیمه رفت و نوره مالید.

سپس مولایم، عبدالرحمان بن عبد ربه و بُزَیر بن حُصَیر هَمْدانی که بر در خیمه شانه‌هایشان به هم ساییده می‌شد و برسر اینکه کدام یک پس از امام علیه السلام نوره بمانند باهم بحث می‌کردند. بُزَیر با عبدالرحمان، شوخی می‌کرد. عبدالرحمان به او گفت: رهایمان کن. به خدا سوگند اکنون وقت بازی و شوخی و بطالت نیست!

بُزَیر به او گفت: به خدا سوگند، قوم من می‌دانند که من بطالت [و شوخی کردن] را دوست نداشته‌ام، نه در جوانی و نه در پیری؛ اما به خدا سوگند، من به آنچه خواهیم دید، مژده داده شده‌ام! به خدا سوگند، میان ما و حورالعین جز این نیست که اینان با شمشیرهایشان به ما حمله کنند و بسیار دوست دارم که این کار را بکنند!<sup>۲</sup>

### جون، غلام سیاه امام

امام حسین علیه السلام فرمود: «وَاللَّهِ لَقَدْ بَلَوْتَهُمْ فَمَا وَجَدْتْ فِيهِمُ إِلَّا الْأَشْوَسَ الْأَقْعَسَ

۱. نهج البلاغه، ج ۵.

۲. دانش‌نامه امام حسین علیه السلام، ج ۶، ص ۷۳.



یستأنسون بالمنیة دونی استیناس الطفل الی محالب أمه»<sup>۱</sup> (به خدا سوگند به تحقیق آن‌ها را آزمودم، پس ندیدم آن‌ها را جز دلاوران استواری که پیشاپیش من، همچون انس کودک به پستان‌های مادر، به مرگ انس بسته‌اند و با آن راحت گرفته‌اند.)

از بچه‌های کوچک تا پیرمردهای خسته، از سفید تا سیاه، همه در این آزمایش سرفراز آمدند. حضرت به جُون می‌فرماید: «یا جون أنت فی اذن منی فانما تبعنا طلباً للعافیة فلا تبتل بطریقنا»<sup>۲</sup>

جون، غلام ابوذر است که پس از ابوذر در خدمت امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام ماندگار شد و در روز عاشورا با شدت گرفتن جنگ برای اجازه گرفتن به منظور جنگیدن به حضور امام رسیده است.

حضرت به او می‌فرماید: ای جون تو اجازه داری که بازگردی. من بر تو منعی نمی‌گذارم. تو برای عافیت به دنبال ما آمده‌ای پس خودت را گرفتار و مبتلای روش ما نکن. تو بازگرد که ما رسم عافیت را برانداختیم.

می‌گویند جون بر قدم‌های امام حسین علیه السلام افتاد و نالید و گفت: «یا بن رسول الله أنا فی الرخاء الحس قصاعکم و فی الشدة أخذکم، ان ریحی لمنتن وان حسبی للئیم و ان لونی لأسود، فتنفس علی فی الحیة، فتطیب ریحی و یشرف حسبی و یمیض وجهی. لا والله لأفارقکم حتی یختلط هذا الدم الاسود مع دماءکم»<sup>۳</sup> (ای پسر رسول خدا! من در راحتی در کنار شما بودم و از خوراک شما سرشار می‌شدم، اکنون در گرفتاری شما را رها کنم؟! حسین جان! بوی بدن من تند و گندیده است و ریشه و حسب من، پست است و رنگم سیاه است. تو بر من این راحتی را در بهشت ببخش تا بوی من خوش و جسمم شریف و رویم سفید گردد. نه به خدا قسم! از شما جدا نمی‌شوم تا خون این سیاه با خون‌های شما آمیخته شود.)

۱. کلمات الحسین، محمدصادق نجمی، ص ۱۷۲.

۲. همان، ص ۲۵۰.

۳. بحار الانوار، ج ۲۵، ص ۲۲.



با اصرار اجازه گرفت و رفت و مستانه رفت، هنگامی که از پای درآمد، امام خود را به بالین او رسانید و او را برداشت و برایش این چنین دعا کرد: «اللهم بیض وجهه و طیب ریحه و احشره مع الابرار و عرّف بینه و بین محمد و آل محمد»<sup>۱</sup> (خدایا! رویش را سفید و بویش را خوش بگردان. او را با خوبان و نیکوکاران جمع کن و میان او محمد و آل محمد آشنایی برقرار کن).

### تعریف ما از قرآن چیست؟

قرآن را کتابی قدیمی و پر از خرافات و مطالب غیرعلمی و مایه عقب افتادگی مسلمانان می دانیم که یک فرد بی سواد آن را نوشته است؟ که طبیعتاً احساس ما به آن منفی خواهد بود و برای سوزاندن آن تلاش می کنیم یا قرآن را کتاب هدایت<sup>۲</sup>، کتابی که شفای همه دردهای اجتماعی و سیاسی، روانی، اقتصادی و... است<sup>۳</sup> و از طرف خداوند دانا و حکیم برای ما فرستاده شده است.<sup>۴</sup>

قضاوت اول درباره قرآن که اندیشمندان غربی نیز درمورد آن اظهارنظر کرده اند نمی تواند درست باشد.

تاکنون بیش از ۲۹۵ ترجمه کامل و ۱۳۱ ترجمه ناقص یا برگزیده از قرآن مجید به زبان انگلیسی منتشر شده است. نخستین ترجمه ناقص در سال ۱۵۱۵م و اولین ترجمه کامل انگلیسی توسط «الکساندر راس» اسکاتلندی از روی ترجمه فرانسوی قرآن، انجام و در سال ۱۶۴۹م منتشر شد.<sup>۵</sup>

بیش از ششصد سال است که قرآن و آموزه های آن وارد جهان غرب شده و تاکنون بیش از شش ترجمه معروف و معتبر انگلیسی با نثر روان انگلیسی - آمریکایی در غرب به چاپ رسیده است.

۱. همان، ج ۴۵، ص ۷۱.

۲. «هُدًی لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ» (بقره، ۱۸۵).

۳. «وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ» (اسرا، ۸۲۲).

۴. «وَإِنَّكَ لَتَلْقَىٰ الْقُرْآنَ مِن لَّدُنْ حَكِيمٍ عَلِيمٍ» (نمل، ۶۰).

۵. مرتضی اسعدی، کتاب شناسی جهانی قرآن مجید، ۴۰.



- ترجمه جورج سیل (۱۷۳۴م) تا سال ۱۹۸۰م یکصد و پنج مرتبه
- ترجمه رادول (۱۸۶۱م) تا ۱۹۸۰م سی و دو مرتبه
- ترجمه پالمرو (۱۸۸۰م) تا سال ۱۹۸۰م پانزده مرتبه
- ترجمه پیکتال (۱۹۳۰م) تا سال ۱۹۸۰م بیست و چهار بار
- ترجمه ن.ج. داود (۱۹۵۶م)، بعدها انتشارات پنگوئن چاپ کرد؛
- ترجمه آرتور آبربی (۱۹۵۵م)، بارها در ایران و اروپا چاپ شد.

تفکرات اندیشمندان غربی پیش از رنسانس نظیر اگوستین (Agostin)، آکویناس (Akuueinas) نسبت به اندیشه‌های دانشمندان دوران رنسانس بسیار متفاوت بود به طوری که تأکید متفکران دوره رنسانس بیشتر بر نفی کلیسا، مذهب و حتی امور اخلاق بود تا جایی که وقتی نوبت به نیچه رسید با این جمله که «خدا مرده است»<sup>۱</sup> مرگ خدای مسیحیت را اعلام کرد.

تفکرها و ژرف‌نگری‌ها پیرامون قرآن از این زمان آغاز شد و به سرعت رشد یافت و در پی آن، گرایشی از دین‌شناسی با نام اسلام‌شناسی - ابتدا به صورت نظریه‌پردازی و بعد آکادمیک - روی کار آمد<sup>۲</sup> و به دنبال آن نظرها و عقاید قابل توجهی از آموزه‌های قرآن به دست آمد.

در ادامه به قضاوت چند تن از اندیشمندان غربی می‌پردازیم:

### دکتر جرئیه فرانسوی

«من تمام آیه‌های قرآن را که در زمینه علوم طبیعی، بهداشت و طب بودند، مطالعه کردم و آن‌ها را مطابق دقیق‌ترین قانون‌های علوم طبیعی و پیچیده‌ترین اصول ثابت شده علوم عقلی دیدم و یقین کردم که هزار سال قبل جز خدا، هیچ‌کسی بر روی زمین، از آن قوانین و اصول آگاه نبود، پس به حقانیت و خدایی بودن چنین کتابی ایمان آوردم.»<sup>۳</sup>

۱. مجموعه مقالات غرب و غرب‌شناسی، تهران، صدا و سیما، ۴۹.

۲. سید محمد باقر حجتی، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، ۱۰۹.

۳. راتلج، ادیان جدید در دیدگاه‌های جهانی، ۱۹۳.



### موریس بوکای

دانشمند فرانسوی که با دیدن معجزه‌ای مسلمان شد و کتابی با عنوان «مقایسه‌ای بین تورات، انجیل، قرآن و علم» نوشت.<sup>۱</sup>

«بررسی کامل عینی و بی‌طرفانه قرآن در پرتو دانش نو، ما را به درک توافق بین این دو (قرآن و علم) رهنمون می‌کند و این حقیقت را نیز روشن می‌سازد که در زمان محمد، نه او نه هیچ انسان دیگری، نمی‌توانست چنین مطالب شگفت‌انگیزی را که مطابق علم امروز است به رشته تحریر درآورد.»<sup>۲</sup>

### پروفسور هانری کربن (فیلسوف معاصر فرانسوی)<sup>۳</sup>

«اگر اندیشه‌های محمد، خرافی بود یا اگر او پیامبر خدا نبود، هیچ‌گاه جرئت نمی‌کرد حرفی از علم به میان آورد و بشر را به علم دعوت کند.»<sup>۴</sup>

اگر قرآن را کتاب نور و معنویت و هدایت دیدیم طبیعتاً عاشق قرآن خواهیم شد و ارتباطمان را با آن روزه‌روز بیشتر خواهیم کرد.

### عشق به قرآن در سیره امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام عاشق قرآن بود و در تمام مسیر حرکت به سمت کربلا بارها و بارها دیده شد که با سوزدل و اشک چشم قرآن می‌خواند و این انس با قرآن تا لحظات آخر عمر امام قطع نشد.

ابن عساکر از یزید الرشک، از شخصی که با امام حسین علیه السلام گفتگو داشت، نقل کرده است: (در منزل ثعلبیه) چشمم به چادرهایی افتاد که در بیابان

1. <https://maref.ir/speeches/273/>

۲. جان نبرو، نظریه دانشمندان جهان درباره قرآن و محمد، ۳۲؛ مطالعات قرآنی، ۲۵۱.

۳. هانری کربن، فیلسوف، شیعه‌شناس و ایران‌شناس فرانسوی از برجسته‌ترین مفسر غربی حکمت معنوی ایران و فلسفه شیعی این سرزمین خوانده شده است.

کربن که تحصیلات خود را در فلسفه‌های اروپایی و مسیحی آغاز کرده بود با آشنایی با فلسفه اشراق به حکمت و فلسفه اسلامی، به‌خصوص فلسفه شیعی ایرانی علاقه‌مند شد. او برای گسترش مطالعات خود در این زمینه، به مدت بیست سال، بخشی از سال را در ایران ساکن بود و در دانشگاه تهران تدریس و با علامه طباطبایی و دیگر اندیشمندان مسلمان ایرانی گفتگو می‌کرد. او به جایگاه امام و ولایت در آموزه‌های شیعی و خصوصاً امام زمان علیه السلام علاقه‌مند بود.

4. <http://www.quranstudies.ir/content>



برپا شده بود. پرسیدم: این چادرها از آن کیست؟ گفتند: امام حسین علیه السلام. پس به نزد او آمدم و او را پیرمردی یافتم که مشغول تلاوت قرآن بود و اشک از چشمانش بر گونه‌ها و محاسنش سرازیر بود. عرض کردم: پدر و مادرم به فدایت ای فرزند رسول خدا! برای چه به اینجا آمده‌ای و بیابانی که هیچ‌کس در آن یافت نمی‌شود، چه می‌کنی؟

فرمود: این نامه‌های اهل کوفه است که به من نوشته‌اند و نمی‌بینم مگر آنکه همان‌ها قاتل من هستند. پس اگر چنین کردند، هیچ حرمتی برای خدا نبوده مگر آنکه دریده باشند و خداوند در برابر این همه بی‌حرمتی از آن‌ها کسی را بر آنان مسلط خواهد کرد که خوار و ذلیلشان کند.

### تعریف ما از فرزند چیست؟

فرزند را موجودی هزینه‌ساز، محدودکننده خوشی‌ها و... می‌دانیم که در این صورت از فرزندآوری فراری و این اقدام را حماقت می‌نامیم یا فرزند را عامل برکت در زندگی آن چنانکه خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿لَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِنْ إِمْلَاقٍ نَحْنُ نَرْزُقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ﴾<sup>۱</sup> (فرزندانتان را از ترس گرسنگی نکشید، ما به شما و آن‌ها روزی می‌دهیم).

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد فرمودند: «بَيْتٌ لَا صَبِيَانَ فِيهِ لَا بَرَكَةَ فِيهِ»<sup>۲</sup> (علاوه بر اینکه فرزند، روزی خود را می‌آورد حتی روزی والدین را هم افزایش می‌دهد).

یا فرزند را مایه آبروی اجتماعی می‌دانیم آن‌گونه که خداوند می‌فرماید: ﴿الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمْلًا﴾<sup>۳</sup> (مال و فرزندان، آرایش و زیور زندگی دنیا هستند، ولی اعمال شایسته پایدار نزد پروردگارت از جهت پاداش بهتر و از لحاظ امید داشتن به آن‌ها نیکوتر است).

۱. انعام، ۱۵۱.

۲. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۴.

۳. کهف، ۴۶.



یا فرزند را عامل آرامش می‌دانید آن چنانکه پیامبر ﷺ فرمود: «أَطْبُوا  
الْوَلَدَ وَالتَّمْسُوهُ؛ فَإِنَّهُ قُوَّةُ الْعَيْنِ وَرِيحَانَةُ الْقَلْبِ»<sup>۱</sup>

### تعریف ما از ایران چیست؟

آیا ایران اسلامی را کشوری عقب‌مانده، ضعیف و مفلوک، غمگین و افسرده، بی‌اخلاق و سرشار از محدودیت می‌بینیم؟ طبیعتاً این تعریف باعث می‌شود احساس ما به این کشور منفی باشد و با حس تنفر، این کشور را زندانی جهنمی بدانیم و تمام تلاشمان این باشد که از این کشور مهاجرت کنیم یا این کشور را کشوری پیشرفته، قوی و مقتدر، آزاد و دموکراتیک و بستر ساز معنویت می‌دانیم؟

### پیشرفت علمی ایران در آئینه آمار بین‌المللی

موتور پیشران حرکت علمی کشور در دو دهه گذشته با محوریت پژوهش، با سرعت بسیار بالایی به حرکت درآمده است به طوری که به اذعان پایگاه‌های علمی معتبر بین‌المللی در سال ۲۰۱۰م رشد علمی ایران بالاتر از همه کشورها بوده است. بنا بر گزارش پایگاه علمی «نیوساینست» ایران در سال ۲۰۱۰م بیشترین سرعت رشد را در زمینه تولیدات علمی در میان تمامی کشورهای دنیا از آن خود کرد. طبق این گزارش، سرعت رشد علمی ایران، یازده برابر متوسط جهانی است.<sup>۲</sup>

ایران چه در ابتدای انقلاب و چه امروز، یک درصد جمعیت کل دنیا را دارا بوده است و به طور منطقی باید یک درصد از مقالات دنیا را تولید کند در حالی که در سال ۱۹۷۹م (۱۳۵۷ ش)، سهم ایران از تولید علم دنیا، حدود یک دهم درصد بوده است؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی تا اواسط دهه ۷۰ شمسی توقف در مرحله آموزش محوری به پایان رسید و رستاخیز علمی کشور در پژوهش و تولید علم آغاز شد و در حال حاضر به دودرصد از تولید

۱. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۴۸۰.

۲. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<https://www.newscientist.com/article/dn18546.iranshowing.fastest.scientific.growth.of.any.country/>





علم دنیا رسیده است؛ یعنی امروز سهم ما از تولید علم دنیا نزدیک به دو برابر سهم ما از جمعیت دنیاست.<sup>۱</sup>

### ارتقای علمی ۳۷ پله‌ای ایران در بیست سال اخیر

براساس نتایجی که پایگاه استنادی اسکوپوس (Scopus) منتشر کرده است رتبه ایران در تولیدات علمی جهان، از ۵۳ به ۱۵ ارتقا پیدا کرده است. همچنین رتبه ایران در زمینه تولید علم در منطقه، از رتبه پنجم در سال ۱۹۹۶م به رتبه نخست در سال ۲۰۱۹م ارتقا یافته است.<sup>۲</sup>

جمهوری اسلامی ایران در تمامی رشته‌های علمی رشد خیره‌کننده‌ای داشته که در ادامه، رشد علمی ایران در رشته‌های مختلف را بررسی می‌کنیم:

در علوم نانو، رتبه ایران از رتبه ۵۹ در سال ۱۹۹۶م به رتبه ۱۶ در جهان ارتقا پیدا کرده است. در علوم داروسازی، رتبه ایران از ۴۹ به ۱۶ در جهان، در علوم هسته‌ای از رتبه ۸۶ به ۱۱، در علوم هوا فضا از رتبه ۴۶ به ۱۱، در علوم فیزیک از رتبه ۵۶ به ۱۴، در علوم ریاضی از رتبه ۴۷ به ۱۲،<sup>۳</sup> ارتقا پیدا کرده است. همچنین جمهوری اسلامی ایران موفق شده است رتبه دوم پژوهش در زمینه سلول‌های بنیادی را پس از آمریکا از آن خود کند.

### شبهه

ممکن است سؤال شود این پیشرفت علمی در اقتصاد ما چقدر مؤثر بوده است؟

پاسخ این است که اقتصاد دانش بنیان<sup>۴</sup> می‌تواند به کمک اقتصاد نفتی کشور آمده و نقش علم را در اقتصاد کشور افزایش دهد. امروز بیش از

۱. محمدحسین راجی، اصول اقتدار، ص ۱۹.

۲. همان، ص ۲۰.

3. <https://www.scimagojr.com/countryrank.php?area=2600&year=2020>.

۴. به‌طور کلی منظور از اکوسیستم اقتصاد دانش بنیان، مجموعه تدابیر و سیاست‌های مدیریتی است که در اقتصاد دانش بنیان (اقتصادی که بر پایه تولید ثروت از علم پیش می‌رود و نه از طریق خام‌فروشی سرمایه‌های ملی مثل نفت) از همه جوانب لحاظ و پیاده‌سازی می‌شود.



۵۵۰۰ شرکت دانش بنیان توسط جوانان ما در کشور تأسیس شده است که فروش محصولات این شرکت‌ها در سال ۱۳۹۸ معادل ۱۲۰ هزار میلیارد تومان یعنی حدود یک درصد از تولید ناخالص داخلی کشور بود؛ البته این میزان با مقدار مطلوب فاصله دارد و ما باید بتوانیم سهم اقتصاد دانش بنیان را در اقتصاد کشور به مراتب افزایش دهیم؛ اما همین میزان رشد نیز در سال‌های اخیر، رشدی نجومی است.<sup>۱</sup>

بیش از چهل فقره از این شرکت‌های دانش بنیان در بورس عرضه شده‌اند و سهام یکی از این شرکت‌ها به میزان چهل هزار میلیارد تومان ارزش گذاری شده است.<sup>۲</sup>

مکنزی، یکی از معتبرترین بنگاه‌های مشاوره مدیریت در جهان است که در گزارشی با عنوان «ایران؛ فرصت رشد هزار میلیارد دلاری؟» منتشر شده در سال ۲۰۱۶م به فرصت‌های پیش روی اقتصاد ایران در سال‌های آینده می‌پردازد و اقتصاد متنوع، نظام آموزشی قوی و فرهنگ ریشه‌دار کارآفرینی را از جمله نقاط قوت ایران می‌داند که می‌تواند به شکوفایی هرچه بیشتر اقتصاد کشور کمک کند. در این گزارش آمده است: «ایران یکی از بالاترین نرخ‌های مشارکت در تحصیلات دانشگاهی در جهان، بالاتر از انگلستان، فرانسه و آلمان را دارد و یک سوم فارغ التحصیلان این کشور، مدارک مرتبط با مهندسی دریافت می‌کنند. این موضوع باعث شده است که ایران یکی از پنج کشور برتر جهان، از نظر تعداد دانشجویان و دانش‌آموختگان سالانه در رشته‌های مهندسی باشد که تقریباً هم‌تراز با آمریکا و بالاتر از ژاپن و کره جنوبی قرار می‌گیرد. سواد فنی یکی از عوامل قدرتمندی است که می‌تواند پیش‌ران بهره‌وری و اشتغال باشد.»<sup>۳</sup>

۱. محمد حسین راجی، اصول اقتدار، ص ۲۰.

۲. همان.

۳. «۴۰ سال علم، فناوری و نوآوری»، معاونت علمی و فناوری ریاست جمهوری، انتشارات دانش بنیان فناوری، تهران، ۱۳۹۷، ص ۴۱.



## موانع موجود بر سر راه پیشرفت علمی کشور

پیشرفت‌های صورت گرفته و ظرفیت‌های ایجاد شده در عرصه علم و فناوری کشور، با وجود مشکلات و توطئه‌های بین‌المللی بسیاری است که از سوی دشمنان انقلاب اسلامی بر ما وارد شده است. در ادامه به مواردی از این تحریم‌های علمی اشاره می‌کنیم:

- بحران هسته‌ای؛
- اخراج و ممانعت از تحصیل دانشجویان ایرانی در کشورهای غربی؛
- تحریم دانشمندان و دانشگاه‌های ایرانی؛
- جلوگیری از چاپ مقالات ایرانی در مجلات علمی غرب؛
- جلوگیری از انتقال فناوری و تجهیزات به ایران؛
- حذف فیزیکی دانشمندان ایرانی؛
- ممانعت از دریافت خدمات رایانه‌ای و اینترنتی؛
- نفوذ و ترویج علوم انسانی غربی و الحادی در دانشگاه‌های ایران؛
- خرید استارت‌آپ‌های ایرانی توسط سرمایه‌داران چندملیتی؛
- تلاش برای فراری دادن استعدادها از ایران.

دکتر رضا روستا آزاد، از رؤسای سابق دانشگاه صنعتی شریف، در بیان تحریم‌های علمی تحمیل شده بر جامعه علمی ما به نمونه‌های متعددی اشاره می‌کند که تنها یکی از آن‌ها را ذکر می‌کنیم:

«درمورد خرید تجهیزات، یادم می‌آید که شرکت نفت هزینه خرید یک دستگاه را به ما پرداخت. ما سفارش خرید آن را به کشور کانادا دادیم. حتی این دستگاه ساخته شد، اما سفارت کانادا به ما ویزا نمی‌داد که برویم و دستگاه را تحویل بگیریم. به همین خاطر ما یک پروژه برای ساخت این کالا تعریف کردیم و خوشبختانه توانستیم دستگاهی را که حدود ۶۰۰ میلیون تومان قیمتش بود با ۴۰ میلیون تومان بسازیم.»<sup>۱</sup>



1. <https://farsi.khamenei.ir/others-dialog?id=24116>.

یکی از مدیران ارشد شرکت صنایع الکترونیک ایران می‌گوید: «چه‌ل‌وسومین کشور از کشورهای دارای ماهواره بودیم. فعالیت ماهواره‌ای مان را با هند شروع کردیم؛ اما با دخالت رژیم صهیونیستی به نتیجه نرسید و هند کنار کشید. بعد از آن با روسیه همراه شدیم؛ یک همراهی پراز تحقیر. زمانی که ما حتی آرزو داشتیم ماهواره را از نزدیک ببینیم، روس‌ها مدل مهندسی ماهواره را از فاصله چندمتری نشانمان دادند که نکند ما با لمس ماهواره آنان به جنس و ساختمان اجزایش پی ببریم.

مشاور خارجی هم که ممنوع بود؛ چون هدف این بود که ماهواره را بومی طراحی کنیم و در کنار این، خارجی‌ها زمان انجام کار را خیلی طولانی می‌کردند. به صداقتش آن‌هم اعتماد نداشتیم و این بود که فهمیدیم باید روی پای خودمان بایستیم.»<sup>۱</sup>

### ایران کشوری آزاد و دموکراتیک

حوزه آزادی: در ایران مانند کشورهای غربی آزادی وجود ندارد! کشورهای مدعی آزادی، هرگاه تاج و تخت خود را در خطر ببینند معنای آزادی را عوض کرده و به بدترین صورت با مخالفان برخورد می‌کنند. ابتدا چند نمونه از آزادی‌های در غرب را اشاره می‌کنیم:

- کانادا یک نوع سیب زمینی سرخ‌کرده که تلفظ اسمش شبیه به نام رئیس جمهور روسیه یعنی «پوتین» بود را تا اطلاع بعدی از منو برداشت.<sup>۲</sup>
- نیوزویک: به دلیل اینکه بنگلادش در سازمان ملل علیه روسیه رأی نداده است، لیتوانی اهدای نیم میلیون واکسن به این کشور را لغو کرد.<sup>۳</sup>

۱. میلاد حبیبی و پژمان عرب، امواج اراده‌ها (گوشه‌ای از اراده و توان ایرانی به سمت خودکفایی و پیشرفت)، ص ۲۶۷.

2. <https://www.theguardian.com/world/2022/mar/06/poutine-not-putin-classic-quebec-dish-under-fire-in-france>

3. <https://www.newsweek.com/vaccine-delivery-canceled-country-that-did-not-con-demn-russia-1685561>



● مردی که رد لاستیک اتومبیلش را روی پرچم همجنس‌بازان نقاشی شده کف تقاطع انداخته بود به ۵ سال حبس و ۵۰۰۰ دلار جریمه محکوم شد.<sup>۱</sup>

برای مثال در کشور ترکیه در سال ۲۰۱۶ کودتای نافرجامی اتفاق افتاد. دولت وقت ترکیه پس از کودتا، ۳۰ استاندار (از مجموع ۸۱ استان)، ۲۷۴۵ قاضی و دادستان (توأم با ضبط دارایی نقدی، خانه و املاک ایشان به نفع دولت)، ۱۷۵۵ رئیس و معاون رئیس دانشگاه، ۴۹۲ نفر از کانون مذاهب، ۳۰۰ کارمند وزارت امور اجتماعی، ۲۷۵ کارمند دفتر ریاست جمهوری، ۲۵۴ کارمند وزارت ورزش و جوانان، ۱۸۴ کارمند وزارت اقتصاد، ۱۸۰ کارمند اطلاعاتی، ۲۱۷۰ معلم غیردولتی، ۱۵۲۰ معلم و کارمند وزارت فرهنگ، ۱۳۰۰ کارمند وزارت کار و ۹۰۰۰ کارمند وزارت کشور را اخراج و تمامی آکادمیسین‌ها را تا اطلاع بعدی، ممنوع‌الخروج اعلام کرد.

دولت ترکیه تا ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶، بیش از ۱۸۰۰۰ نفر را دستگیر و زندانی کرد که از این تعداد ۷۵۰۰ نفر ارتشی و ۱۴۰ نفر قاضی دیوان عالی کشور هستند. در ۲۶ ژوئیه ۲۰۱۶، دولت حکم جلب و حبس ۴۲ روزنامه‌نگار معروف را صادر کرد. همچنین دولت ترکیه تا ۲۹ ژوئیه ۲۰۱۶، گذرنامه بیش از ۵۰۰۰۰ نفر را باطل کرد تا نتوانند کشور را ترک کنند.<sup>۲</sup>

حال این حجم از آزادی را در کشور خودمان مقایسه کنیم: جمهوری اسلامی ایران در برخورد با فتنه‌گران فتنه ۸۸ چه کرد؟ جمهوری اسلامی به پیروی از مکتب امیرالمؤمنین علیه السلام که در جنگ جمل، یکی از سران فتنه را که در مقابل امام ایستاده بود، مورد عفو قرار دادند، تنها اقدامی که برای سران فتنه در نظر گرفت، حصر خانگی بود. سعه صدر بی‌نظیر جمهوری اسلامی تا بدانجا پیش رفت که بسیاری از کسانی که در سال ۸۸ از فتنه حمایت کردند، چهار سال بعد مهم‌ترین پست‌های حکومتی را در

1. <https://www.palmbeachpost.com/story/news/crime/2022/03/02/man-who-defaced-lgbtq-pride-intersection-crosswalk-delray-beach-faces-fine-prison-time/6979888001/>

2. <https://www.rferl.org/a/turkey-failed-coup-just-latest-crisis-with-west/27920722.html>



جمهوری اسلامی به دست گرفتند.

### آزادی اقلیت‌های دینی

جمهوری اسلامی اگر واقعاً اسلامی است چرا به اقلیت‌های دینی آزادی نمی‌دهد؟

نظام جمهوری اسلامی ایران با الهام از آموزه‌ها و تعالیم حیات بخش اسلام، اهمیت و جایگاه ویژه‌ای در احترام و رعایت حقوق اقلیت‌های مذهبی قائل بوده و این مهم با مراجعه به اصول قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و سایر قوانین عادی و عملکردها و اقدامات نظام اسلامی بعد از پیروزی انقلاب، در قبال این دسته از هم‌وطنانمان به خوبی قابل اثبات است. «یونان بت‌کلیا» نماینده آشوری‌ها و کلدانی‌ها در دوره هفتم، هشتم و نهم مجلس شورای اسلامی، می‌گوید: اگر نسبت جمعیت یک دین را به نمایندگان در نظر بگیریم، باید بگوییم ما چند برابر مسلمانان در مجلس نماینده داریم و داشتن این حق برای ما با ارزش است و دیدگاه نظام جمهوری اسلامی همواره در قبال اقلیت‌های دینی و مذهبی بسیار مثبت و احترام‌آمیز بوده و حق مشارکت ما در برنامه‌های فرهنگی- اجتماعی همواره فراهم شده است...<sup>۱</sup>

یهوداگرایی، خاخام ارشد یهودیان ایران گفت: ما آزادی عقیده کامل داریم. تمامی کنیسه‌ها (عبادتگاه یهودیان) باز بوده و آموزش‌های تورات در آنجا صورت می‌پذیرد. ما تمامی انواع مؤسسات آموزشی، از جمله ابتدایی و متوسطه را داریم. فعالیت‌های مذهبی یهودیان در ایران به صورت آزادانه و بدون هرگونه محدودیت صورت می‌گیرد. همسایگان مسلمان ما احترام زیادی به ما به عنوان یهودیانی که در ایران زندگی می‌کنند قائل هستند. برخلاف اروپا، در ایران نیازی به حضور نیروهای امنیتی برای حفاظت از کنیسه‌ها و مدارس یهودی وجود ندارد و امنیت شخصی ما عالی است.<sup>۲</sup>

۱. روزنامه جام جم، ۱۳۸۴/۱۱/۹، ص ۹.

2. <http://humanrights.iran.ir/news78281.aspx>



میزان احترام جمهوری اسلامی و مردم مسلمان به سایر ادیان تا بدانجاست که در زمانی که آمریکا، اتهام نقض حقوق یهودیان و نحوه غیرقانونی محاکمه آن‌ها را بر ایران وارد می‌کرد، خاخام‌های یهودی وابسته به گروه «نتوریا کارتا» - که در آمریکا مستقرند - پس از بازدید دوهفته‌ای خود از ایران، در بازگشت به نیویورک در کنفرانسی خبری از مقامات ایران به‌علت مهمان‌نوازی از جامعه یهودیان ایران تشکر و تأکید کردند که در دیدار با اقشار مختلف، شاهد بوده‌اند که یهودیان ایران نسبت به یهودیان سایر کشورها، از وضع بهتری برخوردارند و جوسازی رسانه‌ها درباره وضع یهودیان ایران، بی‌مورد و سیاسی است.<sup>۱</sup> این در حالی است که سایر مسلمانان جهان - که در کشورهای مسیحی‌نشین و... زندگی می‌کنند - نه تنها از حقوق اجتماعی یکسان با سایر شهروندان آن کشورها برخوردار نیستند، حتی حق داشتن نماینده در مجالس قانون‌گذاری و... را ندارند، بلکه معمولاً مورد خشونت و آزار واقع شده و حتی از عمل به تعالیم مذهبی خویش نیز منع می‌شوند، مانند مسئله حجاب در فرانسه و یا اعمال خشونت شدید نسبت به مسلمانان در آمریکا و...

### ایران و مردم‌سالاری

در نظام اسلامی، رأی، خواسته و عواطف مردم، تأثیر اصلی را دارد و نظام اسلامی بدون رأی و خواست مردم تحقق نمی‌یابد. ایران هیچ‌زمان از این مهم کوتاه نیامده است و همواره مردم با آراء خود نقش اصلی را در تحقق و تثبیت نظام اسلامی ایفا کرده‌اند.

- یکی از مهم‌ترین نمونه‌های سلامت انتخابات، رأی آوردن افراد در دولتی مخالف تفکرات خودشان است. مثلاً رأی آوردن آقای احمدی‌نژاد در دولت آقای خاتمی و رأی آوردن آقای روحانی در دولت آقای احمدی‌نژاد. تاریخ شاهد است که نظرسنجی‌ها و رسانه‌های داخلی و حتی خارجی گزینه دیگری را تحت عنوان گزینه انتخاب نظام معرفی می‌کردند، اما

۱. حمید عبادی، چالش‌های ایران و آمریکا، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ص ۱۳۸۱.



درنهایت شخصی کاملاً متفاوت و مخالف آن جریان رأی می‌آورد.

● به‌عنوان مثال در سال ۷۶ می‌گفتند نظر نظام، آقای ناطق نوری است؛ اما درنهایت آقای خاتمی رئیس جمهور شد و یا در سال ۹۲ می‌گفتند نظام، آقایان جلیلی یا قالیباف را از صندوق درمی‌آورد؛ اما درنهایت آقای روحانی رئیس جمهور شد.

نظام جمهوری اسلامی ایران یک‌بار خودش را در معرض فراندوم گذاشت؛ کاری که هیچ نظامی در دنیا انجام نداده است که اصل خود را به رأی مردم بگذارد.

### ایران مقتدر

در عرف بین‌الملل مظاهر اقتدار کشورها و حکومت‌ها معمولاً هفت مؤلفه است:

۱. نظامی
۲. امنیت داخلی
۳. تأثیرگذاری بر تحولات بین‌المللی
۴. علم
۵. اقتصاد
۶. فرهنگ
۷. نیروی انسانی

#### ۱- نظامی

یکی از مؤلفه‌های قدرت هر کشور، توان نظامی آن کشور است. چه نیروی انسانی چه تجهیزات نظامی!

از نظر نیروی انسانی، سپاه و ارتش ایران چه از جهت توان فکری و نظامی، چه از لحاظ انگیزه ایستادگی، مقاومت و مقابله با دشمن، دارای توان بی‌نظیری است. نیروهای نظامی ما اعتقاد دارند که اگر در کارزاری موفق شوند، پیروز شده‌اند و اگر کشته شوند، بازهم پیروز شده‌اند؛ زیرا جان‌فشانی در راه وطن و آرمان‌های الهی را شهادت می‌دانند؛ بنابراین





هیچ‌گاه به کشور خود پشت و عقب‌نشینی نمی‌کنند.

کشور ایران از جهت توان نظامی و تجهیزات نظامی در شرایط بسیار خوب و بازدارنده‌ای قرار دارد، این در حالی است که ایران جزو کشورهای است که بودجه نظامی پایینی دارد. به‌عنوان مثال، بودجه نظامی عربستان ۵۰ میلیارد دلار و دو کشور ژاپن و آلمان - گفته شده ارتش ندارند - ۴۸ میلیارد دلار است؛ بودجه نظامی آمریکا نیز ۷۹۶ (نزدیک به ۸۰۰) میلیارد دلار است؛ در صورتی که بودجه نظامی ایران ۱۲ تا ۱۶ میلیارد دلار است! این مبلغ تمام پولی است که به امور نظامی تعلق می‌گیرد!

از طرف دیگر، امور نظامی را باید از نظر قدرت نظامی سنجید. برخی معتقدند آمریکا می‌تواند ایران را با یک بمب نابود کند. سوالی که پیش می‌آید این است که اگر می‌تواند با یک بمب نابودمان کند، چرا تا به حال این کار را نکرده است؟ پاسخ آن است که آمریکا به ایران حمله نظامی کرده است.

### حمله آمریکا به ایران

آمریکا در سال ۲۰۰۲ میلادی مستقیماً به جمهوری اسلامی حمله کرد. بعد از ماجرای برج‌های دوقلو در ۱۱ سپتامبر، جرج بوش در سخنرانی خود اذعان کرد که ما به چند کشور حمله خواهیم کرد که محور شرارت آن‌ها ایران است. برای حمله به افغانستان و عراق اختلاف مهمی در آمریکا نبود؛ اما زمان حمله به ایران اختلاف نظر پیش آمد، گروهی معتقد بودند که ایران مثل افغانستان و عراق نیست و به حمله پاسخ خواهد داد؛ گروه دیگر قائل بر این بودند که باید به ایران حمله کرده و غائله را ختم کرد.

آمریکا برای پیش‌بینی نتیجه این حمله، رزمایشی با عنوان «رزمایش چالش هزاره ۲۰۰۲»<sup>۲</sup> ترتیب داد که نتیجه آن محرمانه اعلام شد. پس از ۱۵ سال اسناد این رزمایش، فاش و مصاحبه‌هایی با فرماندهان این رزمایش صورت گرفت.

۱. محمد حسین راجی، اصول اقتدار، ص ۵.



این رزمایش پرهزینه‌ترین رزمایش تاریخ آمریکا بود. یک رزمایش مهم (احتمالاً بزرگ‌ترین، گران‌ترین و پیچیده‌ترین رزمایش از نوع خود در تاریخ)<sup>۱</sup> که توسط نیروهای مسلح آمریکا در میانه سال ۲۰۰۲ اجرا شد. این تمرین از ۲۴ ژوئیه تا ۱۵ آگوست در حال برگزاری بود و ۲۵۰ میلیون دلار هزینه داشت.<sup>۲</sup> نیمی از این رزمایش واقعی و نیمه دیگر آن با هوش مصنوعی و امثال آن شبیه‌سازی شده بود. افراد این رزمایش به دو گروه ایران و آمریکا با رنگ‌های قرمز و آبی تقسیم شده بودند؛ بدین صورت که هر دو طرف، تجهیزات خود را به خلیج فارس آوردند و جنگ صورت گرفت. نتیجه جنگ چه بود که محرمانه اعلام شد؟

در این شبیه‌سازی، ایالات متحده آمریکا تحت عنوان «آبی» به نبرد با دشمن فرضی تحت عنوان «قرمز»، یعنی ایران می‌رفت.<sup>۳</sup> مراحل آماده‌سازی مقدمات اجرای این رزمایش، حدود دو سال به طول انجامید.<sup>۴</sup> هدف اصلی از برگزاری این رزمایش، تمرین رویارویی با ایران در خلیج فارس بود.<sup>۵</sup> در سناریوی رزمایش چالش هزاره ۲۰۰۲، ایران با شلیک تعداد قابل توجهی موشک به تهاجم نظامی آمریکا پاسخ می‌داد که باعث برهم خوردن آرایش نظامی نیروهای آمریکایی و نابودی ۱۶ ناو آمریکایی، شامل یک ناو هواپیمابر، ۱۰ رزم ناو پنج کشتی آمفی‌بی (هواناو) می‌شد. برآوردهایی که پس از این رزمایش به عمل آمد، نشان داد که در صورت وقوع این سناریو به صورت واقعی، بیش از ۲۰ هزار نظامی آمریکایی در روز اول جنگ با ایران کشته خواهند شد.<sup>۶</sup>

1. <https://warontherocks.com/2015/11/millennium-challenge-the-real-story-of-a-corrupted-military-exercise-and-its-legacy/>

2. <https://nationalinterest.org/blog/buzz/2002-us-military-conducted-iran-war-simulation-iran-won-82906>

3. <https://nationalinterest.org/blog/buzz/history-lesson-iran-beat-america-war-game-2002-180016>

4. <https://nationalinterest.org/blog/buzz/2002-us-military-conducted-iran-war-simulation-iran-won-82906>

5. <https://www.globalresearch.ca/video-united-states-war-iran/5700164>

6. FLYNT LEVERETT, HILLARY MANN LEVERET, GOING TO TEHRAN, WHY AMERICA MUST ACCEPT THE ISLAMIC REPUBLIC OF IRAN, p. 80.



این توضیحات مفتخرانه، تجربه عملی- آزمایشی دشمن درجه یک ملت ایران، نسبت به توان ما است؛ البته دشمن از بسیاری از توان‌ها و تجهیزات ما اطلاعی ندارد و با اطلاعات موجود و غیرمحرمانه به شکست رسید.

نکته مهم این است که این رزمایش به سال ۲۰۰۲ میلادی برمی‌گردد! ما در آن دوران تازه موفق به ساخت موشک شهاب ۳ شده بودیم! نه موشک هایپرسونیک که در دنیا فقط چهار کشور آن را دارد! موشک شهاب ۳ اکنون قدیمی به حساب می‌آید! آن زمان موشک‌های فاتح، قدر، سجیل، زلزال، عماد، ذوالفقار، حاج قاسم، موشک رادارگریز، پهپاد، زیردریایی و موشک مربوط به آن، ناوشکن و پدافندهای فوق پیشرفته را نداشتیم و همه این‌ها طی سال‌های بعد از آن تولید شد. باید توجه داشت که ایران در این ۲۰ سال به قدرت بیش‌تری دست یافته است.

## ۲- امنیت داخلی

### وضعیت امنیت داخلی ایران در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی

ایران ۴۰ سال پیش، ناامن‌ترین کشور دنیا بود. در سال ۱۳۶۰ و ۱۳۶۱ چند نفر در ایران ترور شدند؟ در کدام کشور دنیا، رئیس‌جمهور، نخست‌وزیر، عالی‌ترین مقام قضایی، تعداد زیادی از نمایندگان مجلس، وزرا، معاونان وزرا، مغزهای متفکری مانند مطهری و مفتح، استانداران، شهرداران، دهیاران، فرماندهان نظامی و انتظامی، استاد دانشگاه، استاد حوزه، امام جمعه، بقال، کفاش، راننده تاکسی و... ترور شده‌اند؟ این وضع ایران بود.

### وضعیت امنیت داخلی در جمهوری اسلامی

اما الان وضعیت امنیت در داخل جمهوری اسلامی ایران چگونه است؟ «گلوبال تروریسم دیتابیس» (GTD)<sup>۱</sup> سالیانه عملیات‌های تروریستی دنیا را مشخص می‌کند. آمار عملیات‌های تروریستی جهان نشان می‌دهد با وجود قرار گرفتن تمام تروریست‌ها در کنار مرزهای ایران، کشور ما امن‌ترین کشور در ناامن‌ترین نقطه دنیا است.



اگر ایران در حوزه اقتصاد، فرهنگ با سرعت بیش‌تری پیشرفت کند الگوی جامعی برای دنیا خواهد شد. شرح سایر موارد در اینجا نمی‌گنجد.

### جنگ شناختی

باتوجه به آنچه درباره فرایند تولید احساس گفتگو شد و نقش شناخت‌ها در احساس و عواطف لازم است که هوشیار باشیم و بدانیم چه کسی برای ما معرفت‌سازی می‌کند و ریشه شناخت‌های ما کجاست؟

جنگ شناختی پدیده جدیدی نیست، بلکه از ابتدای خلقت آدمی بوده و طی تاریخ نیز جریان داشته است.

### جنگ شناختی در قرآن

ابلیس به‌عنوان ام‌الخبائث و ام‌الشیاطین، نخستین کسی است که از جنگ شناختی برای اهداف شوم خویش بهره برد تا حضرت آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را با خود هم‌دل و همراه کند. از این‌روست که با بهره‌گیری از همه شیوه‌ها و روش‌های جنگ نرم و جنگ شناختی توانست ذهن و قلب آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را به دست گیرد و فکر و رفتار او را با خود هم‌دل و همراه کند.

ابلیس با بیان مطالبی با ریشه‌های حقیقت، چنان ذهن و قلب آدم عَلَيْهِ السَّلَامُ را در دست می‌گیرد که خود در میدان دشمن عمل می‌کند، درحالی‌که گمان می‌کرد این افکار و رفتار از او به نفع اوست، در صورتی‌که علیه خود، فکر و عمل می‌کرد و ریشه اجتماع بهشتی خود و خانواده‌اش را می‌کند و برای شقاوت و رنج خویش از فکر، قدرت، منابع و ثروت خویش هزینه می‌کرد.

ابلیس شیطانی در این جنگ، بینش و نگرش او را تحت تأثیر قرار داد و سبک زندگی او را در مسیری قرار داد که جز شقاوت و نابودی برایش چیزی به دنبال نداشت.

قرآن کریم قصه جنگ شناختی ابلیس علیه حضرت آدم را در آیات ۲۰ تا ۲۲ سوره مبارکه اعراف این‌گونه نقل می‌کند:

﴿فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءِئِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا



عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَنْ تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ ﴿١٠٦﴾ وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِينٌ النَّاصِحِينَ ﴿١٠٧﴾ فَدَلَّيَهُمَا بِعُرْوَتِهَا أَمَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءُهُنَّهَا وَطَفِيفًا يُخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَ الشَّجَرَةِ وَأَقُلْ لَكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُبِينٌ ﴿١٠٨﴾ (شیطان برای اینکه اندام جنسی شان را که برایشان پوشیده مانده بود، نشانشان بدهد \* فوراً با تظاهر به دلسوزی و سوسه‌شانی کرد و گفت: خدا شما را فقط به این انگیزه از این درخت نهی کرد که مبادا با خوردن میوه‌هایش فرشته شوید یا در این باغ ماندنی شوید و برای آن‌ها قسم یاد کرد که من دلسوز شما هستم.)

بالاخره با فریب آن‌ها، از مقامشان پایین کشید: همین‌که از میوه آن درخت چشیدند، اندام جنسی‌شان آشکار شد و شروع کردند به چسباندن برگ درختان باغ به خودشان! خدا خطابشان کرد: «مگر از نزدیک شدن به آن درخت نهی‌تان نکردم و نگفتم که شیطان دشمن علنی شماست.»

تغییر بینش و نگرش در جامعه هدف، اختلال و خطا در دستگاه محاسبات تصمیم‌گیران، اثربخش کردن جنگ اطلاعاتی، ایجاد گسست عاطفی-ادراکی بین توده‌ها و نخبگان با حاکمیت و نهایتاً تضعیف و زوال سرمایه اجتماعی برخی کارویژه‌های جنگ شناختی هستند.

چنین شیوه‌ای را ابلیس در جنگ میان هابیل و قابیل به کار گرفت که خدا در آیاتی از جمله ۲۷ تا ۳۰ سوره مائده به آن اشاره کرده است. البته در جنگ‌هایی شیاطین جنی و انسی با پیامبران و مؤمنان نیز این شیوه، براساس گزارش‌های قرآنی بارها به کار گرفته شده است. شاید بتوان گفت که تاثیرگذارترین آن‌ها تقابلی است که میان امت موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ با خود ایشان ایجاد شد و در جنگ شناختی این سامری، شیطانی است که زمام جامعه را به دست می‌گیرد و حضرت هارون عَلَيْهِ السَّلَامُ خلیفه موسی عَلَيْهِ السَّلَامُ را از حاکمیت ساقط و جامعه ایمانی را به جامعه کفرگوساله پرست می‌کشانند!

باتوجه به گسترش رسانه و فضای مجازی چه در عرصه دسترسی به ابزار



چه در عرصه تولید محتوا، یکی از مهم‌ترین کانال‌های معرفت‌سازی همین فضاست و طبیعتاً دشمنان ما نیز با توجه به همین اهمیت، تمام تلاش خود را برای تغییر معرفت‌های ما با استفاده از این ابزار به کار گرفته‌اند.

ناتو در سال ۲۰۲۰ پنج حوزه جنگی «زمین»، «هوا»، «دریا»، «فضا» و «فضای سایبری» را با دشمنان آمریکا تعریف کرد و اخیراً حوزه جدیدی را به این پنج حوزه افزوده است و با نام‌گذاری آن به «جنگ شناختی» به شدت در آن متمرکز هستند.

از نظر استراتژیست‌های ناتو، ذهن انسان اصلی‌ترین میدان نبرد است. در این میدان از تیر، تفنگ، تانک، موشک و... خبری نیست. خبر، تحلیل، گزارش و... چون فشنگ عمل می‌کند. آن‌ها می‌گویند که باید روی بار معنایی هر کلمه که با اعصاب، روان و مغز حریف سروکار دارد کار کرد؛ لذا در اتاق جنگ آن‌ها، آنچه مطرح است، «طراحی پیام» و اثرگذاری آن در حوزه سیاسی، اجتماعی و حتی نظامی است که حرف اول را می‌زند.

دشمن در این حوزه با به‌کارگیری فضای مجازی حتی در پی آن است تا با تحت تأثیر گذاشتن «ذوق»، «سلیقه»، «فکر» و «مزاج» ما، آن را مدیریت کند.

حوزه‌هایی از نبرد را تعریف کرده‌اند تا حریف را ببرند در زمین «هوسرانی»، «شهوت‌پرستی»، «خودخواهی»، «قدرت‌طلبی»، «جاه‌طلبی»، «ترس» و «واهمه» خاک کنند. در اغتشاشات سال ۱۴۰۱ با همین ابزار توانستند جوانان را به خیابان کشانیده و خسارت‌هایی را به کشور و مردم به بار آورند. در یک عملیات چندماهه ۸۰۰ میلیون محتوا در فضای مجازی تولید شد که محورش ۳۶۰۰۰ خبر دروغ بود.<sup>۱</sup>



## جنگ شناختی در تاریخ

### جنگ شناختی عبیدالله ابن زیاد

عبیدالله طوری القاء کرده بود که گویا امام حسین علیه السلام و یارانش خروج کرده‌اند تا امنیت وحدت امت اسلامی را به مخاطره بیندازند، این مسئله را در گفتگو با مسلم ابن عقیل نیز عنوان کرد. چون مسلم بن عقیل را بر عبیدالله بن زیاد وارد کردند، بر او سلام نکرد. نگهبان به وی گفت: بر امیر، سلام کن. مسلم به او گفت: وای بر تو! ساکت شو! به خدا سوگند که او برای من، امیر نیست.

ابن زیاد گفت: مانعی ندارد. سلام کنی یا نکنی، کشته خواهی شد.

مسلم به وی گفت: اگر مرا بکشی، به راستی که بدتر از تو، بهتر از مرا کشته است و تو هیچ‌گاه بد کشتن و زشت مُثله کردن و بدسرشتی و پیروزی دنائت‌آمیز رازها نخواهی کرد و کسی به این کارها، سزاوارتر از تو نیست.

ابن زیاد به وی گفت: ای نافرمان و ای تفرقه‌افکن! بر امام خویش خروج کردی و اتحاد مسلمانان را برهم زدی و بذرفتنه در میان آن‌ها پاشیدی!

مسلم گفت: دروغ می‌گویی، ای پسر زیاد! همانا معاویه و پسرش یزید، اتحاد مسلمانان را برهم زدند و بذرفتنه را تو پدرت زیاد پسر عبید - که بنده طایفه بنی‌علاج از قبیله ثقیف بود - کاشتید. من امیدوارم خداوند، شهادت را به دست بدترین بندگان، روزی ام گرداند.

ابن زیاد گفت: نُفست، آرزوی چیزی داشت که خداوند آن را از تو دریغ کرد و تو را شایسته آن ندانست و آن را به اهلش سپرد!

مسلم گفت: اهل آن کیست، ای پسر مرجانه؟ ابن زیاد گفت: اهل آن، یزید بن معاویه است. مسلم گفت: ستایش، خدا را! ما به حکمیت خداوند در میان ما و شما، راضی هستیم. ابن زیاد گفت: گمان می‌کنی که در حکومت سهمی داری؟ مسلم گفت: به خدا سوگند، گمان که نه، بلکه یقین دارم.

ابن زیاد گفت: ای مسلم! به من بگو چرا به این شهر آمدی، با اینکه



کارهایشان سازگار بود؛ ولی تو آن را برهم زدی وحدت آنان را درهم شکستی؟

مسلم گفت: برای تفرقه و برهم زدن نظم نیامدم؛ بلکه شما زشتی‌ها را آشکار و خوبی‌ها را دفن کردید، بدون رضایت مردم بر آنان حکومت کردید، آنان را به غیر آنچه خدا دستور داده بود واداشتید و مانند کسرا و قیصر با آنان رفتار کردید. ما آمدیم تا در میان آنان، امر به معروف و نهی از منکر کنیم، به حکم کتاب و سنت فراخوانیم و ما شایسته این امور هستیم، چنانکه پیامبر خدا دستور داد.

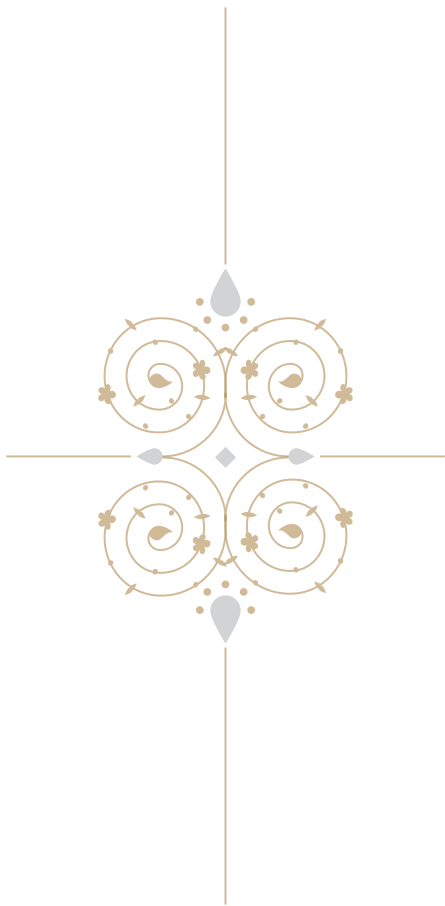
ابن زیاد شروع به دشنام به مسلم و علی و حسن و حسین علیهم السلام کرد!





جلسه دوم

حیات حسینی





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الهی رضایِ قضاءِکَ تسلیماً لأمْرِکَ لا معبودَ سِوَاکَ»<sup>۱</sup>

در گفتار قبل بیان شد که مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه، احساس رضایت است و این احساس به هر میزانی که منطبق بر یک شناخت و درک درست از واقعیت باشد، احساس واقعی و مطلوب و هرچه شناخت ما از واقعیت جعلی و کاذب باشد، احساس شکل گرفته در ما نیز احساس ناشایست خواهد بود.

### الگوهای رضایت

یکی از تفاوت‌های جدی اسلام و غرب، این است که در تفکر غرب به تبیین کلیات بسنده می‌شود و الگوی عینی برای ادعای خود معرفی نمی‌کند، در حالی که در اسلام علاوه بر تبیین شاخص‌ها، الگوهای عینی و کاربردی نیز معرفی می‌شود. پرداختن غرب به الگوهای خیالی و افسانه‌ای نیز به علت وجود خلاء الگوی واقعی است.

### الگوهای غرب

بسیاری از برنامه‌های ماهواره‌ای، مجموعه‌های تلویزیونی و بازی‌های رایانه‌ای تولید غرب، به صورت هدفمند و برنامه‌ریزی شده - که به آسانی

۱. مرتضی مطهری، حماسه حسینی، ج ۱، ص ۱۵۷، به نقل از مقتل الحسین، مقرر، ص ۳۵۷.



در اختیار نوجوانان و جوانان ما قرار می‌گیرد - مهم‌ترین هدف آن ارائه الگوهای شخصیتی و رفتاری برای نسل جدید ما است.

گاه با قهرمان‌سازی در قالب فیلم‌های جذاب «مرد عنکبوتی»، «بن تن» و... آن را تبدیل به الگوهای شخصی می‌کند و گاه با ساخت سریال‌هایی مانند «های اسکول» سعی در الگوسازی رفتاری برای جوانان دارد.

فیلم موزیکال تلویزیونی‌های اسکول (High School) تولید ایالات متحده آمریکا، نام مجموعه‌ای از کمدی‌های موزیکال تلویزیونی رمانتیک برای کودکان و نوجوانان است که با هدف الگوسازی ارتباطی بین جوانان تولید شده است. همان‌گونه که از نام این فیلم پیداست، برای نوجوانان و جوانان رده سنی دبیرستان ساخته شده است.

این مجموعه موزیکال نشان‌دهنده روابط بین نوجوانان دختر و پسر در سنین دبیرستان است تا با عادی‌سازی روابط بین دختر و پسر و استفاده از شوخی‌های رکیک و مستهجن به تولیدات ضدفرهنگی سینمای هالیوود کمک کند. این فیلم حول سه زوج «دوست‌پسر» و «دوست‌دختر» دبیرستانی پیش می‌رود که در واقع ترویج‌دهنده این نوع روابط در سنین دبیرستان است.

### الگوهای اسلام

آنچه به عنوان مزیت نسبی فرهنگ اسلام می‌شود به آن اشاره کرد، وجود الگوهای عینی و کاربردی است که می‌توان آن را در پنج دسته زیر معرفی کرد:

- معصومین (انبیاء و ائمه)
- اولیاءالله غیرمعصوم (حضرت عباس، حضرت زینب، حضرت علی اکبر و...)
- یاران اهل بیت علیهم‌السلام
- علمای شیعه
- شهدا (بالاخص شهدای انقلاب اسلامی)



در روایات اهل بیت علیهم السلام توصیه به الگوگیری از بزرگان شده است.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «لَيْتَأَسَّ صَغِيرُكُمْ بِكَبِيرِكُمْ وَلَيْتَأَفَّ كَبِيرُكُمْ بِصَغِيرِكُمْ»<sup>۱</sup> (باید خردسالان از بزرگسالان پیروی کنند بزرگسالان مهربان باشند).

در تفسیر این فراز نهج البلاغه این طور آمده است که چون کهنسالان از آزمودگی، دانایی و دوراندیشی بیش تری برخوردارند لذا شایسته است سرمشق دیگران قرار گیرند.<sup>۲</sup>

خود قرآن کریم پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را الگو معرفی کرده است: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا»<sup>۳</sup> امام علی علیه السلام در این باره می فرماید: «فَتَأَسَّ بِنَبِيِّكَ الْأُطْيَبِ الْأَظْهَرِ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِنَّ فِيهِ أُسْوَةٌ لِّمَن تَأَسَّى، وَعَزَاءٌ لِّمَن تَعَزَّى - وَأَحَبُّ الْعِبَادِ إِلَى اللَّهِ الْمُتَأَتِي بِنَبِيِّهِ، وَالْمُقْتَصُّ لِأَثَرِهِ»<sup>۴</sup> (پس به پیامبر پاکیزه و پاک صلی الله علیه و آله و سلم خود اقتدا کن که در-رفتار- او خصلتی است آن را که زدودن اندوه خواهد و مایه شکیبایی است برای کسی که شکیبایی طلبد؛ و دوست داشته ترین بندگان نزد خدا کسی است که رفتار پیامبر را سرمشق خود کند و به دنبال او رود.)

در جای دیگر می فرماید: «وَأَقْتَدُوا بِهَدْيِ نَبِيِّكُمْ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ الْهُدَى، وَاشْتَبُوا بِسُنَّتِهِ فَإِنَّهَا أَهْدَى السُّنَنِ»<sup>۵</sup> (و به سیرت پیامبرتان اقتدا کنید که برترین سیرت است و به سنت او بگروید که راهنماترین سنت است.)

امیرالمؤمنین علیه السلام علاوه بر پیامبر، با معرفی فرزندش امام حسین علیه السلام به عنوان الگو، می فرماید: «إِنَّكَ أُسْوَةٌ الْخَلْقِ يَقْتَدُونَ بِكَ أَوْ يَأْتَسِي بِذِكْرِ مُصِيبَتِكَ كُلِّ حَزِينٍ»<sup>۶</sup> (پسرم تو اسوه خلق خواهی شد و همه در نهضت‌ها

۱. ابوالحسن محمد بن الحسین الموسوی (الشریف الرضی)، پیشین، خ ۱۶۶.

۲. میثم بن علی بن میثم البحرانی، شرح نهج البلاغه، ج ۲، ص ۳۱۵.

۳. احزاب، ۲۱.

۴. نهج البلاغه، خ ۱۶.

۵. همان، خ ۱۱۰.

۶. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۶۲.



و مبارزاتشان با ستمگران به تو اقتداء خواهند کرد و هر مصیبت زده‌ای به مصیبت تو تأسی کرده و به یاد تو محزون و اشک بار خواهد شد.)

با مطالعه تاریخ متوجه می‌شویم که این الگوگیری به صورت نسبی تحقق پیدا کرده است، ولی تحقق مطلق آن، نیاز به تبلیغ و ترویج تفکر حسینی و شناساندن آن به جهانیان دارد؛ پس تا به اینجا مشخص شد که مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه، احساس رضایت است و پذیرفتیم که الگوهای دینی ما کامل‌ترین مصادیق حیات طیبه هستند، چه اینکه رضایت از زندگی باثبات در محوریت حرکت، دارای اوج رضایت الهی هستند؛ حال آنکه دشمنان اهل بیت به علت عدم ثبات در محور حرکت (والذین کفروا اولیائهم الطاغوت) امکان رسیدن به رضایت از زندگی را ندارند.

### چگونگی الگوگیری از امامان علیهم‌السلام در هر زمان

موضوع حائز اهمیت در این باب آن است که چگونه می‌توانیم پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان معصوم علیهم‌السلام را - با اینکه عصر آنان گذشته و در زمان ما حضور ندارند و شیوه زندگی و رفتار آن روزگار با اکنون تفاوت فراوان کرده است - الگوی خویش قرار دهیم؟ در پاسخ به این پرسش به دو نکته اساسی باید توجه داشت:

#### نکته اول

ارزش‌های انسانی دارای دو جنبه «ثابت» و دیگری «متغیر» است. چهره ثابت آن، همان جنبه‌ای است که به انسانیت مربوط می‌شود و صورت متغیر آن، قالب و لباسی است که آن ارزش در آن متجلی می‌شود. زمان و تغییر و تبدیل اوضاع، تنها قادر است در مورد دوم اثر گذاشته و آن را متحول کند، ولی اصل و حقیقت آن ارزش، دست‌خوش تغییرات زمانی و مکانی نمی‌شود.

برای مثال «علم‌آموزی» یکی از ارزش‌های والای انسانی و اسلامی است که در عصر پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم و امامان علیهم‌السلام به علت نبود رشته‌های مختلف و متنوع علوم و بسیط بودن نیازمندی‌های بشر، تنها علم دین و برخی دانش‌های



مفید مرسوم آن زمان، مورد تأکید بوده است؛ ولی این بدان معنا نیست که دانش مورد توصیه اسلام، همان‌ها بوده و علوم مفید و مورد نیاز کنونی بشر، مشمول آن نباشند و یا مثلاً «زهد» یکی از ارزش‌های متعالی انسانی است که مورد سفارش اسلام است، ولی این عمل در رفتار معصومان علیهم‌السلام باتوجه به اوضاع و مناسبات اقتصادی و اجتماعی آن روزگار، به صورتی ظهور می‌یافته است که آن صورت برای زمان ما مناسب نیست.

اگر خود آن پیشوایان نور، در عصر ما حضور می‌داشتند و در همین اوضاع و احوال بسر می‌بردند، قطعاً در عمل به این دستور دینی، راهی مطابق با اقتضائات این دوران می‌رفتند و لذا وقتی سخن از ارزش‌های دینی به میان می‌آید و لزوم اقتدا به سیره پاک امامان علیهم‌السلام مورد تأکید قرار می‌گیرد، این بدان معنا نیست که آن اوصاف و حقایق، تنها یک قالب داشته است به صورتی که اگر کسی نخواهد آن را در زمان خود پیاده کند، الزاماً باید از اصل آن صرف‌نظر کند، بلکه همان‌گونه که در مورد برخی مسایل فقهی، اصول ثابت و متغیر وجود دارد، در زمینه موضوعات اخلاقی نیز همین‌گونه است. برای معرفی الگوی دینی به جوانان، این قضیه باید بیش‌تر مورد توجه قرار گیرد.

### نکته دوم

دقت در این امر که هرچند الگوهای اصلی ما در طریق تربیت و کمال انسانی، معصومان علیهم‌السلام هستند، ولی این منافاتی ندارد که در عین حال، انسان رهرو، به الگوهای میانی و کسانی که قسمت عمده‌ای از این راه را رفته و در همان مسیر طی طریق کرده و هم‌زمان با او نیز هستند، توجه داشته و شیوه زندگی و مشی آنان را، سرمشق عمل و رفتار خود قرار دهد.

پیشوایان معصوم ما، عالمان دین باور، متعهد، زمان‌شناس و خداترس هر زمان را، شایسته اقتدا دانسته و آنان را به‌عنوان امین دین و دنیای مردم، الگوهای مناسب و قابل اعتماد، در این خصوص معرفی کرده‌اند!



بنابراین اقتدا به امامان معصوم علیهم السلام در پیروی و سرمشق‌گیری از نمادهای علم و تقوا و تربیت‌یافتگان مکتب قرآن و معارف اهل بیت علیهم السلام در هر زمان تجلی می‌یابد.

برای نمونه، امام خمینی رضوان الله تعالی علیه از شخصیت ممتاز مرحوم شهید مدرس الهام می‌گرفت و شاید بتوان گفت در بین عالمان و بزرگان عرصه دین و سیاست، هیچ‌کس به اندازه آن عالم مجاهد و نستوه در تکوین شخصیت سیاسی و جهادی ایشان، مؤثر نبوده است.

آن بزرگ‌مرد با تمام وجود به مدرس ارادت می‌ورزید و از شخصیت برجسته او تجلیل می‌کرد. ایشان در این باره می‌گویند: «... آن‌ها از مدرس می‌ترسیدند؛ مدرس یک انسان بود. یک نفری نگذاشت پیش برود کارهای او را (رضاخان). یک نفری غلبه می‌کرد بر همه مجلس...»<sup>۱</sup>

و باز می‌فرماید: «... یک آدم اگر موافق تعلیم قرآن درست بشود، یک وقت می‌بینید یک مدرس از کار درمی‌آید...»

### محور رضایت از زندگی در سیره معصومین

در روایتی آمده است که امام محمدباقر علیه السلام به جابر بن عبدالله انصاری فرمود: «کیف تجد حالك» (حالت چه طور است؟) جابر گفت: «انا فی حال الفقر احب الی من الغنی و المرض احب الی من الصحه و الموت احب الی من الحیوه» (من در حالی هستم که فقر نزدم محبوب‌تر از توانگری است، مرض نزدم محبوب‌تر از سلامتی است و مرگ نزدم بهتر از زندگی است).

امام باقر علیه السلام فرمودند: «اما نحن اهل البیت فایر علینا من الفقر و الغنی و المرض و الصحه و الحیاه فهو احب الینا»<sup>۲</sup> (اما ما اهل بیت هرچه از ناحیه خداوند رسد، نزد ما محبوب‌ترین است: فقر یا غنی، مرض یا سلامتی، مرگ یا زندگی).

امیرالمؤمنین در این باره می‌فرمایند: «من رضی من الله بما قسم له استراح

۱. سیدروح‌الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۷، ص ۶۳.

۲. جامع السعادات، ج ۳، ص ۲۸۵.





بدنه»<sup>۱</sup> (هرکه به آنچه قسمت او شده خرسند باشد، تنش می‌آساید). و این رضایت‌مندی در زندگی زمانی به دست می‌آید که از داشته‌ها و نعمت‌هایمان آگاه باشیم. از این‌رو، درک نعمت از امور مهمی است که نیازمند مهارت است. یکی از راه‌های مهم و اثرگذار در شناخت داشته‌های زندگی، مقایسه خود با دیگران است که یا شادکامی و رضایت از زندگی را به همراه دارد یا ناخرسندی و نارضایتی را.

اگر در زندگی مادی وضع خود را با افرادی که از سطح زندگی بالاتری برخوردارند مقایسه کنیم، سطح رضایت از زندگی کاهش می‌یابد؛ ولی اگر وضع خود را با افراد پایین‌تر از خود مقایسه کنیم، سطح خرسندی از زندگی افزایش می‌یابد که «مقایسه افزاینده» نامیده می‌شود. مسئله مهمی که باید به آن پرداخت، چگونگی کارکرد روانی مقایسه خود با دیگران است. مقایسه با پایین‌تر از خود توهم‌زانیست، بلکه نقاط مثبت و امیدوارکننده زندگی را که در سایه سیاه مقایسه با مرفهان از دیده‌ها پنهان شده است، هویدا و موجب رضامندی می‌شود.<sup>۲</sup>

مطالعه سیره و سخن رسول خدا ﷺ نشان می‌دهد که آن حضرت به این موضوع بسیار اهمیت می‌دادند. در یکی از کلمات گهربار ایشان به هر دو جنبه مقایسه صعودی و نزولی و نقش آن در کاهش یا افزایش رضامندی پرداخته شده است.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «خَصَلَتَانِ مَنِ كَاتَتَا فِيهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا وَمَنْ لَمْ يَكُونَا فِيهِ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا مَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ فَوْقَهُ فَاقْتَدَى بِهِ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ دُونَهُ فَحَمَدَ اللَّهُ عَلَى مَا فَضَّلَهُ عَلَيْهِ بِهِ عَلَيْهِ كَتَبَهُ اللَّهُ شَاكِرًا صَابِرًا. وَمَنْ نَظَرَ فِي دِينِهِ إِلَى مَنْ هُوَ دُونَهُ وَنَظَرَ فِي دُنْيَاهُ إِلَى مَنْ هُوَ فَوْقَهُ فَأَسِيفَ عَلَى مَا فَاتَهُ مِنْهُ لَمْ يَكْتُبْهُ اللَّهُ شَاكِرًا وَلَا صَابِرًا»<sup>۳</sup> (دویژگی است که در هرکس باشد، خداوند او را به‌عنوان شکرگزار و بردبار می‌نویسد و در هرکس

۱. بحار الانوار، ج ۶۸، ص ۱۳۹.

۲. عباس پسندیده، شادکامی از دیدگاه پیامبر اعظم، ۱۳۹۲.

۳. سنن الترمذی، ج ۴، ص ۷۴، ح ۲۶۳۰.



نباشد، خداوند او را نه به عنوان شکرگزار می نویسد و نه به عنوان بردبار: کسی که در دینش به بالادست خود نگاه کند و در دنیایش به پایین دست خود بنگرد و خدا را به خاطر نعمتی که به او داده است ستایش کند، خداوند او را به عنوان شکرگزار و بردبار می نویسد. کسی که در دینش به پایین دست خود نگاه کند و در دنیا به بالادست خود بنگرد و به خاطر آنچه ندارد تأسف بخورد، خداوند او را نه به عنوان شکرگزار می نویسد و نه به عنوان بردبار.)

در این حدیث، نتیجه مقایسه نزولی در امور مادی، ستایش‌گری و شکرگزاری دانسته شده است و نتیجه مقایسه صعودی، افسوس و ناسپاسی.

امام صادق علیه السلام، در این باره می فرمایند: «إِيَّاكُمْ أَنْ تَمْدُوا أَطْرَافَكُمْ إِلَى مَا فِي أَيْدِي أَبْنَاءِ الدُّنْيَا، فَسَنَ مَدَّ ظَرْفَهُ إِلَى ذَلِكَ طَالَ حُزْنُهُ وَ لَمْ يَشْفِ غَيْظُهُ وَ اسْتَصْغَرَ نِعْمَةَ اللَّهِ عِنْدَهُ فَيَقْبَلُ شُكْرَهُ لِلَّهِ» (پرهیزید از اینکه به آنچه در دست فرزندان دنیا است، چشم بدوزید که هرکس به آن چشم بدوزد، حزن او طولانی می شود و خشم او آرام نمی گیرد و نعمت الهی را که نزد اوست کوچک می شمرد و در نتیجه، سپاس‌گزاری او کاهش می یابد.)<sup>۱</sup>

### نمونه‌های رضایت در زندگی اهل بیت علیهم السلام

در ادامه به بیان مصادیقی از رضایت در زندگی الگوهای درجه یک ما؛ یعنی اهل بیت علیهم السلام در زندگی‌شان می پردازیم. الگوهایی به ما نشان دادند که می توان با محوریت خداوند، حتی در سخت ترین شرایط و در دریای مشکلات قرار داشت ولی احساس رضایت کرد.

### رضایت در زندگی حضرت زهرا علیها السلام

فاطمه زهرا که «راضیه» و «مرضیه» نام داشت؛ از آن رو که به تمامی تلخی‌ها، مصائب و دشواری‌های جانگاز زندگی - که از سوی خداوند برای او مقدر شده بود - راضی و خشنود بود، «راضیه» اش می خواندند و از آنجاکه تمامی



گفتار و رفتار وی به نزد خدا و رسول ﷺ پسندیده بود، «مرضیه» خطابش می‌کردند!

روزی که علی علیه السلام از فاطمه علیها السلام خواستگاری کرد، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم به مشورت و رایزنی با دخت عزیز خود پرداختند و فرمودند: دخترم فاطمه! پسرعمویت علی - علیه السلام - از تو خواستگاری کرده است، پاسخ تو چیست؟

با احترام و ادب، عرض کرد: پدر جان! نظر شما چیست؟

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمودند: «أَذِنَ اللَّهُ فِيهِ مِنَ السَّمَاءِ» خداوند از آسمان اجازه فرمود.

فاطمه مرضیه [درحالی که لبخند بر لب داشت] گفت: «رَضِيْتُ بِمَا رَضِيَ اللَّهُ لِي وَرَسُولُهُ.»<sup>۲</sup> (خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند.)

و در سخنی دیگر عمق عشق و رضایت خویش را این‌گونه بیان فرمود: «رَضِيْتُ بِاللَّهِ رَبًّا وَبِكِ يَ ابْنَتِهِ نَبِيًّا وَبِابْنِ عَمِي بَعْلًا وَلِيًّا.»<sup>۳</sup> (خشنودم که خدا پروردگار من است و تو ای پدر پیامبر من و پسرعمویم علی علیه السلام شوهر و امام من است.)

گاه در شرایط طبیعی قرار داریم که رضایت از زندگی در این شرایط سخت نیست، ولی اوج سختی زمانی است که ما در متن سختی‌ها و مشکلات قرار بگیریم. الگوهای ما نشان دادند که می‌توان با محوریت خداوند، حتی در سخت‌ترین شرایط و در دریای مشکلات قرار داشت ولی احساس رضایت کرد.

### نمونه اول

امیر مؤمنان علی علیه السلام درباره همسر مهربان خود می‌گویند: فاطمه علیها السلام آن قدر محور دستاس را چرخانید که دستش زخمی شد و آن قدر با مشک

۱. فاطمه زهرا علیها السلام، شادمانی دل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، ص ۲۶۹.

۲. بحار الانوار، ج ۴۲، ص ۱۴۹.

۳. همان، ج ۴۴، ص ۲۶۴.



آب کشید که در گردن و گلویش اثرش باقی ماند و آن قدر خانه را جارو کرد که لباس هایش رنگ گردوغبار گرفت و آن قدر زیر دیگ را آتش کرد که جامه هایش خاکستری و تیره رنگ شد و از این رهگذر آسیب و صدمه دید. هنگامی که برای رسول خدا ﷺ خدمت گزارانی آورده شد من به او گفتم خوب است نزد پدرت بروی و خدمت‌گزاری از آن حضرت بگیری.

زهرای علیها السلام به خانه پیامبر ﷺ رفت، اما عده‌ای از جوانان را نزد حضرت دید، خجالت کشیده برگشت و فردای آن روز رفت. رسول خدا علت آمدن دخت خود را جویا شد. فاطمه سکوت کرد، اما من ماجرا را بازگو کردم.

حضرت رو به عزیز خود فاطمه کرد و فرمود: زهرا جان! تقوا پیشه کن و از خدا بترس و فریضه و وظیفه خود را در مقابل پروردگارت انجام بده و کارهای خانه‌ات را خود به جای آور! هرگاه وارد بستر شدی سی و سه بار «سبحان الله» و سی و سه بار «الحمد لله» و سی و چهار بار «الله اکبر» بگو که مجموع آن‌ها صدمرتبه می‌شود. این برای تو از خادم بهتر است.

فاطمه علیها السلام سه بار فرمود: «از خدا و رسولش راضی هستم.»<sup>۱</sup> به سوی منزل بازگشت و ادامه داد: «از پدرم خیر دنیا را خواستم، آن حضرت خیر آخرت به من داد.»<sup>۲</sup>

### نمونه دوم

روزی که رسول خدا ﷺ حوادث تلخ آینده را برای فاطمه علیها السلام توضیح می‌داد، سخن به ماجرای کربلا و حوادث خون‌بار عاشورا انجامید. از آنجاکه مادران کانون مهر و عاطفه سرشار بوده و اندیشه از دست دادن پاره تن، رنجی در کام جانیشان می‌ریزد و از سوی دیگر قضایای جانکاه کربلا حادثه‌ای عادی در از دست دادن فرزند محسوب نمی‌شود و دل‌های تمامی آزادگان عالم را به دردی ابدی دچار کرده است، اما زهرای عزیز تنها دو سؤال مطرح کرد و در پایان جمله‌ای بیان فرمود. در پرسش نخست رو به پدر، فرمود:

۱. مستند فاطمه علیها السلام، سیوطی، ص ۱۱۰.

۲. فاطمه زهرا علیها السلام، شادمانی دل پیامبر ﷺ، ص ۲۷۰.



«یا ابتاه مَنْ یقتل وُلْدی وَ قُرَّةَ عَیْنی وَ مَمرَّةَ فِؤادِی» (ای پدر! چه کسی فرزندم و نورچشمم و میوه دلم حسین علیه السلام را می‌کشد؟)

فرمود: «شَرَّ اُمَّةٍ مِنْ اُمَّتِی.» (بدترین افراد امت من.)

فاطمه علیها السلام پرسید: «یا ابتاه! اِقْرَأْ جَبْرِئیلَ عَنِّی السَّلَامَ وَ قُلْ لَهْ فِی اِی مَوْضِعٍ یُقْتَلُ؟» (پدر جان! سلام مرا به جبرئیل برسان و از او بپرس که در کجا حسین مرا شهید می‌کنند؟)

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: در سرزمینی که به آن «کربلا» می‌گویند.

زهرای مرضیه عرض کرد: «یا اَبَہُ! سَلَمْتُ وَ رَضِیتُ وَ تَوَكَّلْتُ عَلَی اللّٰهِ» (ای پدر در برابر خواسته‌های پروردگار تسلیم و راضی‌ام و به خدا توکل کرده‌ام.)

### رضایت در زندگی حضرت زینب علیها السلام

حضرت زینب علیها السلام مظهر صبر و استقامت در خیمه امام حسین علیه السلام است. در کربلا و روز عاشورا کاملاً طبیعی بود که چیزی از خیمای باقی نخواهد ماند و همه اسیر خواهند شد؛ اما مظهر صبر در خیمه نشسته بود چنانچه فاطمه علیها السلام پشت درب منتظر نشسته بود. شب گذشته در وداع آخر، هنگامی که پرچم سرخ شهادت را از برادر می‌گرفت به امامش فرمود «طَبْ نَفْسِکَ» خاطر جمع باش، نگران مباش چنان در مقابل شجره ملعونه بنی‌امیه استقامت خواهم کرد که صبر از صبرم و استقامتم عاجز شود. صبر را در مقابل صبرم بی‌طاقت خواهم کرد؛ لذا در کتب تاریخی این‌گونه آمده است که: «فَسَکَتَ الحَسِینُ علیه السلام وَ رَدَّهِنَ اِلَی الفِسطاطِ».

امام حسین علیه السلام در وداع آخر، زنان را آرام کرد و ایشان را به خیمای بازگرداند. «ثُمَّ دَعَا بِاُخْتِهِ زَیْنَبَ وَ صَبْرَها وَ اَمْرَیْدهِ عَلَی صَدْرَها وَ سَکَنَها مِنَ المَجزِ وَ ذَکَرُها ما اَعَدَ اللّٰهُ مِنَ الثَّوَابِ لِلصَّابِرِینَ ما وَعَدَ اللّٰهُ مِنَ الکَرَامَاتِ لِلْمَقْرَبِینَ» (سپس خواهرش حضرت زینب علیها السلام را صدا زد و او را به صبر و استقامت در مقابل ظالمین بنی‌امیه دعوت کرد. با قرار دادن دستش بر سینه حضرت زینب علیها السلام او را از



جز عوفزع آرامش داد و او را در مقابل صبر به اجر عظیم خداوند ﷺ بشارت داد که چه مقاماتی برایش خداوند آماده کرده است و آنچه از کراماتی که خداوند به مقربین عنایت می‌فرماید.

«فرضیت و أظهرت الفرح و السرور فی وجهه و قالت: یا ابن أمی، طب نفسا وقر عینا فانک تجدنی کما تحب و ترضی» (پس حضرت زینب علیها السلام با سخنان امام حسین علیه السلام و ید بیضاء حسینی که بر قلبش قرار گرفت بر مصائب و گرفتاری‌های عظیم عاشورا، راضی شد و شادی و رضایت و خشنودی در صورتش آشکار شد و فرمود: ای پسر مادرم (این خطاب در نهایت محبت است) خاطرت جمع باشد و نگران نباش و چشمت روشن باشد. پس آن‌چنانکه می‌خواهی من همان‌گونه خواهم بود.

«سخن عظیمی در کلام حضرت زینب علیها السلام نهفته است که امام زمانش را لیبیک می‌گوید و می‌فرماید طبق دستور و فرمانت کار را انجام خواهم داد. حضرت زینب علیها السلام تعهد و قرار عظیمی با امامش گذاشت که این عهد و پیمان، فقط از دختر حضرت فاطمه علیها السلام برمی‌آید.

حضرت زینب علیها السلام تا شام در قلب لشکر شیطان پیش تاخت و در عهد و میثاق محکم و استوار ماند و پرچم حسین علیه السلام را در شهر ضدولایت، یعنی شام نصب کرد. شاعر در زبان حال زینب علیها السلام چنین سروده است:

«صبرت علی شیء أمر من الصبر سأصبر حتی یعجز الصبر عن صبري» (چنان در مقابل مشکلات صبر خواهم کرد که صبر از صبرم عاجز شود)

«أقول و هي الصابرة بنت الصابرة و بنت أمير المؤمنين و هو أصبر الصابرين» (و می‌گویم: او صابره است، دختر صابره و دخت امیرالمؤمنین علیه السلام در حالی که امیرالمؤمنین صبورترین مردم در صبر و استقامت بود).

«بأبي التي ورثت مصائب أمها/ فعدت تقابلها بصبر أبيها» (پدرم فدای کسی که مصائب مادرش را به ارث برد و با صبر علی علیه السلام در مقابل دشمنان ایستادگی و مقابله کرد)



## رضایت در زندگی امام حسین علیه السلام

در ادامه عنصر مهم «احساس رضایت» را در کلام و سیره امام حسین علیه السلام مورد واکاوی قرار می‌دهیم تا قدرت ما در مواجهه با غرب بی‌الگو، مضاعف و البته عشق‌مان به رهروی از سیره الگوی جهانی مانند اباعبدالله علیه السلام نیز افزون شود؛ امام حسینی که حتی در قبل از خود برای پیامبران الهی الگو، اسوه و سیله دستگیری بوده است. امامی که حتی قبل از خلقت نیز شهرت به غم داشته و اخباری که از طرف خداوند برای پیامبران و از طرف پیامبر به خاندان خود می‌رسیده حاکی از همین اندوه و مصیبت بوده است.

در روایات می‌خوانیم که برخی انبیای الهی - هزاران سال قبل از تولد امام حسین علیه السلام - هنگامی که از ماجرای کربلا باخبر می‌شدند، بر مظلومیت آن حضرت اشک می‌ریختند.

- در روایتی آمده است: هنگامی که جبرئیل کلماتی را به حضرت آدم علیه السلام برای توبه تعلیم می‌داد و او خدا را به پنج‌تن مقدس می‌خواند، وقتی که به نام حسین علیه السلام رسید قلبش شکست و اشکش جاری شد، به جبرئیل گفت: نمی‌دانم چرا وقتی که نام پنجمی حسین علیه السلام را می‌برم قلبم می‌شکند و اشکم جاری می‌شود؟

جبرئیل گفت: «بر او مصیبتی خواهد گذشت که همه مصائب در برابر آن کوچک خواهد بود. او تشنه‌کام، غریبانه، تنها و بدون یار و یاور به شهادت خواهد رسید.»

جبرئیل برخی دیگر از مصائب آن حضرت و خاندانش را به آدم علیه السلام بیان کرد تا آنجا که هر دو همچون مادرِ فرزندمردده‌ای بر حسین علیه السلام گریستند،

«فَبَكَى آدَمُ وَجَبْرَائِيلُ بُكَاءَ النَّكْلِ.»<sup>۱</sup>

- هنگامی که خداوند برای موسی علیه السلام از مظلومیت امام حسین علیه السلام سخن گفت و ماجرای شهادت مظلومانه آن حضرت و اسارت بانوان



حرمش و گرداندن سرهای شهدا در شهرها را بازگو کرد، موسی علیه السلام نیز گریست!<sup>۱</sup>

زکریای پیامبر علیه السلام نیز وقتی که اسامی پنج تن مقدس را از جبرئیل آموخت، هنگامی که نام حسین علیه السلام را بر زبان جاری می‌کرد، بغض گلویش را گرفت و اشکش جاری شد. آنگاه به خداوند عرضه داشت: خدایا! چرا وقتی نام آن چهار تن (محمد، علی، فاطمه و حسن علیه السلام) را می‌برم غم و اندوهم زایل می‌شود، ولی هنگامی که نام حسین علیه السلام را بر زبان می‌آورم، اشکم جاری می‌گردد و اندوه و غم مرا فرامی‌گیرد؟

● خداوند بخشی از مصائب امام حسین علیه السلام را برای زکریا شرح داد و زکریا پس از شنیدن آن، به مدت سه روز از مسجد بیرون نیامد و مردم را نیز اجازه نداد به محضرش برسند و در تمام این مدت بر مصیبت امام حسین علیه السلام گریه می‌کرد و بر او مرثیه می‌سرود.<sup>۲</sup>

● در روایتی نقل شده است که امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «حضرت عیسی بن مریم علیه السلام با حواریون از کربلا می‌گذشتند که آن حضرت شروع به گریستن کرد و حواریون نیز با او گریستند. وقتی حواریون سبب گریه را پرسیدند، حضرت عیسی علیه السلام فرمود: در این مکان فرزند پیامبر اسلام صلوات الله علیه و فاطمه زهرا علیها السلام کشته خواهد شد».<sup>۳</sup>

### امام حسین الگویی جهانی

اندیشمندان و متفکران بزرگی به عظمت امام حسین علیه السلام و انقلاب او اذعان کرده و راه نجات بشریت را اقتدا به حسین علیه السلام معرفی کرده‌اند که در ادامه به سخنان چند تن از ایشان اشاره می‌شود.<sup>۴</sup>

۱. معالی السبطين، ج ۱، ص ۱۸۶.

۲. «فَلَمَّا سَمِعَ بِذَلِكَ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمْ يُفَارِقْ مَسْجِدَهُ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَ مَنَعَ فِيهِمُ النَّاسَ مِنَ الدُّخُولِ عَلَيْهِ وَ أَقْبَلَ عَلَى الْبُكَاءِ وَ الْتَحِيُّوْنَ كَأَن يُرْتَبِه: إلهي أَتَمَّخْ خَيْرَ جَمِيعِ خَلْقِكَ بَوْلِدِهِ...» (احتجاج طبرسی، ج ۲، ص ۵۲۹).

۳. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۲۵۳.

4. <http://hadith.net/post/70712/>





### گاندی رهبر انقلاب هند

من زندگی امام حسین علیه السلام، آن شهید بزرگ اسلام را به دقت خوانده‌ام و توجه کافی به صفحات کربلا کرده‌ام، بر من روشن شده است که اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین علیه السلام پیروی کند.<sup>۱</sup>

### کورت فریشلر، مورخ بزرگ آلمانی

امام حسین علیه السلام در فداکاری قدم را از حدود فداکردن خود برتر نهاد و فرزندان را هم فداکرد... تصمیم ثابت حسین علیه السلام برای فداکاری مطلق نه ناشی از لجاجت بود، نه معلول هوی و هوس و او با پیروی از عقل، مصمم شده بود که به طور کامل فداکاری کند تا اینکه مجبور نشود برخلاف پرنسیب (عقیده، آرمان والا) خود به وسیله سازش کاری با یزید بن معاویه به زندگی ادامه دهد.

می‌دانیم که حسین علیه السلام خود را برای کشته شدن آماده کرده بود و او که عزم داشت خویش را فدا کند، چرا توقف نکرد تا به قتلش برسانند و چرا دایم اسب می‌تاخت و شمشیر می‌انداخت...

حسین علیه السلام دست روی دست گذاشتن و توقف برای کشته شدن را دور از مردانگی و جهاد در راه پرنسیب خود می‌دانست. در نظر حسین علیه السلام در همان جا توقف کردن و گردن بر فضا دادن تا اینکه دیگران نزدیک شوند تا او را به قتل برسانند، خودکشی محسوب می‌شود، یک مرد دلیر و با ایمان خودکشی نمی‌کند.<sup>۲</sup>

### آنتوان بارا، نویسنده مسیحی

من در مورد زندگی و حرکت حسین علیه السلام بیشتر به بُعد انقلابی شخصیت ایشان شیفته شده‌ام. آن حضرت در مرام‌نامه قیام خود اعلام می‌کند:

۱. درسی که حسین به انسان‌ها آموخت، ص ۴۴۸.

۲. کورت فریشلر، ترجمه ذبیح‌الله منصور، امام حسین علیه السلام و ایران، جاودان، تهران، ۱۳۵۵، چاپ دوم، ص ۴۴۴.



«انی لم اخرج اشراراً ولا بطراً ولا مفسداً ولا ظالماً انما خرجت لطلب الاصلاح فی امة جدی»  
 (من از روی هوس‌رانی و خوش‌گذرانی و برای افساد و ستمگری قیام  
 نکرده‌ام، بلکه قیام من برای اصلاح در امت جدم و برای امر به معروف و  
 نهی از منکر و حرکت بر اساس سیره جد و پدرم است.)

این روح انقلابی می‌تواند کار معجزه‌آسا بکند اگر هر انسانی در هر زمان  
 و مکان از آن برخوردار باشد و ما در سال‌های پیروزی انقلاب و عزت و  
 افتخارات اخیر در ایران شاهد بودیم مردم و رهبران این کشور بر اساس  
 این فلسفه حرکت خود را آغاز و با ظلم و استکبار مخالفت کردند و با تمام  
 قدرت در برابر آن قیام نمودند.

بُعد دیگر شخصیت امام حسین علیه السلام که مرا شیفته خود کرده، تواضع  
 ایشان در کنار روح انقلابی است این دو خصیصه نمی‌تواند در یک شخص  
 جمع شود. تواضع از صفات ویژگی‌های برگزیدگان خداست او در عین  
 احساس عزت و آزادی و سرافرازی در برابر دشمنان، تواضع خاص خود را  
 دارد. این بُعد عظیمی است که از ویژگی امام بشمار می‌رود.<sup>۱</sup>

### قله‌های زندگی امام حسین علیه السلام

برای کشف عنصر رضایت در زندگی امام حسین علیه السلام لازم است که مراحل  
 زندگی حضرت را به طور اختصار مورد بررسی قرار دهیم؛ زیرا هر مرحله از  
 زندگی امام همچون فتح قله‌ای از قله‌های یک کوه بلند است که در انتهای  
 مسیر، بلندترین قله کوه زندگی انسانی را حضرت فتح می‌کنند.

### قله اول؛ از تولد تا انقلاب

اطلاع از سیر زندگی امام و کشف منزلت، جایگاه و اقدامات ایشان تا قبل  
 از قیام کربلا از جهت فهم ارزشمندی رضایت در نگاه و زندگی اباعبدالله  
 کارساز و مهم است.

۱. آنتوان بارا، امام حسین در اندیشه مسیحیت، ص ۶۵.



### دوران زیست با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

رفتار و کردار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با حسنین علیهم السلام همواره با عطوفت و با احترام بود. احادیثی از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم به تبیین جایگاه ویژه حضرت امام حسین علیه السلام می پردازد که از آن جمله می توان به «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» اشاره کرد؛ در واقع پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با حدیث معروف «حُسَيْنٌ مِنِّي وَأَنَا مِنْ حُسَيْنٍ» جایگاه و مقام حضرت امام حسین علیه السلام را برای صحابه ترسیم کردند و مسلمانان را از منزلت والا و بی نظیر این سبط خویش و امام آنان، آگاه فرمودند.

«روى أن النبي صلی الله علیه و آله و سلم خرج مع أصحابه إلى طعام دعا إليه فإذا بالحسين عليه السلام وهو صبي يلعب مع صبية في السَّكَّةِ، فاستنتل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أمام القوم فطفق الصبي يفرّ مرة هاهنا ومرة هاهنا ورسول الله صلی الله علیه و آله و سلم يضحكه، ثم أخذه، فجعل إحدى يديه تحت ذقنه والأخرى تحت فأس رأسه وأقنعه فقبّله وقال: «أنا من حسين وحسين مني، أحب الله من أحب حسينا، حسين سبط من الأسباط» (روایت شده که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم با صحابه برای غذا دعوت شده بودند؛ خارج شدند که ناگاه با حسین علیه السلام درحالی که پسر بچه ای بود که در کوچه با دوستش بازی می کرد روبه رو شدند، پس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم پیش رفتند و سپس کودک شروع کرد به فرار کردن به این سمت و آن سمت و رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نیز با او می خندیدند، سپس او را گرفتند و یک دستشان را زیر چانه اش و دیگری را بر روی سرش قرار دادند، او را بوسیدند و فرمودند: «من از حسین هستم و حسین از من. خداوند دوست دارد کسی را که حسین را دوست بدارد، حسین سبطی از اسباط است.»

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در موارد متعددی از شهادت امام حسین علیه السلام و کیفیت آن خبر داده و مفصل برای آن حضرت عزاداری و سوگواری کرده است. جالب این است که تعدد اعلام پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به این جهت بوده که از طرف خداوند، ام سلمه می گوید: «حسن و حسین علیهما السلام در جلو پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در خانه من مشغول بازی بودند. جبرئیل نازل شد و گفت: «یا محمد ان امتک تقتل ابنک هذا من بعدک فأومأ بیده الی الحسین فبکی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم



وضعه الی صدره» (ای محمد! امت تو فرزندت حسین را بعد از تو شهید خواهند کرد. آنگاه رسول خدا ﷺ گریست. سپس حسین را در آغوش گرفت و به سینه چسبانید.) و فرمود: این تربت در نزد تو امانت باشد. سپس خاک را بویید و فرمود: ای ام سلمه! هرگاه این تربت رنگ خون به خود گرفت، بدان که فرزندم حسین به شهادت رسیده است.)

### دوران زیست با امیرالمؤمنین علیه السلام

در دوران خلافت امیر مؤمنان که با سه نبرد جمل، صفین و نهروان سپری شد، حسین بن علی علیه السلام همانند سربازی فداکار، دلاور و مطیع، در کنار پدر بزرگوارش، در صحنه‌های سیاسی و نظامی، حضور فعالانه داشت.<sup>۱</sup>

وی در نبرد جمل، فرماندهی جناح چپ سپاه حضرت علی علیه السلام را عهده‌دار بود.<sup>۲</sup> و در جنگ صفین، از یک سو با خطبه‌های مهیج و پرشور، مسلمانان را به مبارزه با سپاه شام ترغیب می‌کرد<sup>۳</sup> و از سوی دیگر، با شرکت در پیکار با قاسطین، نقش مؤثری در این جنگ داشت.<sup>۴</sup>

حضرت حسین بن علی علیه السلام تنها در این پیکار چنان مؤثر و فعال بود که امیرالمؤمنین پیوسته مراقب بود به وی و برادرش، آسیبی نرسد. امیرالمؤمنین در نهج البلاغه در این باره می‌فرماید: «املكوا غنی هذا الغلام لایهدتی فنی انفس بهذین یعنی الحسن والحسین - علی الموت، لئلا ینقطع بهما نسل رسول الله»<sup>۵</sup> (از طرف من، جلوی این جوان (حسن بن علی) را بگیرید تا با مرگ خویش پشت مرا نشکنند که من از رفتن این دو (حسنین) به میدان نبرد دریغ دارم؛ مبادا با مرگ آن دو، نسل رسول خدا قطع شود.)<sup>۶</sup>

۱. ابن حجر عسقلانی، الاصابه فی تمییز اصحابه، تحقیق عادل احمد عبدالموجود و علی محمد معوض، ج ۲، ص ۶۹.

۲. شیخ مفید، الجمل، تحقیق سید علی میرشریفی، ص ۱۸۶.

۳. نصر بن مزاحم منقری، وقعة صفین، تحقیق و شرح عبدالسلام محمد هارون، ص ۱۱۴.

۴. همان، ص ۲۴۹.

۵. ابن ابی الحدید معتزلی، شرح نهج البلاغه، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۱، ص ۲۴۴.

۶. امام علی علیه السلام، نهج البلاغه، ص ۲۱۷، خ ۲۰۷.



امیرالمؤمنین نیز در دورانی که امام حسین علیه السلام با او هم‌عصر بود بارها یاد مصیبت‌های او گریسته بود و گریانده بود.

ابن عباس می‌گوید همراه علی علیه السلام در جنگ صفین از سرزمین نینوا گذشتیم، به من فرمود: «یا ابن عباس اتعرف هذا الموضع قلت له ما اعرفه یا امیرالمؤمنین فقال علیه السلام لو عرفته کمعرفتی لم تکن تجوزه حتی تبکی بکبائی قال فبکی طویلاً حتی اخضلت لحیته و سالت الذموع علی صدره و بکینا معاً» (ای ابن عباس! آیا این سرزمین را می‌شناسی؟ عرض کردم: خیر ای امیر مؤمنان. آن حضرت فرمود: اگر مثل من آن را می‌شناختی، از اینجا عبور نمی‌کردی، مگر آنکه مانند می‌گریستی. آنگاه شروع به گریستن کرد تا اینکه اشک، محاسن ایشان را فراگرفت و بر سینه مبارکشان جاری شد. ما نیز با آن حضرت گریستیم.)

«و هو یقول اؤه اؤه مالی و لال ابی سفیان مابی و لال حرب حزب الشیطان و اولیاء الکفر صبراً یا ابا عبدالله... ثم بکی بکاء طویلاً و بکینا معه حتی سقط لوجهه و غشی علیه طویلاً ثم افاق» (علی علیه السلام می‌فرمود: ای‌وای، ای‌وای (شگفتا) مرا با آل ابوسفیان و آل حرب، حزب شیطان و اولیاء کفر چه کار! (در همین حال فرمود): ای ابا عبدالله! صبر و مقاومت داشته باش! و آنگاه بسیار گریست و ما نیز با او گریستیم به‌گونه‌ای که آن حضرت با صورت به زمین فرود آمد و از هوش رفت و پس از مدتی به هوش آمد.

### دوران زندگی با امام حسن علیه السلام

یکی از حوادث مهم و سرنوشت‌سازی که در عصر امامت امام مجتبی علیه السلام رخ داد و موجب رنجش و حتی اعتراض گروهی از یاران حضرت شد، جریان صلح امام علیه السلام با معاویه و واگذاری حکومت به وی بود؛ لیکن امام حسین علیه السلام در اوج رضایت از تصمیم برادر با او همراهی می‌کرد و نه‌تنها در این مورد مهم بلکه همواره رعایت احترام برادر بزرگ خویش را می‌کرد؛ چنانکه علیه السلام فرمود: «ما تکلم الحسین بین یدی الحسن اغظا مالہ...» (حسین نه برای حفظ احترام حسن، هیچ‌گاه در برابر او سخن نگفت.)



همچنان که در بخشش به افراد نیز امام حسین علیه السلام سروری برادر را بر خود حفظ کرده، احترام ایشان را بر خود لازم می‌دانست. بنا بر خبری از امام صادق علیه السلام، وقتی امام حسن علیه السلام به مستمندی پنجاه دینار بخشیدند، امام حسین علیه السلام به همان مستمند، ۹۹ دینار کمک کردند.

در عین این محبت و همراهی طرفینی امام حسن علیه السلام نیز برای مصائب امام حسین علیه السلام گریسته است. امام صادق علیه السلام از پدراناش روایت فرموده که روزی امام حسین علیه السلام به حضور برادرش امام حسن علیه السلام آمد. طبق روایات هنگام مسموم شدن امام حسن علیه السلام در بالین او بود. هنگامی که چشم حسین علیه السلام به چهره برادر افتاد گریست، امام حسن علیه السلام پرسید: چرا گریه می‌کنی؟

امام حسین علیه السلام فرمود: «گریه‌ام به خاطر آن مصائبی است که بر تو وارد می‌شود.» امام حسن علیه السلام فرمود: آنچه بر من وارد شود زهری است که آن را به من می‌خورانند و به وسیله آن کشته می‌شوم؛ ولی هیچ روزی به سختی روز (شهادت) تو ای ابا عبدالله نیست، که سی هزار نفر تو را محاصره کنند در حالی که ادعا می‌کنند از امت جد ما محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستند، خود را به اسلام نسبت می‌دهند و همه آن‌ها خود را برای کشتن و ریختن خون تو بی‌احترامی به حریم تو و به اسارت گرفتن اهل بیت تو غارت خیام تو آماده کرده‌اند، در این هنگام است خداوند لعنتش را شامل حال بنی‌امیه کند و آسمان خون و خاکستر بر سر مردم بباراند و هر چیزی حتی حیوانات وحشی و ماهیان دریاها برای مصیبت تو می‌گیرند.»

### قله دوم؛ از انقلاب تا عاشورا (دهه اول محرم)

دومین مرحله و قله مهم زندگی امام خروج و قیام علیه طاغوت زمان بود و در این میان و از ابتدای شروع انقلاب در شهر مدینه انگیزه خود را از این قیام انجام وظیفه اعلام کرد و فرمود: «اللهم انک تعلم انه لم یکن ما کان منا تنافسا فی سلطان ولا التماسا من فضول الحطام و لکن لنزی المعالم من دینک و نظهر الاصلاح فی بلادک و یامن المظلومون من عبادک و یعمل بفرائضک و سننک



**واحکامک»** (خدایا! تو می‌دانی آنچه از ما سرزده برای سبقت جویی به سوی سلطنت دنیایی یا به دست آوردن چیزی از مال و منال دنیا نبوده است، ولی ما می‌خواهیم علامت‌های دین تو را بنمایانیم و اصلاح را در بلاد اسلامی آشکار کنیم تا بندگان مظلوم تو امنیت یابند و به دستورات و احکام واجب و مستحب تو عمل شود).<sup>۱</sup>

امام حسین علیه السلام حدود چهار ماه در مکه ماند. در این مدت نامه‌های دعوت اهالی کوفه به دست او رسید. امام برای اطمینان از محتوای نامه‌ها مسلم بن عقیل را به سمت کوفه و سلیمان بن رزین به سمت بصره فرستاد. با وجود احتمال ترور امام حسین علیه السلام در مکه به دست عاملان یزید و نیز دعوت کوفیان و تأیید سفیر امام از درست بودن دعوت کوفیان، امام در ۸ ذی‌الحجه راهی کوفه شد.

امام پیش از رسیدن به کوفه، از پیمان‌شکنی کوفیان باخبر شد و پس از برخورد با سپاه حر بن یزید ریاحی به سمت کربلا رفت و در آنجا با لشکر عمر بن سعد - که عبیدالله بن زیاد آن را به سمت امام فرستاده بود - روبه‌رو شد.

امام در ادامه انقلاب خود وارد کربلا شده و اتفاقاتی رخ می‌دهد که به صورت گذرا به آن‌ها اشاره می‌کنیم تا هم شرایطی که امام در آن قرار داشت و هم تدابیر و موضع‌گیری‌های امام بیشتر درک شود.

### ورود امام حسین علیه السلام به کربلا

بیشتر منابع در گزارش‌های خود از دوم محرم ۶۱ قمری به عنوان روز ورود امام حسین علیه السلام و یارانش به کربلا یاد کرده‌اند.<sup>۲</sup>

به گزارش مقرر در مقتل الحسین، وقتی که حُر به حسین علیه السلام گفت:

۱. مهدی پیشوایی، مقتل جامع سیدالشهداء، ج ۱، ص ۱۵۵.

۲. ابن‌اثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۸۳؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۴؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۰۹؛ ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۶۸؛ ابن‌اثیر، الكامل فی التاريخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۲؛ فتال نیشابوری، روضة الواعظین، نشر رضی، ج ۱، ص ۱۸۱؛ ابن‌شهر آشوب، المناقب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۹۶.



«همین جا فرود آی که فرات نزدیک است»، امام حسین علیه السلام فرمود: «نام اینجا چیست؟» گفتند: کربلا. امام فرمود: اینجا، جایگاه کُزب (رنج) و بلاست. پدرم هنگام حرکتش به سوی صفین، از اینجا گذشت و من با او بودم. ایستاد و از نام آن را پرسید. نامش را به او گفتند، پس فرمود: «اینجا، جایگاه فرود آمدن مرکب هایشان و جایگاه ریخته شدن خون هایشان است». موضوع را پرسیدند، فرمود: «کاروانی از خاندان محمد صلی الله علیه و آله و سلم، اینجا فرود می آید.»<sup>۱</sup> سپس امام حسین علیه السلام فرمود: «اینجا، جایگاه مرکب ها و خیمه گاه ما و قتلگاه مردان ما و جای ریخته شدن خون هایمان است.»<sup>۲</sup> آنگاه فرمان داد که بارهایشان را در آنجا فرود آورند.

نقل شده پس از منزل گرفتن در کربلا، امام حسین علیه السلام فرزندان، برادران و اهل بیتش را جمع کرد و به آنان نگاهی کرد و گریست؛ سپس فرمود: «خداوند! به درستی که ما عترت و خاندان پیامبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم که [از شهر و دیارمان] اخراجمان کردند و پریشان و سرگردان از حرم جدمان [رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم] بیرون شدیم و بنی امیه به ما تعرض کرد. خدایا! پس حقمان را از آنان بگیر و ما را در برابر ظالمان یاری ده.» سپس رو به اصحاب فرمود: «النَّاسُ عِبِيدُ الدُّنْيَا وَالَّذِينَ لَعَنُوا عَلَى السِّنْتِهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا حُضُّوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»<sup>۳</sup> (مردم بندگان دنیا هستند و دین لقلقه زبانیشان؛ حمایت و پشتیبانی از دین تا آنجاست که زندگی شان در رفاه است پس هرگاه بلاء و سختی حادث شود دین داران کم می شوند.)

پس از آن، امام زمین کربلا را که چهار میل در چهار میل وسعت داشت از ساکنان آنجا به شصت هزار درهم خریدند و با آنان شرط کردند که مردم را به سوی قبرش راهنمایی کنند و از زائرانش سه روز پذیرایی کنند.<sup>۴</sup>

۱. مرقم، مقتل الحسين علیه السلام، دارالکتاب الاسلامیة، ص ۱۹۲.

۲. سید ابن طاووس، اللهوف، ۱۳۴۸ ش، ص ۸۰؛ اربلی، کشف الغمة، ۱۳۸۱ ق، ج ۲، ص ۴۷؛ ابن شهر آشوب، المناقب، ۱۳۷۹ ق، ج ۴، ص ۹۷.

۳. خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، مکتبة المفید، ج ۱، ص ۳۲۷.

۴. الطریحی، مجمع البحرين، ۱۳۷۵ ش، ج ۵، ص ۴۶۲-۴۶۲؛ نوری، مستدرک الوسائل، ۱۴۰۸ ق، ج ۱، ص ۳۲۱.





حر بن یزید ریاحی نامه‌ای به عبیدالله بن زیاد نوشت و او را از فرود آمدن حسین علیه السلام در این سرزمین باخبر کرد.<sup>۱</sup> در پی این نامه، عبیدالله نامه‌ای خطاب به امام حسین علیه السلام نوشت: «اما بعد، ای حسین از فرود آمدنت در کربلا با خبر شدم؛ امیر مؤمنان - یزید بن معاویه - به من فرمان داده که لحظه‌ای چشم برهم نهمم و شکم از غذا سیر نسازم تا آنکه تو را به خدای دانای لطیف ملحق ساخته یا تو را به پذیرش حکم خود و حکم یزید بن معاویه و ادار نمایم. والسلام».<sup>۲</sup>

نقل شده است که حسین علیه السلام پس از خواندن این نامه، آن را به کناری پرتاب کرد و فرمود: «قومی که رضایت خود را بر رضایت آفریدگارشان مقدم بدانند رستگار نخواهند شد.» پیک ابن زیاد به حضرت علیه السلام عرض کرد: یا ابا عبدالله پاسخ نامه را نمی‌دهی؟ امام حسین علیه السلام فرمود: «پاسخش عذاب دردناک الهی است که به زودی او را فرامی‌گیرد.» پیک نزد ابن زیاد بازگشت و سخن حضرت را به او بازگفت. عبیدالله نیز دستور تجهیز سپاه برای جنگ با حسین علیه السلام را داد.<sup>۳</sup>

### ورود عمر بن سعد به کربلا

عمر بن سعد روز سوم محرم با چهارهزار نفر از مردم کوفه وارد کربلا شد.<sup>۴</sup> درباره انگیزه رفتن عمر بن سعد به کربلا گفته شده است: عبیدالله بن زیاد، عمر بن سعد را فرمانده چهارهزار تن از کوفیان کرد و به او دستور داده بود به ری و دسّبی رفته با دیلمیانی که بر این منطقه چیره شده بودند، مبارزه کند. عبیدالله فرمان حکومت ری را نیز به نام ابن سعد نوشته و او را به سمت فرمانداری این شهر برگزیده بود.

۱. ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۸۴؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۳۹.

۲. ابن شهر آشوب، المناقب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۹۸.

۳. ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۸۵؛ خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۳۹؛

ابن شهر آشوب، مناقب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۹۸.

۴. الدینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸ش، ص ۲۵۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۷۶؛ طبری،

تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۰۹؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۲.



پسر سعد به همراه یاران خود در منطقه‌ای در بیرون کوفه به نام حمام اعین اردو زد. او برای رفتن به ری آماده می‌شد که چون امام حسین علیه السلام به سوی کوفه حرکت کرد، ابن زیاد به عمر بن سعد دستور داد به جنگ امام حسین علیه السلام برود و پس از پایان آن به سوی ری حرکت کند.

ابن سعد جنگ با امام حسین علیه السلام را خوش نمی‌داشت. از این رو از عبیدالله خواست تا او را از این کار معاف بدارد؛ اما ابن زیاد معافیت او را منوط به پس دادن حکومت ری کرد.<sup>۱</sup> عمر بن سعد چون اصرار عبیدالله بن زیاد را دید، رفتن به کربلا را پذیرفت<sup>۲</sup> و با سپاهش به سمت کربلا حرکت کرد و فردای روزی که امام حسین علیه السلام در نینوا فرود آمده بود، به آنجا رسید.<sup>۳</sup>

### گفتگوهای امام حسین علیه السلام و عمر بن سعد

عمر بن سعد پس از استقرار در کربلا، خواست پیکی سوی امام بفرستد تا از او بپرسد برای چه به این سرزمین آمده است و چه می‌خواهد؟ این کار را به عزره بن قیس احمسی و دیگر بزرگانی که نامه دعوت به آن حضرت نوشته بودند، پیشنهاد کرد؛ اما آنان از انجام این کار خودداری کردند.<sup>۴</sup> اما کثیر بن عبدالله شعبیه پذیرفت و به سوی اردوگاه امام حسین علیه السلام حرکت کرد. ابوثمامه صائدی نگذاشت کثیر همراه با سلاح خود نزد حسین علیه السلام برود، بی‌نتیجه پیش عمر بن سعد بازگشت.<sup>۵</sup>

۱. الدینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۵۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۷۶؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۰۹.

۲. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۰؛ ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۸۶؛ خوارزمی، مقتل الحسين، مکتبه المفید، ص ۲۳۹.

۳. الدینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۵۳؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ ق، ج ۳، ص ۱۷۶؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۰۹.

۴. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۰؛ ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۸۶؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، صص ۸۴-۸۵.

۵. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۰؛ ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ ق، ج ۵، ص ۸۶-۸۷؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۸۵؛ خوارزمی، مقتل الحسين، مکتبه المفید، ص ۲۴۰.



پس از بازگشت کثیر بن عبدالله، عمرسعد از قره بن قیس حنظلی<sup>۱</sup> خواست تا نزد امام حسین علیه السلام برود و او پذیرفت. حسین علیه السلام در جواب پیام عمرسعد به قره فرمود: «مردم شهرتان به من نامه نوشتند که بدین جا بیایم. اکنون اگر مرا نمی‌خواهند باز می‌گردم». عمرسعد از این پاسخ شاد شد.<sup>۲</sup> پس نامه‌ای به ابن زیاد نوشت و او را از سخن حسین علیه السلام آگاه کرد.<sup>۳</sup> عبیدالله بن زیاد در جواب نامه عمرسعد، بیعت حسین علیه السلام و یارانش با یزید را خواست.<sup>۴</sup>

### تصویرسازی نبرد در کربلا

گفتگوهای حسین علیه السلام و ابن سعد، سه یا چهار بار تکرار شد.<sup>۵</sup> به گفته برخی منابع، در پایان یکی از این گفتگوها، عمر بن سعد طی نامه‌ای خطاب به عبیدالله بن زیاد چنین نوشت: «... حسین بن علی علیه السلام با من پیمان بست که از همان جا که آمده، به همان جا بازگردد یا به یکی از مناطق مسلمانان برود و در حقوق و تکالیف همانند دیگر مسلمانان باشد یا به نزد یزید برود تا هرچه او حکم داد درباره او اجرا کنند و این مایه رضای شما و صلاح امت است».<sup>۶</sup>

عبیدالله چون نامه را خواند گفت: «به درستی که این نامه مردی است که اندرزگوی امیر خویش و مشفق قوم خویش است!» او درصدد بود این پیشنهاد را بپذیرد که شمر بن ذی الجوشن مانع شد. آنگاه عبیدالله، شمر را پیش خواند و گفت: «این نامه را پیش عمر بن سعد ببر تا به حسین علیه السلام

۱. الدینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۵۳.

۲. الدینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸ ش، ص ۲۵۳-۲۵۴؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۱؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۸۵-۸۶.

۳. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۱؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۸۶؛ خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ص ۲۴۱.

۴. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۱؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۸۶.

۵. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۴؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۷۱.

۶. طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷ م، ج ۵، ص ۴۱۴؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ ق، ج ۲، ص ۸۷؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ ش، ج ۲، ص ۷۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵ م، ج ۴، ص ۵۵.



و یارانش بگویند به حکم من تسلیم شوند. اگر پذیرفتند آن‌ها را به سلامت پیش من بفرستد و اگر نپذیرفتند با آنان بجنگد. اگر عمر بن سعد جنگید، شنوا و مطیع او باش و اگر از جنگیدن خودداری ورزید، تو با حسین علیه السلام بجنگ که سالار قوم تویی؛ سپس گردن پسر سعد را بزن و سرش را پیش من بفرست.»<sup>۱</sup>

آنگاه عبیدالله طی نامه‌ای به عمر بن سعد، رفتار مسالمت‌آمیز او با حسین علیه السلام را توبیخ کرد و نوشت: «... اگر حسین علیه السلام و همراهانش به حکم من گردن نهاده‌اند [و با یزید بیعت کردند] ایشان را به سلامت نزد من بفرست و اگر نپذیرفتند بر آنان هجوم آور و خونشان را بریز و بدن‌هایشان را مثلث کن؛ چراکه مستحق چنین کاری هستند.

چون حسین علیه السلام کشته شد اسب بر سینه و پشت وی بتاز که او سرکش است و ستمکار و من گمان ندارم که این کار پس از مرگ زبانی رساند؛ ولی من با خود عهد کرده‌ام که اگر او را کشتم با وی چنین کنم. پس اگر تو به این دستور عمل کردی پاداش مردی فرمان‌بردار و مطیع را به تو می‌دهیم و اگر آن را نپذیری دست از کار ما و لشکر ما بکش و لشکر را به شمر بن ذی‌الجوشن واگذار؛ زیرا ما او را امیر بر کار خود کردیم. والسلام»<sup>۲</sup>

### تلاش حبیب بن مظاهر برای گردآوری نیرو

به گزارش شعرانی، پس از گردآمدن سپاهیان عمر بن سعد در کربلا، حبیب بن مظاهر اسدی با دیدن یاران اندک حسین علیه السلام با اجازه امام خود را به طور ناشناس به طایفه‌ای از قبیله بنی‌اسد رساند و از آنان خواست که امام حسین علیه السلام را یاری کنند. بنی‌اسد، همراه حبیب بن مظاهر اسدی شبانه به سوی لشکرگاه امام حسین علیه السلام در حرکت بودند که سپاهیان عمر

۱. بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۲؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۴؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۹؛ ابن مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۷۱-۷۲؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۵.

۲. بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۲؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۵؛ ابن‌اثیر، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۹۳؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۸.



بن سعد به فرماندهی ازرق بن حرب صیداوی در کناره فرات راه را بر آنان بستند. کار به درگیری کشیده شده و بنی اسد به خانه هایشان بازگشتند و حبیب به تنهایی نزد حسین علیه السلام بازگشت.<sup>۱</sup>

### وقایع روز هفتم محرم؛ بسته شدن آب

در هفتم محرم، عبیدالله بن زیاد در نامه‌ای به عمر بن سعد، خواستار بسته شدن آب به روی امام حسین علیه السلام و یارانش شد. چون نامه به دست عمر بن سعد رسید، به عمرو بن حجاج زبیدی فرمان داد تا با پانصد سوار به کنار شریعه فرات برود و مانع دسترسی حسین علیه السلام و یارانش به آب شود.<sup>۲</sup> در برخی منابع نقل شده پس از بسته شدن آب و شدت گرفتن تشنگی، امام حسین علیه السلام برادرش عباس را با سی سوار و بیست پیاده به همراه بیست مشک به آوردن آب فرستاد. آنان شبانه درحالی که نافع بن هلال بجلی با پرچم در پیشاپیش گروه در حرکت بود، به راه افتادند و خود را به نهر فرات رساندند.

عمرو بن حجاج که مأمور حراست از فرات بود، به مقابله با یاران امام حسین علیه السلام برخاست. گروهی از یاران حسین علیه السلام مشک‌ها را پر کردند و گروهی دیگر از جمله حضرت ابوالفضل علیه السلام و نافع بن هلال مشغول جنگ شدند و از آنان در برابر هجوم دشمنان محافظت می‌کردند تا بتوانند آب را به خیمه‌ها برسانند. یاران حسین علیه السلام موفق شدند آب را به خیمه‌ها برسانند.<sup>۳</sup>

۱. شعرانی، دمع السجوم، ترجمه نفس المهموم، ۱۳۷۴ق، ص ۱۰۹.

۲. الدینوری، اخبار الطوال، ۱۳۶۸ش، ص ۲۵۵؛ بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۰؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۲؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۶.

۳. بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۱؛ طبری، تاریخ الامم والملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۲-۴۱۳؛ اصفهانی، مقاتل الطالبیین، دارالمعرفة، ص ۱۱۷-۱۱۸؛ خوارزمی، مقتل الحسين علیه السلام، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۴۴.



## آخرین گفتگوی امام حسین علیه السلام با عمر بن سعد و اتمام حجت ابن زیاد با عمر

### بن سعد

با فرود آمدن پی در پی لشکرها در اردوگاه عمر بن سعد، امام حسین علیه السلام، عمرو بن قرظہ انصاری را نزد عمر بن سعد فرستاد و به او پیغام داد که می‌خواهم امشب تو را در میان دو اردوگاه ملاقات کنم. شب‌هنگام، حسین علیه السلام و ابن سعد هریک با همراهی بیست سوار به محل ملاقات آمدند.

به نقل برخی منابع، در این دیدار حسین علیه السلام به ابن سعد فرمود: «... از این خیال و اندیشه ناصواب درگذر و راهی که صلاح دین و دنیای تو در آن است، اختیار کن...!»<sup>۱</sup> اما عمر قبول نکرد. حسین علیه السلام چون چنین دید فرمود: «خداوند تو را هلاک سازد و در روز قیامت نیامرزد؛ امید دارم که به فضل خدا از گندم ری نخوری!» سپس بازگشت.<sup>۲</sup>

### وقایع روز هشتم؛ تاسوعا

شمر بن ذی الجوشن بعد از ظهر نهم محرم ۶۱ قمری، پس از نماز عصر، نزد عمر بن سعد رسید و پیغام ابن زیاد را به او رساند.<sup>۳</sup> عمر بن سعد به شمر گفت: من خود عهده‌دار این کار خواهم بود.<sup>۴</sup>

بنا به یک روایت، شمر و طبق روایتی دیگر عبدالله بن ابی‌المحل، برادرزاده ام‌البنین، از ابن زیاد برای فرزندان ام‌البنین امان‌نامه گرفته بودند.<sup>۵</sup>

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۳؛ ابن‌اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۹۲-۹۳؛ ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۷۰-۷۱؛ خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۴۵.

۲. خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۴۵؛ ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۷۱-۷۲.

۳. ابن‌سعد، الطبقات الكبرى، ۱۴۱۴ق، ج ۱، ص ۴۶۶؛ ابن‌اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۹۴؛ ابن‌شهر آشوب، مناقب، ۱۳۷۹ق، ج ۴، ص ۹۸.

۴. بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۳؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۵؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۹؛ ابن‌مسکویه، تجارب الامم، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۷۳؛ ابن‌اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۶.

۵. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۵؛ خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱،



عبدالله، امان نامه خود را توسط غلامش به کربلا فرستاد و خود پس از ورود به کربلا، متن آن را برای فرزندان ام البنین خواند؛ اما آن‌ها مخالفت کردند.<sup>۱</sup>

بنا به روایت دیگر، شمر امان نامه را به کربلا آورد و به نزد عباس علیه السلام و برادرانش برد؛<sup>۲</sup> اما عباس علیه السلام و برادرانش همگی امان نامه را رد کردند.<sup>۳</sup>

به گفته شیخ مفید، شمر گفت: ای خواهرزادگان من، شما در امانید. آن‌ها پاسخ دادند: خدا تو امانت را لعنت کند، ما را امان می‌دهی و فرزند رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بی امان است؟!<sup>۴</sup>

عصر تاسوعا، عمر بن سعد ندا داد: ای لشکریان خدا! سوار شوید و بشارت دهید. پس لشکریان سوار شدند و به سوی اردوگاه امام حرکت کردند.<sup>۵</sup>

وقتی حسین علیه السلام از نیت دشمن آگاه شد به برادرش عباس فرمود: «اگر می‌توانی آن‌ها را راضی کن که جنگ را تا فردا به تأخیر اندازند و امشب را به ما مهلت دهند تا با خدای خود راز و نیاز کنیم و نماز بگزاریم. خدا می‌داند که من نماز و تلاوت قرآن را بسیار دوست می‌دارم».<sup>۶</sup> عباس نزد سپاهیان دشمن رفت و آن شب را از آنان مهلت خواست. ابن سعد با مهلت یک شبه موافقت کرد.<sup>۷</sup> در این روز، خیمه‌های امام حسین علیه السلام و اهل بیت

ص ۲۴۶؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۶.

۱. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۵؛ ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۹۳-۹۴؛ خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۴۶؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۶.

۲. خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۴۶.

۳. بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۱۸۴؛ طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۶؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۹؛ خوارزمی، مقتل الحسین، مکتبه المفید، ج ۱، ص ۲۴۹-۲۵۰؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۶.

۴. مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۸۹.

۵. همان.

۶. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۷؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۹۱؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۷.

۷. طبری، تاریخ الامم و الملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۱۷؛ ابن اعثم، الفتوح، ۱۴۱۱ق، ج ۵، ص ۹۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۵۷.



و یاران‌ش محاصره شد.<sup>۱</sup>

### وقایع شب عاشورا

امام حسین علیه السلام در شب عاشورا درباره یاران‌ش این‌گونه فرمودند: «أَمَّا بَعْدُ فَإِنِّي لَا أَعْلَمُ أَصْحَابًا أَوْفَى وَلَا خَيْرًا مِنْ أَصْحَابِي وَلَا أَهْلَ بَيْتِ أَبِي وَلَا أَوْصَلَ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي فَجَزَاكُمْ اللَّهُ عَنِّي خَيْرًا»<sup>۲</sup> (همانا من یارانی با وفاتر و بهتر از یاران خود و خاندانی نیکوکارتر و مهربان‌تر از خاندان خودم سراغ ندارم؛ خدایان از جانب من پاداش نیکو دهد).

### تجدید پیمان یاران امام حسین علیه السلام

امام حسین علیه السلام در اوایل شب عاشورا، یاران خود را جمع کرد و پس از حمد و ثنای خداوند خطاب به آنان گفت: «به گمانم این، آخرین روزی است که از سوی این قوم مهلت داریم. آگاه باشید که من به شما اجازه (رفتن) دادم. پس همه با خیال آسوده بروید که بیعتی از من برگردن شما نیست. اینک که سیاهی شب شما را پوشانده، آن را مرکبی برگزید و بروید».

در این هنگام ابتدا اهل بیت امام و سپس یاران ایشان هریک در سخنانی حماسی با اعلام وفاداری، بر فداکردن جان خویش در دفاع از امام تأکید کردند. منابع تاریخی و مقاتل برخی از این سخنان را ضبط کرده‌اند.<sup>۳</sup>

### نگرانی حضرت زینب علیه السلام

پس از اظهار وفاداری یاران حسین علیه السلام او به اردوگاه برگشت وارد خیمه زینب علیه السلام شد. نافع بن هلال در بیرون خیمه منتظر حسین علیه السلام نشسته بود که شنید حضرت زینب علیه السلام به حسین علیه السلام عرض کرد: «آیا شما یارانتان را آزموده‌اید؟ از این نگرانم که آنان نیز به ما پشت کنند و در هنگامه درگیری شما را تسلیم دشمن کنند.»

حسین علیه السلام در پاسخ فرمود: «به خدا سوگند، این‌ها را امتحان کرده‌ام و

۱. حایری مازندرانی، معالی السبطين.

۲. مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۹۱.

۳. مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۹۱-۹۴؛ طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ۱۳۹۰ق، ج ۱، ص ۲۳۹.





آنان را مردانی یافتم که سینه سپر کرده‌اند، به‌گونه‌ای که مرگ را به گوشه چشمانشان می‌نگرند و به مرگ در راه من چنان شیرخواره به سینه مادرش انس دارند.»

نافع هنگامی که احساس کرد اهل بیت امام حسین علیه السلام نگران وفاداری و استقامت اصحاب هستند، نزد حبیب بن مظاهر رفته و با مشورت او، تصمیم گرفتند با همراهی بقیه اصحاب به حسین علیه السلام و اهل بیت ایشان اطمینان دهند که تا آخرین قطره خون از ایشان دفاع خواهند کرد.<sup>۱</sup>

حبیب بن مظاهر، یاران حسین علیه السلام را ندا داد تا جمع شوند. سپس به بنی‌هاشم گفت به خیمه‌های خویش بازگردند، سپس رو به اصحاب کرد و آنچه را که از نافع شنیده بود، بازگو کرد. همگی گفتند: «به آن خدایی که بر ما منت نهاد که در این جایگاه قرار بگیریم، اگر انتظار فرمان حسین علیه السلام نبودیم، اکنون با شتاب بر آنان حمله می‌کردیم تا جان خویش را پاک و چشم را روشن سازیم.»

حبیب به همراه اصحاب با شمشیرهای کشیده و یک صدا به نزدیک حرم اهل بیت علیهم السلام رسیده و گفت: «ای حریم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم! این شمشیرهای جوانان و جوانمردان شماس است که به غلاف نخواهد رفت تا اینکه گردن بدخواهان شما را بزند. این نیزه‌های پسران شماس است، سوگند یاد کرده‌اند که آن را تنها در سینه کسانی که از دعوتتان سربرتاخته‌اند فرو برند.»<sup>۲</sup>

### قله سوم؛ روز عاشورا

مرحله به مرحله وقایع برای امام پیچیده‌تر و سخت‌تر می‌شد. کل اتفاقات و ماجرای کربلا یک طرف و روز عاشورا یک طرف.

۱. دهدشتی بهبهانی، الدمعة الساکبة، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۷۳-۲۷۴.

۲. دهدشتی بهبهانی، مقرر، مقتل الحسین، دارالکتاب الاسلامیه، ص ۲۱۹؛ الدمعة الساکبة، ۱۴۰۹ق، ج ۴، ص ۲۷۳-۲۷۴.



### وقایع صبح تا غروب روز عاشورا

طبق محاسبه مرحوم دکتر احمد بیرشک، واقعه کربلا به حساب گاه‌شماری شمسی روز ۲۱ مهر سال ۵۹ هجری شمسی بوده است.

امام حسین علیه السلام بعد از نماز صبح برای اصحابش، سخنرانی و آن‌ها را به صبر و جهاد دعوت کرد. طرف مقابل نیز نماز را به امامت عمرسعد خواند و بعد از نماز صبح به آرایش سپاه و استقرار نیرو مشغول شدند.

#### ۶ صبح

امام حسین علیه السلام دستور داد تا اطراف خیمه‌ها خندق بکنند و آن را با خاربوته‌ها پر کنند تا سپس آن را آتش بزنند و مانع از حمله سپاه از پشت سر شوند.

#### اتمام حجت

کمی بعد از طلوع آفتاب، امام سوار بر شتری شد تا بهتر دیده شود. روبه‌روی سپاه کوفه رفت و با صدای بلند برای آن‌ها خطبه‌ای خواند. صفات و فضایل خودش و پدر و برادرش را یادآوری کرد و اینکه کوفیان به امام نامه نوشته‌اند. حتی چند نفر از سران سپاه کوفه را مخاطب قرار داد و از حجار بن ابجر و شبت ربعی پرسید که مگر آن‌ها او را دعوت نکرده‌اند؟ آن‌ها انکار کردند.

امام نامه‌هایشان را به طرف آن‌ها پرتاب و خدا را شکر کرد که حجت را بر آن‌ها تمام کرده است. یکی از سران جبهه مقابل از امام پرسید چرا حکم ابن زیاد را نمی‌پذیرد و آن‌ها را از ننگ مقابله با پسر پیامبر نمی‌رهاند؟ اینجا امام آن جمله معروفشان را فرمودند: «**الا و ان الدعی بن الدعی قدرکز بین اثنتین بین السلة و الذلة و هیات منالذلة ...**» (فرد پستی که پسر فرد پست دیگری است، من را بین کشته‌شدن و قبول ذلت مجبور کرده. ذلت از ما دور است.) سخنرانی امام حدوداً نیم ساعت طول کشیده است.

#### ۸ صبح

چند نفر از اصحاب خطاب به کوفیان سخنان مشابه امام گفتند، از جمله



بُزیر که «سیدالقرآء» (آقای قرآن خوان‌ها)ی کوفه بود و زهیر بن قین، پس از سخنان زهیر و بریر، امام فریاد معروف «هل من ناصر ینصرنی» را سرداد. چند نفری دچار تردید شدند، از جمله خُرو فرد دیگری به نام ابوالشعثا و دو برادر که در گذشته عضو خوارج بودند.

### ۹ صبح

شمر به عمرسعد پرخاش کرد که چرا این قدر تعلل می‌کند! عمرسعد نخستین تیر را به سمت سپاه امام رها کرد و خطاب به لشکریانش فریاد زد: «نزد عبیدالله شهادت بدهید که من اولین تیر را رها کردم.» بعد از انداختن تیر توسط عمرسعد، کماندارهای لشکر کوفه همگی باهم شروع به تیراندازی کردند. امام به یارانش فرمودند: «این‌ها نماینده این قوم هستند. برای مرگی که چاره‌ای جز پذیرش آن نیست، آماده شوید.» چند نفر از سپاه امام در این تیرباران کشته شدند. (تعداد شهدا در حمله اول ۵۰ نفر ذکر شده است.)

### ۱۰ صبح؛ ورود به میدان جنگ

بعد از تیراندازی، «یسار»، غلام «زیاد بن ابیه» و «سالم» غلام عبیدالله ابن زیاد از لشکر کوفه برای نبرد تن به تن ابتدای جنگ بیرون آمدند. عبدالله بن عمیر اجازه نبرد خواست. امام حسینی علیه السلام نگاهی به او کرد و فرمود: «به گمانم حریف کشنده‌ای باشی»، عبدالله آن دو نفر را کشت، البته انگشتان دست چپش قطع شد.

بعد از این نبرد تن به تن، حمله سراسری سپاه کوفه شروع شد. ابتدا حجار به جناح راست سپاه امام حسین علیه السلام حمله کرد؛ اما حبیب و یارانش در برابر او ایستادگی کردند. زانو به زمین زدند و با نیزه‌ها حمله را دفع کردند. همزمان شمر به جناح چپ سپاه امام حمله برد. زهیر و یارانش به جنگ مهاجمان رفتند. خود شمر در این حمله زخمی شد و بعد از عقب نشینی هر دو جناح کوفی، عمرسعد ۵۰۰ تیرانداز فرستاد که دوباره سپاه امام را تیرباران کردند و در پی آن حملات، علاوه بر از پا درآمدن هر ۲۳ اسب لشکریان امام، تعدادی دیگر از اصحاب شهید شدند.



الفتوح آن نفرات را ۵۰ و ابن شهرآشوب ۳۸ نفر ذکر کرده است. اولین شهید، ابوالشعثا بود که هشت تیر انداخت و پنج نفر از دشمن را کشت. امام او را دعا کرد. گروهی از سپاه شمر خواستند از پشت سر به امام حمله کنند که زهیر و ۱۰ نفر به آن‌ها حمله کردند.

### ۱۱ صبح

بعد از این حملات، امام دستور تک تک به میدان رفتن را به یاران داد. اصحاب باهم قرار گذاشتند تا زنده اند نگذارند کسی از بنی‌هاشم به میدان برود. یکی از نخستین کسانی که کشته شد، پیرمرد زاهد، جناب بریر بود. مسلم بن عوسجه بعد از او کشته شد، حبیب بر سر بالین او رفت و گفت کاش می‌توانستم وصیت‌های تو را اجرا کنم.

مسلم با دست امام حسین علیه السلام را نشان داد و گفت: وصیت من این مرد است. یک بار هم هفت نفر از اصحاب امام در محاصره واقع شدند، حضرت عباس محاصره آن‌ها را شکست و نجاتشان داد.

### ساعت ۵:۱۲: اذان ظهر

حبیب بن مظاهر هنگام اذان ظهر شهید شد. نوشته‌اند امام خطاب به اصحاب گفت یکی برود با عمر سعد مذاکره بکند و بخواهد برای نماز ظهر جنگ را متوقف کنیم. یکی از لشکر کوفه صدا زد: «نماز شما قبول نمی‌شود.» حبیب به او گفت: «ای حمار! فکر می‌کنی نماز شما قبول می‌شود و نماز پسر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم قبول نمی‌شود؟» و به جنگ او رفت اما از سپاه کوفی به کمکش آمدند و حبیب شهید شد. امام از شهادت حبیب متأثر شد.

نخستین بار در روز عاشورا گریست؛ رو به آسمان کرد و گفت: «خدایا رفتن جان خودم و دوستانم را به حساب تو می‌گذارم.» امام نماز را شکسته و به قاعده «نماز خوف» خواند. گروهی از اصحاب به امام اقتدا کردند و بقیه به جنگ پرداختند. زهیر و سعید بن عبدالله حنفی خودشان را سپر امام کردند.



نوشته‌اند بعد از اصابت ۱۳ تیر و نیزه به بدن سعید بن عبدالله، وی به شهادت رسید و در آخرین نفس از امام پرسید: «آیا وفا کردم؟»

### ساعت ۱۳

۳۰ نفر از اصحاب امام تا وقت نماز زنده بودند و بعد از این ساعت شهید شدند. بعد از کشته شدن اصحاب، نوبت به بنی‌هاشم رسید. نخستین نفر، حضرت علی اکبر علیه السلام، پسر امام حسینی علیه السلام بود. البته برخی عبدالله بن مسلم بن عقیل را نخستین شهید بنی‌هاشم می‌دانند که ظاهراً جناب عبدالله بن مسلم، به طرز ناجوانمردانه‌ای شهید شد. شهادت او بر جوانان بنی‌هاشم گران آمد، دسته جمعی بر اسب سوار شده و به دشمن حمله بردند. امام آن‌ها را آرام کرد و فرمود: «ای پسرعموهای من بر مرگ صبر کنید، به خدا پس از این هیچ خواری و ذلتی نخواهید دید.»

### ساعت ۱۴

عاقبت، امام حسین علیه السلام و حضرت عباس علیه السلام تنها ماندند. عباس اجازه میدان خواست، اما امام او را مأمور رساندن آب به خیمه‌ها کرد. دشمن بین دو برادر فاصله انداخت. عباس دلاور درحالی‌که با شجاعت تمام سعی در آوردن مشک آب برای زنان و کودکان داشت در محاصره دشمن دو دستش قطع شد و با اصابت عمودی آهنین بر سرش از اسب بر زمین افتاد. اباعبدالله سراسیمه خود را بر پیکر قطعه قطعه برادر رساند. دشمن کمی به عقب رفت. امام برای دومین بار بعد از مرگ برادر عزیزش گریست و فرمود: «اکنون دیگر پشتم شکست.»

### قله چهارم؛ گودال قتلگاه

وقایع گودال قتلگاه، قله ماجرای کربلاست.

### ساعت ۱۵

امام برای خدا حافظی به سوی خیمه‌ها بازگشت و همچنین پیراهنش را پاره پاره کرد و پوشید تا هنگام غارت توسط دشمن برهنه‌اش نکنند. وقت وداع با اهل بیت، کودک شیرخواره‌اش علی اصغر را به میدان برد تا او را



سیراب کند که به تیر حرم‌له شهید شد.

امام به میدان رفت، اما کمتر کسی حاضر به مقابله با ایشان بود. بعضی تیر می‌انداختند و بعضی از دور نیزه پرتاب می‌کردند. شمر و ۱۰ نفر به مقابله امام آمدند. بعد از شهادت امام، بر پیکر مبارکش جای ۳۳ زخم نیزه و ۳۴ زخم شمشیر شمرده شد. در مقاتل نوشته‌اند زمانی که امام در آستانه شهادت بود کسی جرئت نمی‌کرد به سمت ایشان برود.

اهل حرم از صدای ذوالجناح، اسب ایشان متوجه شده و بیرون دویدند. کودکی به نام عبدالله بن حسن دوید و به طرف مقتل امام آمد، او را در آغوش عمومی کشتند. امام ناراحت شدند و کوفیان را نفرین کردند: «خدایا! باران آسمان و رویدنی زمین را از ایشان بگیر!»

### قله پنجم؛ مناجات شهادت در گودال

مناجات آخر امام در قتلگاه، اوج و قله زندگی امام حسین علیه السلام است.

#### ساعت ۰۶:۱۶؛ اذان عصر

پس از شهادت بنی هاشم، امام حسین علیه السلام عازم نبرد شد، اما از سپاه کوفه تا مدتی کسی برای رویارویی با آن حضرت پا پیش نمی‌نهاد. در میانه نبرد، علی‌رغم تنهایی حسین علیه السلام و زخم‌های سنگینی که بر سر و بدن او وارد شده بود، بی‌مهابا شمشیر می‌زد.<sup>۱</sup>

شهادت امام را هنگام نماز عصر گفته‌اند. افراد پیاده تحت امر شمر بن ذی‌الجوشن، حسین علیه السلام را احاطه کردند؛ ولی همچنان پیش نمی‌آمدند و شمر آن‌ها را به حمله تشویق می‌کرد.<sup>۲</sup>

شمر به تیراندازان دستور داد امام را تیرباران کنند. از فراوانی تیرها، بدن امام پر از تیر شد. عبارات مقاتل این است: «...ولما أثنى الحسين بالجراح، وبقى

۱. طبری، تاریخ الأمم والملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۵۲؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۱۱؛ ابن‌مسکویه، تجارب‌الامم، ۱۳۷۹ش، ج ۲، ص ۸۰؛ ابن‌اثیر، الكامل فی‌التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۷۷.

۲. بلاذری، انساب‌الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۴۰۷-۴۰۸.



کالتفد...»<sup>۱</sup> (بدن شریف امام مانند خارپشت شد).<sup>۲</sup> حسین علیه السلام عقب کشید و آنان در برابرش صف بستند.<sup>۳</sup>

جراحات وارده و خستگی، حسین علیه السلام را به شدت کم توان کرده بود، از این رو ایستاد تا اندکی استراحت کند. در این هنگام، سنگی به پیشانی اش اصابت کرد و خون از آن جاری شد. همین که امام خواست با لبه پیراهن (دستمال یا پارچه ای)<sup>۴</sup> خون صورتش را پاک کند، تیر سه شعبه و مسمومی به سویش پرتاب شد و بر قلبش نشست.<sup>۵</sup> مالک بن نُسَیر با شمشیر چنان ضربتی بر سر حسین علیه السلام زد که بند کلاه خود امام، پاره شد.<sup>۶</sup> سید بن طاووس<sup>۷</sup> افتادن امام از روی مرکب بر زمین را پس از تیرباران کمان داران دانسته و حمله تعداد زیادی از سپاهیان را با دستور شمر در این صحنه دانسته که ضعف بدنی حضرت در حدی بوده که (کان قد أعی ینوء و یکبو) یعنی افتان و خیزان بود، به مشقت برمی خاست بازمی افتاد.<sup>۸</sup>

اما امام قبل از آن در آخرین لحظات عمر گران بهایشان با خدای خود این چنین مناجات می کرد: «صَبْرًا عَلَىٰ قَضَائِكَ يَا رَبَّ لَا إِلَهَ سِوَاكَ، يَا غِيَاثَ الْمُسْتَغِيثِينَ، مَالِي رَبِّ سِوَاكَ، وَلَا مَعْبُودٌ غَيْرُكَ، صَبْرًا عَلَىٰ حُكْمِكَ يَا غِيَاثَ مَنْ لَا غِيَاثَ لَهُ، يَا دَائِمًا لَا تَفَادَ لَهُ، يَا مُجِئِي الْمَوْتِ، يَا قَائِمًا عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ، احْكُمْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ» (پروردگارا! بر قضا و قدرت شکیبایی می ورزم، معبودی جز تو نیست، ای فریادرس دادخواهان! پروردگاری جز تو

۱. شعرانی دمع السجوم، ترجمه نفس المهموم، ۱۳۷۴ق، ص ۱۹۴.

۲. مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲؛ خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، مکتبه المفید، ج ۲، ص ۳۵؛ ابن شهر آشوب، مناقب، ۱۳۷۹ق، ص ۱۱۱.

۳. مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۱۱-۱۱۲.

۴. شعرانی، دمع السجوم، ۱۳۷۴ق، ص ۱۹۱.

۵. خوارزمی، مقتل الحسین علیه السلام، مکتبه المفید، ج ۲، ص ۳۴.

۶. بلاذری، انساب الاشراف، ۱۴۱۷ق، ج ۳، ص ۲۰۳؛ طبری، تاریخ الأمم والملوک، ۱۹۶۷م، ج ۵، ص ۴۴۸؛ ابن اثیر، الکامل فی التاریخ، ۱۹۶۵م، ج ۴، ص ۷۵؛ مفید، الارشاد، ۱۳۹۹ق، ج ۲، ص ۱۱۰.

۷. السید بن طاووس، الملهوف علی قتلی الطفوف، ج ۱، ص ۱۷۵.

۸. شعرانی، دمع السجوم، ترجمه نفس المهموم، ۱۳۷۴ق، ص ۱۹۵.



معبودی غیر از تو برای من نیست.

بر حکم تو صبر می‌کنم ای فریادرس کسی که فریادرسی ندارد! ای همیشه، ای که پایان‌ناپذیر است! ای زنده‌کننده مردگان! ای برپادارنده هرکس با آنچه که به دست آورده! میان ما و اینان داوری کن که تو بهترین داورانی.<sup>۱</sup>

### ما و الگوهای عینی رضایت در زندگی

امام حسین علیه السلام نشان داد که می‌شود در اوج مشکلات و مصیبت‌های شدید، احساس رضایت داشت. سوال این است که از طرفی ما خودمان را رهرو مکتب سیدالشهدا می‌دانیم و از طرفی حالمان خوب نیست و احساس رضایت در زندگی ما کم‌رنگ است و با کوچک‌ترین مشکل این احساس نابود می‌شود.

چه کنیم تا بتوانیم مانند اربابمان در شداید و سختی‌های فردی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... همچنان احساس رضایت داشته باشیم یا به عبارت دیگر، چه کنیم که دعای ما که از خداوند می‌خواهیم حیات ما را مانند حیات اهل بیت قرار بدهد مستجاب شود؟

● اللَّهُمَّ اجْعَلْ حَيَاتِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَاتِي مَمَاتِ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ<sup>۲</sup>

● اللَّهُمَّ فَصِّلْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْ حَيَاتِي حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَمَاتِي مَمَاتَهُمْ<sup>۳</sup>

● اللَّهُمَّ لَا تَجْعَلْنِي مِنَ الْأَشْرَارِ وَلَا مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ وَلَا تَحْرِمْني صُحْبَةَ الْأَخْيَارِ وَ  
أَخِييَ حَيَاةَ طَيْبَةٍ وَتَوَفِّي وَفَاةَ طَيْبَةٍ تُلْحِقُنِي بِالْأَبْرَارِ وَارْزُقْنِي مُرَافَقَةَ الْأَنْبِيَاءِ فِي  
مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكَ مُقْتَدِرِ اللَّهُمَّ أَخِييَ حَيَاةَ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ وَأَمْنِي مَمَاتَهُمْ وَ  
تَوَفِّي عَلَيَّ مَلْتَهُمْ<sup>۴</sup>

در جلسات دیگر درباره آن گفتگو خواهیم کرد.

۱. مقتل الحسين مقرر، ص ۲۸۲.

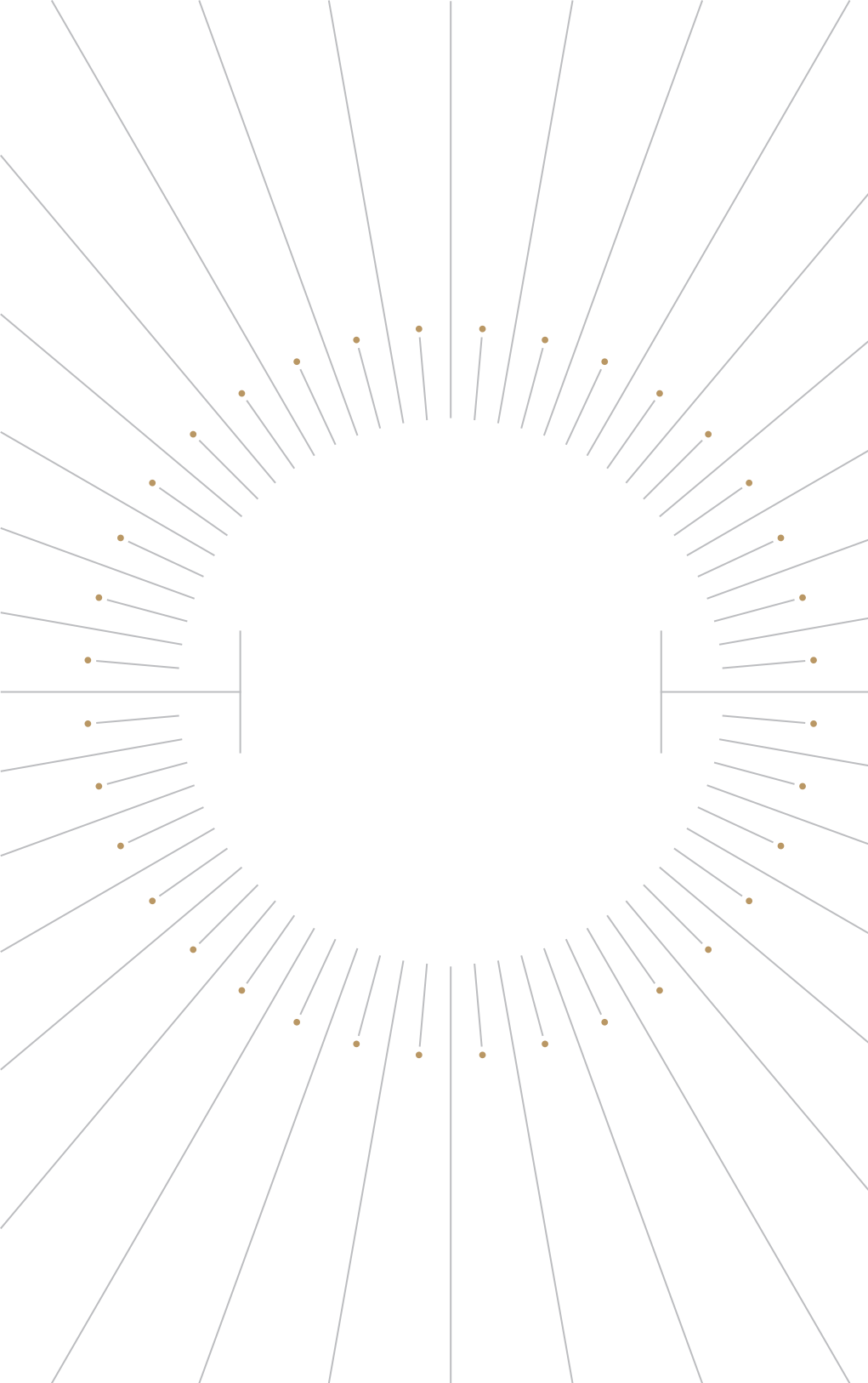
۲. زیارت عاشورا.

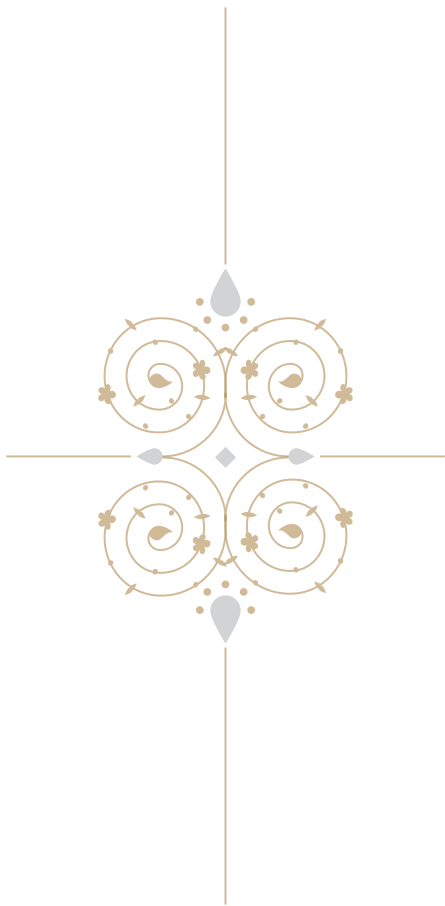
۳. زیارت عاشورای غیر معروفه.

۴. دعای بعد از زیارت عاشورا.









جلسه سوم

حیاتِ غریبی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«قَالَ الْبَاقِرُ عليه السلام لِسَلَمَةَ بِنِ كُهَيْلٍ وَ الْحَكَمِ بْنِ عَتِيْبَةَ: شَرِيفًا وَ عَرَبًا  
فَلَا تَجِدَانِ عِلْمًا صَحِيحًا لِأَشْيَاءٍ خَرَجَ مِنْ عِنْدِنَا أَهْلُ الْبَيْتِ»<sup>۱</sup>

دانستیم که دو نوع حیات وجود دارد و انسان‌ها در یکی از این دو سبک «حیات طیبه» و «حیات خبیثه» زندگی می‌کنند و دانستیم که مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه همان احساس رضایت از زندگی است و اینکه احساس رضایت از زندگی زمانی مطلوب است که مبتنی بر نگاه و شناخت صحیح از مقولاتی باشد که با آن در ارتباط هستیم.

### رابطه توقعات و احساس رضایت در زندگی

یکی از مهم‌ترین عوامل نابودکننده احساس رضایت، ناکامی‌های انسان است، یعنی پاسخ‌نگرفتن توقعات او در زندگی. وقتی من از همسر، فرزندم، دوستانم و... توقعاتی دارم، ولی پاسخ داده نمی‌شود احساس نارضایتی به وجود می‌آید درحالی‌که این توقعات گاهی کاملاً بجا و حق است ولی گاهی هم نابجا.



## مثال‌های توقعات نابجا

توقعات نابجا از قدیم هم در میان ما انسان‌ها بوده است حتی از پیامبران و اولیای الهی.

### توقع نابجای مردم از پیامبران ائمه

#### قوم بنی اسرائیل و حضرت موسی

در قرآن داریم یهودی‌ها به حضرت موسی گفتند: ﴿إِنَّا لَنَنذِرُكُم بِهَا﴾<sup>۱</sup> خداوند دستور داد به شهر بروید و طاغوت‌ها را بیرون کنید، خودتان بروید. گفتند: ما حال درگیری با طاغوت را نداریم. ﴿إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾<sup>۲</sup> ما همین‌جا می‌نشینیم، ﴿فَاذْهَبْ أَنْتَ وَرَبُّكَ﴾<sup>۳</sup> عربی‌هایی که می‌خوانم قرآن است. موسی، تو را به خدا بروید، ﴿فَقَاتِلْ﴾<sup>۴</sup> طاغوت‌ها را بیرون کنید و جنگ‌هایتان را بکنید، ﴿إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ﴾<sup>۵</sup> شهر را امن کنید و به ما بدهید. گفت: بگری، ببند و بده دست من پهلوان! ما حال درگیری نداریم. قرآن انتقاد می‌کند از این روحیه‌ای که این‌ها توقع داشتند. آیه زیاد داریم که توقع بی‌خود دارید. یک آیه نازل شد که این آرزوها را کنار بگذارید. ﴿لَيْسَ بِأَمَانِيكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ﴾<sup>۶</sup> اینکه تو خیال می‌کنی این‌طور است، توقع است.

#### برخورد پیامبر اسلام با توقع نابجای همسرش

در یکی از جبهه‌ها پیغمبر اسلام پیروز شد و غنائم جنگی گیرشان آمد. زنان پیغمبر گفتند: خیلی خوب حالا که پیروز شده یک چیزی هم به ما بدهد. پیغمبر فرمود: من پیغمبر هستم معنایش این نیست که زن پیغمبر غنائم جنگی بگیرد. غنائم جنگی برای کسانی است که در جبهه بودند. ﴿قُلْ لِأَزْوَاجِكُمْ إِن كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا﴾<sup>۱</sup>؛ دور من جمع شدید برای اینکه از غنائم استفاده کنید و توقع دارید غنائم مسلمین را به شما بدهم. خانواده من در رفاه باشند، ﴿فَتَعَالَى﴾<sup>۲</sup> تشریف بیاورید،

۱. مائده، ۲۲.

۲. مائده، ۲۴.

۳. نساء، ۱۲۳.

۴. احزاب، ۲۸.



﴿أَمَّتَعَكُنَّ وَأَسْرَحَكُنَّ سَرَّاحًا جَمِيلًا﴾ مهرتان را بگیرید. توقع نداشته باشید که شما زن پیغمبر هستید یک سهم اضافه داشته باشید؛ لذا بعضی از آن‌ها از پیامبر خدا هم بدشان آمد.

### اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام و توقعات نابجا

طلحه و زبیر نزد امیرالمؤمنین آمدند و گفتند: با تو بیعت می‌کنیم به شرط اینکه کارهای مملکت را با ما مشورت کنی. توقع داشتند، چون طلحه و زبیر از اصحاب دانه درشت پیغمبر بودند.

حضرت امیر فرمود: اگر یک چیزی در قرآن هست که نیاز ندارم از شما مشورت کنم، هرچه قرآن گفته عمل می‌کنم. اگر یک چیزی در قرآن نیست نیاز به مشورت است، هم با شما دو تا مشورت می‌کنم و هم با سایر مسلمانان. گفتند: نه، حساب ما جداست. فقط با ما مشورت کن. فرمود: نه! این‌ها دیدند که به توقعشان عمل نشد از امیرالمؤمنین جدا شدند و رفتند با عایشه، جنگ جمل را راه انداختند. توقع اینکه شما باید از من بپرسی!

در واقع توقعات انسان با احساس رضایت در زندگی، رابطه بسیار نزدیک و تنگاتنگی دارد.

### ملاک‌های توقعات بجا

زمانی توقع و انتظار ما از طرف مقابل (هریک از عناصر شبکه ارتباطی اعم از خودم، خداوند، دنیا، فرزند، همسر، والدین، دوستان، جامعه، رهبری و...) بجاست در صورتی که طرف مقابل:

### علم داشته باشد

قاعده‌ای داریم در فقه به نام «قبیح عقاب بلا بیان»؛ یعنی اگر شما به طرف مقابل چیزی را نگفته‌اید نباید توقع داشته باشید آن را انجام بدهد و اگر انجام نداد حق تنبیه او را ندارید. خداوند نیز این قاعده را به رسمیت



شناخته و در قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ نَبْعَثَ رَسُولًا»<sup>۱</sup> (ما تا برای قومی پیامبر نفرستیم وظایف‌شان را به آن‌ها منتقل نکنیم، آن‌ها را عذاب نخواهیم کرد.) از همین رو مهم‌ترین و اولین وظیفه انبیاء را خداوند تعلیم دانسته است و می‌فرماید: «هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمَمِينَ رَسُولًا فِتْمَهُمُ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ لُنْفِي صَلَّلَ مُبِينًا»<sup>۲</sup>

و از همین باب است که اولین وظیفه والدین نسبت به فرزندان را تعلیم می‌داند. در همین رابطه پیامبر اکرم می‌فرماید: «حَقُّ الْوَالِدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُعَلِّمَهُ الْكِتَابَةَ وَالسِّبَاخَةَ وَالرِّمَايَةَ وَأَنْ لَا يَرْزُقَهُ إِلَّا طَيِّبًا»<sup>۳</sup> (حق فرزند بر پدرش این است که او را سواد، شنا و تیراندازی بیاموزد و جز روزی حلال خوراک او نکند.) بنابراین هر توقعی که بدون پشتوانه آگاهی طرف مقابل باشد توقع بیجایی است. مثلاً شما به همسرت نگفته‌ای که از فلان غذا خوشتر نمی‌آید، بدون آنکه بداند همان غذا را پخته است، لذا تو حق نداری او را مآخذ کنی.

این توقع بیجایی است بدون اینکه به فرزندانمان الفبا بیاموزیم توقع نوشتن از آن‌ها داشته باشیم و این نیز توقع بیجایی است که بدون آموختن مهارت‌های اقتصادی از فرزندم توقع داشته باشم سرمایه خود را مدیریت کند.

### توان داشته باشد

این شرط نیز کاملاً عاقلانه است که اگر طرف مقابل توان برانجام کاری ندارد نباید توقع داشته باشیم آن را انجام دهد. خداوند متعال پنج مرتبه در قرآن کریم این آیه را تکرار کرده است که: «لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا»<sup>۴</sup> (ما بدون در نظر گرفتن توان افراد مسئولیت و تکلیفی به او نمی‌دهیم.)

۱. اسراء، ۱۵.

۲. جمعه، ۲.

۳. کنز العمال، ج ۴۰، ص ۳۵۳۴.

۴. بقره ۲۸۶، مؤمنون ۶۲، اعراف ۴۲، انعام ۱۵۲ و بقره ۲۵۳.





فقهای ما نیز براساس همین قاعده، یکی از مهم‌ترین شروط انجام تکلیف را قدرت بر انجام دانسته‌اند.

- کسی که نمی‌تواند ایستاده نماز بخواند، باید نشسته نماز بخواند.
- کسی که مستطیع شده است، اما توانایی جسمی برای حج ندارد، حج بر او واجب نیست.
- کسی که به سن بلوغ رسیده است، ولی توانایی روزه گرفتن ندارد، روزه بر او واجب نیست.

درواقع بسیاری از توقعات ما از توان طرف مقابل خارج است، لذا توقع ناپجاست. مثلاً توقع داریم که آموزش و پرورش تمامی بار تربیت فرزندان را بردوش بکشد درحالی‌که این توانایی در این مجموعه نیست.

توقع داریم دولت بدون پشتوانه و حمایت مردمی همه مشکلات را برطرف کند درحالی‌که دولت به تنهایی این قدرت را ندارد. اگر دولت تمام بودجه خود را هزینه کند برای تأمین آب، ولی مردم اهل اسراف باشند بازهم با کمبود آب مواجه خواهیم بود.

اگر مسئولین شهری همه بودجه خود را برای محیط‌زیست هزینه کنند، اما مردم نه به معاینه فنی توجه کنند نه به آلاینده‌گی وسایل نقلیه، مشکل محیط‌زیست برطرف نخواهد شد. اگر مسئولین تمامی بودجه خود را صرف نظارت بر مغازه‌ها و... کنند، ولی مردم پای کار نباشند، هرگز فساد از بین نخواهد رفت.

### مانع نداشته باشد

گاه دو شرط بالا موجود است، اما به موانع جلوی پای هر فرد توجه نمی‌کنیم، مثلاً طرف هم علم و هم قدرت دارد که به حج برود، اما راه بسته است و نمی‌تواند حج انجام دهد.

معلم از دانش‌آموزان به یک اندازه توقع دارد درحالی‌که ممکن است یکی از شاگردان او در خانواده‌ای زندگی می‌کند که والدین مدام در حال مشاجره



هستند و این دختر یا پسر برای درس خواندن مانع دارد و نمی‌تواند مانند افرادی که فراغت دارند به درس خواندن بپردازد.

پیامبران علم و توان مدیریت جامعه و بشریت را داشتند، اما موانع بزرگی هم داشتند؛ موانعی از جنس هوس برخی از مردم قدرت طلب، فاسد و ... پس شناخت توقعات صحیح از ناصحیح و مدیریت آن‌ها امر بسیار مهمی در کسب رضایت در زندگی است.

### راهکارهای غرب برای مدیریت توقعات و ایجاد رضایت در زندگی

در گفتارهای قبل اشاره شد که ما در یک تقابل تمدنی هستیم و طبیعتاً باید ادعاهای رقیب و دستاوردهای آن را مورد توجه قرار داده و با مقایسه منطقی تحلیل کنیم. آنچه در پی می‌آید تحلیل و مقایسه دستاوردهای غرب در زمینه سعادت بشر با تمرکز بر راهکارهایی است که توصیه می‌کند؛ راهکارهایی که به توقعات انسان جهت می‌دهد و این جهت‌دهی در نهایت سبب ایجاد یا عدم ایجاد احساس رضایت در زندگی می‌شود.

غرب و اندیشمندان غربی برای ایجاد حس رضایت از زندگی طی سالیان متمادی سه مرحله یا به عبارتی سه راهکار را پیشنهاد کرده‌اند.

۱. توسعه امکانات

۲. تلقین و توهم

۳. تغییر باورها

### اولین توصیه: توسعه امکانات

غرب برای کسب رضایت از زندگی، توصیه به توسعه امکانات کرده است. اندیشمندان زیادی در این باره نظر داده‌اند که به عنوان نمونه نظرات برخی از این اندیشمندان را بیان می‌کنیم:

#### آلویین تافلر

آلویین تافلر، نویسنده و آینده‌پژوه معروف آمریکایی در کتاب «موج سوم»



می‌نویسد: موج سوم برای مفهوم بنا شده که تاریخ بشر دو انقلاب (موج) را پشت سر گذاشته است، انقلاب کشاورزی و انقلاب صنعتی و اکنون در آستانه سومین آن، یعنی انقلاب الکترونیک است ...

تافلر معتقد است مقاومت در برابر موج سوم باعث ازهم‌گسستن خانواده‌هایمان، متزلزل کردن اقتصادمان، فلج کردن سیستم‌های سیاسی‌مان و درهم‌شکستن ارزش‌هایمان می‌شود و بر همه ما اثر خواهد گذاشت و برای رسیدن به خوش‌بختی ناگزیر باید وارد موج سوم شد.

### ماکس وبر

ماکس وبر، جامعه‌شناس، استاد اقتصاد سیاسی، تاریخ‌دان، حقوق‌دان و سیاست‌مدار آلمانی معتقد است که نه تنها افکار، بلکه علایق مادی و آرمانی بر رفتار انسان‌ها، مستقیماً تسلط دارند.<sup>۱</sup>

### مارتین هایدگر

مارتین هایدگر، فیلسوف معروف آلمانی معتقد است مدرنیته به دنبال توسعه است و راه نجات و سعادت بشر، توسل به مدرنیته<sup>۲</sup> است. غرب برای رضایت از زندگی به این شاخص روی آورد و با کارهای متفاوت اعم از اهمیت دادن به اقتصاد و رفاه و محور قرار دادن این شاخص‌ها سعی در بهتر کردن زندگی‌ها داشت؛ حتی با ابزار رسانه سعی کرد به مردم القا کند که خوش‌بختی یعنی امکانات مادی و پول و حتی فیلم هم به همین نام «در

۱. لوئیس کوزر، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، چ پنجم، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۷۳، ص ۳۳۹.

۲. از نظر فیلسوفان مدرن، «مدرنیته» به معنای «نوآوری، ابداع، ابتکار، خلاقیت، پیشرفت، ترقی، رشد خودآگاهی تاریخی بشر» (زیگموند باومن و همکاران، مدرنیته چیست؟ مدرنیته و مدرنیسم، ترجمه و تدوین حسین علی‌نوروزی، تهران، نقش جهان، ۱۳۷۸، ص ۳۳ و ۶۷). و همچنین به معنای «خردباوری و تلاش برای عقلانی‌کردن هر چیز، شکستن و ویران کردن عادت‌های اجتماعی و باورهای سنتی، همراه با پشت سر نهادن ارزش‌های سنتی و باور به اصالت علم تجربی و عقلانیت بشری و محوریت انسان و اعتقاد به ایده پیشرفت، تعریف و توصیف شده است.» (بابک احمدی، مدرنیته و اندیشه انتقادی تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۳، ص ۱۱)

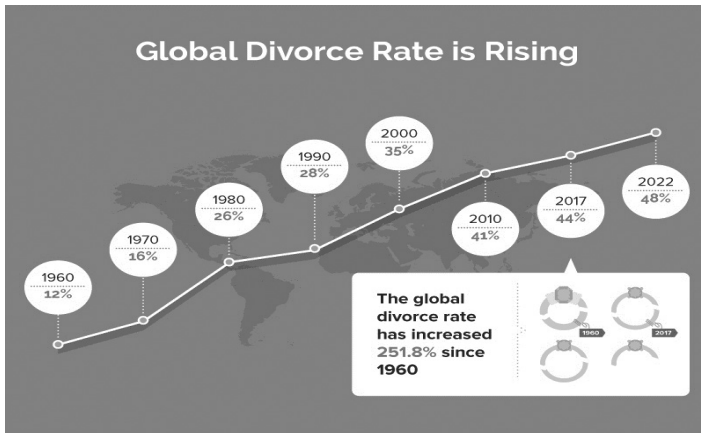


جست و جوی خوش بختی<sup>۱</sup> ساختند.

حال باتوجه به این راهبرد غرب، نگاهی به آمارهایی که نشان دهنده رضایت از زندگی و امید به زندگی هست می‌اندازیم.

### الف) طلاق

کاهش رضایت از زندگی سبب بروز اختلاف خانوادگی و در صورت حل نشدن این اختلافات و مشکلات در بین خانواده‌ها، سبب طلاق می‌شود. به گفته اندیشمندان غربی اگر توسعه امکانات رمالک جدی و مهمی برای رضایت از زندگی در نظر بگیریم - باید در این کشورها که از نظر توسعه امکانات پیشگام بودند - آمار طلاق به نسبت کشورهای کمتر توسعه یافته پایین‌تر باشد؛ در صورتی که طبق گزارش مرکز حقوقی Unified Lawyers، براساس داده‌های سازمان همکاری و توسعه اقتصادی<sup>۲</sup> اتحادیه اروپا و دیگر مراجع آماري معتبر دنیا، نرخ طلاق در دهه‌های گذشته، بسیار افزایش پیدا کرده و از ۱۲ درصد در سال ۱۹۶۰م به ۴۸ درصد در سال ۲۰۲۲ رسیده است.<sup>۳</sup>



تصویر روند افزایش نرخ طلاق در دنیا، منبع: OECD، اتحادیه اروپا و...

1. The Pursuit of Happiness.

2. OECD.

۳. متن کامل این گزارش در نشانی زیر قابل دسترسی است:

<https://www.unifiedlawyers.com.au/blog/global-divorce-rates-statistics/>



در این گزارش ذکر شده است که نرخ طلاق در میان افراد معتقد به ادیان پایین‌تر از میانگین جهانی بوده است. برای مثال، نرخ طلاق در میان مسلمانان، کمتر از میانگین جهانی است.



تصویر نرخ طلاق به تفکیک ادیان، منبع: OECD، اتحادیه اروپا و...

### آمار طلاق در ایران

به گزارش ثبت احوال، تعداد ازدواج‌های انجام شده در سال هزار و چهارصد، ۵۷۰۶۱۸ و تعداد طلاق‌ها در همین سال ۲۰۳۹۰۴ بوده است، در صورتی که ما در سال ۱۳۶۷، تعداد ۳۰۲۶۶۷ مورد ازدواج و در همین سال ۲۱۱۷۰ مورد طلاق داشته‌ایم!

1. <https://www.amar.org.ir/%D8%AF%D8%A7%D8%AF%D9%87%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D8%A7%D8%B7%D9%84%D8%A7%D8%B9%D8%A7%D8%AA-%D8%A2%D9%85%D8%A7%D8%B1%D8%B8%D8%AC%D9%85%D8%B9%D8%B8%D8%AA-%D9%88-%D9%86%D8%B8%D8%B1%D9%88%D8%B8-%DA%A9%D8%A7%D8%B1/>



## ب) خشونت خانگی علیه زنان

کم شدن اختلافات و خشونت‌های درون خانواده معیار یک زندگی سالم است. خشونت علیه زنان در جوامع غربی و با امکانات مادی فراوان بسیار بیشتر از دیگر کشورهای جهان است.

سازمان ملل در گزارش سال ۲۰۲۱ خود به بررسی میزان خشونت علیه زنان پرداخته و به آمار تعجب‌آوری دست پیدا کرده است. برآوردهای منتشرشده توسط سازمان بهداشت جهانی نشان می‌دهد که در حدود ۳۰٪ از زنان در سراسر جهان در طول زندگی خود مورد خشونت شریک زندگی یا شریک جنسی خود قرار گرفته‌اند. حدود ۳۸٪ از کل قتل‌های زنان توسط شرکای صمیمی آن‌ها انجام می‌شود و علاوه بر خشونت شریک زندگی، ۶٪ از زنان در سطح جهان اظهار داشته‌اند که توسط شخص دیگری غیر از شریک زندگی مورد آزار جنسی قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup>



World Health  
Organization



Health Topics ▾

Countries ▾

Newsroom ▾

Emergencies ▾

Home / Newsroom / Fact sheets / Detail / Violence against women

## Violence against women

9 March 2021

تصویر افزایش خشونت علیه زنان در سطح جهان، منبع: سازمان ملل

در گزارش سال ۲۰۱۷ سازمان جهانی زنان نیز به این نکته اشاره شده است که بیش از نیمی از قتل‌های عمد زنان در سطح جهان توسط شرکای صمیمی یا یکی از اعضای خانواده آنان به وقوع پیوسته است.<sup>۲</sup>

8%A7%D8%B2%D8%AF%D9%88%D8%A7%D8%AC-%D9%88-%D8%B7%D9%84%D8%A7%D9%82#5591746-

1. <https://www.who.int/news-room/fact-sheets/detail/violence-against-women>

2. <https://www.unwomen.org/en/what-we-do/ending-violence-against-women/facts-and-figures>.





## Facts and figures: Ending violence against women

وضعیت خشونت علیه زنان در برخورد با شرکای صمیمی آنان در سطح جهان، منبع:  
سازمان جهانی زنان

کاترین هانسون، مدیر مرکز انتشارات قانون برابری آموزشی زنان، آمار هراس‌آوری در رابطه با خشونت در ایالات متحده آمریکا ارائه کرده است. بخشی از این آمار که در جنسیت و خشونت مطرح شده است بدین شرح است:

همه‌ساله نزدیک به ۴ میلیون زن تا سرحد خودکشی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرند. خشونت مردان، عامل اصلی مرگ و میر زنان است. علت اصلی آسیب‌دیدگی زنان، ضرب و شتم آنان توسط مردان در خانه است. در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ و ۱۹۹۱ میزان تجاوز به عنف ۵۹٪ بیشتر شده است.<sup>۱ و ۲</sup>

موسسه آمریکایی social solutions در گزارش سال ۲۰۱۸ خود به ۲۰ مورد از آمارهای هشداردهنده در رابطه با خشونت خانگی علیه زنان در آمریکا پرداخته است که برخی از آنان به شرح زیر است:

بیش از یک سوم زنان در سراسر ایالات متحده آمریکا گزارش کرده‌اند که در طول زندگی خود مورد تجاوز و یا خشونت جنسی توسط شریک زندگی خود قرار گرفته‌اند. نزدیک به هر ۲۰ دقیقه یک نفر مورد تعرض جنسی در ایالات متحده آمریکا قرار می‌گیرد.



1. <http://www.edc.org/WomensEquity/article/gbv.peace>

2. <https://files.eric.ed.gov/fulltext/ED391123.pdf>

بیش از ۴۰٪ از کل قتل‌های زنان در آمریکا توسط شریک زندگی آنان انجام شده است. ۵۰٪ از زنانی که مورد تعرض همسران خود قرار گرفته‌اند، فرزندان خود را نیز مورد تعرض قرار داده‌اند.

اغلب افرادی که مورد خشونت خانگی قرار گرفته‌اند، هیچ‌گاه این مسئله را به پلیس گزارش نداده‌اند.<sup>۱</sup> مرکز ملی پیش‌گیری و کنترل آسیب‌های ایالات متحده آمریکا نیز در گزارش خود به فراگیری خشونت علیه زنان پرداخته و این نکته را یادآور شده است که حدود یک نفر از هر پنج زن و همچنین یک نفر از هر هفت نفر مرد در این کشور، خشونت جسمی را در رابطه با شریک زندگی خود تجربه کرده‌اند.



تصویر رواج خشونت جنسی توسط شریک‌های زندگی در ایالات متحده آمریکا، منبع: گزارش مرکز ملی پیش‌گیری و کنترل از آسیب‌های آمریکا<sup>۲</sup>

مسئله خشونت‌ها علیه بانوان، نه تنها در ایالات متحده آمریکا بلکه در بسیاری از کشورها که از الگوی غربی تبعیت می‌کنند فراگیر شده است. طبق یک گزارش در سال ۲۰۱۶، یک نفر از هر پنج زن بالای ۱۵ سال در کشور استرالیا، مورد تعرض جنسی قرار گرفته‌اند.<sup>۳</sup>

- <https://www.socialsolutions.com/blog/domestic-violence-statistics-2018/>
- [https://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/ipv/IPV-factsheet2020\\_508.pdf](https://www.cdc.gov/violenceprevention/pdf/ipv/IPV-factsheet2020_508.pdf)
- <https://www.trustedclothes.com/blog/2016/06/09/sexualization-objectification-push-ing-boundaries-in-advertising/>





## Violence against women: key statistics

### RATES OF VIOLENCE AGAINST WOMEN & MEN

SINCE THE AGE OF 15:



**1 in 5**

Australian women had experienced **sexual violence**.



**1 in 6**

Australian women had experienced **physical or sexual violence** from a current or former partner.



**1 in 4**

Australian women had experienced **emotional abuse** by a current or former partner.



**1 in 3**

Australian women had experienced **physical violence**.

**1 in 22**

Australian men had experienced **sexual violence**.



**1 in 19**

Australian men had experienced **physical or sexual violence** from a current or former partner.



**1 in 7**

Australian men had experienced **emotional abuse** by a current or former partner.



**1 in 2**

Australian men had experienced **physical violence**.



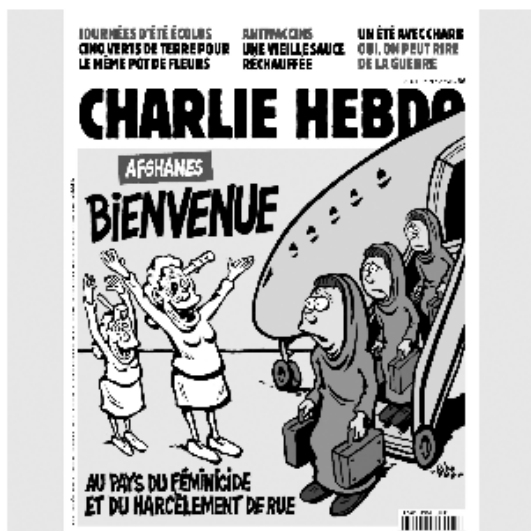
تصویر وضعیت خشونت علیه زنان در استرالیا، منبع: تراستدکلادز

مجله پرحاشیه «شارلی ابدو» به مناسبت ورود تعدادی از زنان افغانستانی به فرانسه به خشونت‌های متعدد علیه زنان در این کشور اشاره کرده و با تیتراژ «بانوان افغانی! به کشور زن‌کشی و مزاحمت خیابانی خوش آمدید» به این موضوع پرداخته است.<sup>۱</sup>



1. <https://charliehebdo.fr/editions/1518/>

## EDITION 1518



## 9 COUVERTURES AUXQUELLES

تصویر پرداختن مجله پرحاشیه شارلی ابدو به خشونت علیه زنان در فرانسه، منبع: شارلی ابدو

### پ) خودکشی

میان سلامت روان و رضایت از زندگی و خودکشی رابطه معناداری وجود دارد به طوری که هرچه انسان از سلامت روان بیشتتری برخوردار باشد رضایتش از زندگی بیشتر شده است و از پایان دادن به زندگی خودش دور می‌شود. حال با توجه به این مقدمه و همچنین دیدگاه توصیه به توسعه امکانات مادی برای رضایت از زندگی، نگاهی به آمارهای خودکشی در کشورهای پیشرفته می‌اندازیم.

در بین سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۶ میلادی، با وجود اینکه آمار خودکشی مردان با نرخ ۲۱٪ در حال افزایش بوده است، افزایش این آمار برای بانوان، نزدیک



به ۵۰٪ است. آمار خودکشی در غرب و افزایش چند برابری درصد خودکشی زنان در قیاس با مردان، نشان‌دهنده افزایش بیماری‌های روحی و روانی ناشی از بحران معنویت در میان زنان در کشورهای غربی است.<sup>۱</sup>

PUBLIC HEALTH



## U.S. Suicide Rates Are Rising Faster Among Women Than Men

June 14, 2018 - 12:01 AM ET  
Heard on Morning Edition

RHITU CHATTERJEE

2-Minute Listen

+ PLAYLIST



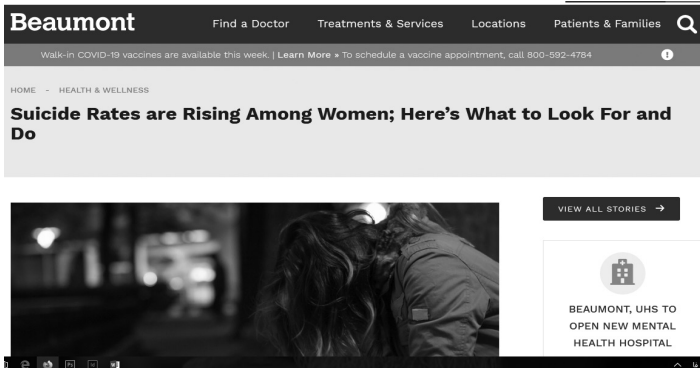
تصویر افزایش نرخ خودکشی زنان آمریکایی به نسبت مردان این کشور،  
منبع: نشنال پابلیک رادیو

موسسه مراقبت‌های بهداشتی بیومونت ایالت میشیگان آمریکا در گزارشی از افزایش نرخ خودکشی زنان در این کشور خبر داده است. این مطالعه نشان می‌دهد که میزان خودکشی برای زنان ۴۵ تا ۶۴ ساله ۶۳٪ جهش داشته است، در حالی که خودکشی در میان زنان جوان ۱۰ تا ۱۴ ساله با جهش بیشتر از این عدد روبرو شده است.<sup>۲</sup>

1. <https://www.npr.org/sections/health-shots/2018/06/14/619338703/u-s-suicides-rates-are-rising-faster-among-women-than-men>

2. <https://www.beaumont.org/health-wellness/blogs/suicide-rates-are-rising-among-women-what-to-look-for-and-do>





تصویر رواج خودکشی در بین زنان آمریکایی ۱۰ تا ۱۴ سال، منبع: موسسه مراقبت‌های بهداشتی بیومونت ایالت میشیگان آمریکا

مرکز پیش‌گیری از خودکشی کانادا نیز در گزارشی اعلام کرده است که زنان ۲ تا ۳ برابر بیشتر از مردان اقدام به خودکشی می‌کنند و دختران نوجوان نیز بیشتر از گذشته به این اقدام خطرناک دست می‌زنند!



Resources > Women and Suicide >

TOOLKIT

## Women and Suicide

CENTRE FOR SUICIDE PREVENTION

تصویر مقایسه نرخ خودکشی زنان و مردان در کشور کانادا، منبع: مرکز پیش‌گیری از خودکشی کانادا

### ت) بیماری‌های روحی و روانی

رضایت از زندگی به ارزیابی ذهنی انسان از اینکه تا چه اندازه نیازها، اهداف و آرزوهایش به تحقق پیوسته است بازمی‌گردد. افرادی که از زندگی خود راضی تر هستند، سلامت جسمی و روانی بیش‌تری را تجربه می‌کنند. اخلاق

1. <https://www.suicideinfo.ca/resource/women-and-suicide/>



خوب، احساس سلامتی و رضایت از زندگی موجب می‌شود که کیفیت و معنای زندگی را مثبت ارزیابی کنیم. عدم رضایت از زندگی با وضعیت سلامتی ضعیف‌تر، علایم افسردگی، مشکلات شخصیتی، رفتارهای نامناسب بهداشتی و وضعیت ضعیف اجتماعی همراه است.<sup>۱</sup>

موسسه اتحاد برای کودکان و خانواده ایالت اوهایو آمریکا با انتشار آماری، خطر افزایش بیماری‌های روحی و روانی را گوشزد کرده است، برخی از این آمار بدین شرح است:

سالانه ۱۲ میلیون نفر از زنان آمریکا افسردگی را تجربه می‌کنند. ۱۰ تا ۱۵ درصد از مادران به افسردگی پس از زایمان دچار می‌شوند. زنان ۲ برابر بیشتر از مردان به افسردگی مبتلا می‌شوند. هر ۳ دقیقه یک زن به دلیل سوء مصرف داروهای مسکن به اورژانس مراجعه می‌کنند.<sup>۲</sup>

۱. اسدی بیجائییه و همکاران، ۱۴۰۰.


۲. [https://www.thenationalcouncil.org/wp-content/uploads/2016/04/16\\_Womens-men-tal-health2.png](https://www.thenationalcouncil.org/wp-content/uploads/2016/04/16_Womens-men-tal-health2.png)



# WOMEN'S MENTAL HEALTH

## DEPRESSION

is the most common mental health problem for women



**12 MILLION** women in the U.S. experience depression each year

**10-15%** of mothers get postpartum depression

**9%** of women experience postpartum PTSD (posttraumatic stress disorder) following childbirth

**x2 MORE** Women experience depression twice the rate of men

**x2 AS OFTEN** Men are more likely to die by suicide, but women attempt suicide twice as often

**x2 AS LIKELY** Women are twice as likely to have an anxiety disorder

**1 in 12** women develop alcohol dependence during their lives

**EVERY 3 MINUTES** a woman goes to the ER for prescription painkiller abuse

**4.6 MILLION** adult women misuse prescription drugs

**80%** of women with depression feel better with treatment.

SOURCE  
www.womensmentalhealthprevention.org/genderwomen  
www.fda.gov/ohrt/america.net/conditions/conditions/women  
www.mentalhealthamerica.net/conditions/conditions/women  
Sudrow, D. "Postpartum Psychiatric Illness: The Role of the Pediatrician." Pediatrics in Review, 19 (1998): 229-231.  
www.aao.org/being-with-anxiety/women

Horton, J.A. "A Profile of Women's Health in the United States." The Women's Health Data Book, 2nd ed., Scribner, Institute of Women's Health, 1995.  
www.aao.org/being-with-anxiety/women  
www.womensmentalhealthprevention.org/genderwomen  
Substance Abuse and Mental Health Services Administration, 2014  
Centers for Disease Control and Prevention. Vital Signs, 2013.  
National Institute of Health, 1998

تصویر وضعیت سلامت روان زنان در ایالات متحده آمریکا، منبع: انیشتین پرسپکتیو<sup>۱</sup>

1. <https://einsteinperspectives.com/depression-from-a-womans-perspective/>



درصد زنان آمریکایی که از داروهای ضد افسردگی استفاده می‌کنند بسیار بیشتر از زنان کشورهای دیگر جهان است. در سه نسل گذشته تعداد آمریکایی‌هایی که از قرص‌های ضد افسردگی استفاده می‌کنند بیشتر و بیشتر شده است. این موضوع در مورد زنان این کشور حادث است به نحوی که زنان آمریکایی در صدر جدول استفاده‌کنندگان از داروهای ضد افسردگی قرار دارند. روان‌شناسان یکی از دلایل استفاده زیاد این داروها در بین زنان را نگاه ابزاری جامعه به آن‌ها و فشارهای وارده به آن‌ها در جریان زندگی می‌دانند. این نوع افسردگی که از آن به عنوان «ناراحتی مرسوم» یاد می‌شود به این دلیل اتفاق می‌افتد که زنان جامعه احساس می‌کنند هیچ‌کس به معنی واقعی، آن‌ها را دوست ندارد و روابط افراد جامعه با آن‌ها تنها به منظور سوءاستفاده‌های جنسی و مادی است.<sup>۱</sup>

### رفاه و امکانات خوشبختی نمی‌آورد!

شناخت هستی و معنای زندگی یکی از عوامل مؤثر در رضایت از زندگی است. نویسنده آمریکایی کتاب «روان‌شناسی شادی» آن‌گونه که خود نقل می‌کند، وقتی در ۲۲ سالگی همه آنچه را جامعه برای خوشبخت شدن به امثال او دیکته می‌کند، به دست می‌آورد، احساس پوچی و تیره‌روزی می‌کند و هیچ دلیلی برای ادامه زندگی نمی‌یابد. او دچار بحران هویت می‌شود و زندگی برایش بی‌معنا می‌گردد و حتی تصمیم به خودکشی می‌گیرد!

سؤال این است که اگر رفاه و آسودگی کامل، ستون فقرات خوشبختی است، پس چرا انسان با داشتن همه آن‌ها احساس پوچی می‌کند؟ یکی از عوامل تنش و فشار روانی، «بی‌معنابودن زندگی» است، نه مرفه نبودن آن. علت احساس ناکامی در مال و ثروت نیست بلکه ناکامی در معنایابی است.

اگر زندگی برای انسان بی‌معنا گردد، همه چیز تیره‌وتار خواهد شد. مال



1. <https://www.scientificamerican.com/article/the-medicated-americans/>

و رفاه کم‌ارزش‌تر از آن است که معنای زندگی ما باشند. معنای زندگی را دریابید تا احساس ارزش و آرامش کنید. آلپوت می‌گوید: امروزه در اروپا روان‌شناسان و روان‌پزشکان، آشکارا از فروید که ناکامی جنسی را علت ناراحتی‌های روانی می‌دانند روی برگردانده و به «هستی‌درمانی» روی آورده‌اند که مکتب معنادرمانی یکی از آن‌ها است.<sup>۱</sup>

کسانی که قایل به این امر هستند که رضایت از زندگی انسان در گرو توسعه امکانات مادی است و انسان‌ها ناچارند خودشان را برای یک زندگی شاد در دامان مدرنیته بیندازند یا همراه با موج سوم بشوند، می‌بینند که این توصیه راهگشا نبوده است و آمارها در تمام عرصه‌هایی که حاصل از رضایت یا نارضایتی در زندگی است مانند خودکشی، طلاق، بیماری‌های روحی روانی، خشونت علیه زنان و... گویای مطلب دیگر است.

### دومین توصیه: تخیل و توهم، تلقین

پس از توصیه به توسعه امکانات مادی، دومین راهی که غرب برای رسیدن به آرامش و رضایت در زندگی توصیه می‌کند راه تلقین و تخیل و توهم است. آموزه‌هایی از این قبیل که می‌گوید: «به خود تلقین کن که وضع خوبی داری و از بهترین زندگی‌ها برخورداری و در بهترین مکان‌ها ساکن هستی و بهترین شغل و همسر را داری و...»

### الف) تخیل و توهم

#### والتر استیس

استیس، فیلسوف انگلیسی، سعادت بشری را مبتنی بر زندگی براساس توهمات می‌داند و روحیه علمی و حقیقت‌طلبی را دشمن توهمات، لذا دشمن سعادت بشر می‌انگارد. او معتقد است از آنجایی که زندگی کردن با حقیقت، مشکل است، دلیلی وجود ندارد که از خیل عظیم توهمات که زندگی را برایمان قابل تحمل می‌کند دست برداریم. او برای تأمین معناداری زندگی در عین بی‌معنایی آن، توصیه می‌کند که:

۱. ویکتور فرانکل، انسان در جست‌وجوی معنا، ص ۴.





«ما باید بیاموزیم بدون آن توهم بزرگ، یعنی توهم یک جهان خیرخواه، مهربان و هدف‌دار زندگی کنیم»<sup>۱</sup>

یکی دیگر از استعداد‌های درونی انسان نیروی تخیل او از راه‌هایی است که غرب برای به دست آوردن شادی و رضایت‌مندی از زندگی ارائه کرد. تخیل را از نیرومندترین و همگانی‌ترین توانایی‌های بشری شمرده است؛ زیرا هرکسی در طول عمر و زندگی خود تخیلاتی دارد و در سایه آن موفقیت‌هایی را به دست می‌آورد. این نیرو عاملی برای قدرت و خلاقیت و زمینه‌ساز بسیاری از کشف‌ها و سازندگی‌هاست. در سایه آن، اختراعات و ابداعات پدید می‌آید، شعر و شاعری و نویسندگی و رمان و هنر حاصل می‌شود، سخنان شورانگیز و حماسی شکل می‌گیرد و اعتماد به نفس حاصل شده، آفرینندگی پدید می‌آید؛ اما گاهی همین تخیل به عنوان خیال‌بافی مطرح می‌شود. خیال‌بافی نوعی هذیان در ذهن است و عقل و ادراک در آن راه نداشته و اراده در آن نقش و نفوذی ندارد. در خیال‌بافی، آدمی تابع آرزوهای خودش می‌شود و واقعیات را به گونه‌ای دیگر درک می‌کند. او ممکن است از زندگی خود رضایت نداشته و ناراحت باشد ولی با خیال‌بافی تلاش می‌کند خود را شاد و خوشحال نماید. آنچه را که او خیال می‌کند مقرون به حقیقت نیست و اغلب صورت گول زدن خود را دارد و تنها فایده‌اش این است که نقش مُسکّن را برای آدمی ایفا می‌کند.<sup>۲</sup>

### پائولو کوئیلو

این نویسنده پرتغیله‌دار معاصر برزیلی که رمان‌های او بین مردم عامه در کشورهای مختلف دنیا برای جان‌های تشنه معنویت و سیر به سوی خداوند، دنیایی را می‌گشاید که در تخیل و توهم آن‌ها تحقق می‌یابد. او به جای سیر واقعی و حرکت ایجادکردن در انسان‌ها، آن‌ها را در همان جایی که هستند، با پردازش جهانی باشکوه و پرمزوراز به هیجان وامی‌دارد و جهان

۱. والتر. تی. استیس، ترجمه اعظم پوپا، در بی‌معنایی معنا هست، نقد و نظر، سال هشتم، شماره ۱، ص ۱۲۲.

2. <https://www.pasokhgoo.ir/node/46998>



نامری و نیروهایی جادویی که شور و اشتیاق به زندگی را برانگیخته برای زیستن به او انگیزه می‌دهند.<sup>۱</sup>

### ب) تلقین

تلقین یعنی فرایند قبولاندن یک فکر یا طرز عمل به فرد به شیوه غیرمستقیم.<sup>۲</sup> همچنین تعریف تلقین را می‌توان این‌گونه ارائه کرد: چیزی را در ذهن و فکر کسی به صورت حقیقت جلوه دادن و کسی را به چیزی متقاعد کردن.<sup>۳</sup>

### امیل کوئه

امیل کوئه از روان‌شناسانی است که برای نخستین بار از تجربه خود تلقینی بهره گرفته است. او می‌گوید: «نیروی شگرف تلقین را نمی‌توان دست‌کم گرفت و از این‌رو می‌توان هرروزه تمرین‌هایی را انجام داد و به نتیجه‌ای دلخواه دست یافت. در اینجا می‌خواهم از تلقین عمیق سخن بگویم که می‌تواند در درمان سردمزاجی زنانه، ترس‌ها، فوبیها «ترس‌های بی‌دلیل»، اضطراب‌ها، بی‌خوابی‌ها، تیک‌ها «حرکات طفیلی»، اعتیادات زیان‌آور، ضعف شخصیت، برخی عوارض پوستی و امراض هیستریک، مؤثر واقع شود».<sup>۴</sup>

معمولاً در مواقع حساس و لحظاتی که عدم اعتماد و اطمینان به آینده وجود دارد، موهومات به وجود می‌آید. انسان‌ها در رویارویی با مسائلی همچون تولد، مرگ، مرض، قحطی، فقر، ابتلا و پیش‌آمدهایی از این قبیل، از آنجاکه به راحتی نمیتوانستند از راه علم و منطق، دلایلی معقول برای توجیه اتفاقات ارائه کنند به اعتقادات خرافی گرایش پیدا میکردند تا با تلقین، از اضطراب و تشویش درونی رها شده و تسکین خاطر پیدا کنند.

۱. زینب برجی نژاد، بررسی تفصیلی عرفان‌های نوظهور در ایران، مجله مطالعات قرآنی نامه جامعه (نامه جامعه) مرداد ۱۳۸۹، شماره ۷۱.

۲. واژه‌های مصوب فرهنگستان.

۳. دهخدا، لغت‌نامه دهخدا، ۶۰۸۲: ۱۳۷۳.

۴. پیرداکو، ترجمه هوشیار رزم‌آرا، روان‌شناسی تربیتی، خودشناسی - خودسازی، چاپ صنوبر، ص ۱۳۳.



البته این شیوه برخورد، توجیه روانشناسانه دارد و انسان با تمسک به خرافه، کمی آرامش مییابد و آینده را به دست حادثه میسپارد با آنکه پدیده تلقین از گذشته تا امروز قدرت و نفوذ عمیقی بر زندگی و تصمیمات انسان‌ها داشته و دارد و در روان‌شناسی امروز، به‌عنوان شیوه‌ای درمانی به کار می‌رود، اما تمام قدرتش را تنها از خود انسان می‌گیرد. در بُعد منفی تلقین، این قدرت ناشی از ضعف تصمیم‌گیری و ضعف تعقل و توکل به خداوند سرچشمه می‌گیرد. برخی از افراد که در تصمیم‌گیریها، قدرت استنباط و استدلال ضعیفی دارند برای اینکه تصورات در ذهنشان را به یقینات تبدیل کنند به فرافکنی، تخیل، تفأل و... متوسل می‌شوند.

برخی اندیشمندان غرب برای رضایت از زندگی این راه را به جوامع نشان داده‌اند، یعنی برای رضایت از زندگی همین‌که تفکرات خودت را مثبت کردی، ولو عملی هم انجام ندادی کافی است.

ویلیام جیمز می‌گوید اگر انسان فکر کند که خوشبخت است و از زندگی خودش رضایت دارد همین طرز تفکر، زندگی فعلی او را تغییر می‌دهد. بزرگ‌ترین و مهم‌ترین کشف تاریخ بشریت که سرنوشت انسان‌ها را بر کره خاکی دست‌خوش تغییر کرده است کشف قابلیت تغییر زندگی انسان فقط با تغییر افکارش است.

### سومین توصیه: تغییر باورها

سومین راه پیشنهادی غرب برای رضایت از زندگی، تغییر باورها است. غرب پس از اینکه نتوانست با توسعه امکانات، تلقین، تخیل و توهم به اهداف خود درباره رضایت از زندگی برسد، سراغ راه سوم رفت. در این راه برای زندگی شاد و همراه با آرامش، به تغییر باورها توصیه می‌شود.

### دکتر دیوید برنز

این نویسنده کتاب مشهور «از حال بد به حال خوب» می‌گوید: اگر می‌خواهید از حال بد نجات پیدا کنید باید اندیشه‌های خود را تغییر بدهید.



### رنه گنون

این منتقد مشهور فرانسوی در کتاب «بحران دنیای متجدد» با اشاره به برخی از این پیامدها و بن‌بست‌های تمدن جدید، می‌نویسد: «کسانی که تنعم و رفاه را آرمان خود ساخته‌اند و از بهبودهایی که بر اثر پیشرفت و ترقی حاصل گشته، برخوردارند، آیا خوشبخت‌تر از ابنای بشر در روزگاران پیشین هستند؟»

امروزه وسایل ارتباطی سریع‌تر و امکانات بیش‌تری وجود دارند، ولی عدم تعادل و نابسامانی و احساس نیاز بیشتر، او را در معرض خطر فقدان قرار داده و امنیت او هرچه بیشتر در معرض تهدید قرار گرفته است؛ زیرا که هدف تمدن جدید، چیزی جز افزایش نیازمندی‌های تصنعی، بهره‌گیری جنون‌آمیز از امکانات، مواهب طبیعی و لذت‌طلبی و ارضای هرچه بیشتر و غوطه‌ور ساختن انسان در زندگی ماشینی چیز دیگری نیست.


بشریت باینکه از قدرت مادی و علمی و اقتصادی و فناوری فوق‌العاده بهره‌مند است، ولی با رویکرد مادی‌گرایانه و دین‌گريزانه، به ورطه سقوط و انحطاط افتاده و به غفلت از خویش مبتلا شده است. علم و پیشرفت و امکانات مادی دنیای جدید هرگز نتوانسته‌اند جایگزین دین شوند و بشریت را به سرمنزل خوش‌بختی و سعادت برسانند. وجود این‌همه بحران در جوامع پیشرفته، نشان‌دهنده این واقعیت است که علم و پیشرفت، نمی‌تواند انسان را از دین بی‌نیاز سازد.<sup>۱</sup>

### اپیکور

این فیلسوف یونان باستان می‌گوید: «روزی که چیزی به نام پول وارد زندگی انسان شد، به مثابه یک ابزار به کار گرفته شد، اما هیچ زمان انسان آن زمان گمان نکرد که همین پول قرار است روزی از ابزار بودن خارج شود و خود تبدیل به ارباب شود، تبدیل شود به هدف و غایت و دیگران از برای رسیدن به آن، غایات معمول دیگر را همچون یک ابزار ببینند.

۱. رنه گنون، ترجمه ضیاءالدین دهشیری، بحران دنیای متجدد، تهران، امیرکبیر، چاپ دوم، ص ۱۴۴، ۱۳۷۲.





دنیای امروز دنیایی است که حول پول می چرخد. بسیاری از کارها، اگر نگوییم همه کارها، به واسطه پول است که انجام می پذیرند و همین امر موجب شده که اکثر قریب به اتفاق آدمیان اهمیتی بسیار به پول دهند و حتی بر این گمان روند که خوب زیستن بدون پول امری ست محال.

آنان اینگونه باور دارند که از برای یک زندگی خوب، از برای رسیدن به خوشبختی، باید ثروتمند بود.

درواقع بهزعم آنها فقر و خوش بختی مانعالجمعاند. اما یکی از فلاسفه دوران هلنیستی معتقد بود که بدون پول نیز میتوان خوشبخت بود». او همچنین معتقد بود: «نگرش و برداشت انسان‌ها از رویدادها بسی مهم‌تر و تعیین‌کننده‌تر از خود رویدادها هستند».<sup>۱</sup>

### دفع یک پندار غلط!

معمولاً این‌گونه می‌پنداریم که شادمانی و رضامندی، ضد سختی و گرفتاری است. آنجا که سختی باشد، شادی و رضامندی نیست و آنجا که سختی نباشد، شادی و رضامندی به وجود خواهد آمد؛ اما این تصویری نادرست است و هیچ تلازمی میان این دو، برقرار نیست. سختی، یک چیز است و ناخرسندی چیزی دیگر. نباید تصور کرد پیامد قطعی سختی‌ها، ناخرسندی و ناراضی‌تی است و شادمانی و دشواری، قابل جمع نیستند! انبیا و اولیای الهی بیشترین سختی‌ها را در زندگی تجربه کرده‌اند؛ اما هرگز ناراضی و ناخرسند نبودند.

یک مادر باردار علی‌رغم همه سختی‌هایی که می‌کشد، محدودیت‌هایی که دارد اعم از رفت‌وآمدها، خوردوخوراک‌ها، لباس و پوشش و... نه تنها رضایت دارد که حتی اشتیاق و شوق نیز دارد چراکه واقعیت را می‌داند که این سختی‌ها مقدمه تولد یک نورچشمی با ارزش است.

یک کشاورز علی‌رغم همه مشکلاتی که متحمل می‌شود، احساس رضایت و حتی شادمانی دارد چه اینکه می‌داند محصول این زحمات به زودی برداشت خواهد شد.

سیدالشهدا علیه السلام با وجود سختی‌ها و همه دشواری‌ها، راضی بود. آن حضرت هنگام خروج از مکه در خطبه‌ای خطاب به یاران خود می‌فرماید: «رضایت خدا، رضایت ما اهل بیت است.» و جالب‌تر اینکه روز عاشورا، هرچه فشارها بیشتر می‌شود و حضرت به کشته شدن نزدیک‌تر می‌شود، چهره‌اش گشاده‌تر و با نشاط‌تر می‌گردد و حتی کلمه رضایت، جزو آخرین

کلمات و دعاهایی بود که حضرت به زبان آوردند.<sup>۱</sup>

### مدیریت توقعات؛ راز شادی وسط غم‌ها

پس می‌توان در میان مشکلات و سختی‌ها، خرسند و شادمان بود و این، پدیده شگفتی است! راز این شگفتی در چیست؟ در گفتارهای بعدی، پرده از این راز، برخواهیم داشت. اکنون مهم این است که بدانیم رضایت از زندگی با درست کردن انتظارات و توقعات ما نسبت به واقعیات به دست می‌آید.

توقع ما نسبت به خود حقیقی مان، توقع ما نسبت خداوند، نسبت به دنیا، نسبت به دیگران و جامعه و نظام خود. با بازنگری در توقعات و انتظاراتمان و اصلاح آن‌ها می‌توان به رضایت از زندگی رسید. تفکرات اصیل و صحیح، منجر به شناخت حقیقی می‌شود و شناخت حقیقی منجر به واقعی شدن انتظارات و توقعات ما از هستی می‌شود و همین، مهم‌ترین شرط شاد زیستن و رضامندی از زندگی است.

۱. الٰهِي رَضِي بِقَضَائِكَ...





## جلسه چهارم

# توقعات از خود





## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قال رسول الله ﷺ: «وَأَنَّ مِنْ عِبَادِي الْمُؤْمِنِينَ مَنْ لَا يُصَلِّحُهُ إِلَّا الْفَقْرُ، وَلَوْ صَرَفْتُهُ إِلَى غَيْرِ ذَلِكَ هَلَكَ، وَمَا يَتَقَرَّبُ إِلَيَّ عَبْدٌ مِنْ عِبَادِي بِشَيْءٍ أَحَبَّ إِلَيَّ مِمَّا افْتَرَضْتُ عَلَيْهِ، وَإِنَّهُ لَيَتَقَرَّبُ إِلَيَّ بِالنَّافِلَةِ حَتَّىٰ أَحِبَّهُ فَإِذَا أَحْبَبْتُهُ كُنْتُ إِذَا سَمِعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ، وَلِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ، وَيَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، إِنْ دَعَانِي أَحْبَبْتُهُ، وَإِنْ سَأَلَنِي أُعْطِيْتُهُ.»<sup>۱</sup>

در گفتارهای قبل بیان شد که ما دو نوع حیات داریم؛ حیات طیبه و حیات خبیثه. مهم‌ترین ویژگی حیات طیبه، رضایت از زندگی است. زندگانی اهل بیت علیهم‌السلام را می‌توان بهترین مصداق این حیات دانست.

رضایت از زندگی صرفاً با امکانات محقق نمی‌شود یعنی امکانات زیاد، به‌خودی‌خود ایجاد رضایت از زندگی نمی‌کند و این تغییر باور است که رضایت ایجاد می‌کند. یکی از کارهایی که باعث می‌شود باورهای ما تغییر کند و متعاقباً توقعاتمان مدیریت شود تفکر واقع‌گراست. توقع از دنیا، توقع از خدا، توقع از دیگران، توقع از جامعه، توقع از نظام و توقع از خودمان زمانی معقول خواهد بود که درک درستی از این واقعیت‌ها داشته باشیم.

وقتی توانستیم توقعات خودمان را مدیریت کنیم آن وقت توقعات مدیریت شده منجر به حس خوب در زندگی‌هایمان می‌شود. در این گفتار از مدیریت توقع از خودمان صحبت خواهیم کرد.

وقتی بحث از مدیریت توقعات می‌شود اکثراً به کاهش توقعات فکر می‌کنند، درحالی‌که نسبت به خودمان این موضوع کاملاً برعکس است. در این گفتار می‌خواهیم بگوییم که «لطفاً پرتوقع باشید، لطفاً سطح توقع از خودتان را بالا ببرید چون شما قوی‌تر و بزرگ‌تر از چیزی هستید که می‌اندیشید.»



## چرایی اصلاح توقعات از خود

سطح توقع و انتظار از خودمان باید بسیار بیشتر از سطح توقع و انتظار از دیگران باشد زیرا:

ما با هیچ‌کسی به اندازه خودمان ارتباط نداریم و تمام عمر از بدو تولد تا آخر عمر با خودمان هستیم در صورتی که با پدر، مادر، همسر و فرزندان این طور نیست.

به هیچ‌کس به اندازه خودمان تسلط نداریم و اختیار خودمان در دست خودمان است، همان طور که خداوند در سوره ابراهیم آیه ۲۲ در گفتگوی بین انسان و شیطان از زبان شیطان، می‌فرماید: «وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكَ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكَ»<sup>۱</sup> (من به شما مسلط نبودم و فقط وعده دادم و شما خودتان قبول کردید).

ما بیش از دیگران به خودمان آگاهیم.

«الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ»<sup>۲</sup> (اصلاً خود انسان وضع خودش را خیلی خوب می‌فهمد).

بیشترین محبت به خودمان را داریم یعنی خودمان را بیش از دیگران دوست داریم. همین‌که در زندگی همواره به دنبال سعادت، خوش‌بختی، منفعت، آسایش، آرامش و رضایت از زندگی هستیم و از درد و رنج و سختی و خسران فرار می‌کنیم یعنی اینکه خودمان را دوست داریم و اصطلاحاً حب به ذات در وجود ما هست. علامه طباطبایی ذیل آیه ۸ سوره عادیات «وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ»؛ می‌فرماید: «دوستی زیاد انسان نسبت به خیر و خوبی، دلیل حب ذات انسان است.»<sup>۳</sup>

۱. ابراهیم، ۲۲.

۲. القیامه، ۱۴.

۳. رک: المیزان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۱۹.



## نصیحتی از جناب ابوذر

مردی به ابوذر غفاری نامه‌ای نوشت و تقاضای توصیه‌ای کرد. ابوذر پاسخ داد اگر می‌توانی به آنکه دوستش داری، بدی نکن! او گفت: مگر شخصی به کسی که دوستش دارد بدی هم می‌کند؟

ابوذر گفت: بله، تو خودت را از همه چیز بیش‌تر دوست داری، وقتی که گناه کردی، در حقیقت به خودت بدی کرده‌ای (چراکه گناه برای انسان، هم ضرر دنیوی دارد و هم آخرتی).<sup>۱</sup>

چنانکه در بیانی امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «فردی گناه می‌کند و در نتیجه از نماز شب محروم می‌شود و عمل بد، اثرش در صاحبش، از اثر چاقو بر گوشت بیشتر است»<sup>۲</sup>

با توجه به مجموعه این نکات چهارگانه که بیان شد اگر نتوانیم خودمان را تغییر دهیم دیگران را نمی‌توانیم تغییر دهیم، باید از خود شروع کنیم.

خداوند خطاب به مؤمنان، می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ»<sup>۳</sup>، یا در جای دیگر در اهمیت تربیت خودمانکه مقدم بر تربیت دیگران است می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»<sup>۴</sup>

که در این آیه خداوند ابتدا به تقوای فردی و خودسازی فردی دستور داده است و سپس به تقوای اجتماعی امر کرده است. اگر کسی نتواند خودش را مدیریت کند دیگران را به طریق اولی نمی‌تواند مدیریت کند وقتی نمی‌توانیم استعدادها و دارایی‌ها خودمان را که خداوند متعال به ما عنایت فرموده است حفظ کنیم، چطور می‌توانیم استعدادها و توانایی‌ها و دارایی‌های دیگران را هم مدیریت کنیم؟

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ إِمَامًا فَلَيْبَدًا»

۱. داستان‌های اصول کافی، ۵۴۱.

۲. محمد محمدی ری‌شهری، میزان الحکمه، مکتب الاعلام الاسلامی، ج ۳، ص ۴۶۵.

۳. مائده، ۱۰۵.

۴. تحریم، ۶.



بِتَعْلِيمِ نَفْسِهِ قَبْلَ تَعْلِيمِ غَيْرِهِ...»<sup>۱</sup> (آنکه خود را در مرتبه پیشوایی قرار می‌دهد باید پیش از مؤدب نمودن مردم به مؤدب نمودن خود اقدام کند...)

ذات نیافته از هستی‌بخش  
چون تواند که بدهستی‌بخش  
خشک ابّری که بود ز آب تهی  
ناید از وی صفت آب دهی<sup>۲</sup>  
ضرب‌المثلی در میان عرب است که می‌گوید: «چوبی که کج است چگونه ممکن است سایه آن راست باشد!»

اگر طبیعی سخنرانی‌های متعددی درباره زبان‌های دخانیات ایراد کند و بیماری‌های متعدد ناشی از استعمال آن را یکی پس از دیگری نام ببرد، ولی مردم ببینند از دهانش بوی سیگار می‌آید هیچ‌کس سخن او را جدی نخواهد گرفت.

### کسی که می‌خواست دنیا را تغییر دهد!

بر سنگ قبر کشیشی در کلیسای وست مینستر نوشته شده است: «کودک که بودم می‌خواستم دنیا را تغییر دهم. بزرگ‌تر که شدم، متوجه شدم دنیا خیلی بزرگ است من باید انگلستان را تغییر دهم. بعدها انگلستان را هم بزرگ دیدم و تصمیم گرفتم شهرم را تغییر دهم. در سال‌خوردگی تصمیم گرفتم خانواده‌ام را متحول کنم. اینک که در آستانه مرگ هستم می‌فهمم که اگر روز اول خودم را تغییر داده بودم، شاید می‌توانستم دنیا را هم تغییر دهم!»<sup>۳</sup>

### انسان و توقعات نابجا از خود

انسان در دیدگاه اسلام از کرامت و شرافت ذاتی برخوردار است چراکه قرآن

۱. نهج البلاغه، ح ۷۳.

۲. جامی، هفت اورنگ.



انسان را جانشین خدا در روی زمین می‌داند.<sup>۱</sup> وقتی شخصی از زدن حرف زشت، غیبت، دروغ و تهمت، هیچ ابایی ندارد، چطور از دیگران توقع دارد که به او دروغ نگویند و غیبتش را نکنند، به او فحش ندهند، تهمت نزنند و احترام بگذارند. او احترام خودش را با این کارها از بین برده است و نباید توقع احترام از دیگران داشته باشد.

وقتی به پدر و مادر خودمان احترام نمی‌گذاریم نباید انتظار داشته باشیم که فرزندانمان به ما احترام بگذارند، امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «بِرُوا آبَائَكُمْ بِيُرُكُمْ أَبْنَاؤُكُمْ»<sup>۲</sup> (به پدرانمان نیکی کنید تا فرزندانمان به شما نیکی کنند).

- ما از دیگران توقع داریم برایمان همه کار انجام دهند، ولی وقتی نوبت به خودمان می‌رسد این توقع را نداریم که برای دیگران وقت بگذاریم و کاری انجام بدهیم و توجیه می‌آوریم.

- وقتی خودمان نمی‌توانیم در خانه گوشی موبایل را کنار بگذاریم نمی‌توانیم به فرزندان دستور بدهیم که گوشی را دستش نگیرد و کنار بگذارد.

- توقع داریم که مسئولین به وظایفشان عمل و قوانین را رعایت کنند، اما نوبت به خودمانکه می‌رسد و موقع عمل به قانون می‌شود هزار توجیه می‌آوریم و این توقع را از خودمان نداریم.

- از دیگران توقع داریم که ورود ممنوع نیابند، اما ورود ممنوع می‌رویم. بوی بد دهان دیگران را توقع نداریم اما بوی بد دهان خودمان را توجیه می‌کنیم.

- در کتابخانه انتظار داریم همه ساکت باشند، اما گوشی ما که زنگ می‌خورد شروع می‌کنیم به بلند صحبت کردن.

۱. بقره، ۳۱.

۲. وسایل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۹.



امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «أَكْبَرُ الْعَيْبِ أَنْ تَعَيْبَ غَيْرَكَ بِمَا هُوَ فِيكَ»<sup>۱</sup> (بزرگ‌ترین عیب آن است که دیگری را به چیزی که در خودت هست سرزنش کنی.)

ضرب‌المثل می‌گوید: «طرف، خار را در چشم دیگران می‌بیند، اما تیر را در چشم خودش نمی‌بیند.»

نباید فراموش کنیم که خودسازی بسیار سخت‌تر از دگرسازی است و مدیریت توقعات خودمان به مراتب راحت‌تر از دیگران است؛ چرا ما از همه توقع داریم به غیر از خودمان! در صورتی‌که ما باید از خودمان نسبت به دیگران توقع بیش‌تری داشته باشیم و باید بتوانیم توقعات خودمان را مدیریت کنیم و بیش از اینکه به دیگران سخت بگیریم و از دیگران متوقع باشیم به خودمان سخت بگیریم و خودمان را رشد بدهیم.

### توقعات واقعی از خود

اگر توقعات ناصحیحی که ناظر به خودمان داریم اصلاح کنیم و مانند قبل با بهانه‌ها و توجیه‌های مختلف اصطلاحاً از سر خودمان بازمان نکنیم گام بسیار بزرگی برای ایجاد رضایت در زندگی برداشته‌ایم. در ادامه به تعدادی از این توقعات واقعی و دست‌یافتنی اشاره می‌کنیم.

### اولین توقع: ترک گناه

ما از خودمان توقع ترک گناه را نداریم. با خودمان می‌گوییم که انسان ممکن‌الخطاست و ضعیف است، نمی‌شود و امکانش نیست؛ ولی در صورتی‌که این امکان در وجود ما هست و مصادیق زیادی در زمان‌های گذشته و حال حاضر وجود دارد.

### از چاقوی ضامن‌دار و قلیان تا پاک‌شدن در «خان طومان»

یکی از کسانی که توقع از خودش را بالا برد و از گناهانش توبه کرد «مجید قربانخانی» بود. مجید قهوه‌خانه داشت و برای قهوه‌خانه‌اش نان بربری





می‌گرفت و گاه‌آ تا دو ساعت جلوی در ناوایی می‌ایستاد و پول نان کسانی که در محله از نظر مالی ضعیف بودند را حساب می‌کرد به همین علت به او لقب مجید بربری را دادند.

مجید پسر خیلی شری بود. همیشه چاقو در جیبش بود. خالکوبی داشت. خیلی قلدر بود و همه کوچک‌ترها باید به حرفش گوش می‌دادند. بعد از سفر کربلا در سال ۹۳ مجید عوض می‌شود. در قهوه‌خانه با پاسداری به نام مرتضی کریمی آشنا شده و رفاقت پیدا کرده بودند. همین رفاقت هم، فکر رفتن به سوریه را به سر مجید انداخت.

یک شب مجید به دعوت مرتضی هیئتی رفت که در آن درباره مظلومیت حضرت زینب علیها السلام در سوریه گفته شد که بعداً گفتند مجید آن شب در آن هیئت خیلی تحت تأثیر قرار گرفته بود. با پیگیری‌هایش به سوریه اعزام شد.

یکی از فرماندهان می‌گفت، مجید وضو می‌گرفت و همه دست‌وبالش خالکوبی بود که فرمانده به او گفته بود: مجید، این کارها چیه آخه؟! گفت: حضرت زینب علیها السلام فردا پاکش می‌کند و سرانجام در دی‌ماه ۱۳۹۴ حضرت زینب علیها السلام او را پذیرفت و در خان طومان سوریه به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

### گرفتار گناه، آزاد آزاده

سیدی بود که حوالی میدان خراسان سکونت داشت. او تمام محله را اذیت کرده بود. یکی از همسایگان این سید می‌گفت: برخی از شب‌ها، این سید جواد، مست می‌کرد و توی کوچه راه می‌رفت و نعره می‌کشید و با لگد به درب خانه‌ها می‌زد. هیچ‌کس در محله ما امنیت نداشت؛ حتی یک مأمور کلانتری داشتیم که او هم از این پسر می‌ترسید.

روزها گذشت تا اینکه این سید جواد با ابراهیم هادی رفیق شد. ابراهیم او را به زورخانه حاج حسن آورد. سید خیلی به ورزش باستانی علاقه پیدا کرد؛ اما به جز ابراهیم هیچ‌کس او را تحویل نمی‌گرفت. کم‌کم بقیه نیز به



خاطر ابراهیم، با سید جواد رفیق شدند. حسابی که به ورزش علاقه‌مند شد، ابراهیم با او صحبت کرد و گفت: محیط ورزش باستانی حرمت دارد. اگر می‌خواهی ورزش را ادامه دهی، باید کارهای گذشته را ترک کنی.

او آن قدر برای سید جواد وقت گذاشت تا اینکه گذشته او را هم پاک کرد. بعد هم پای سید جواد را به مسجد باز کرد. در دوران انقلاب، سید جواد از نیروهای انقلابی میدان خراسان شد. با شروع جنگ نیز همراه ابراهیم منطقه رفت. همان‌همسایه‌ای که خاطراتش را برایم بازگو کرد، ادامه داد: من در سرپل ذهاب، سید جواد را همراه ابراهیم دیدم. نمی‌دانید چقدر خوشحال شدم، جوانی که همه اهل محل و حتی پدر و مادرش آرزوی مرگ او را می‌کردند حالا یک رزمنده اسلام شده بود. در سنگرهای خط‌مقدم با او هم‌رزم بودم. او در کنار عبادت‌ها و نماز شب‌هایش در اوقات بی‌کاری مشغول نماز می‌شد؛ نماز قضا. وقتی سید جواد به مرخصی آمد، درب تک‌تک خانه‌های کوچه را زد و از همه همسایگان حلالیت طلبید.

او حق‌الناس را هم از نامه اعمالش پاک کرد و بار دیگر راهی جبهه شد. یک بار همراه ابراهیم در یک مأموریت به پشت مواضع دشمن رفت و یک مین در جاده دشمن کار گذاشت. ساعتی بعد یک تانک دشمن با همان مین منهدم شد. سید جواد بلند شد و الله اکبر گفت. خوشحال بود که یک قدم مثبت در راه اسلام برداشته. آن روز آخرین روز حیات دنیایی او بود. سید جواد همان روز در اثر اصابت گلوله دشمن به شهادت رسید.<sup>۱</sup>

نه تنها انسان توانایی ترک گناه را دارد بلکه می‌تواند پا را فراتر از این هم بگذارد و حتی افعال مباح<sup>۲</sup> هم نداشته باشد.

۱. گروه فرهنگی ابراهیم هادی، کتاب تا شهادت، منزل بیست و ششم.

۲. در اصطلاح فقهی، مباح یکی از احکام پنج‌گانه است و برای اشاره به فعلی به‌کار می‌رود که انجام و ترک آن از نظر فقهی یکسان است و پاداش و کیفری و مدح و ذمّی درباره آن بیان نشده باشد [فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ج ۱، ص ۲۰۴].



## استاد و شاگرد خلف

یکی از علمای بزرگ شیعیان، محقق اردبیلی رحمته الله علیه بود که در وصف او نوشته‌اند: «در طول چهل سال از او کار مباحی هم سر نزد، چه رسد به کار حرام و مکروه»<sup>۱</sup> همچنین یکی از شاگردان او به نام ملا عبدالله شوشتری رحمته الله علیه در مقام موعظه به فرزندش می‌گوید: فرزندم! از آن هنگام که اساتیدم دستور دادند به رأی خودت عمل کن و اجازه اجتهاد به من دادند، تاکنون، مرتکب کار مباح و مکروه نشده‌ام، حتی در مورد خوردن، آشامیدن، خواب و...<sup>۲</sup>

یکی از راه‌های مهمی که انسان تبدیل به اولیای الهی شده و پیش خدا عزیز می‌شود همین راه هست که توقع ترک گناه را در خودش ایجاد می‌کند و برای آن تلاش می‌کند که در اصطلاح علم عرفان و اخلاق مشارطه می‌گویند. مشارطه (شرط کردن)، عبارت است از اینکه در هر شبانه‌روز با نفس خودم شرط کنم که مرتکب گناه نگردم و چیزی که موجب خشم و ناخشنودی خداوند است از من صادر نشود و در طاعات واجب کوتاهی نکنم.

افراد زیادی در طول تاریخ وجود داشتند که غرق در گناه بودند یا اصلاً در مسیر درست نبودند همانند علی گندابی، بشر حافی، حر بن یزید ریاحی، فضیل بن عیاض، اما راهشان عوض شد. نکته مهمی که وجود دارد این است که این توانایی و استعداد ترک گناه درون هر فردی نهفته است وجود دارد، فقط کافی است که بخواهد و این توقع را برای خودش ایجاد کند.

امام خمینی رحمته الله علیه در شرح چهل حدیثش می‌فرماید: «معلوم است یک روز گناه نکردن، کار آسانی است، انسان می‌تواند به آسانی از عهده این کار برآید. تو عازم شو شرط کن و تجربه کن ببین چقدر آسان است. ممکن است شیطان و جنود آن ملعون، بر تو این امر را بزرگ نمایش دهند، ولی این از تلبیسات آن ملعون است، او را از روی واقع و قلب لعن کن و اوهام

۱. منتخب التواریخ، ص ۱۹۶، سیمای فرزنانگان، ص ۱۰۶.

۲. سیمای فرزنانگان، ص ۱۰۶.



باطله را از قلب بیرون کن و یک روز تجربه کن، آن وقت تصدیق خواهی کرد.»<sup>۱</sup>

### دومین توقع: سازگاری

این قدرت در آدم‌ها هست که بدترین و سخت‌ترین شرایط را تحمل کنند؛ اما ما این توقع را از خودمان نداریم و با کوچک‌ترین مشکل تحمل ما تمام می‌شود و می‌گوییم نمی‌توانم!

در این مورد باید گفت، چه کسی گفته است که نمی‌توانیم؟! اتفاقاً می‌توانیم، فقط باید بخواهیم. این قدرت در انسان وجود دارد که شرایط سخت را تحمل کند. وقتی یک مرتاض هندی می‌تواند چهل روز با یک مغز بادام دوام بیاورد یعنی بدن انسان این قدرت را دارد. وقتی شخصی ۱۰ روز بدون آب و غذا تنها با یک لوله برای رساندن هوا از سطح زمین به درون تابوت زیرزمین زنده می‌ماند پس نشان می‌دهد بدن توانایی‌هایی دارد که می‌شود با مدیریت آن در سختی‌ها احساس رضایت ایجاد کرد.<sup>۲</sup>

### فقط ۴۵ دقیقه خواب!

در یکی از ماه‌های مبارک رمضان بود که موضوعی را خدمت ایشان<sup>۳</sup> عرض کردم. با ایشان تا کنار ماشین قدم می‌زدم. ایشان فرمودند که این کار را انجام بده، این طوری انجام بده، آن طوری انجام بده، داشتند توصیه می‌کردند. من عرض کردم: آقا، خیلی وقت تنگ است؛ این قدر فرصت نیست. ایشان فرمودند: «چرا وقت تنگ است؟» گفتم: من صبح می‌روم سر کار و مسئولیت اداری دارم، بعد از ظهر که باز می‌گردم افطاری می‌خوریم و بعد هم خودم را برای اینکه خدمت شما برسم، آماده می‌کنم و بعد تا برسم خانه، ساعت دوازده می‌شود تا آماده خواب بشوم، خلاصه من چهار ساعت می‌خوابم.

۱. امام خمینی، شرح چهل حدیث، ۱۰.

۲. زندک زاهدانکا، اهل جمهوری چک، رکورددار گینس باده روز زنده به گور در تابوت.

۳. حاج آقا مجتبی تهرانی.



ایشان فرمودند: «چهار ساعت می خوابی؟» گفتم: حاج آقا! پس چقدر بخوابم؟ ایشان گفتند: «آقا! جداً چهار ساعت می خوابی؟» من یک شیطنتی کردم گفتم: شما چقدر می خوابید؟ من امیدوارم آن هایی که می شنوند به دقت بشنوند و باور کنند. ایشان فرمودند: «چهل و پنج دقیقه». من مغلظه کردم و گفتم: حاج آقا! بعد از نماز صبح، چهل و پنج دقیقه؟ فرمودند: «خیر! مغلظه نکن پسر! چهل و پنج دقیقه»<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام ﷺ در وصف صفات مؤمنین فرموده اند: «... وَلَا يَأْتُمُ فِيمَنْ يُحِبُّ... قَلِيلُ الْمُؤْنَةِ، كَثِيرُ الْمَعُونَةِ...»<sup>۲</sup> (مؤمن به خاطر کسی که دوستش دارد مرتکب گناه نمی شود...، کم خرج و زحمت است و بسیار کمک و یاری می رساند...)

یکی دیگر از کسانی که می تواند الگو باشد در بالا بردن توقع ما از خودمان در سختی ها و سازگاری با آن ها؛ سیدالشهدای مدافع حرم، حاج قاسم سلیمانی است. حاج قاسم مثل ما انسان بود، زحمت می کشید، کار می کرد و وظیفه ای که به عهده اش گذاشته شده بود را به خوبی انجام داد.

### حاج قاسم ۱۹۰ سال عمر داشت!

حجت الاسلام شیرازی، مسئول سابق دفتر نمایندگی ولی فقیه در سپاه قدس، نقل می کرد گاهی اوقات سردار سلیمانی در منطقه، ۲۲ ساعت یا حتی بعضی از روزها ۲۳ ساعت کار می کرد. همچنین ایشان نقل می کرد حاج قاسم یک سفری داشت در منطقه عراق و سوریه ده الی پانزده روز طول کشید، بعد از آن سفر، آقای پورجعفری - که حقیقتاً یک نیروی مطمئن بود و حتی خبرهای جزئی و خصوصی و غیرمحرمانه هم نمی گفت و کمتر پیش آمد که در رابطه با یک سری از مسائل صحبت کند - بعد از آن سفر به من گفت که در این سفر ۱۰ الی ۱۵ روزه، حاج قاسم حتی ۱۰ ساعت هم نخوابیده است. وی بیان کرد: شهید سلیمانی بعد از اینکه از منطقه هم به ایران

۱. کتاب «حاج آقا مجتبی» (گذری بر زندگی آیت الله العظمی حاج آقا مجتبی تهرانی).

۲. بحار الأنوار: ۶۷ / ۷۱ / ۳۴ / ص ۳۱۰ / ۴۵.



می آمد ساعت ۵ یا ۶ صبح می رسید یک ساعت استراحت می کرد می آمد بر سر کار، من می دیدم گاهی اوقات با سردرد عجیب و خستگی حتی گاهی با بیماری سرم وصل می کرد به جلسه می آمد. حاج قاسم نه ۶۳ سال بلکه ۱۹۰ سال عمر داشت چون سه برابر دیگران دوید.<sup>۱</sup>

### سومین توقع: بخشش

انسان هایی که می گویند خدایا! به ما رحم کن، جا دارد از آن ها این سوال را بپرسیم آیا خودت رحم می کنی؟ رحم خوب است یا بد؟ اگر خوب است چرا خودت رحم نمی کنی؟ هرچیزی که انسان نمونه ای از آن در خودش باشد و این توقع را در خودش ایجاد کند خدا هم با او همان گونه معامله می کند. کسانی که می گویند: «الهی العفو» (از ما درگذر و ما را پاک کن) باید از آن ها پرسید خودت در عمرت از چند نفر درگذشتی؟! بسیاری هستند وقتی با دیگری دعوا دارند اگر به آنان بگویی بگذر، عفو کن، اعتنا نمی کنند آنگاه توقع عفو از خدا و خلق دارند.

خداوند در قرآن کریم می فرماید: «وَلْيَعْفُوا وَلْيَصْفَحُوا أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ»<sup>۲</sup> (از یکدیگر درگذرید، آیا دوست نمی دارید خدا از شما درگذرد!)

اگر می بینیم شخصی که از او طلبکاریم پول ندارد در مطالبه طلبمان پافشاری نکنیم. اگر کسی به ما بدی کرد چشم پوشی کنیم و گذشت داشته باشیم، همان طور که دوست داریم دیگران هم نسبت به ما گذشت داشته باشند.

یکی از مصادیق ترحم این است که نسبت به مستأجرین که واقعاً بار کمرشکنی را بردوش می کشند توجه بیشتری داشته باشیم.

### ترحم بر مستأجر

شیخ رجب علی زندگی ساده ای داشت، خودش خیاطی می کرد و با دسترنج

1. <https://dana.ir/1796488>



خودش به سختی روزگار می‌گذراند، شیخ مستأجری داشت که در قسمتی از خانه او ساکن بود، زن و شوهر جوانی بودند که احتیاج به منزل داشتند، ۲۰ ریال هم ماهیانه به شیخ اجاره می‌دادند.

پس از مدتی مستأجر شیخ رجب‌علی خیاط، صاحب فرزند شد، مرد مستأجر به خانه شیخ رفت، شیخ در گوش راست نوزاد اذان و در گوش چپ اقامه گفت و برای فرزندش دعا کرد.

مادر و پدر نوزاد خوشحال از جای برخاستند تا به خانه بروند که شیخ به پدر نوزاد گفت: کمی صبر کن با تو کار دارم ...

مرد مستأجر کنار شیخ نشست، شیخ گفت: «داداش جون، فرزنددار شدی خرجت بالاتر رفته، از این ماه به جای ۲۰ ریال ۱۸ ریال اجاره بده، ۲ ریالش هم برای فرزندت خرج کن، این ۲۰ ریال را هم بگیر اجاره ماه گذشته‌ای است که به من دادی، هدیه من باشه برای قدم نوزادت!»<sup>۱</sup>

پیامبرگرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «مَنْ لَا يَرْحَمِ النَّاسَ لَا يَرْحَمُهُ اللَّهُ»<sup>۲</sup> (کسی که به مردم رحم نمی‌کند، خداوند [هم] به او رحم نمی‌آورد).

همچنین امام صادق عليه السلام در دعای سی‌ونهم صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَعَوْضِي مِنْ عَفْوِي عَنْهُمْ عَفْوِكَ» (و به خاطر اینکه آن‌ها را بخشیدم تو هم بخششت را شامل حال من قرار بده).

### صبر و بخشش عظیم

در عصر زعامت آیت‌الله العظمی سید ابوالحسن اصفهانی رحمته الله در شبی از شب‌ها که ایشان در نجف اشرف نماز مغرب و عشاء را به جماعت می‌خواند، بین دو نماز - شخصی فرزند او را که در حقیقت شایستگی آن را داشت که جانشین پدر شود - شهید کرد. این پیرمرد هفتادساله وقتی از

1. <https://www.farsnews.ir/photo/13991213000760/> %D9%82%D8%B5%D9%87%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D8%A2%D8%B3%D9%85%D8%A7%D9%86%DB%8C%7C-%D8%A7%D8%AC%D8%A7%D8%B1%D9%87-%D8%AE%D8%A7%D9%86%D9%87%E2%80%8C%D8%A7%DB%8C-%DA%A9%D9%87-%DA%A9%D9%85-%D8%B4%D8%AF



شهادت فرزندش باخبر شد، به قدری بردباری و گذشت و بزرگواری از خود نشان داد که فرمود: «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» سپس، بلند شد، نماز عشاء را خواند و قاتل فرزندش را نیز مورد عفو بخشش قرار داد!

### چهارمین توقع: مدیریت قوا

نفس انسان دارای قوای چهارگانه<sup>۲</sup> واهمه، شهویه، غضبیه و عاقله است که هرکدام از آن‌ها تأمین بخشی از نیازهای انسان را برعهده دارند. خداوند همه قوای بشر را برای حکمت و غرض و هدفی خاص آفریده است و هرکدام سهم بسزایی برای رساندن انسان به رشد و کمال مطلوب دارند؛ آن چیزی که مهم است جهت دادن و تربیت کردن و شکوفا نمودن این قواست.

انسان اگر این قوا را در جهت آن هدفی که خداوند متعال معین کرده، مدیریت نکند و به کار نیندد برای او خسران به بار می‌آورد و زندگانی‌ها را خراب می‌کند. این قوا مکمل یکدیگر هستند و از هرکدام می‌توان در جهت مهار قوه دیگر استفاده کرد و باید در خدمت عقل و شرع قرار بگیرند تا بتوانند وظیفه خودشان را به درستی انجام بدهند. کاری که ما باید انجام بدهیم این است که این قوا را بشناسیم و این باور و توقع را در خودمان ایجاد کنیم که می‌شود انتظارات بسیار بالایی از این قوا داشت چون خداوند این استعدادها را برای رسیدن به بی‌نهایت و رشد و کمال در وجود انسان قرار داده است.

#### الف) قوه عاقله

قوه عاقله مایل به خیرات و کمالات و دعوت‌کننده به عدل و احسان است و از کارهای زشت بازمی‌دارد.<sup>۳</sup>

#### ب) قوه واهمه

درست در مقابل قوه عاقله، قوه واهمه قرار دارد که از آن به قوه شیطانیه

1. <https://noo.rs/XOuzF>

۲. مهدی نراقی، معراج السعاده، ص ۳۹.

۳. موسوی الخمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۸۳.





تعبیر می‌شود. این قوه انسان را به نیرنگ و حيله و گول زدن فرامی‌خواند.<sup>۲</sup> تحت تأثیر عقل قرار نمی‌گیرد و بسیار تمایل به دنیا دارد.

### پ) قوه غضبیه

صفت عداوت و بغض و کینه از این قوه نشأت می‌گیرد.<sup>۳</sup> فایده این قوه این است در صورتی که در جای خود از آن استفاده شود شجاعت از آن پدید می‌آید و اگر به شکل افراط و زیاده‌روی مورد بهره‌برداری قرار گیرد درنده‌خویی از آن به وجود می‌آید و اگر در آن تفریط شود، رذیلت «ترس» از آن پدید می‌آید.<sup>۴</sup>

### ت) قوه شهویه

این قوه به امورات حیوانی از قبیل رسیدگی به غرائز جنسی و خورد و خوراک، خواب و... دلالت می‌کند. چون برای رسیدن به سعادت ابدی باید در این جهان زندگی کرد و سعادت انسان و حیات ملکوتی انسان بدون این قوه امکان‌پذیر نیست. این قوه در صورتی می‌تواند سبب سعادت انسان باشد که از حد اعتدال تجاوز نکند. به علاوه نباید از تحت موازین عقلیه و شرعیه خارج شود؛ زیرا در آن صورت نه تنها سبب حصول سعادت نمی‌شود که مایه شقاوت انسان نیز خواهد بود.<sup>۵</sup> فایده این قوه، حفظ و ادامه حیات بدن است و اگر افراط و تفریطی در مدیریت این قوه به وجود نیاید فضیلتی به نام عفت از آن به وجود می‌آید.<sup>۶</sup>

مهم این است که توقع خودمان را از استعدادهایمان بالا ببریم و خودمان را ضعیف و کوچک نشماریم و بدانیم که اگر نگاه نسبت به خودمان را تغییر دهیم و خواست و اراده خداوند را بر اراده دنیا مقدم کنیم می‌توانیم به قله

۱. همان.

۲. نراقی، مهدی، جامع السعادات، ج ۱، ص ۶۱.

۳. جواد مصلح، علم النفس یا روان‌شناسی صدر المتألهین، اسفار، ج ۳، ص ۳۰۵.

۴. ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، گزیده کتاب جامع السعادات، ص ۱۷۳، ۱۰۳.

۵. موسوی الخمینی، شرح حدیث جنود عقل و جهل، ص ۲۸۰.

۶. ترجمه سید جلال الدین مجتبوی، گزیده کتاب جامع السعادات، ص ۱۷۴ - ۲۴۴.



انسانیت و کمال برسیم و از دنیا عبور کنیم، آن وقت است که دنیا در اختیار ما قرار خواهد گرفت. چنانکه خداوند از زبان نبی مکرمش فرمود: «عَزَّوَجَلَّ وَعِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي وَ نُورِي وَ عَلْوِي وَ اِرْتِفَاعَ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَاهُ عَلَيَّ هَوَايَ إِلَّا شَتَّتْ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَ لَبَسَتْ عَلَيْهِ دُنْيَاهُ وَ اِسْتَعْلَتْ [شَعَلَتْ] قَلْبَهُ بِهَا وَ لَمْ اَرْزُقْهُ مِنْهَا إِلَّا مَا قَدَّرْتُ لَهُ وَ عِزَّتِي وَ جَلَالِي وَ عَظَمَتِي وَ كِبْرِيَائِي - وَ نُورِي وَ عَلْوِي وَ اِرْتِفَاعَ مَكَانِي لَا يُؤْتِرُ عَبْدٌ هَوَايَ عَلَيَّ هَوَاهُ إِلَّا اِسْتَحْفَظْتُهُ مَلَائِكَتِي وَ كَفَلْتُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ رِزْقَهُ وَ كُنْتُ لَهُ مِنْ وَّرَاءِ تِجَارَةِ كُلِّ تَاجِرٍ وَ اَنْتَهُ الدُّنْيَا وَ هِيَ رَاغِبَةٌ [رَاغِمَةٌ]»<sup>۱</sup> پیامبر ﷺ، خداوند متعال چنین اعلام فرموده: «که قسم به عزت و جلال و کبریا و نور و علو ارتفاع مکان خودم! هیچ بنده‌ای هوی و خواست خودش را بر اراده و خواسته من مقدم ندارد مگر اینکه من به کيفر این عمل کارهای او را پریشان سازم و زندگی دنیای او را بر او دشوار نمایم و قلبش را به دنیا مشغول دارم و از اموال دنیا به جز آن مقداری که مقدر نموده‌ام به او نخواهم داد و به عزت و جلال و عظمت و نور و علو ارتفاع مکان خود سوگند! هر بنده‌ای که خواست مرا بر خواسته خود مقدم دارد، من ملائکه خود را حافظ و نگهبان او نموده و آسمان و زمین را کفیل روزی او قرار می‌دهم و من خود دنبال معامله و تجارت تجار به سود او می‌پردازم و دنیا در نهایت ذلت و تسلیم به او رومی آورد.»

### راهکارهای مقابله با هوای نفس

#### اولین راهکار: شناخت دقیق نفس و انواع وسوسه‌های آن

انسان باید این نکته را بداند که دشمن درونی ما از همه دشمن‌ها خطرناک‌تر است.

پیامبر گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «اعدى عدوك نفسك التي بين جنبيك»<sup>۲</sup> (سرسخت‌ترین دشمنت نفس توست که در میان دو پهلویت قرار دارد.)

۱. تفسیر اهل بیت ع، ج ۱۷، ص ۳۶۶ - إرشاد القلوب، ج ۱، ص ۱۷۹ / نورالتقلین.

۲. بحار الانوار، ج ۶۷، ص ۶۴.



همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرمایند: «إِنَّ نَفْسَكَ لَخَدُوعٌ؛ إِنْ تَثَقَّى بِهَا يَقْتَدِكَ الشَّيْطَانُ إِلَىٰ اِرْتِكَابِ الْمَحَارِمِ»<sup>۱</sup> (همانا نفس تو بسیار فریبکار است. اگر به آن اعتماد کنی، شیطان تو را به سمت ارتکاب حرام‌ها می‌کشاند.)

شناخت نفس یعنی انسان اولاً نفسش را دشمن خود بداند، سپس در نوع وسوسه‌های نفس خود دقت کند و این به نوعی خودشناسی و تمرکز در درون نیاز دارد.

### مهم‌ترین ویژگی نفس زیاده‌خواهی است

اگر این ویژگی مدیریت نشود، هلاکت قطعی است. زیاده‌خواهی نفس یعنی هرچه به او لذت بدهی بازهم کم است، اعتیاد به مواد مخدر از یک نخ سیگار شروع می‌شود، اما در سیگار متوقف نمی‌شود و دیگر سیگار ارضاءکننده نیست، بعد از مدتی تریاک جایگزین سیگار شده ولی این هم آخر خط نیست، بلکه طولی نخواهد کشید که نفس ما از آن هم عبور کرده به مواد مخدر قوی‌تر مانند هروئین، شیشه، کراک، گل و... نیاز پیدا می‌کند و این‌گونه است که اعتیاد روزافزون به انحطاط انسان منجر می‌شود.

انسان حریص هرگز سیر نمی‌شود، به همین دلیل دائماً برای جمع و اندوختن ثروت تلاش می‌کند و حتی خودش از آن بهره نمی‌گیرد، امیر مؤمنان علی علیه السلام در سخن پرمعنایی می‌فرمایند: «الحريص فقير و لو ملك الدنيا مجذافيرها»<sup>۲</sup> (آدم حریص، فقیر است هرچند تمام دنیا را مالک شود.)

نسبت به مال دنیا، حرص یعنی قانع نشدن به آنچه دارد. مدام در حال افزایش این مال است و هرچه بیشتر به دست می‌آورد، بیشتر تشنه می‌شود.

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «مثل الحريص على الدنيا مثل دودة القز، كلما ازدادت من القز على نفسها لفا كان ابعدها من الخروج! حتى تموت غما!»<sup>۳</sup> (آدم حریص

۱. غررالحکم، ج ۱، ص ۳۴۹۰.

۲. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۸۷.

۳. غررالحکم، ج ۱، ص ۱۵۵۰.



نسبت به دنیا مانند کرم ابریشم است که هرچه بیشتر بر اطراف خود می‌تند (و پيله را ضخیم‌تر می‌کند) سخت‌تر می‌تواند از آن خارج شود و سرانجام در درون پيله خود می‌میرد.)

در حدیث معروفی از امام کاظم علیه السلام آمده است: «مَثَلُ الدُّنْيَا مَثَلُ مَاءِ الْبَحْرِ، كَمَا سَرِبَ مِنْهُ الْعَطْشَانُ إِزْدَادَ عَطْشًا حَتَّى يَفْتُلَهُ» (مثل دنیا، مثل آب دریاست که هرچه انسان تشنه از آن بنوشد، عطش او بیش‌تر می‌شود، به حدی که او را می‌کشد.)<sup>۱</sup>

این زیاده‌خواهی باید جهت پیدا کرده به سمت خوبی‌ها و در حقیقت این تهدید، تبدیل به فرصت شود. در روایات داریم که حرص در چند جا مطلوب است:

### حرص بر هدایت دیگران

قرآن مجید یکی از فضایل پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله و سلم را «حرص بر هدایت مردم و نجات آن‌ها از گمراهی» می‌شمرد و می‌فرماید:

﴿لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ﴾<sup>۲</sup> (یقیناً پیامبری از جنس خودتان به سوی‌تان آمد که به رنج و مشقت افتادنتان بر او دشوار است، اشتیاق شدیدی به [هدایت] شما دارد و نسبت به مومنان رئوف و مهربان است.)

### حرص در کسب علم

امیر مؤمنان علی علیه السلام در خطبه معروف همام ضمن بیان صفات پرهیزکاران می‌فرماید: «فن علامة احدهم انک تری له قوۃ فی دین و حرصا فی علم» (از نشانه‌های آنان (پرهیزکاران) قدرت در دین... و حرص در کسب دانش است.)<sup>۳</sup>

۱. تحف العقول، ص ۳۹۶.

۲. توبه، ۱۲۸.

۳. نهج البلاغه، خ ۱۲۹.



### حرص در ارتقاء معنویت

امام باقر علیه السلام می‌فرمایند: «**لا حرص كالمنافسة في الدرجات!**»<sup>۱</sup> (حرصی برتر از رقابت با یکدیگر در وصول به درجات (بالا در نزد خدا) نیست).

### حرص در خدمت به خلق

«قال الرضا علیه السلام: **إِحْرَاصُ عَلَى قَضَاءِ حَوَائِجِ الْمُؤْمِنِينَ وَادْخَالِ الشُّرُورِ عَلَيْهِمْ وَدَفْعِ الْمَكْرُوهِ عَنْهُمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنَ الْأَعْمَالِ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ بَعْدَ الْفَرَأْضِ أَفْضَلَ مِنْ إِدْخَالِ الشُّرُورِ عَلَى الْمُؤْمِنِ**»<sup>۲</sup> (نسبت به تأمین نیازهای مؤمنین، شاد کردن و غم‌زدایی از مؤمنین حریص باشید، چراکه هیچ عملی بعد از انجام واجبات نزد خداوند، برتر از شاد کردن دل مؤمنین نیست.)

### دومین راهکار: ایمان به مبدأ و معاد و یاد مرگ

اگر انسان در همه حال توجه به مبدأ و معاد داشته و این توجه از روی ایمان و اخلاص و معرفت باشد و از یاد مرگ و آخرت غفلت نکند، زمینه را برای رشد و نمو خودخواهی و مفساد حاصل از آن از بین می‌برد و انسان را تسلیم فرمان خدا و اطاعت از او می‌کند. قرآن کریم هم از این تأثیر نافذ و مؤثر ایمان به معاد در آیات متعددی سخن می‌گوید. خداوند متعال درباره آل فرعون که سخت فریفته دنیا بودند و همین امر آن‌ها را به انواع ستم‌ها و بیدادگری‌ها آلوده کرده بود، آن‌ها را به ناپایداری زندگی دنیا و ابدی بودن سرای آخرت متوجه می‌کند و می‌فرماید: «**يَا قَوْمِ إِنَّمَا هِيَ دُنْيَا مَتَاعٌ وَإِنَّ الْآخِرَةَ هِيَ دَارُ الْقَرَارِ**»<sup>۳</sup> (ای قوم من! زندگی این دنیا متاعی زودگذر و ناچیز است و فقط آخرت سرای ماندنی است.)

امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خطبه ۹۹ نهج البلاغه برای مبارزه با نفس و شهوات می‌فرماید: «**إِذَا فَادَكُرُّوا هَادِمَ اللَّذَاتِ وَ مُنْعَصَ الشَّهَوَاتِ وَ قَاطِعَ الْأُمْنِيَّاتِ عِنْدَ الْمُسَاوَرَةِ لِلْأَعْمَالِ الْقَبِيحَةِ**» (هان! مرگ را که نابودکننده لذت‌ها و شکننده شهوات‌ها و قطع‌کننده آرزوهاست، به هنگام تصمیم بر

۱. میزان الحکمه، ج ۱، ص ۵۸۹ (حدیث ۳۶۴۶).

۲. مجلسی، فقه الرضا، ج ۷۸، ص ۳۴۷.

۳. غافر، ۳۹.



کارهای زشت، به یاد آورید.)

### ایمان به خدا، یعنی حس حضور خداوند

چگونه است که ما وقتی در فضایی هستیم که دیگران ما را می‌بینند، مراقبت می‌کنیم که خطایی از ما سر نزنند در حالی که خلوت را محیطی امن برای معصیت می‌بینیم، چون حس حضور خداوند در زندگی ما کم‌رنگ است. اگر این حس حضور خداوند تقویت شود، خلوت‌های ما نیز مدیریت می‌شود مانند یوسف پیامبر که وقتی در خلوت، دعوت به گناه شد، همین حس حضور خدا او را از ارتکاب گناه باز داشت.

﴿وَرَأَوْنَاهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنْ نَفْسِهِ وَغَلَّقَتِ الْاَبْوَابَ وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللّٰهِ اِنَّهُ رَبِّيْ اَحْسَنُ مِمَّاۤ اِيَّ اِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظّٰلِمُوْنَ﴾<sup>۱</sup> (و آن [زنی] که یوسف در خانه‌اش بود، از یوسف با نرمی و مهربانی خواستار کام‌جویی شد و [در فرصتی مناسب] همه درهای کاخ را بست و به او گفت: پیش بیا [که من در اختیار توام] یوسف گفت: پناه به خدا، او پروردگار من است، جایگاهم را نیکو داشت، [من هرگز به پروردگارم خیانت نمی‌کنم] به یقین ستمکاران رستگار نمی‌شوند.)

### سومین راهکار: یقظه

«یقظه» یعنی بیداری و تنبه و خروج از غفلت و خودفراموشی که بدون آن، انسان هیچ‌گاه به فکر تزکیه و خودسازی نخواهد افتاد. یقظه یعنی بیداری از خواب غفلت و احساس مسئولیت به اینکه جهان و انسان بیهوده آفریده نشده است. آدمی تا درد خود را نداند چگونه خواهد توانست خود را اصلاح و درمان کند؟

انسانی که خواب است نه از ظرفیت‌های خود باخبر است، نه از ظرفیت‌های پیرامون خود، نه از آسیب‌ها خبر دارد و نه از دشمنانش، انسان خوابیده، نه اینکه فقط قادر به حرکت نیست، بلکه اراده‌ای برای حرکت نیز ندارد، در حقیقت مرده‌ای است که نفس می‌کشد؛ اما اگر بیدار شد و چشم باز کرد،



دشمنان را شناخت و خطر را احساس کرد، اقدام به دفاع از خود و حمله به دشمن خواهد کرد. اگر بیدار شد و چشم باز کرد و ظرفیت‌ها را دید، اراده می‌کند که این ظرفیت‌ها و توانمندی‌ها را به کار گرفته برای توسعه امکانات و رشد روحی خود تلاش کند.

خداوند متعال می‌فرماید: ﴿الْحَسِبُّهُنَّ أُمَّةً خَلَقْنَا كُنَّ عِبْنًا وَأُنْكَرًا إِنَّا لَنَرُّجِعُونَ﴾<sup>۱</sup> (آیا گمان می‌کنید که ما شما را بیهوده آفریده‌ایم و شما به ما بازمی‌گردید؟)

و نیز فرمود: ﴿رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا...﴾<sup>۲</sup> (پروردگارا! این همه آسمان و زمین و این دستگاه با عظمت را بیهوده و باطل نیافریدی)

توجه پنداشتی که ای‌زدفرد

از پی بازیت پدید آورد!

عمرضایع مکن به بی‌خردی

دور شو و دور، از صفات بدی<sup>۳</sup>

امام سجاد علیه السلام در دعای ابو حمزه ثمالی از غفلت به خدا پناه می‌برد و می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْكَسَلِ وَالْهَرَمِ وَالْجُبْنِ وَالْبُخْلِ وَالْغَفْلَةِ» (ولی بسیاری از مردم تا هنگام مرگ از خواب غفلت بیدار نمی‌شوند). پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرماید: «النَّاسُ نِيَامٌ فَإِذَا مَاتُوا اسْتَبْهُوا»<sup>۴</sup> (مردم در خوابند وقتی مردند بیدار می‌شوند).

### چهارمین راهکار: محاسبه نفس

محاسبه، ضد فراموشی و غفلت است و انسان باید در هر شبانه‌روز وقتی را معین کند که در آن به حساب نفس خود برسد و طاعات و نافرمانی خود را بررسی کند. خداوند می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلِنَنْظُرَ نَفْسًا مَّا قَدَّمَتْ لِعَدِّ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ﴾<sup>۵</sup> (مسلمانان! در حضور خدا

۱. المؤمنون، ۱۱۵.

۲. آل عمران، ۱۹۱.

۳. سنایی، طریق التحقیق، بخش ۲۴.

۴. بحار الانوار، الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۵، ص ۱۳۴.

۵. الحشر، ۱۸.



مراقب رفتارتان باشید. هرکس باید ببیند که برای فردایش چه چیزی آماده کرده است. در حضور خدا مراقب اخلاص در کارهایتان باشید؛ زیرا خدا آگاه است که چه می‌کنید.)

### محاسبه نفس یعنی چه؟

محاسبه نفس، یعنی محاسبه هزینه و درآمد. یک تاجر تا وقتی نداند کدام تجارت سود بیش‌تری به او می‌رساند، اقدام نمی‌کند و تا زمانی که متوجه خسارت نشود، توقف نمی‌کند.

آدمی اگر بداند در برابر هزینه‌ای که داده است چه میزان منفعت کسب کرده است، شوق به ادامه فعالیت پیدا می‌کند

و اگر بداند در برابر آنچه هزینه کرده، چه ضرری کرده است، نسبت به انجام فعالیت تجدیدنظر کرده و توقف خواهد کرد. مثلاً اگر من بدانم در برابر لذت کوتاه‌مدت چه ضرر مداومی نصیب من شده، هرگز آن لذت را تکرار نخواهم کرد.

«قال علی علیه السلام: كَمْ مِنْ شَهْوَةٍ سَاعَةٍ أَوْرَثَتْ حُزْناً طَوِيلاً»<sup>۱</sup> (چه بسا یک ساعت هوس‌رانی که پس اندوهی طولانی به جای می‌گذارد!)

خداوند در قرآن کریم به این دو نوع تجارت معنوی اشاره کرده می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مِجَارَةٍ تُنَجِّيْكُمْ مِنْ عَذَابِ الْيَمِّ﴾

﴿تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ

ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ﴾

﴿يَعْرِفَر لَكُمْ دُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلَكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ

وَمَسَاكِينٍ ظَلِيمَةٍ فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾

(ای اهل ایمان! آیا شما را به تجارتی راهنمایی کنم که شما را از عذابی دردناک نجات می‌دهد؟)





به خدا و پیامبرش ایمان آورید و با اموال و جان‌هایتان در راه خدا جهاد کنید؛ این [ایمان و جهاد] اگر [به منافع فراگیر و همیشگی آن] معرفت و آگاهی داشتید، برای شما [از هر چیزی] بهتر است.

(تا گناه‌تان را بیامزد و شما را در بهشت‌هایی که از زیر [درختان] آن نهرها جاری است و خانه‌های پاکیزه در بهشت‌های جاویدان، درآورد؛ این است کامیابی بزرگ)!

در برابر ایمان به خدا و رسول، جهاد در راه خدا، پاداش‌های بسیار زیادی چون بخشش تمامی گناهان، ورود قطعی به بهشت، ساکن شدن در بهترین جایگاه‌های بهشتی و قرار گرفتن در بهشت عدن الهی و نهایتاً بالاترین مرحله رستگاری را عطا خواهد کرد. چه کسی است که با این محاسبه به سمت خدا و اقدامات خداپسندانه گام بردارد؟! از طرفی به تجارت پر ضرر می‌پردازد و می‌فرماید:

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا﴾  
 ﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُنْفَعُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا﴾

بگو: آیا شما را از زیان‌کارترین مردم از جهت عمل آگاه کنم؟

[آنان] کسانی هستند که کوششان در زندگی دنیا به هدر رفته [و گم شده است] در حالی که خود می‌پندارند، خوب عمل میکنند. آنان کسانی هستند که آیات پروردگارشان و دیدار [قیامت و محاسبه اعمال] را به وسیله او منکر شدند، در نتیجه اعمالشان تباه و بی‌اثر شده است، پس روز قیامت میزانی برای [محاسبه اعمال] آنان برپا نمی‌کنیم.<sup>۲</sup>

گاهی اوقات افراد اقدامی نمی‌کنند و هزینه‌ای پرداخت نمی‌کنند در این

۱. صف، ۱۱، ۱۰ و ۱۲.

۲. کهف، ۱۰۳، ۱۰۴ و ۱۰۵.



ثروت اگر دستاوردی نداشته باشند خیلی ضرر نکرده‌اند. گاهی اوقات طرف کلی هزینه کرده، زحمت کشیده ولی هیچ سودی نمی‌برد در اینجا نه تنها سودی نبرده، بلکه هزینه‌ها و زحماتش هم هدر رفته است مانند کارگری که از صبح تا شب زحمت می‌کشد، دستمزد یک ماه را یا کارفرما نمی‌دهد یا می‌گیرد ولی در مسیر خانه، پول را گم می‌کند، این خیلی خسارت است چراکه زحمات یک ماهه او بر باد رفت.

چه باعث شد که این خسارت به او برسد؟ گاه به خاطر عمل بی‌کیفیت است؛ کاری را انجام می‌دهیم، ولی بد انجام می‌دهیم و کارفرما به ما پولی نمی‌دهد، خانه می‌سازیم، ولی مهندس تأیید نمی‌کند، تمام زحماتمان هدر رفته و سرمایه ما نابود شده است.

عبادت بی‌کیفیت، انفاق همراه با منت و... باعث می‌شود که قیامت هیچ سرمایه‌ای برای ما ذخیره نشده باشد. ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَاتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُفْقُ مَالَهُ وِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانَ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ﴾ (ای اهل ایمان! صدقه‌هایتان را با منت و آزار باطل نکنید، مانند کسی که مالش را به ریا به مردم انفاق می‌کند و به خدا و روز قیامت ایمان ندارد، که و صفش مانند سنگ سخت و خرابی است که بر آن [پوششی نازک از] خاک قرار دارد و رگباری تند و درشت به آن برسد و آن سنگ را صاف [و بدون خاک] واگذارد [صدقه ریایی مانند آن خاک است و این ریاکاران] به چیزی از آنچه کسب کرده‌اند، دست نمی‌یابند و خدا مردم کافر را هدایت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

و گاه به خاطر انتخاب کارفرمای ناشایست؛ چقدر اتفاق افتاده که عده‌ای با یک اشتباه در انتخاب کارفرما سرمایه خودشان را به یک صندوق قرض الحسنه، به یک فرد ناشناس، به یک مجموعه بی‌هویت سپرده‌اند و نهایتاً طرف کلاهبردار از آب درآمد و همه هستی آن‌ها را با خاک یکسان



کرده است!

کسانی که غیر از خدا و رسول را انتخاب کنند معلوم است که خسارت‌های جبران‌ناپذیری را متحمل خواهند شد.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ﴾<sup>۱</sup> (ای اهل ایمان! خدا را اطاعت کنید و پیامبر را اطاعت کنید و اعمالتان را [با تخلف از دستورهای خدا و پیامبر، شرک، نفاق، منت‌گذاری و ریا] باطل نکنید. مسلماً کسانی که کافر شدند و [مردم را] از راه خدا بازداشتند، سپس در حال کفر از دنیا رفتند، هرگز خدا آنان را نمی‌آمرزد.)

### بهترین شیوه برای محاسبه نفس

امیر مؤمنان علی عليه السلام بعد از اینکه روایت «أَكْبَسُ الْكَيْسِيَّةِ مَن حَاسَبَ نَفْسَهُ» (عاقل‌ترین مردم کسی است که به محاسبه خویش پردازد) را از پیامبر صلى الله عليه وآله نقل کرد، مردی از آن حضرت پرسید «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَكَيْفَ يُحَاسِبُ الرَّجُلُ نَفْسَهُ» (ای امیر مؤمنان! انسان چگونه نفس خویش را محاسبه کند؟)

امیرالمؤمنین ضمن بیان مشروحی، چنین فرمودند: «هنگامی که صبح را به شام می‌رساند، نفس خویش را مخاطب ساخته چنین گوید: ای نفس! امروز بر تو گذشت و تا ابد باز نمی‌گردد و خداوند از تو درباره آن سؤال می‌کند که در چه راه آن را سپری کردی؟ چه عملی در آن انجام دادی؟ آیا به یاد خدا بودی و حمد او را بجا آوردی؟ آیا حق برادر مؤمن را ادا کردی؟ آیا غم و اندوهی از دل او زدودی و در غیاب او زن و فرزندش را حفظ کردی؟ آیا حق بازمندگان را بعد از مرگ او ادا کردی؟ آیا با استفاده از آبروی خویش، جلو غیبت برادر مؤمن را گرفتی؟ آیا مسلمانی را یاری کردی؟ راستی چه کار مثبتی (امروز انجام دادی؟!)



سپس آنچه را که انجام داده به یاد می‌آورد، اگر به خاطرش آمد که عمل خیری از او سر زده، حمد خداوند متعال و تکبیر او را به خاطر توفیقی که به او عنایت کرده بجا می‌آورد و اگر معصیت و تقصیری به خاطرش آمد، از خداوند متعال آمرزش می‌طلبد و تصمیم بر ترک آن در آینده می‌گیرد و آثار آن را از نفس خویش با تجدید صلوات بر محمد و آل پاکش و عرضه بیعت با امیر مؤمنان عَلَيْهِ السَّلَام بر خویشتن و قبول آن و اعاده لعن بر دشمنان و مانعان از حقوقش، محو می‌کند.

هنگامی که این محاسبه (جامع و کامل) را انجام داد، خداوند می‌فرماید: «من به خاطر دوستی تو با دوستانم و دشمنیت با دشمنانم (و محاسبه جامعی که با نفس خویش داشتی) در مورد گناهانت به تو سخت‌گیری نمی‌کنم و تو را مشمول عفو خود خواهم کرد!»<sup>۱</sup>

### حساب عارفانه

شخصی به نام توبه، بیشتر اوقات شب و روز از نفس خود حساب می‌کشید. روزی عمر خود را حساب کرد و دید شصت سال از آن گذشته است. آن را به روز حساب کرد و دریافت مدت ۲۱۵۰۰ روز از عمرش گذشته است. سپس با خود گفت: «وای بر من! اگر روزی یک گناه بیشتر نکرده باشم، خدای خود را در حالی دیدار می‌کنم که بیش از ۲۱۰۰۰ گناه مرتکب شده‌ام.» این سخن را با خود گفت و آه و فغانی از دل برکشید و بی‌هوش بر زمین افتاد و از دنیا رفت.<sup>۲</sup>

### خود حسابان نگذارند به فردا کاری

عید این طایفه روزی است که محشر باشد<sup>۳</sup>

امام کاظم می‌فرماید: «لَيْسَ مِتًّا مَنْ لَمْ يُحَاسِبْ نَفْسَهُ»<sup>۴</sup> (از ما نیست کسی که از نفسش حساب نکند).

محاسبه نفس از جمله ویژگی‌هایی است که خدای متعال به روح انسان عطا کرده که می‌تواند بر اعمال خود نظارت کرده و مراقبت داشته باشد.

۱. محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، محقق / مصحح: جمعی از محققان، بحار الانوار، دار احیاء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق، ج ۸۹، ص ۲۵۰، باب ۲۹ «فصل سورة الفاتحة و تفسیرها و فضل البسملة و تفسیرها و کونها جزءا من الفاتحة و من کل سورة و فيه فضل الموعودین أيضا»

۲. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۱۲، ص ۲۴، ج ۴۶۵ سرمایه سعادت، ص ۳۹.

۳. صائب تبریزی، دیوان اشعار، غزلیات، غزل ۳۴۳۸.

۴. الکافی، ج ۲، ص ۴۵۳.

## پنجمین توقع: مدیریت آرزوها

یکی از راه‌های رضایت از زندگی، مدیریت آرزوهاست. آرزوی یکی از نیروهای محرکه انسان است که براساس روایات اهل بیت علیهم‌السلام انسان به امید آرزوهایی که دارد زنده است.

همه ما آرزوهایی داریم که برای آن برنامه‌ریزی کرده و سختی‌ها را تحمل می‌کنیم، این موضوع اساسی می‌تواند با تدبیر دینی، انسان را به اوج برساند یا با

بی‌تدبیری و بی‌دینی او را به حسرت و اندوه وادارد.

آرزو در اصطلاح، عبارت است از خواهش یا چشم‌داشت و میل قلبی شدید برای وقوع امری در گذشته یا آینده که تحقق آن سخت یا ناشدنی است.<sup>۱</sup> آرزو در قرآن و روایات با واژه‌هایی چون «أمانی، أمل، تمی، لیت، ودّالو...» ذکر شده است.<sup>۲</sup> اصل وجود آرزو امید به آینده برای انسان‌ها، انگیزه حرکت و تلاش و کوشش و فعالیت است. وجود امید و آرزو در انسان عیب نیست، بلکه حُسن است و بدون آن زندگی بسیار مشکل است، این همان چیزی است که در حدیث معروف پیامبر اسلام ﷺ به عنوان یک اصل اساسی آمده است. آن حضرت فرموده‌اند: «الْأْمَلُ رَحْمَةٌ لِأُمَّتِي وَ لَوْلَا الْأْمَلُ مَا أُزْعِجَتِ الْوَالِدَةُ وَلَدَهَا وَ لَا غَرَسَ غَارِسٌ شَجْرًا»<sup>۳</sup> (امید به آینده و آرزو، مایه رحمت برای امت من است. اگر نور امید نبود، هیچ مادری فرزندش را شیر نمی‌داد و هیچ باغبانی نهالی نمی‌کاشت.)

میزان ارزش هر موضوع را با اهدافی که برای آن منظور شده است می‌سنجند، حتی می‌توان ارزش انسان را از نوع آرزوهای او فهمید؛ زیرا امیرالمؤمنین علی عليه السلام می‌فرمایند: «قَدْرُ الرَّجُلِ عَلَى قَدْرِ هِمَّتِهِ»<sup>۴</sup> (ارزش هرکس به اندازه همت اوست).

معیار ارزش و درجه ما به عشق و علاقه و آرزوی ما بستگی دارد. اگر تمام آرزویمان این باشد که به یک ماشین مدل بالا یا آپارتمان چندطبقه برسیم ارزش ما هم به اندازه همان ماشین و آپارتمان است؛ اما اگر آرزوی ما رسیدن به قرب خدا باشد، حد و اندازه ما هم بی‌نهایت است.

بلبل به باغ و جغد به ویرانه ساخته هرکس به قدر همت خود لانه ساخته کسی که همت، فکر و آرزویش دنیا باشد، تمام کارهای او حتی عباداتش

۱. مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ۱۶۲.

۲. رک: آیات بقره، ۷۸/ الکهف، ۴۶، النجم، ۲۴، الزخرف، ۳۸، الممتحنه، ۲.

۳. بحار الانوار، ۷۷/ ۱۷۲، ۸.

۴. شرح غرر الحکم، ج ۴، ص ۵۰۰.



هم بوی دنیا می‌دهد، نماز می‌خواند، زیارت کربلا، نجف و مشهد می‌رود و یا صاحب‌الزمان می‌گوید چون می‌خواهد به حاجت‌های دنیوی خودش برسد؛ اما اگر کسی آرزویش رسیدن به خدا باشد، کاروکاسبی‌اش و تمام کارهای دنیایی او بوی خدا می‌دهد. خداوند متعال در قرآن کریم به ما یاد داده است که اگر چیزی می‌خواهیم معقول، پایدار، همیشگی و در جهت رشد ما باشد. «**الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا**» (اموال و اولاد، زرق و برق زندگی دنیاست. از آن طرف، کارهای خوب ماندنی از نظر خدا ثواب ارزشمندتری دارد و امیدبخشی بیشتری).

از روایات اسلامی چنین برمی‌آید که خداوند به مقدار آرزوها به افراد باایمان اجر و پاداش می‌دهد.<sup>۲</sup> امیرالمؤمنین علی علیه السلام درباره بهترین آرزو چنین می‌فرماید: «**اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْوَصْفِ الْجَمِيلِ وَالْتِعْدَادِ الْكَثِيرِ إِنْ تَوَمَّلَ فَخَيْرٌ مَّا مَوْلٍ وَإِنْ شُجَّ فَخَيْرٌ مَرَجُو**»<sup>۳</sup> (خدایا! تو سزاوار ستایش زیبا و شمارش نعمت‌های بی‌پایانی. اگر مورد آرزو قرارگیری، بهترین آرزو شده‌ای و اگر به تو امید بسته شود، بهترین کسی هستی که به او امید بسته می‌شود).

برخی می‌گویند ما به یاد امام زمان هستیم، در پاسخ باید گفت به یاد

۱. الکهف، ۴۶.

۲. ر.ک: ناصر مکارم شیرازی، ۸۷، ۲، ۸۹.

۳. نهج البلاغه، خ ۹۱.



حضرت بودن متفاوت با این است که ما آرزویمان امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک باشد، آرزویمان شهادت باشد، آرزویمان رضایت الهی باشد چون وقتی اهداف و آرزوهایمان این اهداف مقدس و متعالی شد، باعث تحرک و برنامه‌ریزی انسان به سمت این آرزوها خواهد شد و چون این اهداف معقول و مورد تأکید خداوند و ائمه اطهار هستند به آن‌ها دست پیدا خواهیم کرد.

ان شاء الله در گفتار بعد درباره توقع خودمان از خداوند صحبت خواهیم کرد.





## جلسه پنجم

# توقعات از خداوند





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«قال علیؑ: قَدَّرَ مَا خَلَقَ فَأَحْكَمَ تَقْدِيرَهُ، وَ دَبَّرَهُ فَأَلْطَفَ تَدْبِيرَهُ، وَجَّهَهُ لِرُؤُوسِهِ فَلَمْ يَتَعَدَّ حُدُودَ مَنَزِلَتِهِ، وَ لَمْ يَفْضُرْ دُونَ الْإِنْتِهَاءِ إِلَى غَايَتِهِ، وَ لَمْ يَسْتَضِعِبْ إِذْ أَمَرَ بِالْمُضِيِّ عَلَى إِزَادَتِهِ، فَكَيْفَ وَ إِنَّمَا صَدَرَتِ الْأُمُورُ عَنْ مَشِيئَتِهِ»<sup>۱</sup>

آنچه را آفرید با اندازه‌گیری دقیقی استوار کرد و با لطف و مهربانی نظمشان داد و به خوبی تدبیر کرد. هر پدیده را برای همان جهت که آفریده شد به حرکت درآورد، چنانکه نه از حدود مرز خویش تجاوز کند و نه در رسیدن به مراحل رشد خود کوتاهی کند و این حرکت حساب شده را بدون دشواری به سامان رساند تا براساس اراده او زندگی کند؛ پس چگونه ممکن است سرپیچی کند درحالی که همه موجودات از اراده خدا سرچشمه می‌گیرند.

در گفتارهای قبل بیان شد که برای رضایت از زندگی باید توقعات ما مبتنی بر واقعیت باشد و درک حقیقی از یک مقوله می‌تواند به تعدیل توقعات ما کمک کند. در منظومه فکری انسان موحد، ارتباط با خداوند یک اصل غیرقابل انکار و غیرقابل جایگزینی است؛ اما چه کنیم که این ارتباط دائم باشد، نه مقطعی، شیرین باشد، نه خسته‌کننده، همراه با شوق باشد، نه با اکراه و اجبار؟

پاسخ، این است: مدیریت توقعات مبتنی بر معرفت درست از خداوند.

### توقعات نابجا از خداوند

ما انسان‌ها بعضاً توقعات بیجایی از خداوند داریم و همین توقعات بیجا باعث می‌شود که در ارتباط با خداوند ناکامی‌هایی را تجربه کرده احساسمان نسبت به خداوند عاشقانه نباشد و کم‌کم رابطه ما به سستی گراییده و قطع شود.

به عنوان نمونه:

- ما همه توقع داریم که خداوند چیزی را که می‌خواهیم بلافاصله به ما بدهد. با خدای خودمان حرف می‌زنیم که خدایا الان لازم دارم، بعداً به دردم نمی‌خورد! اگر تا فردا حاجتم را دادی که هیچ! و الا اگر ندادی نمی‌خواهم و دیگر در خانه‌ات نمی‌آیم!
- ما توقع داریم که وقتی چیزی را از خداوند خواستیم، بدون زحمت به ما بدهد و ما را به موفقیت برساند.
- ما توقع داریم که خداوند گناهان ما را بدون عذاب و جزایی ببخشد. می‌گوییم خدا از حق خودش می‌گذرد، گناهی که انجام می‌دهیم و به واسطه همین گناه، درد، گرفتاری و یا عذابی اگر نصیبمان می‌شود درحالی‌که متوجه می‌شویم این درد و گرفتاری و عذاب به واسطه همان گناه و یا کار اشتباه بوده است، بازهم زبان به شکایت از خداوند بازمی‌کنیم.
- ما از خداوند توقع داریم که اگر از او چیزی خواستیم همه را تمام و کمال بدهد. یک همسر زیبا، باحیا و باوفا، یک فرزند خوب، یک ماشین خوب و... همه چیزهایی را که از او می‌طلبیم به صورت کامل می‌خواهیم.

### سرچشمه توقعات نابجا

توقعات نامعقول از درک ناقص اوصاف الهی یا از معرفت کاریکاتوری به خداوند سرچشمه می‌گیرد.

از او انتظار داریم که سریع اجابت کند چون او را سریع‌الاجابه می‌دانیم. قطعاً آن خدایی که در مقام علو برتری است سریع‌الاجابه هم هست. پیغمبر و ائمه اطهار هم چنین هستند. خداوند در سوره غافر خطاب به بندگانش این‌طور می‌فرماید: ﴿وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ﴾ (فقط مرا بخوانید تا سریع به شما پاسخ بدهم.)<sup>۱</sup>



همان طور که امام سجاد علیه السلام در دعای ابوحزمه ثمالی خداوند را این طور مورد خطاب قرار می‌دهد: «**أَحْمَدُ لِلَّهِ الَّذِي أَدْعُوهُ وَفَيْجِيئِي**» (حمد مختص الهی است که هرگاه او را بخوانم و طلب کنم فوراً اجابت می‌کند.)

از او انتظار داریم که بدون زحمت و مشقت به ما بدهد چون او را قادر می‌دانیم و باور داریم که قدرت انسان، متناهی و محدود و قدرت حق تعالی، نامتناهی و نامحدود است. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿...إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ﴾<sup>۱</sup> (خداوند بر هر چیز تواناست.)

از او توقع داریم گناهان ما را بدون جزا و عقابی بیمارزد، چون باور داریم که خداوند غفور است و در روز قیامت آن چنان عفو او بندگان را احاطه می‌کند تا آنجا که مشرکان طمع می‌کنند و می‌گویند به پروردگاران سوگند که ما مشرک نبوده‌ایم.<sup>۲</sup> چون باور داریم خداوند غفور است و در این باره خودش فرموده است: ﴿...فَإِنِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾<sup>۳</sup> (همانا من آمرزنده مهربانم.)

از او توقع داریم که همه چیز را به صورت تمام و کمال به ما بدهد، چون او را بهترین پاداش دهنده می‌دانیم همان طور که قرآن کریم فرمود: ﴿هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا﴾<sup>۴</sup> (او بهتر از دیگران پاداش می‌دهد.) یا قرآن کریم در سوره بقره، آیه ۱۴۳ می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ﴾ (خدا در حق مردم، دلسوزی مهربان است.)

تمام این صفات ویژگی‌هایی که برای خدا باور داریم اعم از رأفت، قدرت، غفاریت و... نه تنها درست است، بلکه تصور ما از صفات نسبت به واقعیت، ذره‌ای ناچیز است در برابر بی‌نهایت. اینکه انسان چنین تصویری

۱. آل عمران، ۱۸۹.

۲. امام حسن عسکری علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْفُو يَوْمَ الْقِيَامَةِ غَفْوًا يُحِيطُ عَلَى الْعِبَادِ حَتَّى يَقُولَ أَهْلُ الشِّرْكِ: وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا مُشْرِكِينَ» (الخرائج والجرائح، قطب الدین راوندی، سعید بن هبة الله، محقق / مصحح: مؤسسة الإمام المهدي علیه السلام، مؤسسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، ۱۴۰۹ ق، چاپ اول، ج ۲، ص ۶۸۶، «فصل فی أعلام الحسن بن علی العسکری».)

۳. النمل، ۱۱.

۴. الکهف، ۴۴.



دارد سرچشمه گرفته از کرم خداوند نسبت به انسان و جهل و غرور خود انسان است همان‌طور که خداوند همین سوال را از انسان می‌پرسد: **«يَا أَيُّهَا الْإِنْسَانُ مَا عَزَمَكُمُ الْكِرِيمُ»**<sup>۱</sup> (ای انسان‌ها، با وجود این همه بزرگواری خدا در حقتان، چه چیزی باعث شده که در برابرش گستاخی کنید؟!)

پیامبر گرامی اسلام علت گستاخی انسان را پس از تلاوت این آیه این‌گونه بیان فرمودند: **«قَالَ غَرَّهُ جَهْلُهُ»**<sup>۲</sup> (جهل و نادانی انسان باعث جرئت و غرورش شده است).

همچنین امیرالمؤمنین علی علیه السلام در ضمن این روایت، علت دیگری را به جهل انسان افزوده و می‌فرماید: **«كَمْ مِنْ مُسْتَدْرَجٍ بِالْإِحْسَانِ إِلَيْهِ وَ كَمْ مِنْ مَغْرُورٍ بِالسُّرِّ عَلَيْهِ»**<sup>۳</sup> (بسا کسی که با نعمتی که به او دهند، به دام افتد و با پرده‌ای که بر گناه او پوشند فریفته گردد).

### پنج گام کلیدی برای تصحیح توقعات از خدا

برای اینکه بتوانیم از مشکلات در زندگی عبور کنیم و از ارتباط خودمان با خداوند رضایت داشته باشیم، باید نقش حکمت و مصلحت خداوند در هستی را بشناسیم و برای شناخت نقش مصلحت الهی در نظام هستی پنج گام زیر را طی کنیم:

### گام اول: باور به اینکه همه‌کاره عالم خداست

اولین گام این است که با تمام وجود، ایمان و باور داشته باشیم که مدیریت عالم به دست باکفایت الهی است و در واقع همه‌کاره عالم خداست. قرآن کریم می‌فرماید: **«وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ»**<sup>۴</sup> (خداست مالک آسمان‌ها و زمین و خدا بر هر چیز تواناست).

۱. الانفطار، ۶.

۲. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۴۲۶ - بحار الانوار، ج ۵۷، ص ۳۲۸ / نورالثقلین.

۳. تفسیر اهل بیت علیهم السلام ج ۱۷، ص ۴۲۸ - تحف العقول، ص ۲۰۳.

۴. آل عمران، ۱۸۹.



﴿فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا﴾ (قسم به فرشتگانی که (به فرمان حق) به تدبیر نظام خلق می‌کوشند (که قیامتی و حشری خواهد آمد). یعنی خداوند هم خالق و مالک است و هم تمام موجودات و جهانیان را تدبیر و اداره می‌کند.

### گام دوم: باور به اینکه مدیریت عالم بر اساس سنت‌های الهی است

دومین گامی که باید به آن توجه داشت این است که خدا برای اداره و تدبیر عالم، قوانین و قواعدی را به کار گرفته است که جز به امر خودش تغییرپذیر نیستند.

در یک دسته‌بندی می‌توان این سنت‌ها را به دو دسته تقسیم کرد:

#### الف) سنت‌های تغییرناپذیر

سنت‌هایی هستند که به هیچ‌وجه قابل تغییر و تبدیل نیستند، این سنت‌ها ثبات و دوام دارند، به گونه‌ای که آیه شریفه ﴿وَلَنْ تَجِدَ لِسْنَةَ اللَّهِ تَبْدِيلًا﴾<sup>۱</sup> (و سنت خدای متعال را دگرگون نخواهی یافت) به آن تصریح دارد. در تعریف «سنت الهی» می‌توان گفت: ضوابطی که در افعال الهی وجود دارد، یا روش‌هایی که خدای متعال امور عالم و آدم را بر پایه آن‌ها تدبیر و اداره می‌کند.

#### سنت اول: امتحان بندگان

اولین سنت «ابتلا» و «امتحان» است؛ زیرا اراده خداوند بر این تعلق گرفته است که انسان به هدف آفرینش خود، یعنی تقرب به خدا و بندگی او نایل شود. برای رسیدن به این هدف، او را مختار و آزاد آفریده تا با افعال و اعمال اختیاری خود، به کمال رسد؛ بنابراین برای رسیدن انسان به این هدف بزرگ، وسایل و ابزار آن را نیز فراهم کرده است.

یکی از اصلی‌ترین وسایل، آزمایش انسان با سختی‌ها و ناملایمات، راحتی‌ها و خوشی‌ها و... است. آدمی برای رسیدن به کمال خود، باید از مسیرهای گوناگون عبور کند و آزمایش‌های زیادی را پشت سر گذارد تا

۱. نازعات، ۵.

۲. احزاب، ۶۲.



ایمان واقعی و ادعایی او، هم بر خود و هم بر دیگران آشکار شود. فردی از امام رضا علیه السلام درباره امتحان الهی پرسید و تفسیر آیه «احسب الناس ان يتركوا ان يقولوا آمنا بالله وهم لا يفتنون» را خواست. امام در پاسخ فرمود: «يُفْتَنُونَ كما يُفْتَنَ الذَّهَبُ، يُخْلَصُونَ كما يُخْلَصُ الذَّهَبُ»<sup>۱</sup> (انسان‌ها همانند طلا آزموده می‌شوند و چنانچه طلا را از دیگر فلزات مخلوط جدا می‌کنند، انسان‌ها نیز به وسیله امتحان و آزمایش پاک و پیراسته می‌شوند).

در این سنت، حضرت ابراهیم به ذبح فرزند امتحان می‌شود. اسماعیل به رضایت در ذبح توسط پدر، یوسف به دوری از پدر و رویارویی با زلیخا، یعقوب به دوری از یوسف و پیامبر امتحانات متعددی داشت.

شب معراج خدا به پیغمبر فرمود: پیامبر من! سه جا می‌خواهم تو را امتحان کنم. «إن الله تبارك وتعالى يختبرك في ثلاث» پیغمبر اکرم به خدا عرض کرد: این سه تا چیست؟

فرمود: «الجوع والأثرة على نفسك» اولی گرسنگی و ایثار بر خود است. حضرت سه سال در شعب ابی طالب از گرسنگی سنگ به شکم می‌بست. پیغمبر عرض کرد: «قبلت يارب ورضيت وسلمت» قبول کردم، راضی و تسلیم هستم. دومین مورد «فالتكذيب والخوف الشديد» تکذیب می‌کنند، دیوانه و مجنون می‌گویند، کاهن و ساحر می‌خوانند. باز عرض کرد «قبلت يارب ورضيت وسلمت ومنك التوفيق والصبر» توفیق را تو باید بدهی.

اما سومین مورد که بسیار سخت است «أما الثالثة فما يلقي أهل بيتك من بعدك من القتل اما أخوك عليّ فيلقي من أميتك السّمّ والتّعنيف والتّوبيخ والحِمان والجحد [أو الجهد] والطلم وأخر ذلك القتل فقال يا رب قبلت ورضيت ومنك التّوفيق والصبر واما إبتئك فثظلم و تحرم و يؤخذ حقها غصبا الذي تجعله لها و تضرب و هي حامل و يدخل عليها و على حريمها و منيها بغير إذن ثم يسسها هوان و ذل ثم لا تجد مانعا و تظرح ما في بطنها من الصّرب و تموت من ذلك الصّرب قلت إن الله و إننا إليه راجعون - قبلت يارب و سلمت و منك التّوفيق و الصبر [للصبر] و

۱. اصول کافی، کتاب الحجة، نشر دارالکتب الاسلامیه، ص ۲۷۰، ح ۴.





يَكُونُ لَهَا مِنْ أَخِيكَ إِثْنَانِ يُقْتَلُ أَحَدُهُمَا عَدْرًا وَيُسَلَبُ وَيُظَعَنُ تَفَعَّلُ بِهِ ذَلِكَ أُمَّتُكَ  
 قُلْتَ يَا رَبِّ قَبِلْتُ وَسَلَّمْتُ - ﴿إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ﴾ وَمِنْكَ التَّوْفِيقُ لِلصَّبْرِ وَامَّا  
 ابْنُهَا الْآخَرُ فَتَدْعُوهُ أُمَّتُكَ لِلجِهَادِ ثُمَّ يَقْتُلُونَهُ صَبْرًا وَيَقْتُلُونَ وُلْدَهُ وَمَنْ مَعَهُ مِنْ أَهْلِ  
 بَيْتِهِ ثُمَّ يَسْلُبُونَ حَرَمَهُ فَيَسْتَعِينُ بِي وَقد مَضَى الْقَصَاءُ مِنِّي فِيهِ بِالشَّهَادَةِ لَهُ وَ لِمَنْ  
 مَعَهُ وَيَكُونُ قَتْلُهُ حُجَّةً عَلَى مَنْ بَيْنَ قَطْرِهَا فَيَبْكِيهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَأَهْلُ الْأَرْضِينَ  
 جَزَاءً عَلَيْهِ وَتَبْكِيهِ مَلَائِكَةٌ لَمْ يُدْرِكُوا نُصْرَتَهُ ثُمَّ أُخْرِجُ مِنْ صُلْبِهِ ذَكَرًا بِهِ أَشْضَرُكَ وَإِنْ  
 شَبَحَهُ عِنْدِي تَحْتَ الْعَرْشِ»<sup>۱</sup>

این امتحان همیشه با سختی‌ها و مشکلات نیست، بلکه گاهی ماده  
 امتحانی داری‌ها و لذت‌هاست که خداوند در قرآن کریم فرمود: ﴿وَتَبْلُوكُمْ  
 بِاللَّسْرِ وَالْمُخْرِ فِتْنَةً وَالْيَنَاءِ تَرْجِعُونَ﴾<sup>۲</sup>

### امتحان به داری‌ها

در داستان زیر به خوبی می‌توان فهمید که چگونه داری‌ها، ماده امتحان  
 آدمی است.

مردی از پیروان پیامبر ﷺ به نام «سعد» بسیار مستمند بود و از «اصحاب  
 صفة» محسوب می‌شد و تمام نمازهای شبانه روز را پشت سر پیامبر ﷺ  
 می‌گذازد.

پیامبر ﷺ از فقر سعد متأثر بود، روزی به او وعده داد اگر مالی به دستم  
 بیاید تو را بی‌نیاز می‌کنم. مدتی گذشت اتفاقاً چیزی به دست نیامد و  
 افسردگی پیامبر ﷺ بر وضع مادی سعد بیشتر شد. در این هنگام،  
 جبرئیل نازل شد و دو درهم با خود آورد و عرض کرد: خداوند می‌فرماید:  
 ما از اندوه تو به واسطه فقر سعد آگاهیم، اگر می‌خواهی از این حال خارج  
 شوی دو درهم را به او بده و بگو خرید و فروش کند.

پیامبر ﷺ دو درهم را گرفت؛ وقتی برای نماز ظهر از منزل خارج شد، سعد  
 را مشاهده کرد که به انتظار ایشان بر در یکی از حجرات مسجد ایستاده  
 است، فرمود: می‌توانی تجارت کنی؟ عرض کرد: سوگند به خدا که سرمایه

۱. کامل الزیارات، ص ۳۴۲.

۲. انبیاء، ۳۵.



ندارم؛ پیامبر ﷺ دو درهم را به او داد و فرمود: سرمایه خود کن و به خرید و فروش مشغول شو.

سعد پول را گرفت و برای نماز به مسجد رفت و بعد از نماز ظهر و عصر به طلب روزی مشغول شد. خداوند برکتی به او داد که هرچه را به یک درهم می خرید دو درهم می فروخت؛ کم کم وضع مالی او رو به افزایش گذاشت، به طوری که بر در مسجد دکانی گرفت و کالای خود را آنجا می فروخت.

چون تجارتش بالا گرفت، کارش از نظر عبادی به جایی رسید که بلال اذان می گفت؛ ولی او خود را برای نماز آماده نمی کرد با اینکه قبلاً پیش از اذان مہیای نماز می شد.

پیامبر ﷺ فرمود: سعد دنیا تو را مشغول کرده و از نماز باز داشته است، سعد می گفت: چه کنم اموال خود را بگذارم ضایع می شود، می خواهم پول جنس فروخته را بگیرم و از دیگری متاعی خریدم، جنس را تحویل بگیرم و قیمتش را بدهم.

پیامبر ﷺ از مشاهده اشتغال سعد به ثروت و بازماندنش از بندگی افسرده شد، جبرئیل نازل شد و عرض کرد: خداوند می فرماید از افسردگی تو اطلاع یافتیم، کدام حال را برای سعد می پسندی؟

پیامبر ﷺ گفت: حال قبلی برایش بهتر بود، جبرئیل گفت: آری، علاقه به دنیا انسان را از یاد آخرت غافل می کند؛ حال دو درهمی که به او دادی از او پس بگیر. پیامبر ﷺ نزد سعد آمده و فرمود: دو درهمی که به تو داده ام بر نمی گردانی؟

عرض کرد: دوپست درهم خواسته باشید می دهم، فرمود: نه، همان دو درهمی که گرفتی بده، سعد پول را تقدیم پیامبر ﷺ کرد. چیزی از زمان نگذشت که وضع مادی او به حال اول برگشت!

با وجود این سنت الهی، توقع اینکه بدون امتحان به درجات بالای معنوی



برسیم توقع بیجایی است.

### سنت دوم: تغییر سرنوشت به علت تغییر روش

دومین سنت خداوند بر این جاری است که سرنوشت هیچ ملتی تغییر نمی‌کند، مگر این‌که خودشان براساس میل و اراده و اختیار خود، آن را تغییر دهند. خداوند در قرآن می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ﴾ (خداوند سرنوشت هیچ قومی را تغییر نمی‌دهد، مگر آن‌که خودشان دست به تغییر زنند).

باوجود این سنت الهی، نباید توقع داشته باشیم بدون اقدام جمعی در جامعه اتفاقی رخ دهد.

### اقدام جمعی، تغییر عمومی

تالبوت (دوست سرهنری دراموند ولف، وزیرمختار انگلیس در ایران) پس از بازگشت ناصرالدین شاه به ایران پس از رایزنی با رجال انگلیس، سرانجام شرکتی به‌منظور انحصار امتیاز توتون و تنباکوی ایران تأسیس کرد و بلافاصله روانه تهران شد تا اینکه در ۱۸ اسفند ۱۲۶۹ امتیاز توتون و تنباکوی ایران به مدت ۵۰ سال در اختیار تالبوت و شرکای او قرار گرفت.

میرزای شیرازی به ناصرالدین شاه نامه نوشت و اعتراض کرد. باوجوداینکه نامه آیت‌الله میرزای شیرازی به ناصرالدین شاه کارساز نشده بود، علمای نجف، مردم و مجتهدان ساکن ایران پیوسته با میرزای شیرازی در تماس بودند و با ارسال نامه و تلگراف و اعزام نماینده، وی را از امور ایران مطلع و از وی کسب تکلیف می‌کردند.

براساس همین اطلاعات، میرزای شیرازی به این نتیجه رسید که در برابر دربار به‌وسیله دیپلماسی نمی‌توان این قرارداد را لغو کرد. از طرف دیگر، هیجان عمومی به حد اعلائی خود رسیده بود و مردم و علما، همه چشم‌به‌راه سامراء بودند. علما به این نتیجه رسیده بودند که صدای آن‌ها و مردم بدون پشتوانه مرجعیت شیعه به جایی نمی‌رسد.



در چنین شرایطی آیت‌الله میرزای شیرازی با صدور فتوای تحریم تنباکو، نوشت: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ. اليوم استعمال تنباکو توتون بآی نحو کان در حکم محاربه با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ وَوَجَّهَ الْوَجْهَ لِلدِّينِ است. الاحقر - محمدحسن الحسینی.»

متن حکم در تمامی بازار و مساجد، مجامع و سردرها با صدای بلند برای مسلمانان خوانده شد تا اینکه این خبر، شور عظیمی برپا کرد. روز بعد از انتشار فتوا، مسئله همبستگی مردم با رهبری دینی، عینیت یافت، حتی لوطیان شهر نیز اطاعت از این حکم را بر خود فرض دانستند. در مراسم اسب‌سواری شاه در دوشان‌تپه، احدی قلیان نکشید؛ زیرا مخالفت با حکم مرجع تقلید، مخالفت با امام زمان عَلَيْهِ السَّلَامُ محسوب می‌شد، در حرمسرای شاهی نیز همه قلیان‌ها شکسته شد. به دنبال آن، ناصرالدین شاه فرمان متوقف کردن عملیات رژی را صادر کرد.<sup>۱</sup>

### سنت سوم: رفاه در گرو تقوا

سنت الهی بر این جاری است که رفاه اجتماعی در پرتو تقوا و خداترسی به دست می‌آید: «وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ آمَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَالأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ»<sup>۲</sup> و اگر اهل شهرها و آبادی‌ها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند برکات آسمان و زمین را بر آن‌ها می‌گشودیم، ولی آن‌ها حق را تکذیب کردند، ما هم آنان را به کیفر اعمالشان مجازات کردیم.

امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «إِنَّ الرَّجُلَ لِيَذُوبَ الذَّنْبِ فَيَدْرُءَ عَنْهُ الرَّزْقَ»<sup>۳</sup> (مردی گناهی انجام می‌دهد و در نتیجه «روزی» از او دور می‌شود.) امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ نیز می‌فرماید: «إِنَّ الذَّنْبَ يَحْرِمُ الْعَبْدَ الرَّزْقَ»<sup>۴</sup> (همانا گناه بنده را از روزی محروم می‌کند.)

۱. زنجانی، تحریم تنباکو، ۱۰۱، قرارداد رژی، ۶۹.

۲. اعراف: ۹۶.

۳. کلینی، اصول کافی، ج ۲، ص ۲۶۸.

۴. کلینی، اصول کافی، ص ۲۷۱.



پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرمایند: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ إِذَا قَارَفَ الذَّنُوبَ ابْتَلَىٰ بِهَا بِالْفَقْرِ» (همانا شخص مؤمن هنگامی که به گناه نزدیک شود به سبب آن دچار فقر و تنگدستی می‌شود.) با شناخت این سنت توقع اینکه با ادامه گناه و معصیت اوضاع اقتصادی بهبود یابد توقع بیجایی است.

### سنت چهارم: سختی در زندگی در صورت فراموشی خداوند

﴿وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُ مَعِيشَةً ضَنْكًا﴾ (هرکس از یاد من روی‌گردان شود، زندگی (سخت و) تنگی خواهد داشت.)

### سنت پنجم: اخلاص و نصرت

این مطلب به کرات در روایات و معارف دینی ما اشاره شده است که کار برای خدا (خالصانه)، پاسخ درخور توجه خداوند متعال را دربر دارد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (ای اهل ایمان، شما اگر خدا را یاری کنید (دین و پیغمبر خدا را) خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم گرداند.)

خطاب آیه، اهل ایمان هستند که ای مؤمنان و مسلمانان! آگاه باشید که این قانون و قاعده برای شماست که اگر اهل یاری خدا شدید، خدا هم یقیناً به شما کمک می‌کند.

کاری که آدم برای دیگران بکند ارزشی ندارد، برای اینکه دیگران تعریف کنند یا به به و چه چه کنند که دم فلانی گرم که چه کار خیری کرد. آن چیزی که نصرت و کمک خدا را در پی دارد فقط کار خالصانه است و در مقابل آن، کمک خداوند هم تضمینی و قطعی.

برخی دیگر از آیات قرآن که به مصادیقی از این قانون اشاره می‌کنند عبارت‌اند از:

- تقوا برای خدا: ﴿وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ﴾<sup>۳</sup>

۱. طه، ۱۲۴.

۲. محمد، ۷.

۳. طلاق، ۲.



- هجرت برای خدا: «وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا»<sup>۱</sup>
- جهاد برای خدا: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»<sup>۲</sup>

### گام سوم: باور به اینکه مصلحت الهی حاکم بر تمام قوانین است

تا اکنون به تعدادی از قوانین فرائعقادی و اعتقادی خداوند متعال اشاره کردیم که با مجموعه‌ای از این قوانین و قوانینی دیگر که فرصتی برای اشاره به آن‌ها نیست، امور دنیا تدبیر می‌شود؛ اما یک قانون، قاعده و اصل است که همه این قوانین و قواعدی که برشمردیم را دربر می‌گیرد و در واقع ناظر، حاکم و بالاتر از همه آن‌هاست و آن قانون مصلحت الهی است.

### مصلحت الهی

#### مصلحت در لغت

مصلحت در لغت از واژه صلح، صلاح و مصالح می‌آید؛ یعنی آن چیزی که خیر و سود آدم در آن ست، چه خیر و سود دنیایی و چه خیر و سود اخروی و در مقابل آن، کلمه مفسده به معنای ضرر و زیان آمده است.<sup>۳</sup>

#### مصلحت در اصطلاح

اما مصلحت در اصطلاح به معنای «عبور» از منافع مقطعی و محدود برای دستیابی به منافع بالاتر، دایمی و نامحدود براساس اصول دینی و عقلی است که وقتی فاعل این فعل خود خداست، خدایی که هم خالق است، هم عالم است و هم حکیم، پس مطمئن می‌شویم جای مصلحت با منفعت و یا باماشات عوض نمی‌شود چون آن نفعی از این‌ها نمی‌برد و او خیرخواه مطلق بندگانش است.

درک این مطلب که خداوند بهترین کسی است که مصلحت‌ها را درک می‌کند و مطابق آن مقدراتی را برای ما تعیین می‌کند - برای فهم مسایلی

۱. نساء، ۱۰۰.

۲. عنکبوت، ۶۹.

۳. لسان العرب، ماده «صلح»، ج ۲، ص ۵۱۶.



که خواهد آمد - که شاید سوال خیلی‌ها باشد، چون مصادیق آن در زندگی خودشان یا اطرافیان‌شان پیش آمده است بسیار کمک‌کننده خواهد بود، سوالات و مسائلی مانند اینکه:

- اگر کسی تلاش کرد و نتیجه نگرفت ...
- اگر کسی در این دنیا ظلمی کرد و تقاص متناسب فعل خود را ندید ...
- اگر کسی غفلتی داشت، اما موجبات پشیمانی برای او فراهم نشد ...
- اگر کسی اهل خدمت و احسان بود، اما محبوب نشد و خدماتش دیده نشد ...
- اگر کسی اهل شکر بود، اما رشد ظاهری برای آن حاصل نشد ...
- اگر کسی در آتش افتاد و نسوخت ...
- اگر کسی مخلصانه برای خدا قدم برداشت، اما نصرت خدا را حس نکرد ...

آیا این موارد، نقض قوانین الهی است؟ چرا باید در زندگی انسان اتفاقی برخلاف قوانین هستی رقم بخورد و ...

جواب همان فراقانون مورد اشاره است که خداوند حکیم شاید مصلحتی را دیده است که به خاطر آن، فلان قانون هستی متوقف شده یا برای فلان بنده تغییر کرده است.

### مصلحت الهی در احکام شرعی

خداوند تبارک و تعالی مصلحت بندگان را در تمامی دستورات دین مورد توجه قرار داده است و هیچ حکمی را تشریح نکرده است مگر به علت وجود مصلحتی در آن حکم و هر جا که مصلحت بالاتری به وجود آمده است، مصلحت کمتر کنار رفته و حکم تغییر کرده است.<sup>۱</sup>

۱- جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، ج ۵، ص ۳۴.



### نمونه (۱): بیماری و روزه‌داری

روزه گرفتن به علت فواید و مصالحش بر همه واجب است، ولی وقتی پای جان وسط باشد دیگر واجب نیست، چون مصلحت جان مؤمن از هر چیزی بالاتر است.

### نمونه (۲): حفظ جان مسلمان و غیبت

غیبت کردن حرام است؛ زیرا بردن آبروی انسان‌ها مصلحت نیست، ولی برخی موارد داریم که به علت مصلحتی بالاتر از آبروی یک فرد، حکم خدا عوض و غیبت کردن جایز می‌شود. مثلاً:

۱. در مورد دادخواهی و رفع ظلم و گرفتن حق که اگر شخص مظلوم افشاگری نکند کسی به داد او نمی‌رسد و حق او پایمال می‌شود. این همان چیزی است که قرآن مجید می‌فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْمُجْتَهَرِ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلَمَ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِیماً» (خداوند دوست ندارد کسی با سخنان خود بدی‌ها را اظهار کند مگر آن‌کس که مظلوم واقع شده، خداوند شنوا و دانا است.)

۲. در مورد نهی از منکر، یعنی در جایی که اگر انسان افشاگری نکند فرد یا افراد گنهکار دست از کارشان نمی‌کشند، در اینجا مصلحت امر به معروف و نهی از منکر بر مفسده غیبت غلبه می‌کند؛ بلکه مجاز واجب می‌شود.

۳. در مورد بدعت‌گذاران و توطئه‌گران و کسانی که بر ضد مصالح مسلمین نقشه می‌کشند، اگر کار آن‌ها برملا شود، مردم بپا می‌خیزند و جلوگیری کامل یا نسبی می‌کنند، غیبت این‌گونه اشخاص نیز جایز، بلکه واجب است.

۴. در مورد مسلمانی که جان یا مال یا ناموسش از سوی دیگری در خطر قرار گرفته و او آگاه نیست، افشاکردن این خطر نیز جایز، بلکه گاهی واجب است.





۵. در مورد مشورت، یعنی در آنجا که کسی می‌خواهد مثلاً با دیگری وصلت کند یا شرکتی تشکیل دهد یا مسافرت کند و از انسان درباره شخص مورد نظرش سؤال می‌کند، در اینجا نمی‌توان گفت: افشای عیب طرف، گناه دارد، بلکه امانت در مشورت ایجاب می‌کند که آنچه را می‌داند و در مورد آن برنامه تأثیر می‌گذارد، افشا کند و از اینکه ممکن است مصداقی از غیبت باشد ترسی به خود راه ندهد، چراکه پرده‌پوشی در این گونه موارد خیانت است و خیانت در مشورت جایز نیست.
۶. در مورد شهادت دادن در جایی که از انسان تقاضای شهادت کنند نیز غیبت کردن جایز است چراکه مصلحت شهادت قوی تر است.

### خالق مهربان ما

شکی نداریم که خداوند نسبت به بندگان خود بسیار عطف و مهربان است. در حدیثی قدسی می‌خوانیم: «لَوْ يَعْلَمُ الْمُدْبِرُونَ عَنِّي كَيْفَ انْتِظَارِي هُمْ وَرَفِيقِي بِهِمْ وَشَوْقِي إِلَى تَرْكِ مَعَاصِيهِمْ لَمَاتُوا شَوْقًا إِلَيَّ وَتَقَطَّعَتْ أَوْسَالُهُمْ مِنْ مَحَبَّتِي»<sup>۱</sup> (اگر کسانی که از من روی گردانیده‌اند بدانند چگونه منتظرشان هستم و چقدر لطف من شامل حالشان است و چقدر مشتاق به ترک گناه آنانم، حتماً از شوق می‌مردند و از محبت من متلاشی می‌شدند.)

این حدیث به خوبی نشان می‌دهد که خدا چقدر نسبت به بندگان حتی گناهکار خود رؤوف است و چقدر به آن‌ها علاقه دارد و با اینکه انسان گنهکار، خدا را نافرمانی کرده و از او دور شده، اما خداوند مشتاقانه منتظر بازگشت اوست.

آیا تا به حال در محبت یک مادر به فرزندش دقت کرده‌اید؟ مادری که آغوش پرمهرش همیشه به روی فرزند گشوده است و از هیچ کمکی نسبت به او دریغ نمی‌دارد.

شدت محبت خداوند به مخلوقاتش از محبت مادر نیز بسیار بیشتر

۱. ملا محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، علمی، بیروت، بی تا، چاپ چهارم، ج ۳، ص ۱۳۰.



است. خدایی که همه پدیده‌های هستی را برای رشد و کمال انسان آفریده و تنظیم کرده و متناسب با جایگاه و وظایف هرکس، غریز و کشش‌های لازم را درون او تعبیه کرده است. برای مثال، مادران را به‌گونه‌ای پرمهر و عاطفه آفریده است که می‌توانند از آسایش و خواب و استراحت خود صرف‌نظر کنند و به تربیت و مراقبت از فرزندان‌شان همت گمارند.

بی‌گمان چنین خدایی به همه بندگان خود با نگاه رحمت و عطف و شفقتی بی‌مثال می‌نگرد چراکه او به‌عنوان کمال مطلق، واجد همه فضایل و نیکی‌های مخلوقات خود در والاترین و بی‌حد و حصرترین مراتب آن‌هاست؛ یعنی اگر مهر مادری را وصفی نیکو در نهاد مادران می‌یابیم باید بدانیم که کمال این مهر و شفقت در وجود پروردگار یافت می‌شود. با این حساب آیا می‌توان چنین تصور کرد که خدا خیر بندگان‌ش را نخواهد و از دیدن استیصال آن‌ها نسبت به نداشتن چیزهایی که اصرار به داشتن آن دارند بی‌تفاوت و حتی مخالف باشد؟!

بله، همه این سوالات و مواردی که ظاهراً باید طبق قواعد و قوانین عادی دنیا پیش برود، اما نمی‌رود حکمتی بالاتر برای آن بوده و خدا با درک آن، مصلحت بنده را طور دیگری رقم می‌زند.

### نمونه (۳): قانون راهنمایی رانندگی

قوانین راهنمایی و رانندگی هرکدام به‌علت وجود فایده‌ای وضع شده است، ولی در برخی مواقع فایده و مصلحت بالاتری وجود دارد که فایده اول را کنار می‌زند.

مثلاً حرکت وسایل نقلیه باید با چراغ راهنما تنظیم شود چراکه مصلحت نظم‌بخشی به عبور و مرور این اقتضاء را دارد، ولی گاهی ممکن است جان انسانی در خطر باشد که در اینجا مصلحت جان مؤمن از نظم در عبور و مرور مهم‌تر است؛ لذا آمبولانس نیاز به رعایت قانون چراغ راهنما ندارد. ماشین آتش‌نشانی و یا پلیس در حال مأموریت نیز از مثال‌های دیگر هستند.



**نمونه (۴): محبت به فرزند**

هر مادری فرزندش را دوست دارد و اقتضای این محبت تأمین خواسته‌های اوست، حال اگر خواسته فرزند باعث ایجاد مریضی در او شود، همین مادر دلسوز به التماس‌ها و درخواست‌های فرزند هیچ توجهی نخواهد کرد و حتی در برخی مواقع بدون توجه به گریه‌های فرزند، با پزشک همکاری می‌کند تا داروی تلخ را به کام فرزند بریزد یا آمپول دردناکی را به او تزریق کند، چراکه سلامتی فرزند مصلحت مهم‌تری است نسبت به لذت‌های او.

**گام چهارم: مصلحت‌اندیشی حکیمانه الهی و تدبیر آن براساس سه****ملاک**

خداوند حکیم است و یقیناً برای مصلحت‌اندیشی‌های خود بدون ملاک و محور اقدام نمی‌کند. فهم ملاک‌های مصلحت الهی می‌تواند به ما کمک کند تا در عالم بندگی با رضایت بیش‌تری زندگی کنیم.

**ملاک‌های مصلحت انسان‌ها****۱. ظرفیت فرد**

انسان در یک پارچ آب نمی‌تواند به اندازه یک منبع، آب بریزد چون پارچ ظرفیتش از منبع بسیار کمتر است. دلیل اینکه خداوند بعضی از امکانات و یا نعمت‌ها را در اختیار برخی قرار می‌دهد و در اختیار برخی دیگر نه، مستقیماً به ظرفیت آن‌ها برمی‌گردد.

- کسی که ظرفیت پول زیاد را ندارد در صورت داشتن آن، ممکن است به هزارویک جور گناه بیفتد.
- کسی که ظرفیت علم زیاد را ندارد ممکن است با علم زیاد باعث بدبختی خودش و بشر بشود.
- کسی که ...

لذا علما و اساتید اخلاق می‌گویند که یکی از دعا‌های انسان این باشد که از



خدا بخواهد قبل از دادن هر نعمتی ابتدا ظرفیت استفاده درست از آن را به انسان بدهد سپس خود نعمت را؛ زیرا اگر انسان ظرفیت نداشته باشد نعمت را به هدر می‌دهد و این عین زیان و ضرر است.

## ۲. سابقه فرد

در روابط انسانی یکی از مواردی که در برخورد ما با طرف مقابل تعیین‌کننده است سابقه اوست. ما معمولاً به قول و گفته انسانی که بدقول است اعتماد نمی‌کنیم. به انسانی که ده‌ها طلبکار داشته و دارد، پول قرض نمی‌دهیم. با انسانی که رفتارهای بچگانه‌ای دارد مشورت نمی‌کنیم و...

سابقه ما در زندگی دنیا برای خداوند عیان است، اینکه با چه سابقه‌ای آن‌هم بدون هیچ پیشیمانی و جبرانی از خداوند طلب نعمت می‌کنیم مستقیماً در رفتار خداوند اثرگذار است. انسانی که اهل اسراف است نعمت‌های جدید را هم مجدداً اسراف می‌کند.

خداوند ابتدائاً به تمامی انسان‌ها امکاناتی داده است و شیوه بهره‌برداری از آن امکانات است که ارائه امکانات دیگر را رقم می‌زند. وقتی من از چشم و گوش و عقل و... درست استفاده نکرده‌ام و همه آن‌ها را در راهی استفاده کرده‌ام که خداوند نهی کرده طبیعی است که اگر خداوند هر نعمت دیگری بدهد نیز در مسیر انحرافی هزینه می‌کنم.

## ۳. اهداف بالاتر

یکی از ملاک‌های مهم این است که خداوند در اعطا یا عدم آن همیشه یک قدم جلوتر از ماست و اگر ما صرفاً یک جنبه کار را می‌بینیم خداوند از تمام جوانب و با رعایت همه مصالح تصمیم‌گیری می‌کند. مثلاً پدر و مادری که آسایش و آرامش فرزند را محدود می‌کنند چون به موفقیت او می‌اندیشند و می‌دانند که اگر مدام عمرش را به دیدن فیلم، بازی و... صرف کند از درس خواندن غافل می‌شود و در آینده فردی بی‌سواد و مضر به حال خود و جامعه بار خواهد آمد.

اگر ما از قوانین عام و خاصی که خداوند برای اداره عالم گذاشته است اطلاع داشته باشیم و معتقد باشیم که مصلحت الهی حاکم بر تمام قوانین خداوند است و نشأت‌گرفته از حکمت اوست، این آگاهی‌ها باعث رضایت‌مندی از زندگی می‌شود و حتی باعث می‌شود که مسیر رسیدن به خواسته‌های ما آسان شود.

## گام پنجم: تغییر در تقدیرات زندگی خود با تغییر در سه ملاک

چه کنیم که خداوند بهترین‌ها را برای ما رقم بزند؟ چه کنیم که خداوند و اهل بیت علیهم‌السلام هم از ما راضی باشند؟

راه‌حل زیرمبنی بر سه ملاک فوق، راهی مؤثر برای تقدیر مسیر زندگی ماست که موجبات جلب رضایت در زندگی را ایجاد می‌کند.

با توسل به اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام و در رأس آن‌ها وجود مقدس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الیک از خدا بخواهیم ظرفیت وجودیمان را زیاد کند تا در اثر این توسعه ظرفیت، برای اعطاء نعمت‌های بیشتر قابلیت پیدا کنیم.

با توبه و انابه واقعی (جبران حقوق بر ذمه) سابقه خراب خودمان را پاک کنیم تا با تطهیر ظرف وجودمان لایق دریافت بهترین نعمت‌ها شویم چراکه حکیم در ظرف کثیف آب زلال نخواهد ریخت.

با یک معامله واقعی با خداوند، هدف‌گذاری متعالی برای زندگی خود داشته باشیم و با این قول و قرار با خداوند، هدف والاتری را انتخاب کنیم.

### عرفان الهی در کلام حسینی

امام حسین علیه السلام به علت عشق به خداوند که منجر به معرفت عمیق او به خداوند می‌شود در سخت‌ترین شرایط احساس رضایت و آرامش دارد. به جرئت می‌توان گفت مهم‌ترین منشور خداشناسی امام حسین علیه السلام در دعای عرفه گنجانده شده است. در ادامه به فرازهایی از مناجات اباعبدالله علیه السلام در دعای عرفه می‌پردازیم تا با اوج عرفان امام حسین علیه السلام آشنا شویم.

### رضایت به تقدیرات الهی

به این جمله اباعبدالله در دعای عرفه دقت کنید که:

«اللَّهُمَّ إِنَّ اخْتِلَافَ تَدْبِيرِكَ وَ سُرْعَةَ طَوَاءِ مَقَادِيرِكَ مَنَعَا عَبْدَكَ الْعَارِفِينَ بِكَ عَنِ السُّكُونِ إِلَى عَطَاءٍ وَ الْيَأْسِ مِنْكَ فِي بَلَاءٍ»<sup>۳</sup> (خدایا! سرعت گذشت مقادیر و اندازه‌های تو اختلاف تدبیر تو؛ اینکه مستمراً جریان تدبیرهای تو مختلف می‌شود، اینکه همیشه بهار و پاییز نیست، همیشه تابستان و زمستان نیست، که تدبیرهایت جایگزین می‌شود، این دو، مانع از این است که بندگانی که به تو، تو را شناخته‌اند، در دارایی‌ها آرام بگیرند و در نداری‌ها و گرفتاری‌ها مأیوس باشند. نه سکون به عطا دارند و نه یأس در هنگام بلا، که مطمئن به قدر هستند، نه به عطا.)



اینجاست که رضا به رضاء الله، سپس رضا به قدرالله و بعد هم رضا به قضاء الله می آید و بعد هم برای بلای حق آماده می شوند. در روایتی از حضرت صادق علیه السلام آمده است: «سَأَلَ اللَّهُ مَا نُحِبُّ فِي مَنْ نُحِبُّ فَيُعْطِينَا فَإِذَا أَحَبَّ مَا نَكْرَهُ فِي مَنْ نُحِبُّ رَضِينَا» (ما از قومی هستیم که اگر خدا را بخواهیم، او آنچه را که می خواهیم در کسانی که دوست داریم به ما عنایت می کند. پس وقتی که او آنچه را که ما کراهت داریم در کسانی که دوست داریم واقع می کند، ما به آن راضی می شویم.)

تو می توانی رضا را یک نوع مبادله هم قرار بدهی. وقتی که قبول داری او از تو اقرب و از تو ارحم و از تو خبیرتر و لطیف تر و مهربان تر است، اگر این را باور کردی، اگر این حق را برای او قبول کردی و اگر این معنا را برای او پذیرفتی، پس دیگر برای آنچه که تو نمی پسندی و آن را در چیزهایی که دوست داری نمی یابی، بانگ بر نمی داری و بر او نمی شوری.

اگر تو باهدف حق و باهمت حق هماهنگ شده باشی، راضی هستی. اگر می بینی که بلا رنجت داده، اگر می بینی که بلا برایت ضعف اعصاب آورده و ریشه ات را از بین برده، بدان که تو سالک نبوده ای و یا در سلوکت هدفی غیر از سلوک حق را داشته ای و با حق هماهنگ نبوده ای والا با بلاء حق راضی بودی. با قَدْر و اندازهای حق راضی بودی. رضای به قدر و رضای به قضا؛ این دوازده حقیقت سلوک است که ریشه و بنایش از بحث بلا گذاشته



می‌شود.<sup>۱</sup>

حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ با این معرفت از خداست که فریاد می‌زند: «لَقَدْ حَابَ مَنْ رَضِيَ  
دُونَكَ بَدَلًا»<sup>۲</sup> (هرکس دنبال جلب نظر و رضایت غیر از تو رفت ضرر کرد).

---

۱. فوز سالک، عین صاد ص ۱۸۱.  
۲. بحار الانوار، ج ۹۵، ص ۲۱۶، ح ۳.





## جلسه ششم

# توقعات از دنیا





بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْفَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً﴾<sup>۱</sup>

یکی دیگر از عوامل نارضایتی در زندگی ناکامی‌هایی است که در اثر توقع بیجا در تعامل با دنیا به وجود آمده است. کسانی که شناخت خوبی از دنیا داشته باشند توقعات خودشان را از دنیا تعدیل می‌کنند و به واسطه توقعات نابجا ناراحت و نارضاضی نمی‌شوند.

امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب علیه السلام در این باره می‌فرماید: «مَنْ عَرَفَ الدُّنْيَا لَمْ يَجْزَنْ عَلَىٰ مَا أَصَابَهُ»<sup>۲</sup> (کسی که دنیا را می‌شناسد به آنچه به او می‌رسد، اندوهگین نشود).

منشا نارضایتی‌های ما عدم شناخت از دنیا است. در روایات ما حقیقت دنیا در دو قالب مورد توجه قرار گرفته است. برخی روایات در قالب تمثیل سعی کرده‌اند حقیقت دنیا را به ما منتقل کنند و برخی روایات در قالب بیان ویژگی‌های دنیا به این مهم پرداخته‌اند، اگرچه تمثیلات نیز ناظر به ویژگی‌هاست و بعضاً با ویژگی‌ها هم پوشانی دارد.

### دنیا مانند بازار، (تعامل محور) است؛ توقع موفقیت بدون تعامل ممنوع!

موفقیت در دنیا بدون تعامل سازنده با دیگران امکان‌پذیر نیست و تعامل بدون بده‌بستان تعامل نیست، لذا دنیا به بازاری تشبیه شده که مردم در حال معامله هستند، حال عده‌ای در این معاملات سود می‌کنند و عده‌ای ضرر.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّنْيَا سُوقٌ رِيحٌ بِهَا قَوْمٌ وَخَسِيرَ الْأَخْرُونَ» (این دنیا مثل بازار است یک عده سود و عده دیگر ضرر می‌کنند.)

۱. النحل، ۹۷.

۲. غررالحکم: ح ۸۹۳۵، عیون الحکم والمواعظ: ص ۴۳۵، ح ۷۵۱۶.



## ارکان بازار

- فروشنده: انسان‌ها
- خریدار: خداوند و یا غیرخداوند
- جنس: استعدادها، توانایی‌ها، نعمت‌ها، آبرو امکاناتی که خداوند به انسان داده است.
- بها و قیمت: قیمت فروش اجناس در دست انسان، متفاوت است. گاهی بهای فروش آن‌ها جهنم است و هیچ سودی نکرده‌اند<sup>۱</sup> و گاهی بهشت است و گاهی خود خدا و اهل بیت علیهم‌السلام می‌باشند.

## بازار فرصتی برای نفع یا ضرر

دنیا مانند بازار یک ظرفیت است، بستگی دارد ما چگونه رفتار کنیم، اگر با قواعد بازار، قیمت کالا، خریداران منصف و مورد اعتماد، نیازمندی‌های بازار و... آشنا باشیم حتماً این بازار برای ما نعمت خواهد بود، ولی اگر به هریک از فاکتورهای فوق آشنا نباشیم ضرر هنگفت خواهیم کرد و بازار برای ما می‌شود، نعمت و اصطلاحاً بازار زمینمان خواهد زد.

- قاعده بازار: جنس باکیفیت مشتری بیشتر و بهتری دارد، اگر جنس بنجل به بازار بیابوری بی مشتری خواهی ماند. اگر در دنیا عمل با اخلاص از تو صادر شد خداوند آن را می‌خرد در غیر این صورت عمل همراه باریا روی دستت خواهد ماند.

- قیمت کالا: اگر قیمت اجناس را ندانی متضرر خواهی شد و ممکن است یک کالای قیمتی را در بازار عده‌ای با ثمن بخش از تو بخرند و سرت را کلاه بگذارند، مانند برادران یوسف که کالای قیمتی مانند یوسف را ارزان فروختند.

﴿وَسَرَّوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَهَمٍ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ الزَّاهِدِينَ﴾<sup>۲</sup> امام کاظم علیه‌السلام

۱. فَمَا رِيحَتْ تِجَارَتُهُمْ؛ و تجارتشان سودی به بار نیاورد.

۲. یوسف، ۲۰.



می‌فرماید: «أَمَا إِنَّ أَيْدِيَكُمْ لَيْسَ لَهَا مُمْسِكٌ إِلَّا الْجَنَّةَ، فَلَا تَتَّبِعُوهَا بَعْضُهَا» (آگاه باشید! بدن‌های شما جز بهشت بهایی ندارد، به چیز دیگری نفروشید).

وقتی قیمت بدن‌ها بهشت است پس قیمت روح ما چقدر است؟ چرا خودمان و شخصیت‌مان را ارزان می‌فروشیم؟

● خریدار منصف: اگر بهترین کالا را به بهترین قیمت دادیم، اما خریدار فرد حيله‌گری باشد بازهم هیچ سرمایه‌ای دست ما را نخواهد گرفت، پس خوب فکر کنیم به چه کسی سرمایه وجودی خود را می‌فروشیم به خداوندی که مشتری صادق و قابل اعتماد است یا به ابلیسی که دوغ‌گو حيله‌گراست؟

﴿الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضْلًا وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup> دنیا مانند مار است (ظاهر و باطنی دارد) توقع اینکه بدون توجه با باطن دنیا سالم بمانیم ممنوع!

امام علی علیه السلام به سلمان فارسی فرمودند: «إِنَّ مَثَلَ الدُّنْيَا مَثَلُ الْحَيَّةِ: لَيْتَن مَسَّهَا، قَاتِلٌ سَمُّهَا»<sup>۳</sup> همان‌گونه که مار ظاهری نرم و لطیف دارد که دست زدند و لمس آن خوشایند انسان است، ولی زهری دارد که می‌تواند قاتل انسان شود. دنیا ظاهری فریبنده و باطنی خطرناک دارد؛ البته ماری که می‌تواند قاتل باشد برای عده‌ای که نحوه تعامل با او را آموخته‌اند و اصطلاحاً مارگیری بلدند و می‌توانند خود را در برابر سم مهلک آن در امان نگه دارند فرصتی است برای سودآوری و کسب درآمد.

افرادی که قدرت تشخیص باطن فاسدکننده دنیا را از ظاهر زیبایش داشته باشند می‌توانند دنیا را مدیریت کنند و تهدید را به فرصت تبدیل کنند، مانند یوسف پیامبر که توانست بین ظاهر زیبا و لذت همراهی با زلیخا و فسادی که می‌توانست گریبانگیرش شود هم آبروی اجتماعی او

۱. تحف العقول، ص ۴۱۰.

۲. بقره، ۲۸۶.

۳. روضة الواعظین، ج ۲، ص ۴۴۱.



خداشده دار شود و هم معنویت و جایگاه او نزد خداوند نابود گردد تفکیک کرد و این تهدید را با درگیر نشدن به ظاهر زیبا، تبدیل به فرصتی کرد که هم نزد خداوند عزیز شود و هم نزد عزیز مصر و مردم زمانه خود عزت یافت و هم برای تمام جوانان تاریخ به الگو تبدیل شد.

گذشتن از مظاهر دنیا، سخت است، ولی آثار بسیار شیرینی در پی دارد.

### دنیاگریزی شهید مجید صنعتی

نمی‌دانم مجید چه کرده بود که آن همه ثروت حاج رحمت نتوانست پابندش کند. یک روز بعد از صبحگاه دیدمش. احساس کردم به او بیش از همه سخت می‌گذرد. پرسیدم: مجید! اینجا خوب است یا ویلایتان در خیابان پاسداران؟ سرش را انداخت پایین و گفت: اینجا خیلی خوش می‌گذرد.

در وصیت‌نامه‌اش نوشته بود: خدایا! تو شاهد باش که همه مظاهر دنیا را به سویی افکنم و به سمت تو آمدم. «به نظرم همه زندگی مجید در همین یک جمله معنا می‌شود.<sup>۱</sup> توقع اینکه در دنیا ظاهر بین باشیم، ولی آسیب نبینیم توقع بیجایی است و متأسفانه سطحی‌نگری باعث بسیاری از ناکامی‌ها و نارضایتی‌هاست.

انسان‌های ظاهر بین ملاکشان برای رفاقت، لذت و منافع است در حالی که مهم‌ترین ملاک برای رفاقت در روایات این‌گونه بیان شده است:

قال رسول الله: «ثَلَاثَةٌ تُخْلِصُ الْمَوَدَّةَ: إِهْدَاءُ الْعَيْبِ، وَ حِفْظُ الْعَيْبِ وَ الْمَعُونَةُ فِي الشِّدَّةِ»<sup>۲</sup> (سه چیز دوستی را یک‌رنگ می‌کند: هدیه کردن عیب‌های یکدیگر، پاسداری در غیاب (و بدگویی نکردن) و یاری رساندن در سختی.

قال علی عليه السلام: «الصَّدِيقُ مَنْ كَانَ نَاهِيَا عَنِ الظُّلْمِ وَالْعُدُوَانِ مُعِينَا عَلَى الْبِرِّ وَ

۱. مربع‌های قرمز؛ خاطرات شفاهی حاج حسین یکتا، نوشته زینب عرفانیان، ناشر: نشر شهید کاظمی،

نوبت چاپ: دوم بهار ۱۳۹۷، ص ۴۲۷ و ۴۴۶.

۲. مجموعه ورام، ج ۲، ص ۱۲۱.



الحسان»<sup>۱</sup> دوست کسی است که از ظلم و تجاوزگری بازدارد و بر انجام خوبی و نیکی یاری کند.

قال علی عليه السلام: «لا يكون الصديق صديقاً حتى يحفظ أخاه في ثلاث: في نكيبته و غيبته وفاته»<sup>۲</sup> (دوست اگر در سه مورد دوستش را حمایت نکند دوست نیست: در شدت و گرفتاری او، در غیبت وی و پس از مرگش.)

انسان‌های سطحی‌نگر ملاکشان برای ازدواج، زیبایی است در حالی که ملاک برای ازدواج، اخلاق و دین شمرده شده است. پیامبر اکرم (صلى الله عليه وآله وسلم) درباره صفات و ویژگی‌های همسر شایسته می‌فرماید: «إذا جاءكم من ترضون خلقه و دينه فزوجه، وإن لا تفعلوا تكن فتنه في الأرض و فساد كبير» (با کسی که اخلاق و دینش مورد پسند باشد ازدواج کنید و اگر چنین نکنید، فتنه و فساد بزرگی در زمین به وجود خواهد آمد!)

در روایتی دیگر پیامبر اکرم این دو ملاک کلی را ریز کرده فرمودند: با کسی ازدواج کن که:

«عن أبي حمزة قال سمعت جابر بن عبد الله يقول كنا عند النبي فقال إن خير نسائك الولود الودود السيرة العفيفة العزيزة في أهلها الذليلة مع بعلها المترجحة مع زوجها الحصان على غيره التي تسمع قوله و تطيع أمره وإذا خلا بها بدلت له ما يريد منها ولم تبدل كتبدل الرجل»

- توان تولید نسل و فرزندآوری داشته باشد. (الودود)
- اهل محبت، دل‌بستگی، مهربانی و عشق به همسر و فرزندان باشد. (الودود)<sup>۳</sup>
- عفيف و پاکدامن باشد. (العفيفة)
- بین خانواده و قوم و قبیله اش عزت و احترام داشته باشد. (العزيزة في)

۱. غرر الحکم و درر الکلم، ص ۴۱۵.

۲. نهج البلاغه (صبحی صالح)، ص ۴۹۴.

۳. حسن، طبرسی، «مکارم الاخلاق»، چاپ چهارم، قم، انتشارات رضی، ۱۳۷۰، ص ۲۰۰.



## أهلها)

- در برابر شوهر خود متواضع و فروتن باشد. (الدَّلِيلَةُ مَعَ بَعْلِهَا)
- خود را تنها برای شوهر بیاراید. (الْمُتَّبِعَةُ مَعَ زَوْجِهَا)
- خود را از غیر شوهر بیوشاند و حفظ کند. (الْحِصَانُ عَلَى غَيْرِهِ)
- به حرف شوهر گوش دهد و مطیع او باشد. (الَّتِي تَسْمَعُ قَوْلَهُ وَ تُطِيعُ وَ مَرَّهُ)
- در خلوت با شوهر، هر آنچه مرد می خواهد در اختیار او می گذارد و از او تمکین می کند. (وَ إِذَا خَلَا بِهَا بَدَّلَتْ لَهُ مَا يُرِيدُ مِنْهَا)
- از شوخی ها و رفتارهای مردانه به دور باشد. (لَمْ تَبَدِّلْ كِتَبَدَّلِ الرَّجُلِ)

انسان های ظاهربین ملاکشان برای عزت و محبوبیت، شهرت است در حالی که مهم ترین عامل عزت، اخلاق خوش و عمل به اوامر الهی تلقی شده است.

خداوند در حدیث قدسی می فرماید: «عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ اللَّهُ تَعَالَى إِنِّي وَصَعْتُ خَمْسَةَ أَشْيَاءٍ فِي خَمْسَةِ النَّاسِ يَظْلُبُونَ فِي خَمْسَةِ آخَرَى فَتَيَّحِدُونَ إِنِّي وَصَعْتُ الْعَزْزَ فِي طَاعَتِي وَ النَّاسُ يَظْلُبُونَ فِي أَبْوَابِ السَّلَاطِينِ فَتَيَّحِدُونَ وَصَعْتُ الْعِلْمَ وَ الْحِكْمَةَ فِي الْجُوعِ وَ النَّاسُ يَظْلُبُونَ فِي الشَّبَعِ فَتَيَّحِدُونَ وَصَعْتُ الرَّاحَةَ فِي الْجَنَّةِ وَ النَّاسُ يَظْلُبُونَ فِي الدُّنْيَا فَتَيَّحِدُونَ وَ إِنِّي وَصَعْتُ الْعِنَى فِي الْقَنَاعَةِ وَ النَّاسُ يَظْلُبُونَ فِي الْمَالِ فَتَيَّحِدُونَ وَصَعْتُ رِضَائِي فِي مُخَالَفَةِ الْهَوَى وَ النَّاسُ يَظْلُبُونَ فِي مُخَالَفَتِي فَتَيَّحِدُونَ.»<sup>۱</sup> پیغمبر ﷺ گفت، خدای تعالی فرمود:

من گذاشتم پنج چیز را در پنج چیز، مردمان می طلبند در پنج چیز دیگر، پس نمی یابند آن را به درستی که من گذاشتم عزت را در طاعت خود، مردمان طلب می کنند از درهای پادشاهان، پس نمی یابند آن را و بدرستی که من گذاشتم علم و حکمت را در گرسنگی و مردمان طلب می کنند در سیری، پس نمی یابند آن را و من گذاشتم راحت را در بهشت و مردمان طلب می کنند در دنیا، پس نمی یابند آن را و من گذاشتم ام توانگری را در قناعت و مردمان طلب می کنند در مال، پس نمی یابند آن را و من گذاشتم ام رضای خود را در خلاف خواهش و





مردمان طلب می‌کنند آن را در خوااهش، پس نمی‌یابند آن را.)  
 نباید توقع داشته باشیم با ملاک‌های سطحی خود در جامعه حرکت کنیم،  
 تصمیم بگیریم و انتخاب کنیم، ولی از مصائب آن در امان بمانیم.  
 دنیا مزرعه است (فرصت و ظرفیت) توقع اینکه بدون استفاده درست به  
 موفقیت برسیم ممنوع!

رسول الله ﷺ می‌فرمایند: «الدنيا مزرعة الآخرة»<sup>۱</sup> دنیا کشتزار آخرت است.  
 کشاورزی می‌تواند محصول خوب به دست بیاورد که اولاً زمان شناس  
 باشد و بداند چه زمانی باید بکارد، چه زمانی باید آبیاری کند، چه زمانی باید  
 سم پاشی کند، چه زمانی باید محصول را درو کند.

امام علی عليه السلام می‌فرماید: «مُحْتَجِي الثَّمَرَةَ لِغَيْرِ وَقْتِ اِنْبَاعِهَا، كَالزَّرَاعِ بِغَيْرِ اَرْضِهِ»<sup>۲</sup>  
 (کسی که میوه را پیش از زمان رسیدنش می‌چیند، همچون کسی است که  
 در زمین دیگری به زراعت پرداخته است.)

اگر می‌خواهیم در مزرعه دنیا محصولی بکاریم و در قیامت آن را برداشت  
 کنیم باید:

- زمان شناس باشیم و بدانیم چه وقت چه عملی را انجام دهیم، اقدام  
 زود هنگام و اقدام دیرهنگام هر دو ناپودکننده است.

### جاماندگان از قافله عشق

آن‌ها که دیر اقدام کردند از قافله و همراهی با امام جاماندند. (طرم‌اح بن  
 حکم) در مسیر کوفه با امام حسین عليه السلام ملاقات کرد. طرم‌اح می‌گفت کاش  
 به سمت یمن بیایید، امام جواب دادند که با مردم آن منطقه (کوفیان)  
 عهد و پیمان دارم و باید پیش همان‌ها بروم.

وقتی امام گفت: اگر قصد یاری داری شتاب کن، خدا تو را ببخشد، طرم‌اح

۱. عوالی اللالی، ۱/۲۶۷/۶۶.

۲. نهج البلاغه صبحی صالح، خ ۵.



می‌گوید آنجا فهمیدم به یاری من احتیاج دارند؛ اما می‌خواست به شهرش برگردد و سفارشات کارهای اقتصادی‌اش را انجام دهد، برای خانواده‌اش آذوقه فراهم کند و آن وقت خود را به یاری امام برساند.

کارهایش که تمام شد، با خانواده خداحافظی کرد وصیت‌نامه‌اش را هم نوشت، در مسیر کوفه بود که سماعه بن زید را دید. سماعه پرسید: به کجا می‌روی؟ طرمح هم گفت به یاری پسر پیامبرم می‌روم. سماعه حرف آخر را همان اول زد و گفت: بنشین که دارند سرها را می‌برند، دیگر دیر شده است!<sup>۱</sup>

۱. مهارت داشته باشد. آب را هدر ندهد، بذر را هدر ندهد، تکثیر محصول بلد باشد. عمر ما مانند فصل کشت کوتاه است و اگر می‌خواهیم محصول زیادی برداشت کنیم باید کاری کنیم که از یک دانه ۷۰ دانه برآید. یکی از کارهایی که می‌شود برای تکثیر عمل انجام داد دخیل کردن دیگران در عمل است. یک سلام به امام می‌دهی، بگو از طرف همه مؤمنین و مؤمنات تا به اندازه تمام مؤمنین عملت تکثیر شود.

۲. عناصر اصلی را بشناسد. زمین و بذر دو عنصر مهم در کشاورزی است. در چه زمینی چه بذری بکارد و بذرها را به چه اندازه بکارد. گاه بذر خوب را در زمین نامرغوب کشت می‌کنیم و گاه برعکس در بهترین زمین بذر نامرغوب کشت می‌کنیم در هر دو صورت دستاوردی نخواهیم داشت.

۳. آفت‌شناس باشد و بداند چه آفاتی از درون و چه بلاهایی از بیرون می‌تواند محصول را نابود کند.

امیرالمؤمنین فرمودند هر چیزی آفتی دارد و باید بدانیم اعمال ما با چه آفاتی مواجه می‌شود تا تدبیری کرده از اعمال محافظت کنیم، چه اینکه آنچه قیامت برای ما می‌ماند اعمالی است که برده‌ایم نه اعمالی که صرفاً انجام داده‌ایم. قرآن کریم می‌فرماید هرکس عملی را بیاورد...



﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ بِهَا خَيْرٌ مِّنْهَا﴾

پیامبر اکرم به شاگرد ویژه خود یعنی امیرالمؤمنین این آفات را آموخت و فرمود: «يَا عَلِيُّ أَفَةُ الْحَدِيثِ الْكَذِبُ عَلَى اللَّهِ وَ أَفَةُ الْعِلْمِ التَّسْيَانُ وَ أَفَةُ الْعِبَادَةِ الْفُتْرَةُ وَ أَفَةُ السَّمَاخَةِ الْمُنُّ وَ أَفَةُ الشَّجَاعَةِ الْبَغْيُ وَ أَفَةُ الْجَمَالِ الْحَيَلَاءُ وَ أَفَةُ الْحَسَبِ الْفَخْرُ»<sup>۲</sup>

- آفت گفتار، دروغ‌گویی
- آفت آگاهی، فراموشی
- آفت عبادت، مقطعی بودن
- آفت آقایی، منت گذاشتن
- آفت شجاعت، ظلم به دیگران
- آفت زیبایی، خیال‌پردازی
- آفت اصالت، فخر فروشی به دیگران است.
- دنیا مسافرخانه است (مقطعی است) توقع دوام نعمت ممنوع!

حضرت امیر علیه السلام در نهج البلاغه در ذیل خطبه‌اش «واحذركم الدنيا فانها منزل القلعه» مسافرخانه است بالأخره مسافرخانه‌هایی که در مشهد یا قم یک شب، دو شب، ده شب در هتلی، در مسافرخانه‌ای می‌مانید تمام می‌شود. حالا بعضی‌ها شب پنجمشان در این مسافرخانه، بعضی‌ها شب‌های آخر، بعضی‌ها شب‌های اولشان است تمام می‌شود «ولیست بدار نجعه» ماندنی نیستی بناست بروی، بعد حضرت می‌فرماید: اگر بنا بود خدا کسی را در این مسافرخانه دایمی اقامت دایم بدهد به انبیاء می‌داد.

حضرت امیر علیه السلام درباره رابطه با دنیا می‌فرماید: «الدنيا قنطرة» دنیا مثل پُل می‌ماند، ابتدای پل دنیا، انتهای عالم رحم است و انتهای پل دنیا ابتدای عالم قبر است، این وسط یک عالمی به نام دنیا است، یک پلی است به نام

۱. قصص، ۸۴.

۲. بحار الانوار، ج ۷۴، ص ۶۱.



دنیا، دو طرف این عالم، عالم قبر و عالم رحم، این وسط یک پل است، حالا این پل وقتی شروع می‌کند به حرکت، خدا تو را به این دنیا می‌آورد، متولد می‌شوی. یکی از خصوصیات این پل این است که یک طرفه است.

خیابان‌های یک طرفه دیده‌اید؟ منتهی خیابان‌هایی که ما یک طرفه داریم گاهی مردم خلاف می‌آیند، اما از پل دنیا کسی نمی‌تواند خلاف بیاید، فقط برو، مسیر دنیا یک طرفه است.

### حکایت

روزی بهلول در وسط پلی نشسته بود. از قضا هارون الرشید از آنجا می‌گذشت. بهلول با بی‌اعتنایی سرش را پایین انداخت! آنگاه که هارون الرشید نزدیک وی رسید، گفت: ای بهلول دیوانه! چرا وسط پل نشسته‌ای و راه را بسته‌ای؟ از اینجا برخیز!

بهلول گفت: ای هارون! این حرف‌ها را به خودت بگو که این چنین روی پل قرار گرفته‌ای و مسکن گزیده‌ای، دنیایی که خودت را به آن وابسته کرده‌ای و نسبت به آن عشق می‌ورزی گذرگاه است. تو خود بر روی آن مانده‌ای آن چنان به دنیا مشغول شده‌ای که آن طرف را فراموش کرده‌ای. ای هارون! بدانکه این پل چندان دوام نخواهد آورد و همه آمال و آرزوهایت در کامت تلخ خواهد شد.

امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید:

«الدُّنْيَا دَارٌ مَمَرٌ وَ الْآخِرَةُ دَارٌ مَقَرٌّ...» دنیا خانه‌ایست در گذرگاه، ولی آخرت جایگاه پایدار است.

جهان جایی است باید زان گذشتن

وز آن دل‌کندن و از دست هشتن

خداوند در آیه شریفه ۳۹ سوره «غافر» از دنیا چنین تعبیر می‌کند ﴿وَإِنَّ الْآخِرَةَ لَهِيَ دَارُ الْقَرَارِ﴾ که از نظر مفهوم کلام این پیام را به ما می‌دهد که دنیا دار قرار نیست بلکه فقط گذرگاهی است، البته انسان‌هایی که دنیا



را به عنوان هدف می بینند برای آنان قرارگاه است، دقیقاً مانند این است که انسان در راه رسیدن به مقصد در قهوه خانه وسط راه برای چای خوردن بایستد، اما به قهوه خانه دل ببندد و از مسیر و اصلش جا بماند و هدفش را فراموش کند.

مهم ترین ویژگی مسافر خانه، گذرگاه و مقطعی بودن آن است؛ یعنی نگاه ما به پل نباید نگاه استقلالی باشد، به عبارت دیگر نباید پل هدف قرار بگیرد، بلکه باید وسیله ای باشد برای رسیدن به هدف بالاتر. با فهم این ویژگی که آنچه در دنیاست فانی است، چگونه می توان توقع داشت که سرمایه های مادی بماند؟!

- زیبایی ماندنی نیست.
- جوانی ماندنی نیست.
- سلامتی ماندنی نیست.
- عزیزان ما ماندنی نیستند.
- ... و

اینکه ما هنگام رفتن سرمایه ها به هم می ریزیم و احساس نارضایتی می کنیم به این علت است که توقع داریم این سرمایه ها برای همیشه برایمان بماند در حالی که درک صحیح از دنیا و فهم اینکه همه چیز در دنیا مقطعی است این توقع نابجا را از بین خواهد برد.

آنچه ماندنی است اعمال نیک و نام خوش است.

پیامبر اکرم در حدیثی می فرماید: «إِذَا مَاتَ ابْنُ آدَمَ انْتَقَعَ عَمَلُهُ إِلَّا عَنْ ثَلَاثٍ وَوَلِدٍ صَالِحٍ يَدْعُو لَهُ وَ عِلْمٍ يُنْتَفَعُ بِهِ بَعْدَهُ وَ صَدَقَةٍ جَارِيَةٍ.» (آدمی وقتی که می میرد ارتباطش با دنیا قطع می شود و هیچ سرمایه ای برای او نمی ماند مگر فرزند صالح یا دانشی که از خود برجا گذاشته و دیگران از آن استفاده می کنند یا کار خیری که انجام داده است) مانند سنت حسنه ای که پایه ریزی کرده



است، مسجد و یا مدرسه‌ای ساخته است و ...

دنیا، دار تدریج است، توقع رسیدن سریع ممنوع!

در روایت نبوی، دنیا به رحم مادر تشبیه شده است که حاکی از تدریجی بودن آن است. «إِنَّ مَثَلَ الْمُؤْمِنِ فِي الدُّنْيَا كَمَثَلِ الْجَنِينِ فِي بَطْنِ أُمِّهِ إِذَا خَرَجَ مِنْ بَطْنِهَا بَكَى عَلَى مَخْرَجِهِ حَتَّى إِذَا رَأَى الضُّوْءَ وَوُضِعَ لَمْ يَجِبْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى مَكَانِهِ. وَكَذَلِكَ الْمُؤْمِنُ يَخْرُجُ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا أَفْضَى إِلَى رَبِّهِ لَمْ يَجِبْ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى الدُّنْيَا كَمَا لَا يَجِبُ الْجَنِينُ أَنْ يَرْجِعَ إِلَى بَطْنِ أُمِّهِ» پیامبر خدا ﷺ فرمود: (وضعیت مؤمن در دنیا مانند جنینی است که در شکم مادرش قرار دارد. وقتی متولد شود ابتدا گریه را آغاز می‌کند تا وقتی که چشمش باز شده و روشنائی را ببیند و شیر بخورد که دیگر دوست ندارد به جایگاه گذشته خود بازگردد. در نمونه‌ای مشابه، مؤمن از مرگ جزع می‌کند؛ اما وقتی به دیدار پروردگارش رسید، دیگر دوست ندارد که به دنیا بازگردد، چنانکه نوزاد دوست ندارد به شکم مادرش برگردد.)<sup>۱</sup>

یکی از وجوه شباهت دنیا به رحم، رشد تدریجی است.

خداوند در قرآن کریم مراحل رشد جنین را این‌گونه توضیح می‌دهد: ﴿ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ﴾<sup>۲</sup> (سپس آن ذره را به لخته خونی تبدیل می‌کنیم. بعد، آن را به صورت تکه‌گوشتی درمی‌آوریم. آن وقت آن را در قالب استخوانی نرم و نازک می‌رویانیم و بر استخوان‌ها لایه‌ای از گوشت می‌پوشانیم. در پایان هم به او جان می‌دهیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفریننده‌ها است!)

واقعیت این است که این در این دنیا با سرعت نمی‌توان به همه چیز رسید، بلکه این دنیا، دار تدریج است موفقیت‌ها در این دنیا یک‌دفعه اتفاق نمی‌افتد و شکست‌ها هم دفعی اتفاق نمی‌افتد.

۱. محمد بن محمد غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱۵، ص ۱۸۷.

۲. مؤمنون، ۱۴.



ریزش‌های انسان‌ها در این دنیا دفعی و به سرعت نیست، بلکه تدریجی است. وقتی بیان پروردگار عالم را در قرآن کریم نگاه می‌کنیم قرآن می‌فرماید شیطان برای گمراه کردن شما دفعی عمل نمی‌کند بلکه کم‌کم شما را به سمت گناه می‌برد. «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱</sup> (ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زنهار پیروی شیطان مکنید که هرکس قدم به قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت منکر وامی‌دارد و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود، احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نشدی، لیکن خدا هرکس را می‌خواهد منزه و پاک می‌گرداند و خدا شنوا و داناست).

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هرگاه بنده‌ای گناه کند، اما در مقابل، نعمت او زیاد گردد و این نعمت، او را از استغفار بازدارد، این استدراج است و آن فرد از آنجاکه نمی‌داند، به تدریج گرفتار می‌شود.»<sup>۲</sup>

### هیئت‌ی قاتل

بعضی از این افرادی که در این اغتشاشات اخیر مرتکب قتل شدند، در خانواده‌های مذهبی رشد کرده بودند و خ مذهبی بودند و اهل مسجد و هیئت مذهبی بودند، اما فضای مجازی از آن‌ها قاتل ساخت.<sup>۳</sup>

از هیئت و مسجد کنار کشید به اغتشاش خیابانی و پرپرکردن دو جوان بسیجی، شهید زیناب زاده و شهید رضا زاده اقدام کردند.

### عاشق یا تروریست

مسعود رجوی یک زمانی انقلابی داغ بود و همیشه نهج البلاغه به دست در جمع جوانان پرشور شرکت می‌کرد

و می‌گفت: «بگذارید همچون گذشته صراحتاً اعلام کنیم که ما در خطوط

۱. البقرة، ۱۶۸.

۲. کلینی، الکافی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۴۵۲.

۳. مجید رضاهنورد در خیابان حر عاملی مشهد، شهید دانیال زاده و رضا زاده را کشت.



ضدامپریالیستی سربازان یکدل و یکپارچه امام خمینی هستیم و در همین رابطه خواستار ایمنی و سلامت هرچه بیشتر امام می‌باشیم.<sup>۱</sup>

پیشنهاد به امام خمینی رضی الله عنه برای تبدیل لانه جاسوسی به موزه جنایات آمریکا توسط مسعود رجوی صورت گرفت.<sup>۲</sup> اما بعدها این عاشق امام و دشمن آمریکا، دشمن امام و عامل آمریکا، شد.

دنیا، دار محدودیت است توقع آزادی مطلق در دنیا، ممنوع!

### تشبیه دنیا به رحم به علت محدودیت‌ها در رحم

تو در رحم مادر آزاد مطلق نیستی تا هر کاری بکنی، بلکه قوانینی بر آنجا حاکم است که اگر بخواهی حیات داشته باشی باید از آن پیروی کنی، دنیا نیز همین‌گونه است.

قوانین عام، قوانینی است که اعتقادات ما نقشی در تحقق یا عدم تحقق آن ندارد و هرکسی با هر دین و مذهبی مشمول این قوانین می‌شود که در این گفتار از آن‌ها به قوانین فراعقصادی یاد می‌کنیم.

### قانون اول: تلاش و پاداش

اولین قانونی که می‌توان نام برد قانون تلاش و پاداش است؛ یعنی هرکسی که در این دنیا تلاش کند خداوند مزد آن را می‌دهد و فرقی نمی‌کند که چنین فردی کافر مطلق باشد یا مؤمن نماز شب خوان.

قرآن کریم می‌فرماید: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى»<sup>۳</sup> (و اینکه برای انسان جز آنچه تلاش کرده [هیچ نصیب و بهره‌ای] نیست).

این قانون بارها و بارها در اشعار شعرا از فرهنگ‌ها و زبان‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته است.

نابرده رنج گنج میسر نمی‌شود

۱. نطق اعلام کاندیدان توری در انتخابات ریاست جمهوری در دی ماه ۵۸.

۲. نشریه مجاهد، ۲۵ دی ۵۸.

۳. نجم، ۳۹.





مزد آن گرفت جان برادر که کار کرد  
عمر خود را دان غنیمت با تلاش و پشتکار  
گنج خوش بختی برای آدم بی‌کار نیست  
مولوی می‌گوید:

هرکه رنجی برد، گنجش شدیدید  
هرکه جدی کرد، بر جودی رسید  
چون گرانی‌ها اساس راحت است  
تلخ‌ها هم پیش‌وای نعمت است  
هرکه در قصری قرین دولتی است  
آن، جزای کارزار و محنتی است  
در جای دیگری سعدی شیرازی نیز خوش گفته است:

گنج خواهی در طلب، رنجی ببر  
خرمن ار می‌بایدت، تخمی بکار  
ایلان ماسک، بیل گیتس، استیو جابز و خیلی از این پولدارهای درجه‌یک دنیا که بخش اعظم ثروت دنیا متعلق به آن‌هاست شاید مثل ما مؤمن به خدا و پیغمبر نباشند؛ اما وقتی زندگی‌های آن‌ها را نگاه می‌کنید می‌بینید برای رسیدن به اینجایی که الان هستند خیل تلاش کرده‌اند، شب‌بیداری کشیدند، از خیلی از خوشی‌ها و لذت‌هایشان آن‌هم در زمانی که می‌توانستند سراغ آن‌ها بروند مشغول شوند، گذشتند و حالا اینجا هستند.

البته که اگر ایمان به خدا به تلاش آدم ضمیمه شود اثر آن چند برابر می‌شود، اما به هر حال این قاعده و قانون عمومی خداست.

#### نمونه (۱): از روستا تا دروازه بانی تیم ملی

یک نمونه و مثال امروزی و از جنس ورزشی در کشور خودمان، دروازه بان تیم ملی است که در شرایط سختی بزرگ شده است. او در یکی از روستاهای



لرستان با خانواده‌اش زندگی می‌کرد. پدرشان چوپان بود و به شهر می‌رفت و شیر و پنیر می‌فروخت. زندگی‌شان در فقر شدید می‌گذشت حتی غذای خوبی هم نمی‌خورند.

در سن ۱۵ سالگی زمانی که می‌خواست به تهران بیاید حتی پول کرایه را نداشت، از فامیل پول کرایه‌اش را قرض گرفت و به تهران آمد. زمانی که بیرانوند به تهران رسید موانع زیادی را پشت سر گذاشت.

در تمام این مدت جای خاصی برای ماندن نداشت، حدود ۳ ماه در خانه عمه‌اش ماند و سپس برای اینکه جای خوابی داشته باشد در یک کارواش شروع به کار کرد و سپس در یک پیتزافروشی مشغول به کار شد؛ حتی رفتگری نیز انجام داد. خود او در این باره می‌گوید: «من افتخار می‌کنم که این کارها را انجام دادم و خدا را شکر، خداوند مزد زحمات و زجرهایی که کشیدم را به من داد.»

### قانون دوم: ظلم و تقاص

هرکسی ظلم کند در همین دنیا اثر ظلمش را می‌بیند.

این ضرب‌المثل معروفی که همه شنیده‌ایم و احتمالاً خودمان نیز به دیگران گفته‌ایم که «از هر دست بدهی از همان دست هم می‌گیری» درباره ظلم به دیگران نمود پیدا می‌کند؛ یعنی اگر به کسی ظلم کردی، به کسی ستم کردی، منتظر تقاصش در همین دنیا باش.

البته این نکته را هم فراموش نکنیم که برخی از ظلم‌ها آن‌قدر بزرگ و مخرب است که شاید ظرفیت جبران‌ش در این دنیا وجود نداشته باشد، فلذا اصل عذاب و حسابش در آن دنیا به فرد داده خواهد شد.

آدم‌های زیادی بودند از فرعون‌ها و نمرودها که طبق فرموده قرآن تنها بخشی از آخر و عاقبت ظلمشان را قبل از مرگ در همین دنیا چشیدند تا عمر سعد و شمر ملعونی که یکی دیوانه و دیگر به مرض پیسی دچار شد.<sup>۱</sup>



صدام حسین و قذافی که در آخر کار به بدترین شکل توسط مردم خودشان پس از اسارت به درک واصل شدند.

این‌ها افرادی بودند که در این دنیا ظلم‌های بزرگی کردند، چه ظلم در برابر ملت و مردمانی زیاد و چه در برابر اشخاصی بزرگ مانند امام حسین علیه السلام.

### نمونه (۱): برو بالاتر

دکتر مرتضی عبدالوهابی نقل می‌کند: در بیمارستان فیروزآبادی دستیار دکتر مظفری بودم. روزی از روزها دکتر مظفری ناغافل صدایم کرد اتاق عمل و پیرمردی را نشان داد که باید پایش را به علت عفونت می‌بریدیم. دکتر گفت که این بار من نظارت می‌کنم و شما عمل می‌کنید.

به مچ پای بیمار اشاره کردم که یعنی از اینجا قطع کنم، دکتر گفت: برو بالاتر! بالای مچ را نشان دادم و دکتر گفت برو بالاتر! بالای زانو را نشان دادم و دکتر گفت برو بالاتر! تا اینکه وقتی به بالای ران رسیدم دکتر گفت که از اینجا ببر. عفونت از این جا بالاتر نرفته!

لحن و عبارت «برو بالاتر» خاطره بسیار تلخی را در من زنده می‌کرد خیلی تلخ. دوران کودکی همزمان با اشغال ایران توسط متفقین در محله پامنار زندگی می‌کردیم. قحطی شده بود و گندم نایاب بود و ناوایی‌ها تعطیل. مردم ایران و تهران به شدت عذاب و گرسنگی می‌کشیدند که داستانش را همه می‌دانند.

عده‌ای هم بودند که به هر قیمتی ارزاقشان را تهیه می‌کردند و عده‌ای از خدا بی‌خبر هم بودند که با احتکار از گرسنگی مردم سودجویی می‌کردند.

شبی پدرم دستم را گرفت تا در خانه همسایه‌مان که دلال بود و گندم و جو می‌فروخت برویم و کمی از او گندم یا جو بخریم تا از گرسنگی نمیریم. پدرم هر قیمتی که می‌گفت همسایه دلال ما با لحن خاصی می‌گفت: برو بالاتر... برو بالاتر...!

بعد از به هوش آمدن پیرمرد برای دیدنش رفتم. چقدر آشنا بود...

وقتی از حال و روزش پرسیدم، گفت: بچه پامنار بودم. گندم و جو



می فروختم... خیلی سال پیش، قبل از اینکه در شاه‌عبدالعظیم ساکن شوم ...

دیگر تحمل بقیه صحبت‌هایش را نداشتم. خود را به حیاط بیمارستان رساندم. من باور داشتم که «از مکافات عمل غافل مشو، گندم از گندم بروید جو ز جو» اما به هیچ وجه انتظار نداشتم که چنین مکافاتی را به چشمم ببینم!<sup>۱</sup>

### نمونه (۲): حرارت آهن<sup>۲</sup>

منهال بن عمر می‌گوید: به هنگام بازگشت از مکه، در مدینه به محضر امام علی بن الحسین علیه السلام مشرف شدم. به او سلام گفتم و امام پاسخ دادند و سپس پرسیدند: منهال! از حرمله بن کاهل اسدی چه خبر داری؟ عرض کردم: او را به هنگام بیرون آمدن از کوفه، سالم و زنده دیدم. امام علیه السلام دست‌های خود را به طرف آسمان بلند نمود و عرض کرد: خدایا! حرارت آهن را به او بچشان.

منهال گوید: به کوفه وارد شدم، مشاهده کردم که مختار خروج کرده و افرادی از قاتلان امام حسین علیه السلام را به سزای عمل ننگین خود رسانده است.

بین من و او صداقت و دوستی دیرینه‌ای بود. پس از مراجعت از مکه در منزل نشستیم و رفت و آمد مردم پایان پذیرفت و رنج سفر از تنم خارج شد. سوار مرکب شدم و به سراغ مختار رفتم، او را در بیرون از منزل خویش یافتیم. سلامی به او گفتم، او جواب سلام مرا داد و فرمود: «منهال! مدتی است که تو را نمی‌بینم، نه پیش ما می‌آیی، نه به زیارت ما می‌رسی و نه در مقابل این همه فتوحات که خداوند نصیب ما فرموده است تبریک و

۱. مرتضی‌الوهابی، داستان‌های واقعی درباره مکافات عمل، ص ۱۶۷.

۲. لازم است تبیین شود که آنچه در سریال مختارنامه به نمایش درآمد با آنچه در متون معتبر تاریخی ما وجود دارد تفاوت‌هایی دارد احتمالاً نویسنده به ضرورت نمایش تصویری - برخی از قطعه‌ها را که البته به اصل قصه ضربه‌ای وارد نمی‌کرده - تغییر داده است.



تهنیت می‌گویی.»

عرض کردم: «سرور من! در زیارت بیت‌الله الحرام بودم و به تازگی به کوفه رسیده‌ام و گرنه زودتر به حضورتان می‌رسیدم.»

قدم‌زنان مقداری باهم سیر کردیم تا به محل «کنائس» رسیدیم، متوقف شد، مثل اینکه انتظار کسی را می‌کشید؛ گویا افرادی را به جست‌وجوی «حرمه» فرستاده بود. ساعتی نگذشته بود که جمعی با شتاب فراوان و شادمان به طرف مختار آمدند و گفتند: «امیر، بشارت! بشارت! حرمه را یافتیم و او را آوردیم.»

وقتی او را پیش مختار آوردند دستانش بسته بود. هنگامی که نگاه مختار به او افتاد، گفت: «حمد و ستایش خدای را باد که مرا به تو، دشمن خدا و رسول، متمکن ساخت.» سپس گفت: «جلاد کجاست؟» پس جلادی را آوردند و آهنی را در آتش گذاختند تا کاملاً سرخ شد و آن میله را در گردن او قرار داد. گوشت گردن او در آتش می‌سوخت و او فریاد می‌کشید و کمک می‌طلبید تا آنکه گردن او بریده شد و بدین ترتیب او نیز به سزای عمل ننگینش رسید!<sup>۱</sup>

### نمونه (۳): شمر بن ذی‌الجوشن و شتری امام حسین علیه السلام

شمر بن ذی‌الجوشن در روز عاشورا شتری را که مخصوص سوار شدن امام حسین علیه السلام بود به غنیمت گرفت و به کوفه آورد و به شکرانه قتل فرزند پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم آن را نحر کرد و گوشتش را بین دشمنان اهل‌بیت در کوفه تقسیم نمود. مختار دستور داد تمام خانه‌هایی را که آن گوشت وارد آن شده بود و افرادی را که دانسته از آن گوشت خورده‌اند، شناسایی کنند. همه آن خانه‌ها را ویران کرد و کسانی را که از آن گوشت خورده بودند را اعدام نمود.<sup>۲</sup>

### نمونه (۴): حکیم بن طفیل از سران حادثه عاشورا

حکیم بن طفیل از سران حادثه عاشورا بود که امام حسین علیه السلام را تیرباران

۱. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳-۳۲۲، محجة البیضاء، ملامحسن فیض کاشانی، ج ۴، ص ۲۴۱.

۲. بحار الانوار، ج ۴۵، ص ۳۷۷.



و حضرت ابوالفضل علیه السلام را شهید کرد و لباس و اسلحه او را غارت نمود. عبدالله بن کامل به دستور مختار، او را دستگیر کرد.

حکیم را که شانه‌هایش بسته بود در کناری نگه داشتند و به او گفتند: تو بودی که لباس‌های عباس بن علی علیه السلام را غارت کردی؟ اکنون لباس‌های تو را در زنده بودن ت بیرون می‌آوریم. پس او را برهنه کردند و آنگاه گفتند: تو بودی که تیر به طرف حسین علیه السلام پرتاب کردی و می‌گویی که تیر من به جامه امام رسید و او را آزار نرسانید؟ به خدا قسم تو را تیر باران می‌کنیم چنانکه امام را هدف تیر قرار دادی. پس از سه طرف به سوی تیر پرتاب شد و او را بر زمین افکند، آن قدر تیر بر بدنش زدند که مانند خاریشت گردید.<sup>۱</sup>

#### نمونه (۵): اعرابی و یزید

یزید روزی با اصحابش به قصد شکار به صحرا رفت. به اندازه دو یا سه روز از شهر شام دور شد، ناگاه آهویی ظاهر شد، به اصحابش گفت: خودم به تنهایی در صید این آهو اقدام می‌کنم کسی با من نیاید. آهو او را از این وادی به وادی دیگر می‌برد. نوکرانش هرچه در پی او گشتند اثری نیافتند.

یزید در صحرا به صحرانشینان برخورد که از چاه آب می‌کشید. مقداری آب به یزید داد ولی بر او تعظیم و سلامی نکرد. یزید گفت: اگر بدانی که من کیستم بیشتر من را احترام می‌کنی! آن اعرابی گفت ای برادر تو کیستی؟ گفت: من امیر المؤمنین یزید، پسر معاویه هستم. اعرابی گفت: سوگند به خدا، تو قاتل حسین بن علی علیه السلام هستی، ای دشمن خدا و رسول خدا!

اعرابی خشمگین شد و شمشیر یزید را گرفت که بر سرش بزند، اما شمشیر به سر اسب خورد، اسب در اثر شدت ضربه فرار کرد و یزید از پشت اسب آویزان شد. اسب سرعت می‌گرفت و یزید را بر زمین می‌کشید، آن قدر او را بر زمین کشید که او قطعه قطعه شد. اصحاب یزید در پی او آمدند، اثری از او نیافتند تا اینکه به اسب او رسیدند فقط ساق پای یزید روی



رکاب آویزان بود!

### قانون سوم: غفلت و ندامت

سومین قانون و قاعده عام، قانون غفلت و ندامت است؛ یعنی یک لحظه غفلت هرچند کوچک می‌تواند ندامت و پشیمانی چه بسا بزرگی را خلق کند و بیافریند.

برائر خواب‌آلودگی و غفلت یک راننده پشت فرمان، در یک تصادف کل خانواده خودش و دیگری از بین می‌رود.

یک پدر و یا مادر یک لحظه در تربیت بچه غفلت می‌کند و در اثر همان غفلت بچه گمراه می‌شود، حتی بچه مسجیدی و نماز شب خوان.

یک کاسب و بازاری یک لحظه در خرید و فروش خودش در بازار غفلت و بی‌توجهی می‌کند و تمام سرمایه‌اش را از دست می‌دهد و رشکست می‌شود.

روزها فکر من این است که غافل نشوم

در میان موج غفلت خوار و باطل نشوم

این قاعده و قانون کلی عالم است که اگر اهل دقت نباشی در همین دنیا دچار پشیمانی و ندامت می‌شوی.

### نمونه (۱)

### قانون چهارم: خدمت و محبوبیت

امیرالمؤمنین علی علیه السلام مانند سایر کلمات و جملاتشان دو جمله بسیار زیبا دارند. ابتدا اشاره کنیم به کلامی که می‌فرمایند: «الْإِنْسَانُ عَبِيدُ الْإِحْسَانِ»<sup>۲</sup> (آدمی بنده احسان است.) ایشان در کلام گهربار دیگری که در کتاب غررالحکم آمده است می‌فرمایند: «أَحْسِنِ إِلَى مَنْ شِئْتَ تَكُنْ أَمِيرَةً»<sup>۳</sup> (به هر که

۱. لَهْفُ سَيْدِ ابْنِ طَاوُسٍ، ص ۱۷۴.

۲. امثال و حکم، ج ۱، ص ۲۳۶.

۳. غررالحکم و درر الکلم، ح ۲۶۳.



خواهی نیکی کن تا امیرش باشی.)

یکی از کارآمدترین و جذاب‌ترین فضایل برای جذب مردم، خدمت و درواقع احسان است. طلبه‌ای می‌گفت: به خدمت مرحوم آیت‌الله مرعشی رسیدم، در بین گفتگو عرض کردم: جمعی از طلاب در سیستان و بلوچستان به تبلیغ مشغول هستند. توصیه شما به آن‌ها چیست؟ ایشان فرمودند: احسان، احسان، احسان!

هرکس در این دنیا اهل خدمت شد، نزد مردم محبوب هم می‌شود فارغ از اینکه دین و مذهبش چه باشد.

در حدیث پیامبر ﷺ است که فرمودند: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ قُلُوبَ عِبَادِهِ عَلَى حُبِّ مَنْ أَحْسَنَ إِلَيْهَا، وَ بُغْضٍ مَنْ أَسَاءَ إِلَيْهَا» (خداوند دل‌ها را در تسخیر محبت کسی قرار داده که به او نیکی کند و بر بغض کسی قرار داده است که به او بدی کند.)

### قانون پنجم: شکر و رشد

پنجمین قانون این است که هرکس اهل شکر و تشکر شد چه از خالق و چه از مخلوق بهره‌اش هم بیشتر شد.

مولوی می‌گوید:

شکر نعمت نعمتت افزون کند

کفر نعمت از کفت بیرون کند

نمونه (۱): قدرشناسی اهل بیت

یکی از اصحاب امام جعفر صادق ع حکایت می‌کند که روزی در منی و عرفات در حضور آن حضرت مشغول خوردن انگور بودیم که فقیری آمد و تقاضای کمک کرد.

حضرت یک خوشه انگور به آن فقیر داد، فقیر گفت: انگور نمی‌خواهم، چنانچه درهم و دیناری دارید، کمک کنید؟ امام صادق ع فرمود: خداوند به تو کمک کند.





فقیر مقداری راه رفت و سپس بازگشت و همان مقدار انگور را درخواست کرد، ولی حضرت چیزی به او نداد و فقط فرمود: خدا به تو کمک کند. بعد از آن، فقیر دیگری آمد و درخواست کمک کرد. حضرت چند دانه انگور به او داد، فقیر آن چند دانه را گرفت و گفت: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ که خداوند مهربان مرا روزی داد؛ و چون که خواست برود امام عَلَيْهِ السَّلَامُ به او فرمود: صبر کن؛ آنگاه دو دست مبارک خود را پیر از انگور کرد و تحویل او داد.

فقیر بار دیگر خدای تعالی را شکر و سپاس گفت و خواست حرکت کند و برود، حضرت فرمود: چقدر پول همراه داری؟ فقیر پول‌های خود را که حدود بیست درهم بود نشان داد و حضرت نیز به همان مقدار درهم به او کمک کرد.

هنگامی که فقیر پول‌ها را از آن حضرت گرفت، شکر و سپاس خدای را بجا آورد و حرکت کرد، حضرت فرمود: صبر کن و سپس پیراهن خود را درآورد و تحویل آن فقیر داد و فرمود: آن را بپوش، فقیر پیراهن را گرفت و پس از شکر خدا نیز از آن حضرت سپاس‌گزاری کرد و بعد از دعای خیری در حق حضرت، رفت.

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لَئِنْ سَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ﴾ (اگر سپاس‌گزاری کنید، قطعاً [نعمت] خود را بر شما می‌افزایم). این هم یک قاعده و قانون کلان الهی است.

### قانون ششم: علت و معلول

ششمین و آخرین قانونی از قوانین عام و فرااعتقادی خداوند در مدیریت جهان، قانون علت و معلولی است؛ یعنی هر چیزی در این دنیا معلول علتی است.

درواقع هر اتفاقی معلول حوادث و اتفاقات اختیاری و غیراختیاری دیگری است، مثلاً هر جا سوخته‌ای دیده‌ایم، قبل از پیدایش آن، علتی باعث آن



شده یا آتشی در بین بوده و آن را سوزانده است.

خشکی گیاهی که خاک آن خشکیده، به احتمال زیاد به علت بی‌آبی و تشنگی بوده است. خون‌ریزی پاره‌شدن شکم انسانی، به احتمال زیاد به علت چاقو خوردن است.

پس آتش می‌سوزاند، آب تشنگی را از بین می‌برد و حیات می‌دهد و چاقو هم را پاره می‌کند و از بین می‌برد.

دنیا، دار ابتلاست، توقع موفقیت بدون تلاش ممنوع!

امیرالمؤمنین علی بن ابی‌طالب علیه السلام فرمودند: «دَارٌ بِالْبَلَاءِ مَخْفُوفَةٌ وَ بِالْعَدْرِ مَوْصُوفَةٌ لَا تَدْرُومُ أَحْوَالَهَا وَلَا يَسْلَمُ نَزْلُهَا» (دنیا خانه‌ای است به بلا پیچیده و به فریب بیان شده. احوال آن، پایدار نمی‌ماند و فرودآمدگان آن، سالم نمی‌مانند.)

اصلاً طبیعت زندگی دنیا همین است حتی کسانی که در نهایت رفاه زندگی می‌کنند رنج و زحمت و درد خودشان را دارند. بسیاری از این پولدارها، دردهایشان بیشتر از فقر است. قرآن در سوره بلد خیلی رک‌تر و شفاف‌تر این حرف را بیان می‌کند.

سپس امام علیه السلام در آخر این حدیث فرمودند: «هرگز دوستان خدا در دنیا، به خاطر دنیا، رنج و تعب نمی‌کشند، بلکه رنج و تعب آن‌ها در دنیا، برای آخرت است!»

یکی دیگر از توقعات ما از دنیا، این است که همه چیز را بدون زحمت به دست بیاوریم. به قول معروف می‌خواهیم راه صدساله را یک‌شب طی کنیم. در جامعه دیده می‌شود که بسیاری از جوانان با همین تفکر اشتباه و توقع نابجا از دنیا، دنبال هیچ‌گونه مهارتی برای کار کردن نمی‌روند.

بسیاری از فرزندان ما دنبال کارهایی هستند که بی‌زحمت باشد و به درآمد برسند؛ در صورتی که این اشتباه است. این دنیا دنیای تلاش و کوشش و



کارکردن است. در قرآن کریم حدود ۴۰۰ آیه در تشویق به کار و تلاش و بیان ارزش و اهمیت و آثار و برکات آن وارد شده است و همچنین تعدادی از آیات به مشاغل پیامبران بزرگوار الهی پرداخته که آن‌ها در کنار رسالت‌مندی و هدایت‌گری برای جامعه اشتغال به کار و فعالیت داشته‌اند تا هم معاش خویش را تأمین کنند و هم دیگران را در این مسیر تشویق به کار و تلاش کنند، به همین جهت به مشاغل برخی از آنان اشاره می‌شود.

### مشاغل انبیاء

براساس برخی از آیات، از جمله سوره هود آیه ۳۷، سوره قصص آیه ۲۷، سوره انبیاء آیه ۸۰ و... شغل حضرت نوح علیه السلام نجاری، شغل حضرت شعیب علیه السلام دامداری و کارگری، شغل حضرت موسی علیه السلام شبانی و کارگری، شغل حضرت داود علیه السلام زره‌سازی و آهنگری، شغل حضرت آدم علیه السلام کشاورزی، شغل حضرت ابراهیم علیه السلام کشاورزی و دامداری، شغل حضرت ادريس علیه السلام خیاطی، شغل حضرت یعقوب علیه السلام و ایوب علیه السلام کشاورزی و دامداری، شغل حضرت هود علیه السلام و صالح علیه السلام تجارت، شغل حضرت سلیمان علیه السلام حصیربافی، شغل حضرت عیسی علیه السلام صیادی و نجاری و شغل حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم تجارت و صیادی و شبانی بوده است.

قرآن کریم در آیات ذیل انسان را تشویق و ترغیب به کار و تلاش کرده است. «إِنْ سَعَيْكُمْ لَشِقَىٰ»<sup>۱</sup> (که سعی و تلاش شما مختلف است.) «وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا»<sup>۲</sup> (و آن کسی که سرای آخرت را بطلبد و سعی و کوشش خود را برای آن انجام دهد درحالی‌که ایمان داشته باشد، سعی و تلاش او از سوی خدا پاداش داده خواهد شد.)

«لَيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ»<sup>۳</sup> (و اینکه برای انسان جز سعی و کوشش او

۱. لیل، ۴.

۲. اسراء، ۱۹.

۳. نجم، ۳۹.



نیست و سعیش به زودی دیده می شود او به نتیجه اش می رسد. سپس به او جزای کافی داده خواهد شد.)

در آموزه های قرآنی و روایی «کار» در ردیف عبادت آمده است. تا آنجا که فضیلت کسی که برای روزی خود تلاش می کند، برتر و بالاتر از عابد بی کار شناخته شده است و در مقابل، تنبلی و بی کاری مظهر نقص، پوچی و ابتدال معرفی شده است.


### دنیادر نگاه امام حسین علیه السلام

در صبح عاشورا حضرت ابا عبدالله علیه السلام جلو آمد و در برابر دشمن ایستاد. به آن سیل جمعیت نگاه کرد و به ابن سعد نظر انداخت و این خطبه را ایراد فرمود.

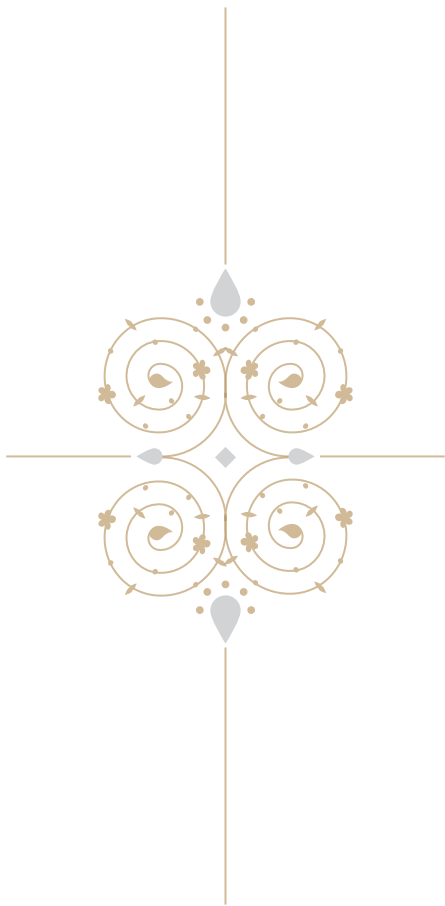
قال الحسين علیه السلام:

۱. «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ الدُّنْيَا فَجَعَلَهَا دَارَ فَنَاءٍ وَ زَوَالٍ، مُتَصَرِّفَةً بِأَهْلِهَا حَالًا بَعْدَ حَالٍ»  
سپاس خدایی را که دنیا را آفرید و آن را منزل فنا و نیستی قرار داد که پیوسته اهل خود را از حالی به حال دیگر درآورد.)

۲. «فَالْمَعْرُورُ مِنْ عَزَّتِهِ وَالسَّقِيُّ مِنَ فِتْنَتِهِ فَلَا تَعُرَّتْكُمْ هَذِهِ الدُّنْيَا فَإِن هَا تَقْطَعُ رِجَاءَ مَنْ رَكَنَ إِلَيْهَا»<sup>۱</sup>



در این خطبه به تحول و مرگ و جدایی اشاره دارد و رابطه آدمی را با این دنیا و تحول‌ها و زوال و مرگ آن در نظر می‌آورد که اگر رابطه، غرور و خودباختگی و امید و طمع باشد، این رابطه شکسته می‌شود و با تحول و زوال دنیا، آدمی تازیانه می‌خورد، تنها یک راه می‌ماند که از دنیا برای آخرت بهره بردارد و رضاء و سخط خدا را در نظر بیاورد و گرنه حتی با دستیابی به نعمت‌ها آدمی به خسارت و هلاک می‌رسد و تمامی آنچه که





به دست آورده خود باعث سوختن تدریجی او می‌شود و تباهی و هلاکت را برای او می‌آورد که تباهی و هلاکت و خسارت است؛ خسارت آدمی و خسارت نعمت‌ها و امکانات. امام به هلاک و خسارت این هردو توجه می‌دهد.

«تَبَّالْكُمْ وِ لِمَا تَرِيدُونَ» شما و آنچه که می‌خواهید، در هلاکت و خسارت است و حتی دستاوردهای شما خود آتش سوزان شما و باعث حلول نعمت است، چون در برابر خوبی‌های او، بد برخورد کردید و با نعمت‌های او خود را سوزاندید و خود را فروختید و پس از ایمان و گرایش، چشم پوشیدید و کفر ورزیدید، «بُعْدَ الْبَلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ»

امام حسین علیه السلام فرمودند:

۱. تمامی سپاس و ستایش برای خدایی است که دنیا را آفرید و آن را خانه نیستی و جدایی و تحول و دگرگونی قرار داد. دنیا در اهل خود و مردم خود تصرف‌های گوناگونی دارد، از سلامت و مرض، از وصال و فراق، از شادی و غم، از راحتی و رنج و... و همین ستایش می‌خواهد که دنیا آدمی را آرام نمی‌گذارد و بت‌ها و معبودها، خلوت نمی‌دهد.

۲. با این همه تحول و آموزش، مغرور و فریفته، کسی است که درس نگیرد و گرفتار شود؛ بدبخت کسی است که در فتنه از دست برود و نتواند رابطه مناسب بگیرد و بهره کامل بردارد؛ پس هیچ‌گاه فریفته این دنیا نشوید که این دنیا امید تکیه‌کنندگان را می‌شکند و طمع



طمع‌کاران در خود را به سنگ می‌زند.





«عن الحسين عليه السلام قال في مسيره الى كربلا (في موضع يقال له ذى حُسم): إِنَّ النَّاسَ عَمِيدُ الدُّنْيَا، وَالذِّينُ لَغَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا حُصُّوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ.»<sup>۱</sup>

امام اباعبدالله الحسين عليه السلام هنگامی که به سوی کربلا می‌رفت در منزلی از منازل که به آن ذی حُسم می‌گفتند، این خطبه را ایراد فرمود:

براستی که این دنیا دگرگون شده است آن‌هم دگرگونی منکر و ناشناخته‌ای. تمامی شناخته شده‌های آن پشت کرد و رفت. از این دنیا جز رطوبتی که بر ته کاسه می‌ماند و زندگی پستی که به چریدن می‌ماند، چیزی باقی نمانده است.

آیا به سوی حق نمی‌نگرید که به آن عمل نمی‌شود و براستی از باطل چشم‌پوشی نمی‌شود؟

باید مؤمن عاشق، در دیدار خدا رغبت کند که سزاوار است. من مرگ را جز زندگی و زندگی با ستمگران را جز رنج و خستگی نمی‌بینم، آدم‌ها، برده‌های دنیا هستند و دین بر سطح زبان آن‌ها نشسته است تا آنجا که زندگی آن‌ها بارور شود آن را رعایت می‌کنند، پس هنگامی که با گرفتاری غربال می‌شوند دین‌داران، اندک می‌شوند.

تحول دنیا و زندگی انسانی تا سطح چریدن و خوردن و خوابیدن و کنار رفتن هدف‌های حق و به روی کار آمدن هدف‌های باطل، این همه می‌خواهد تا مؤمن عاشق، به دیدار خدا روی بیاورد و از این زندگی بگذرد و از مرگ نترسد که این مرگ، زندگی است که حی قیوم را انتخاب کرد و این زندگی با ستمگران جز رنج و خستگی نیست که آدمی حاصلی به دست نیاورده است.

آدم‌ها از هدف‌هایی هماهنگ و آرمان‌های برابر با ارزش‌های وجودی خود چشم‌پوشیده‌اند و حتی از امارت و آزادی به اسارت و بردگی گرفتار شده‌اند و این دل‌های اسیر اگر از دین هم حرفی بزنند، در سطح زبان است و به خاطر چرخش زندگی به اسارت رفته خویش است، در هنگام درگیری و



در لحظه سنگین انتخاب، از آن چشم می‌پوشند و آن را رعایت نمی‌کنند، چون دین‌داری غرامت سنگین می‌خواهد و برای این‌ها که این سطح از زندگی را خواستارند، غنیمتی نمی‌آورد.

اگر آدمی بیش از دهان و شکم از خودش نشناسد، ناچار به بیش از پستانک و حلویایی دل نخواهد داد. آدمی با دگرگون شدن تلقی از خود، تحولی در اهدافش راه می‌یابد. باتوجه به اندازه‌های وجودی آدمی است که ارزش‌های جدید مطرح می‌شود.

برای این ارزش‌هاست که برنامه‌ریزی‌ها شکل می‌گیرد. این چنین آدمی است که به اسارت نمی‌رود و امیر وجود خویش و دنیای خویش و شرایط و روابط خویش است. این چنین آدمی است که برای فرمانروایی و آزادی وجودش حساب باز کرده و رنج‌ها را تحمل می‌کند و حتی مرگ را بر زندگی ترجیح می‌دهد؛ زیرا زندگی انسانی ما در انتخاب، شکل می‌گیرد.

آن‌ها که مرده‌ها و میزنده‌ها را انتخاب کرده‌اند، حتی اگر خرناس هم بکشند مرده‌اند و اگر تمامی دنیا را نه در دست که در حلقوم و شکم خویش بگذارند فقیرند و محرومند که خود را به کمتر داده‌اند و برای بی‌ارزش‌تر از خود رنج برده‌اند و نفس کشیده‌اند. آدم‌ها از آنجایی که از خویش بی‌خبرند و در محاسبه، خود را مطرح نمی‌کنند و به حساب نمی‌آورند، به اسارت دنیا و جلوه‌هایش و دنیا و چهار فصلش گرفتار می‌شوند و حتی اگر به عادت و یا ضرورتی از دین دم می‌زنند این به خاطر لیس و لعاب دنیا است و درست در هنگام تراحم و تعارض منافع، وضعیت مشخص می‌شود و نهفته‌ها آشکار می‌گردد. غربال بلاء و گرفتاری، دین‌دارها را مشخص می‌کند.

«إِنَّ النَّاسَ عِبِيدُ الدُّنْيَا، وَالدِّينُ لَعَقٌّ عَلَى السِّنْتِهِمْ يَحْوِطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا حُضُّوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدِّيَانُونَ»

با تمحیص و بلاء، دینداران اندک و کم می‌شوند، در غربال جز کمی باقی نمی‌ماند!



## جلسه هفتم

# توقعات از خانواده (همسر)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ  
 بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ﴾

(از نشانه‌های او این است که برایتان از نوع خودتان همسرانی آفرید تا در کنارشان به آرامش روحی - روانی برسید. بین‌تان هم، محبت و مهربانی انداخت. در رابطه زن و مرد، برای مردمی که فکرشان را به کار بیندازند، نشانه‌هایی از یکتایی خداست.)

همان‌طور که می‌دانیم یکی از ویژگی‌های انسان، اجتماعی بودن است. این ویژگی باعث شده است که با افراد مختلف ارتباط داشته باشد و این ارتباط و تعامل با اجتماع و جامعه نقشی محوری و سازنده در زندگی و شخصیت او داشته است. نکته مهمی که باید به آن توجه داشت این است که زیست اجتماعی در نهاد و سرشت و طبیعت اوست و انسان برای رشد و تأمین نیازهای مادی و معنوی خود ناچار است که در اجتماع حضور پیدا کند.

### خانواده، اولین حوزه ارتباطی

همین که چشم می‌گشاییم خود را در حلقه‌ای از افراد نزدیک به خود می‌بینیم؛ پدر، مادر، خواهران، برادران و... هرچند هریک از این ارتباطات طرفینی نیازمند به گفتگوست، ولی به جهت اختصار به مهم‌ترین روابط در خانواده می‌پردازیم.

یکی از مؤثرترین روابط در خانواده روابط بین زوجین است. همان‌گونه که این رابطه اگر درست مدیریت شود می‌تواند به آرامش، ثبات، رشد و رضایت طرفین منجر شود، اگر درست مدیریت نشود می‌تواند به اضطراب، ناکامی، انحطاط و نارضایتی از زندگی بینجامد.

### مهم‌ترین اصول مدیریت روابط زوجین

مدیریت صحیح روابط بین زوجین، یعنی روابطی که پایبند به اصول و



ضوابط باشد. براساس آموزه‌های دینی چند اصل مهم حاکم بر روابط بین زوجین است و التزام به آن می‌تواند به تقویت روابط زوجین و کسب رضایت در زندگی بینجامد.

### ۱. اصل محبت

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِّلَّهِ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِلنَّاسِ، كَلَّمَا أَزَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا أَزَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»<sup>۱</sup> (هرچه ایمان فردی زیادت‌ر شود نشانه‌اش این است که محبت به همسرش زیادت‌ر می‌شود).

اینکه نشانه ایمان محبت به همسر تلقی شده حاکی از اهمیت این مقوله و همچنین نگاه متعالی اسلام به خانواده و هویت زن است.

### ۲. اصل همکاری

در زندگی مشترک همیشه شرایط یکسان نیست، گاهی همسر حال و حوصله دارد، گاهی بی‌حوصله است، گاهی خسته است و گاهی پر از شور، گاهی فارغ است و گاهی مشغول و بالعکس.

طبیعی است برای سامان دادن به امور خانواده اگر همکاری طرفینی نباشد، امور خانه با اختلال مواجه می‌شود و هم تنش‌ها بالا خواهد گرفت. بهترین راهکاری که می‌تواند به ساماندهی امور بپردازد تقویت روحیه همکاری در خانواده است.

با نگاهی گذرا به زندگی اسوه و الگوی خانواده اسلامی یعنی خانواده امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام و حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَام متوجه می‌شویم که در چه سطحی این همکاری وجود داشته است. روایت است از امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَام فرمودند: «دَخَلَ عَلَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَفَاطِمَةُ جَالِسَةٌ عِنْدَ الْقَدْرِ وَ أَنَا أَنْتَبِي الْعَدَسَ قَالَ يَا أَبَا الْحَسَنِ قُلْتُ لَتَبَيْتِكَ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ اسْمِعْ مِنِّي وَ مَا أَقُولُ إِلَّا مِنْ أَمْرِ رَبِّي مَا مِنْ رَجُلٍ يُعِينُ امْرَأَتَهُ فِي بَيْتِهَا إِلَّا كَانَ لَهُ بِكُلِّ شَعْرَةٍ عَلَى بَدَنِهِ عِبَادَةٌ سَنَةٍ صِيَامَ نَهْزُهَا وَ قِيَامَ لَيْلِهَا وَ أُعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى مِنَ الثَّوَابِ مِثْلَ مَا أُعْطَاهُ اللَّهُ الصَّابِرِينَ وَ دَاوُدَ النَّبِيَّ وَ يَعْقُوبَ وَ عِيسَى عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يَا عَلِيُّ مَنْ كَانَ فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ فِي



الْبَيْتِ وَمَا يَأْتُفُ كَتَبَ اللَّهُ تَعَالَى اسْمَهُ فِي دِيْوَانِ الشَّهَدَاءِ وَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ ثَوَابَ أَلْفِ شَهِيدٍ وَ كَتَبَ لَهُ بِكُلِّ قَدَمٍ ثَوَابَ حِجَّةٍ وَ عُمْرَةٍ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ عِرْقٍ فِي جَسَدِهِ مَدِينَةً فِي الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ سَاعَةً فِي خِدْمَةِ الْعِيَالِ خَيْرٌ مِنْ عِبَادَةِ أَلْفِ سَنَةٍ وَ أَلْفِ حَجٍّ وَ أَلْفِ عُمْرَةٍ وَ خَيْرٌ مِنْ عِتْقِ أَلْفِ رَقَبَةٍ وَ أَلْفِ عَزْوَةٍ وَ أَلْفِ عِبَادَةِ مَرِيضٍ وَ أَلْفِ جُمُعَةٍ وَ أَلْفِ جَنَازَةٍ وَ أَلْفِ جَائِعٍ يُشْبِعُهُمْ وَ أَلْفِ عَارٍ يَكْسُوهُمْ وَ أَلْفِ فَرَسٍ يُوجِّهُهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ دِينَارٍ يَتَصَدَّقُ عَلَى الْمَسَاكِينِ وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَنْ يَتْرُقَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ وَ الزَّبُورَ وَ الْفُرْقَانَ وَ مِنْ أَلْفِ أُسِيرٍ فَأَعْتَقَهَا وَ خَيْرٌ لَهُ مِنْ أَلْفِ بَدَنَةٍ يُعْطِي لِلْمَسَاكِينِ وَ لَا يَخْرُجُ مِنَ الدُّنْيَا حَتَّى يَرَى مَكَانَهُ مِنْ الْجَنَّةِ يَا عَلِيُّ مَنْ لَمْ يَأْتُفُ مِنْ خِدْمَةِ الْعِيَالِ دَخَلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ يَا عَلِيُّ خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكَبَائِرِ وَ يُظْفِي غَضَبَ الرَّبِّ وَ مُهُورُ حُورِ الْعَيْنِ وَ يَزِيدُ فِي الْحَسَنَاتِ وَ الدَّرَجَاتِ يَا عَلِيُّ لَا يَخْدُمُ الْعِيَالِ إِلَّا صَدِيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ»<sup>۱</sup> (داخل شد بر ما رسول خدا ﷺ در حالی که فاطمه نه نشسته بود

نزدیک و من عدس در دیگ می ریختم، فرمود یا ابوالحسن، عرض کردم لبیک یا رسول الله فرمود: بشنو از من آنچه می گویم و نمی گویم مگر از امر پروردگار خود، نیست مردی که یاری کند زن خود را در خانه الا آنکه باشد او را به هر مویی که در بدن اوست عبادت یک ساله که روز آن به روزه باشد و شب آن به قیام و بدهد او را خدای تعالی از ثواب مثل آنچه داده است صابران را و داوود پیغمبر و یعقوب و عیسی عليهم السلام را.

یا علی! هر که در خدمت عیال باشد در خانه و ننگ ندارد از آن بنویسد نام او را خدای تعالی در دیوان شهیدان و بنویسد خدا از برای وی به هر روزی و شبی ثواب هزار شهید و بنویسد از برای او به هر قدمی ثواب حجی و عمره و بدهد او را به هر رگی که در بدن اوست شهری در بهشت.

یا علی یک ساعت در خدمت خانه بهتر است از عبادت هزار ساله و هزار حج و هزار عمره و بهتر است از آزاد کردن هزار بنده و هزار جهاد و عبادت هزار بیمار و هزار جمعه و هزار جنازه و هزار گرسنه را سیر کردن و هزار برهنه را پوشانیدن و هزار اسیر آوردن در راه خدا و بهتر است او را از هزار دینار



صدقه دادن به درویشان و بهتر است او را از خواندن تورات و انجیل و زیور و قرآن و از هزار اسیر که بخرد و آزاد گرداند آن را و بهتر است او را از هزار شتر که بدهد به درویشان و بیرون نرود از دنیا تا آنکه ببیند جای خود را در بهشت. یا علی! هرکه ننگ ندارد از خدمت عیال داخل گرداند او را خدا در بهشت بی حساب.

یا علی! خدمت عیال کفاره گناهان کبیره است و باز می‌نشانند غضب پروردگار را و مهر حورالعین است و زیاد می‌گرداند حسنات و درجات را. یا علی! خدمت نمی‌کند عیال را، مگر صدیق یا شهید یا مردی که خواهد به وی خدا خیر دنیا و آخرت را.)

### ۳. اصل احترام متقابل

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَشَدُّكُمْ إِكْرَامًا لِإِئْتِمَارِهِمْ!»؛ گرامی‌ترین شما نزد خداوند، کسی است که بیشتر به همسر خود احترام بگذارد.

### ۴. اصل شکرگذاری

«شکرگذاری» مستلزم دیدن خوبی از طرف مقابل است و عامل تثبیت یک خدمت و نعمت است، به این بیان وقتی همسر اهل شکرگذاری است که بتواند نگاه خیر بین به رفتارهای همسرش داشته باشد و با شکرگذاری باعث می‌شود که شوق انجام عمل در همسر تقویت شده و خدمت و نعمت را زیادتر کند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا أُعْطِيَتْ شَكَرَتْ، وَإِنْ مُنِعَتْ رَضِيَتْ»؛<sup>۲</sup> (بهترین زنان شما آن زنی است که چون به او چیزی داده شود، سپاسگزاری کند و اگر به او چیزی داده نشود راضی باشد).

اصول دیگری نیز در مدیریت روابط زوجین مؤثرند، مانند:

۱. من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۵۰۶.

۲. بحار الانوار ج ۱۰۳، ص ۲۳۹.



- اصل وفاداری
- اصل آبروداری
- اصل صداقت
- اصل ایثار
- اصل حیا و عفت
- اصل غیرت

که به علت اختصار گفتار از توضیح آن‌ها صرف نظر می‌کنیم.

### محورهای توقع از همسر

بسیاری از نارضایتی‌ها ریشه در انتظارات و توقعات غلط و بیجای ما دارد. این انتظارها دوسویه است. به این شکل نیست که فقط مرد از زن توقع داشته باشد یا زن از مرد؛ بلکه بزرگ‌راهی دوطرفه است که هر دو باید در آن قدم بردارند؛ چون خداوند برای هر دو قایل به حقوقی است که در قالب همان انتظارها باید برآورده شود. همان طور که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «آگاه باشید که شما را بر زنان تان، حقی است و زنان تان را نیز بر شما حقی است.»<sup>۱</sup>

اسلام با ایجاد حقوق متقابل برای زن و مرد، برای هر کدام، جایگاهی قایل شده که داشتن توقع از شخص مقابل را در قالب حدود مرزها، صحیح و مشروع دانسته است.

پیامبر عزیز خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «لَا يَحِلُّ لِلْمَرْأَةِ أَنْ تُكَلِّفَ زَوْجَهَا فَوْقَ طَاقَتِهِ»<sup>۲</sup> (برای زن جایز نیست که شوهرش را به بیش از توانایی‌اش مجبور کند).

در جلسات قبل اشاره شد که توقع بجا توقعی است که آگاهی، قدرت و عدم وجود مانع مورد توجه قرار بگیرد. در مدیریت توقعات از همسر نیز

۱. کنز العمال، ج ۵، ص ۱۱۶.

۲. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۴۲.





این سه باید محوریت داشته باشد.

چیزی از همسرمان توقع نکنیم که نسبت به آن آگاهی ندارد. مثلاً ارتباط کلامی مؤثر یک مهارت است، وقتی همسر ما هنوز این مهارت را نیاموخته است نمی‌شود از او توقع داشت که مانند افرادی که دوره‌های مهارتی را پشت سر گذاشته‌اند رفتار کند.

در قصه زیر دقت کنید که چگونه مهارت ارتباطی با استفاده از شعر توانسته است یک نارضایتی و قهر را خاتمه دهد:

### عباس بابایی و قهر با همسرش

قهر بودیم، در حال نماز خواندن بود. نمازش که تمام شد هنوز پشت به او نشسته بودم. کتاب شعرش را برداشت و با لحن دل‌نشین شروع به خواندن کرد؛ ولی من باز با او قهر بودم!  
کتاب را گذاشت کنار... به من نگاه کرد و گفت: غزل تمام... نمازش تمام... دنیا، مات، سکوت بین من و اژه‌ها سکونت کرد!  
باز به او نگاه کردم...!

این بار پرسید: عاشقمی؟

سکوت کردم.

گفت: عاشقم گر نیستی لطفی بکن نفرت بورز / بی تفاوت بودنت هر لحظه آبم می‌کند

دوباره با لبخند پرسید: عاشقمی مگر نه؟

گفتم: نه!

گفت: لبت نه گوید و پیداست می‌گوید دلت آری / که این سان دشمنی یعنی که خیلی دوستم داری

زدم زیر خنده، روبرویش نشستم، دیگر نتوانستم به او نگویم که وجودش چقدر آرامش بخش است. نگاهش کردم و از ته دل گفتم:



خدا را شکر که هستی.<sup>۱</sup>

نباید توقع داشته باشیم همسر روستایی من - که لهجه خاص خود را دارد - یک روزه تغییر کرده و مانند یک دختر تهرانی با من لفظ قلم و بدون لهجه صحبت کند، چرا که توان تغییر سریع لهجه وجود ندارد.

### ریشه توقعات غلط و بیجا در خانواده

توقعات بیجا از همسر می‌تواند سه ریشه اصلی داشته باشد:

#### الف) تلقی غلط از او (عدم شناخت او)

انتظارات انسان‌ها بر پایه شناخت آن‌ها از طرف مقابل صورت می‌گیرد؛ یعنی اگر از فردی توانایی و حالتی را سراغ دارد، بر پایه این شناخت، از او خواسته‌ای را انتظار دارد. مثلاً هواپیما را به عنوان اختراع پروازکننده می‌شناسیم و از آن انتظار شناکردن نداریم؛ اما از ماهی انتظار شناکردن در آب داریم.

نکته‌ای که وجود دارد این است که بعضاً ما از همسرمان شناختی نداریم یا اگر شناختی هم داریم ناقص و غلط است؛ لذا وقتی که شناخت صحیح و کاملی از همسرمان نداشتیم، توقعات ما از او نیز اشتباه می‌شود یا اینکه همسرمان را با خوبی‌های خودمان و یا خوبی‌های دیگران یا به بیان دیگر با ظاهر افراد دیگر مقایسه می‌کنیم یا گاهی دیده می‌شود که همسرمان را با ملاک‌های خودمان قضاوت می‌کنیم.

فکر می‌کنیم مثل ما و در شرایط ما بوده است و به همین علت او را با همین شرایط قضاوت می‌کنیم و با همین شرایط از او توقع داریم و همین علل سبب برآورده نشدن خواسته ما و به وجود آمدن مشکلات در زندگی‌هایمان می‌شود.

بررسی و شناخت برخی انتظارات و باورهای غلط در مورد همسر و زندگی، می‌تواند به اصلاح تفکر ما کمک کند. در ادامه به برخی از باورها و توقعات

۱. به نقل از مرحومه حکمت، همسر شهید عباس بابایی.



غلط در مورد زندگی مشترک اشاره می‌کنیم:

### ۱. توقع ساماندهی تمامی امور خانواده

انجام کارهای خانه از دیرباز برعهده زنان بوده است، اما در تعالیم دینی نه تنها در این زمینه سفارش به تقسیم کار شده است، بلکه برای هر یک از زوجین به ازای انجام امور خانه ثواب و اجری عظیم در نظر گرفته شده است که بعضاً زوجین از آن بی‌اطلاع هستند و همین امر سبب ایجاد فشار و خستگی به یکی از طرفین و زمینه‌ای برای بروز اختلاف و ناراحتی می‌شود.

توجه به سیره حضرت زهرا علیها السلام به عنوان سیده زنان عالم در امور خانه و همسرداری به عنوان الگویی جامع و کامل می‌تواند چراغ راهی برای زنان مسلمان و غیرمسلمان باشد و علی‌رغم تمام سختی‌ها - و با وجود داشتن کنیز که در آن روزگاران معمول بوده است - باز خود را از کارهای خانه معاف نکرده و آن را تقسیم کرده بود و از کثرت انجام کارهای خانه امیرالمؤمنین در وصف این بانوی بزرگوار به ابن اَعْبُد فرمود: او نزد من بود که کثرت آسیا کردن بر دست‌هایش نشانه گذارده بود و از بس با مشک آب حمل کرد جای آن بر بدنش ماند، آن قدر خانه را جارو کرد که لباسش غبارآلود شده بود و آن قدر آتش اجاق را روشن کرد که لباسش سیاه گردید و از کار کردن در خانه به او آسیب رسیده بود.<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام برای زنی که در خانه شوهر و برای او کاری انجام بدهد می‌فرماید: «**أَيُّمَا امْرَأَةٍ رَفَعَتْ مِنْ بَيْتِ زَوْجِهَا شَيْئاً مِنْ مَوْضِعٍ إِلَى مَوْضِعٍ تُرِيدُ بِهِ صَلَاحاً نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا وَمَنْ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهَا لَمْ يُعَذِّبْهُ...**»<sup>۲</sup> (هر زنی که در خانه شوهر خود به قصد سامان دادن کارهای منزل، چیزی را جابجا کند (کنایه از انجام کوچک‌ترین کاری در منزل)، خداوند به او نظر می‌کند و هر که خداوند به او نظر کند، عذابش نمی‌دهد.

وقتی کوچک‌ترین کار در منزل چنین پاداش بزرگی دارد خوشابه حال

۱. صحیح ابی داود، ج ۳۳، باب: التسییح عندالنوم.

۲. بحار الانوار، ۳: ۴۹/۲۵۱/۱۰۳.



خانم‌هایی که برای اصلاح امور خانه و رضای خداوند در خانه کار می‌کنند. همچنین رسول گرامی اسلام ﷺ می‌فرمایند: «أَيُّ امْرَأَةٍ خَدَمَتْ زَوْجَهَا سَبْعَةَ أَيَّامٍ، عَلَّقَ اللَّهُ عَنْهَا سَبْعَةَ أَبْوَابِ النَّارِ وَفَتَحَ لَهَا ثَمَانِيَةَ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ تَدْخُلُ مِنْ أَيِّمَا شَاءَتْ وَقَالَ ﷺ: مَا مِنْ امْرَأَةٍ تَسْقِي زَوْجَهَا شَرْبَةَ مَاءٍ إِلَّا كَانَ خَيْرًا لَهَا مِنْ سَنَةِ صِيَامِ نَهَارِهَا وَقِيَامِ لَيْلِهَا»<sup>۱</sup> (هر زنی که هفت روز شوهرش را خدمت کند، خداوند هفت در دوزخ را به روی او ببندد و هشت در بهشت را به رویش بگشاید تا از هر در که خواهد وارد شود و فرمود: هیچ زنی نیست که جرعه‌ای آب به شوهرش بنوشاند مگر آنکه این عمل او، برایش بهتر از یک سال باشد که روزهایش را روزه و شب‌هایش را به عبادت سپری کند).

مرد باید سختی‌های کار همسرش در خانه را ببیند. باید خودش را در جای زن بگذارد، زن که خدمتکار نیست، زن گل است. از همین رو امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «الْمَرْأَةُ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ»<sup>۲</sup> (زن گل است و لطیف، نه کارگزار و دلیر).

مقام معظم رهبری در شرح این روایت می‌فرماید: اگر در یک خانواده‌ای، در یک جامعه‌ای به زن با این چشم نگاه بشود، اولاً تکریم او، حفظ حرمت او، برخورد ملاطفت‌آمیز با او مسائل فراوانی که دنبالش هست، چقدر موجب می‌شود که زن احساس امنیت کند، احساس آرامش کند.

ذکر این نکته لازم است که در اسلام نگفته‌اند که زن نرود بیرون کار کند؛ اصلاً این نیست. اگر می‌توانند کار کنند، کار کنند؛ منتها با این دید کار کنند که کاری که به آن‌ها محول می‌شود کاری باشد که با ریحانه بودن جور دربیاید، متناسب باشد و البته مهم‌ترین مسئولیت زن هم کدبانویی است؛ معنای کدبانویی خدمتگزاری نیست، معنایش این است که محیط خانواده را برای فرزندان و برای همسر یک محیط امن و آرام و مهربانی

۱. إرشاد القلوب، ۱۷۵.

۲. نهج البلاغه، نامه ۳۱.



می‌کند، با مهربانی خودش، با عزتی که در خانه برای او فرض می‌شود.<sup>۱</sup>

مردان هم باید در کارهای خانه مشارکت کنند. مشارکت زن و شوهر در امور خانه از جمله مواردی است که در سیره ائمه معصومین علیهم‌السلام به وضوح قابل مشاهده است. امام صادق علیه‌السلام درباره مشارکت امیرالمؤمنین، علی علیه‌السلام در کارهای خانه می‌فرماید: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَحْطُبُ وَيَسْتَقِي وَيَكْنُسُ وَكَانَتْ فَاطِمَةُ عَلَيْهَا السَّلَامُ تَطْحَنُ وَتَعَجِنُ وَتَحْزِنُ»<sup>۲</sup> (امیرالمؤمنین در انجام کارهای خانه هیزم جمع می‌کرد و آب می‌کشید و می‌آورد و خانه را جارو می‌فرمود و فاطمه زهرا علیها‌السلام نیز جوها را آرد و سپس خمیر می‌کرد و آنگاه نان می‌پخت).

### آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی رحمته‌الله و کمک به همسر

حجت‌الاسلام حاج محمد تهرانی می‌گوید: «آیت‌الله میرزا جواد آقا تهرانی هر وقت که فرصت کمک به همسرشان را پیدا می‌کردند، در خانه، یار و کمک‌کار ایشان بودند، به طوری که چندین بار دیده شده بود که در آشپزخانه کار می‌کردند یا منزل را جارو می‌زدند.

اساساً ایشان به کسی زحمت نمی‌دادند. مخصوصاً در امور شخصی خویش تا آنجایی که می‌توانستند و قدرت و توان داشتند خودشان انجام می‌دادند، حتی نسبت به همسرشان نیز رعایت احترام را می‌کردند تا آنجا که از همسر خود نمی‌خواستند که مثلاً لباس‌هایشان را بشویند، بلکه این همسرشان بود که باتوجه به اخلاق مرحوم میرزا جواد آقا تهرانی، از ایشان می‌خواستند که لباس‌هایشان را برای شستن در اختیار ایشان بگذارند و باز هم ایشان به سادگی حاضر نمی‌شدند، مگر وقتی که احساس می‌کردند همسرشان با نیت و رضایت خاطر و بدون هیچ‌گونه تکلف و زحمتی حاضر به انجام این کار هستند.

چندین بار بدون اطلاع کسی، خودشان کنار حوض می‌آمدند و با همان

1. <https://farsi.khamenei.ir/newspart-index?tid=1316#61628>

۲. الامالی، شیخ طوسی، ص ۶۶۱.



کهولت سن، مشغول شستن لباس‌های خویش می‌شدند که به محض اطلاع، همسرشان مانع می‌شدند؛ حتی گاهی می‌دیدم که جارو به دست گرفته و حیاط منزل را جارو می‌زنند و این در حالی بود که راه رفتن با عصا برایشان مشکل بود.<sup>۱</sup>

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ درباره ثواب کمک کردن مرد به همسرش در خانه می‌فرماید: «خِدْمَةُ الْعِيَالِ كَفَّارَةٌ لِلْكِبَائِرِ»<sup>۲</sup> (خدمت کردن به خانواده، کفاره گناهان بزرگ است و خشم پروردگار را فرومی‌نشانند).

همچنین فرمودند: «لَا يَخْدُمُ الْعِيَالُ إِلَّا صِدِّيقٌ أَوْ شَهِيدٌ أَوْ رَجُلٌ يُرِيدُ اللَّهُ بِهِ خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»<sup>۳</sup> (به زن خود خدمت نکند، مگر صدیق، یا شهید، یا مردی که خداوند خیر دنیا و آخرت او را بخواهد).

## ۲. توقع صبر و مدارای یک‌سویه

فرازونشیب‌های زندگی، حالات مختلف آدمی، اختلاف نظرها، به طور طبیعی زمینه‌ساز بداخلاقی و ناسازگاری است. به همین علت، خانواده‌ای که از عنصر رفق،<sup>۴</sup> مدارا، ملایمت و تسامح و تغافل برخوردار نباشد، نمی‌تواند پایدار بماند. مرد، باندا کج خلقی زن، تصمیم به جدایی می‌گیرد و زن با ملاحظه بداخلاقی شوهر، درخواست جدایی می‌کند.

امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام می‌فرماید: «هرکس با زن و فرزندش خوش رفتار باشد عمرش پربرکت می‌شود.»<sup>۵</sup>

روایات اسلامی با تأکید بر قداست خانواده، با وعده به پاداش‌های بزرگ اخروی، زوجین را به صبر و مدارا دعوت می‌کند.

پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در توصیه‌ای به خانم‌ها می‌فرماید: «مَنْ

۱. خاطراتی از آیین‌ها اخلاق، ص ۱۳.

۲. جامع الأخبار: ۷۵۱/۲۷۶.

۳. بحار الانوار: ۱/۱۳۲/۱۰۴.

۴. نرمی کردن با کسی.

۵. ارشاد القلوب، ج ۱، ص ۳۲۳.



صَبْرَتِ عَلَى سَوْءِ خُلُقِي زَوْجِهَا، أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ أَسِيَّةَ بِنْتِ مُزَاحِمٍ»<sup>۱</sup> (هرکس بر بد اخلاقی شوهرش صبر کند، خداوند، همانند پاداش آسیه، دختر مُزاحم (همسر فرعون) به او عطا می‌فرماید) و همچنین در توصیه به مرد، برای صبر در برابر بد اخلاقی‌های همسر می‌فرمایند: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ وَاحْتَسَبَهُ أَعْطَاهُ اللَّهُ تَعَالَى بِكُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ يَصْبِرُ عَلَيْهَا مِنَ الثَّوَابِ مَا أُعْطِيَ أَيُّوبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَلَاءِهِ وَ كَانَ عَلَيْهَا مِنَ الْوِزْرِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ مِثْلَ زَمَلِ عَالِجٍ، فَإِنْ مَاتَتْ قَبْلَ أَنْ تُعَيَّنَهُ وَ قَبْلَ أَنْ يَرْضَى عَنْهَا حُشِرَتْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَعَ الْمُنَافِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ»<sup>۲</sup> هر مردی که بر بد اخلاقی همسر خود صبر کند و آن را با خدا حساب کند، خداوند متعال به ازای هر روز و شبی که بر بد اخلاقی او صبر کرده است، همانند ثوابی که به ایوب علیه السلام برای صبر در بلاها و گرفتاری‌هایش داده است، می‌دهد و برای آن زن در هر شب و روز به اندازه ریگ‌های یک ریگستان گناه باشد و اگر پیش از آنکه به مرد خود کمک و همراهی کند و قبل از آنکه شوهرش از او راضی شود بمیرد، روز قیامت در طبقه زیرین دوزخ با منافقان، واژگونه محشور شود.

### ماجرای کتک خوردن یک فقیه برجسته از همسرش

مرحوم شیخ جعفر کاشف الغطاء از بزرگ‌ترین فقهای عالم تشیع بوده است، در حدی که علمای بزرگ شیعه از قول او نقل کرده‌اند که فرموده بود: اگر تمام کتاب‌های فقهی شیعه را در رودخانه بریزند و به دریا برود و شیعه دیگری ورق فقه دستش نباشد، من از اول تا آخر فقه شیعه را در سینه‌ام دارم، همه را بیرون می‌دهم تا دوباره بنویسند. ایشان مرجع هم شده بود.

اهل علم و اصحاب فهمیدند که همسرش در خانه بد اخلاقی می‌کند، ولی خیلی هم خبر از داستان نداشتند. این قدر در مقام جست‌وجو برآمدند تا به این نتیجه رسیدند که این مرد بزرگ الهی، این فقیه عالی قدر گاهی که به داخل خانه می‌رود، همسرش حسابی او را کتک می‌زند.

یک روز چهارپنج نفر جمع شدند و خدمتش آمدند و گفتند: آقا ما داستانی

۱. بحار الانوار: ۱۰۳/۲۴۷/۳۰.

۲. ثواب الأعمال: ۱/۳۳۹.



شنیده‌ایم، از خودتان باید بپرسیم. آیا همسر شما گاهی شما را می‌زند؟! فرمود: بله، عرب است، قدرتمند هم هست، قوی‌البنیه هم هست، گاهی که عصبانی می‌شود، حسابی مرا می‌زند. من هم زورم به او نمی‌رسد. گفتند: او را طلاق بدهید. گفت: نمی‌دهم. گفتند: اجازه بدهید ما زنان مان را بفرستیم ادبش کنند. گفت: این کار را هم اجازه نمی‌دهم. گفتند: چرا؟ گفت: این زن در این خانه برای من از اعظم نعمت‌های خداست، چون وقتی بیرون می‌آیم و در صحن امیرالمؤمنین علیه السلام می‌ایستم و تمام صحن پشت سر من نماز می‌خوانند، مردم در برابر من تعظیم می‌کنند. گاهی در برابر این مقاماتی که خدا به من داده، یک ذره هوا مرا برمی‌دارد. همان وقت می‌آیم در خانه کتک می‌خورم، هوایم بیرون می‌رود! این چوب الهی است، این باید باشد!

### صبر یونس نبی

عده‌ای بر یونس پیامبر علیه السلام وارد شدند و یونس به پذیرایی از ایشان پرداخت. او به درون خانه، رفت و آمد می‌کرد و همسرش آزارش می‌داد و با وی گستاخی می‌کرد؛ اما یونس هیچ نمی‌گفت. آن عده از این حال، متعجب شدند.

یونس علیه السلام فرمود: «تعجب نکنید؛ زیرا من از خداوند متعال درخواست کردم و گفتم: هر کیفری (مجازاتی) را که می‌خواهی در آخرت به من بدهی، در همین دنیا به من برسان. خداوند فرمود: کیفر تو، دختر فلان کس است که با او ازدواج می‌کنی. من با او ازدواج کردم و بر کارهای او - همان طور که می‌بینید - شکیبایی می‌کنم».<sup>۲</sup>

صبر راهکاری ارزشمندی است که در برابر مشکلات و سختی‌هاست اسلام آن را پیشنهاد داده است و اگر در زندگی‌ها و حتی جوامع به صورت صحیح به کار گرفته شود می‌تواند باعث رضایت از زندگی‌ها شود.

1. <https://erfan.ir/farsi/1751.html>

۲. إحياء العلوم، ج ۲ ص ۵۱، دانش‌نامه قرآن و حدیث ج ۳، ص ۴۷۴.





### ۳. توقع وفاداری زن بدون محبت مرد

یکی از آداب مهم معاشرت در اسلام، اظهار محبت متقابل نسبت به یکدیگر است. پیامبر خدا ﷺ می‌فرماید: «أَبْدِ الْمَوَدَّةَ لِمَنْ وَاذَكَ تَكُنْ أُتْبَتَ»<sup>۱</sup> (دوستی خود را نسبت به آنکه تو را دوست دارد، اظهار کن تا (این دوستی) استوارتر شود).

اظهار محبت نسبت به همسر سبب می‌شود که دوستی آنان استوارتر شود و پیوند خانوادگی‌شان تحکیم یابد. زن و مرد، هر دو در این وظیفه مشترک‌اند؛ ولی از آنجاکه زن، نیاز بیشتری به ابراز احساسات مرد دارد، در روایات اسلامی، اظهار محبت مرد به زن، بیشتر توصیه شده است.

پیامبرگرامی اسلام ﷺ می‌فرماید: «قَوْلُ الرَّجُلِ لِلْمَرْأَةِ: «إِنِّي أُحِبُّكَ لَا يَذْهَبُ مِنْ قَلْبِهَا أَبَدًا»<sup>۲</sup> (این سخن مرد به زن که: «دوستت دارم» هرگز از دل زن، بیرون نمی‌رود).

چقدر این نسخه رسول اکرم ﷺ برای تحکیم نظام خانواده، در زندگی‌ها پیاده می‌شود؟

امام خمینی رحمته الله در دوران تبعید در نامه‌ای به همسرشان با کلمات محبت‌آمیز و همراه با عشق، چنین نوشتند: «تصدقت شوم؛ الهی قربانت بروم، در این مدت که مبتلای به جدایی از آن نورچشم عزیز و قوت قلبم گردیدم متذکر شما هستم و صورت زیبایت در آئینه قلبم منقوش است. عزیزم امیدوارم خداوند شما را به سلامت و خوش درپناه خودش حفظ کند.»<sup>۳</sup>

امام رضا علیه السلام درباره محبت زن به شوهرش می‌فرماید: «اعْلَمَنَّ أَنَّ الْبِسَاءَ شَتَّى فِيمَنْ الْغَنِيمَةُ وَالْغَرَامَةُ وَهِيَ الْمُتَحَبِّبَةُ لِرَوْحِهَا وَالْعَاشِقَةُ لَهُ...»<sup>۴</sup> (بدان که

۱. الإخوان: ۶۶/۱۳۶، الفردوس: ۱/۴۳۴/۱۷۶۶ نحوه، كنز العمال: ۳۴/۹/۲۴۷۹۷ نقلًا عن المعجم الكبير وكنها عن أبي حميد الساعدي.

۲. الكافي: ۵۹/۵۶۹/۵.

۳. صحيفه امام، جلد ۱، صفحه ۲.

۴. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱۴، ص ۱۶۱.



زنان گوناگون‌اند، برخی از آنان دستاوردی گران‌بها و تاوان [رنج‌های آدمی] هستند و این زن کسی است که به شوهرش محبت می‌کند و عاشق اوست.

### اباعبدالله علیه السلام و عشق و محبت به رباب

رابطه امام حسین علیه السلام و همسرشان رباب علیها السلام بسیار صمیمی بود، طوری که امام و همچنین رباب علیها السلام از اظهار این روابط صمیمی میان خود، خودداری نمی‌کردند، همان‌گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز از نشان دادن صمیمیتی که نسبت به برخی از همسران خود داشتند، خودداری نمی‌کردند.

به دلیل وجود همین شواهد است که ابن‌کثیر می‌گوید: امام حسین علیه السلام همسرش رباب را بسیار دوست می‌داشت و از روی علاقه‌مندی به او نیز، درباره‌اش شعری هم سروده است.<sup>۱</sup> این دوستی به دلیل بزرگواری رباب بود، چنانکه از هشام کلبی، مورخ مشهور نقل شده است: «من خيار النساء و افضلهن»<sup>۲</sup> (رباب از بهترین زنان و از برترین آن‌ها بود).

در زمینه این عشق و محبت و دوستی، دو بیت شعر از امام حسین علیه السلام درباره سکینه و رباب نقل شده و در برخی منابع، بییتی دیگر نیز به آن افزوده شده است:

لَعَمْرُكَ إِنِّي لَأَحِبُّ دَارًا تَحُلُّ بِهَا سَكِينَةٌ وَ الرَّبَابُ

أَحِبَّهُمَا وَ أُنْدُلُّ جُلَّ حَالِي وَ لَيْسَ لِأَتَمِّي فِيهَا عِتَابٌ<sup>۳</sup>

به جان تو سوگند! من خانه‌ای را دوست دارم که سکینه و رباب در آن باشند.

آن‌ها را دوست دارم و تمامی دارایی‌ام را به پای آن‌ها می‌ریزم و هیچ‌کس نباید در این باره با من سخنی بگوید.

۱. البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۱۲.

۲. الاغانی، ج ۱۶، ص ۱۴۱.

۳. انساب الاشراف، ج ۱، ص ۱۹۵ - ۱۹۶ - البداية و النهاية، ج ۸، ص ۲۱۱ - المعارف، ص ۹۳، بیروت - الفصول المهمة، ص ۱۸۳ - المجدی، ص ۹۲ - مقاتل الطالبین، ص ۹۴.



حضرت رباب عَلَيْهَا نیز علاقه وافری به امام حسین عَلَيْهِ داشت. او در سفر کربلا همراه امام عَلَيْهِ بود و پس از شهادت آن حضرت نیز وفاداری اش را به زبان شعر و نیز در عمل نشان داد.<sup>۱</sup>

علاقه و پیوند میان امام حسین عَلَيْهِ و رباب نمونه کاملی از عشق و محبت یک زوج نسبت به هم بود. پیوندی که امام، آشکارا آن را بیان کرد و رباب نیز با شعر و عمل خود، آن را به اثبات رساند.

#### ۴. توقع وفاداری، منهای توجه به زیبایی

پرهیز از شلختگی و بی نظمی، پوشیدن لباس های پاکیزه، رسیدگی به ظاهر مانند شانه زدن مو حاسن، استعمال عطر و بوی خوش و... از جمله سفارش های اسلام است. این قبیل کارها موجب تحکیم خانواده و باعث ازدیاد محبت همسران به یکدیگر می شود؛ زن و شوهر باید خود را برای یکدیگر بیاریند و ظاهر خود را جذاب و دوست داشتنی و زیبا کنند و مردان و زنان باید به این نکته توجه نمایند که نوع پوشش و چگونگی ظاهرشان اگر مطابق میل همسرانشان باشد، پیش گرفتن چنین رفتاری علاوه بر اینکه علاقه طرفین را نسبت به هم افزایش می دهد عفت و پاک دامنی را نیز در جامعه تقویت می کند.

امام کاظم عَلَيْهِ در همین رابطه می فرماید: «تَهَيَّئَةُ الرَّجُلِ لِلْمَرَأَةِ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّتِهَا»<sup>۲</sup> (آراسته بودن مرد برای زن، از عواملی است که بر پاک دامنی زن می افزاید).

و در روایتی دیگر ایشان به زیبایی یکی از عوامل ترک پاک دامنی زنان دارای همسر را این گونه معرفی می کنند: «إِنَّ التَّهَيَّئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ، وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ بِتَرَكَ أَزْوَاجِهِنَّ التَّهَيَّئَةَ»<sup>۳</sup>

۱. الاغانی، ج ۱۶، ص ۱۴۲ - اعیان الشیعه، ج ۶، ص ۴۴۹ - اعلام النساء، ص ۴۳۹ - اعلام النساء المؤمنات، ص ۳۴۷ - منتهی الآمال، ج ۱، ص ۳۳۵ - ادب الطف، ج ۱، ص ۶۱، انتشارات دارالمرتضی.

۲. مکارم الأخلاق، ج ۱، ص ۲۱۸ ح ۶۴۱، بحار الأنوار، ج ۷۹، ص ۳۰۷، ح ۲۳.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۷، ح ۵۰۶، ص ۴۸۰، ح ۱، دانش نامه قرآن و حدیث ج ۴، ص ۱۰.



آری، آراسته بودن از عواملی است که بر پاک دامنی زن می‌افزاید. زنان از آن رو ترک پاک دامنی می‌کنند که شوهرانشان آراسته بودن را ترک می‌نمایند.

یکی از معضلات جامعه ما این است که متأسفانه برخی برعکس این دستورالعمل‌ها عمل کرده و بهترین لباس‌ها و بیش‌ترین رسیدگی به خود را در بیرون از منزل انجام می‌دهند و برای داخل منزل هیچ اهمیتی به لباس و ظاهر خود ندارند. برخی از خانم‌ها در بیرون از منزل از لوازم آرایش استفاده کرده و در داخل منزل برای همسر خودشان استفاده نمی‌کنند در حالی که پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌فرماید: «إِنَّ خَيْرَ نِسَائِكُمْ... الْمُتَبَرِّجَةُ مَعَ زَوْجِهَا، الْحِصَانُ عَلَى غَيْرِهِ»<sup>۱</sup> (بهترین زنان شما آن زنی است که برای شوهرش آرایش و زینت می‌کند، اما از بیگانگان خود را می‌پوشاند).

امامان ما، به آراستگی ظاهر خود در مقابل همسرشان توجه خاصی داشتند و سفارشات آموزنده‌ای درباره زینت‌های مناسب برای آراستن مردان در مقابل همسران‌شان داشته‌اند و همواره تأکید کرده‌اند که در این امر کوتاهی نشود.

### امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ و توجه به خواست همسر

جابر از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند: عده‌ای بر امام حسین عَلَيْهِ السَّلَامُ وارد شدند؛ ناگاه فرش‌های گران‌قیمت و پستی‌های فاخر و زیبا را در منزل آن حضرت مشاهده کردند و عرض کردند: ای فرزند رسول خدا! ما در منزل شما وسایل و چیزهایی مشاهده می‌کنیم که ناخوشایند ماست (وجود این وسایل در منزل شما را، مناسب نمی‌دانیم!) حضرت فرمود: «إِنَّا نَتَرَوُجُ التِّسَاءَ فَتُعْطِيَنَّهُنَّ مُهُورَهُنَّ فَيَسْتَرِينَ بِهَا مَا شِئْنَ، لَيْسَ لَنَا فِيهِ شَيْءٌ»<sup>۲</sup> (از ازدواج، مهریه زنان را پرداخت می‌کنیم و آن‌ها هرچه دوست داشتند، برای خود خریداری می‌کنند. هیچ یک از وسایلی که مشاهده کردید، از

۱. کافی، ج ۵، ص ۳۲۴، ح ۱.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۷۶.



آن ما نیست.)

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «الْتِسَاءُ يُحِبُّ أَنْ يَرَى بَيْنَ الرَّجَالِ فِي مِثْلِ مَا يُحِبُّ الرَّجَالُ أَنْ يَرَى فِيهِ التِّسَاءَ مِنَ الزَّيْتَةِ»<sup>۱</sup> (همان‌گونه که مردها دوست دارند زن خود را زینت شده ببینند، زن‌ها نیز دوست دارند شوهر خود را آراسته ببینند.)

### امام باقر و لباس زیبا

حکم بن عتیبه نقل می‌کند که بر امام باقر علیه السلام وارد شدم و ایشان در خانه‌ای آراسته بود و لباس لطیف بر تن داشت و عبایی رنگی بر دوش که اثر آن رنگ بر دوشش مانده بود. من به خانه و شمایل ایشان می‌نگریستم. ایشان فرمودند: «ای حکم! در این باره چه می‌گویی؟» گفتم: چه می‌توانم بگویم، چون شما را بر این وضع می‌بینم؛ ولی از نگاه ما این رفتار جوانان تازه بالغ است.

سپس به من فرمودند: «ای حکم! چه کسی زینتی را که خداوند برای بندگانش منظور کرده و یا روزی‌های حلال را حرام کرده است؟<sup>۲</sup> و این، از آن چیزهایی است که خداوند برای بندگانش قرار داده است و اما این خانه‌ای که می‌بینی، خانه همسر من است و تازه عروسی کرده‌ام. خانه من، همان است که می‌شناسی.»<sup>۳</sup>

واقعاً توقع نابجایی است که مرد از همسرش بخواهد از صبح تا شب به خودش برسد و خوش‌پوش و خوش‌تیپ و خرامان نزد او حاضر شود و آرایش کند و بوی عطرش تا آن‌سوی خانه برود و لباس‌های رنگارنگ برای او بر تن کند و او به‌عنوان آقای خانه، بدنش بوی نامطبوع بدهد و باهمان پیژامه‌های مامان دوز و زیرپوش‌های سفید نخی در خانه بچرخد!

آشنایی با مهارت‌های همسررداری، از قواعد اولیه زندگی مشترک است. بسیاری از مشکلات خانواده‌ها، ناشی از عدم شناخت و عدم آشنایی با

۱. بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، ج ۷۳، ص ۱۰۱.

۲. اشاره‌ای است به آیه ۳۲ از سوره اعراف.

۳. الکافی، ج ۶، ص ۴۴۶، ح ۱.



ویژگی‌های زن و مرد، است و این مهارت رابطه مستقیمی با سواد ندارد ممکن است آقا یا خانمی، تحصیلات عالی داشته باشد، ولی در اصول و مهارت‌های همسررداری، بسیار ضعیف باشد و بالعکس این هم اتفاق می‌افتد. یکی از این آسیب‌های عدم شناخت و مهارت، ایجاد توقعات بیجا و غلط است که به برخی از آن اشاره شد.

## ب) مقایسه با خود و دیگران

گاهی مرد و زن توقعاتشان مبتنی بر مقایسه با روحیات و استعداد‌های خودشان است، نه طرف مقابل. یقیناً زن و مرد دو موجود متفاوت هستند که باید توقعاتشان ناظر به این تفاوت‌ها باشد.

### ۱. ضخیم‌بودن پوست مردان و لطافت پوست زنان

آقایان به امورات و وسایل هجوم می‌برند و اجسام خشن و سنگین را جابجا می‌کنند؛ اما خانم‌ها با ملاحظه و احتیاط برخورد می‌کنند چراکه حساسیت لمسی خانم‌ها ۱۰ برابر آقایان است و به همین نسبت آزدگی لمسی آن‌ها زیاد و نیاز به نوازش در آن‌ها بسیار زیاد است.

حال برخی مردها توقع دارند که زن‌ها مثل خودشان اجسام سنگین را جابجا کنند یا در برابر برخی شوخی‌های فیزیکی ناراحت نشوند.

### ۲. سرعت مردان و طمأنینه زنان

یکی از ایرادهایی که دائماً مرد به جنس زن می‌گیرد، سرعت است.

آقا: (سریع‌تر باش، زود حاضر شو!) درحالی‌که سرعت، زن را مسموم می‌کند و با لطافتش منافات دارد؛ مرد با سرعت دادن به زن، لذت و بهره را در او از بین برده و آرامش و تمرکز را در او خراب می‌کند.

### ۳. کلی‌نگری مرد و جزئی‌نگری زن

مردان مدام اعتراض می‌کنند که زن‌ها خیلی حساس هستند و در خرید معطل می‌کنند و زن‌ها اعتراض می‌کنند که مردها بی‌توجه هستند و از همه چیز سرسری عبور می‌کنند درحالی‌که از ویژگی‌های مرد کلان‌نگری است. در خرید خانه به منطقه، سند، مهندسی خانه دقت می‌کند و زن به زیبایی آشپزخانه، شیک بودن حال و ...

---

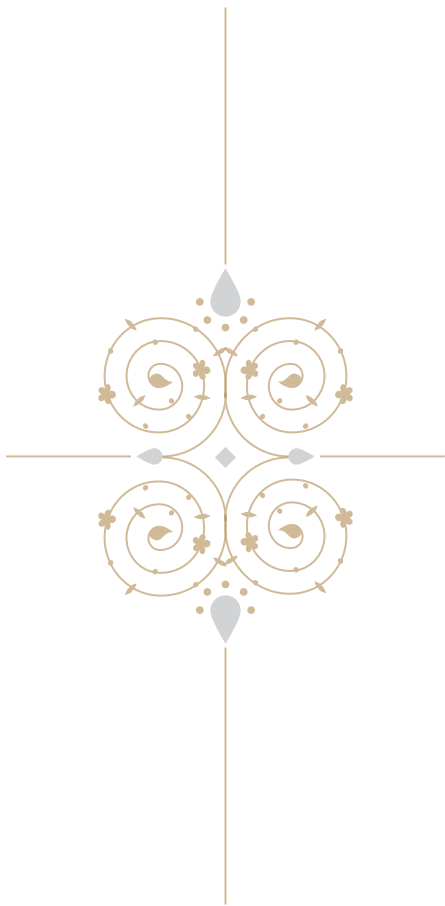
۱. برای مطالعه بیشتر در این زمینه رک: علی حسین‌زاده، همسران سازگار، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی، ۱۳۸۸.

توجه دارد.

### همسری که شوهرش را عاقبت بخیر کرد

کریلا الگوی خوبی برای تعامل مفید و مثبت در  
حیطه خانواده است و خواندن قصه‌های آن ما را به  
الگوهایی می‌رساند که رهروی از راه آن‌ها می‌تواند به  
تعامل مثبت زوجین و نهایتاً به قوام خانواده کمک  
کند.

حبیب بن مظاهر که بیش از ۷۵ سال داشت و از







اصحاب پیامبر ﷺ بشمار می‌آمد، در کوفه پنهان بود و تقیه می‌کرد. وی در صدد بود در یک فرصت مناسب خود را به سپاه امام حسین علیه السلام برساند. او همسر متعهد و قهرمانی داشت که بسیار علاقه‌مند بود، شوهرش به فیض عظمای یاری امام حسین علیه السلام برسد.

حبیب پیرمردی بود که تلاش داشت کسی از مخفیگاه او تصمیم او در پیوستن به سپاه امام حسین علیه السلام آگاه نشود، حتی تصمیم خود را به همسرش نیز نمی‌گفت تا مبادا تصمیم او بر همگان آشکار شود. امام حسین علیه السلام با کاروان خود از مکه بیرون آمده بود و به سوی عراق حرکت می‌کرد، در همین هنگام، امام به حبیب نامه‌ای نوشت و توسط شخصی آن را به کوفه فرستاد.

روزی حبیب کنار همسرش بود. در خانه را زدند، حبیب برخاست و پشت در رفت. قاصدی را دید که نامه امام حسین علیه السلام را به او آورده است. نامه را گرفت و نزد همسرش بازگشت و آن را خواند. نوشته شده بود: این نامه‌ای است از حسین فرزند علی بن ابی‌طالب علیه السلام به سوی مرد دانا، حبیب بن مظاهر. ای حبیب! تو خویشاوندی مرا از پیغمبر ﷺ می‌دانی و تو از هر کس ما را بهتر می‌شناسی. تو مرد بلندطبع (آزاده) و غیرت‌مندی هستی. در یاری ما کوتاهی نکن که در روز قیامت جدم رسول خدا ﷺ پاداش تو را خواهد داد.



حبیب نمی‌خواست کسی از نامه و تصمیم او برای یاری امام حسین علیه السلام آگاه شود تا مبادا جاسوسان جریان او را گزارش دهند، از این رو وقتی بستگان او پس از آگاهی از نامه از او پرسیدند که چه قصدی دارد، او تقیه می‌کرد و می‌گفت: من پیر شده‌ام و از من کاری ساخته نیست.

همسرش در ظاهر دریافت که حبیب از رفتن برای یاری امام حسین علیه السلام سهل‌انگاری می‌کند. به حبیب گفت: گویا برای رفتن به سوی کربلا برای یاری حسین علیه السلام تمایل نداری؟ حبیب خواست همسرش را امتحان کند، به او گفت: آری، تمایل ندارم. همسرش گریست و گفت: ای حبیب! آیا سخن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را در شأن امام حسین علیه السلام فراموش کرده‌ای که فرمود: دو پسر من دو نفر (حسن علیه السلام و حسین علیه السلام) آقای جوانان بهشتند و این دو، دو امام هستند، خواه قیام کنند و خواه قیام نکنند. نامه امام حسین علیه السلام به تو رسیده و تو را به یاری می‌خواهد، آیا پاسخ مثبت نمی‌دهی؟

حبیب گفت: ترس آن دارم که بچه‌هایم یتیم شوند و تو بیوه گردی. همسرش گفت: ما به بانوان و دختران و یتیمان بنی‌هاشم اقتدا می‌کنیم، خداوند ما را کافی است. وقتی حبیب همسرش را آماده یافت، حقیقت را به او گفت و برای او دعای خیر کرد.

هنگام حرکت حبیب، همسرش به او گفت: من حاجتی به تو دارم. وقتی به محضر امام حسین علیه السلام رسیدی، دست‌ها و پاهایش را به نیابت از من ببوس و سلام مرا به او برسان. حبیب گفت: بسیار خوب.

در نقل دیگر آمده است که حبیب از روی احتیاط به همسرش گفت: من دیگر پیر شده‌ام، از سال خوردگان چه کار آید؟ همسرش با اندوهی جانکاه همراه با خشم برخاست و روسری خود را از سرش کشید و بر سر حبیب انداخت و گفت: اکنون که نمی‌روی، مانند زنان در خانه بنشین. سپس با آهی جان‌سوز فریاد زد: ای حسین علیه السلام کاش مرد بودم و می‌آمدم در رکاب تو می‌جنگیدم تا جانم را نثار تو کنم.

حبیب وقتی اخلاص و محبت همسرش را دریافت، خاطرش آرام شد و به او گفت: همسرم، آسوده باش! چشمت را روشن خواهم کرد و این ریش



سفید را با خون گلویم رنگین می‌کنم. خاطرت آرام باشد.

امام حسین علیه السلام در بین راه مکه به کوفه، دعوت نامه‌ای به حبیب بن مظاهر فرستادند. وقتی نامه‌رسان حضرت به خانه حبیب رسید، وی و همسرش مشغول غذا خوردن بودند. ناگهان غذا در گلوئ حبیب بن مظاهر گیر کرد. همسرش این پیشامد را به فال نیک گرفت و گفت: ای حبیب! اکنون نامه‌ای ارزنده از شخصی بزرگوار به دست ما خواهد رسید! در این هنگام، صدای درب منزل شنیده شد. حبیب از جای برخاست و گفت: کیستی؟ نامه‌رسان گفت: من پیام‌رسان حضرت حسین بن علی علیه السلام هستم.

حبیب رو به همسرش، گفت: الله اکبر! راست گفתי ای آزاده زن! و سپس نامه را از نامه‌رسان گرفت و شروع به خواندن کرد. همسر حبیب از مضمون نامه پرسید. حبیب بن مظاهر وی را از مضمون آن آگاه کرد. همسرش با شنیدن پیام نامه به گریه افتاد و گفت: ای حبیب! تو را به خدا در یاری حسین کوتاهی نکن! حبیب گفت: آری! می‌روم تا کشته شوم و محاسنم از خون گلویم رنگین شود.

کوفه در وضعیت حساسی بسر می‌برد. حبیب بن مظاهر نمی‌توانست به طور علنی از کوفه خارج شود، از این رو در فکر راهی برای پیوستن به حضرت ابی عبدالله علیه السلام بود. در این هنگام عموزادگانش به نزد وی آمدند و گفتند: ای حبیب! شنیده‌ایم که قصد داری به حسین ملحق شوی و او را یاری کنی؟ نخواهیم گذاشت که به چنین کاری دست زنی.

حبیب بن مظاهر قصد خود را مخفی داشت و منکر چنین اقدامی شد. آنان نیز با اطمینان خاطر به سوی خانه‌هایشان روانه شدند. همسر وی، با شنیدن این کلمات، نزد وی آمد و گفت: ای حبیب! آیا کراهت داری که به یاری حسین بن علی علیه السلام برخیزی؟ حبیب برای آزمایش همسرش گفت: آری! کراهت دارم!

زن دوباره به گریه افتاد و گفت: ای حبیب! آیا سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در حق حسین بن علی علیه السلام و برادرش را فراموش کرده‌ای که می‌فرمود: «این دو فرزندم سید جوانان بهشتند، این دو امام هستند، چه قیام کنند و چه



سکوت» و این پیام‌رسان و نامه اوست که به سوی تو آمده است و از تو یاری می‌طلبد، آیا تو او را بدون جواب و پاسخ می‌گذاری؟  
حبيب بن مظاهر گفت: از یتیم شدن فرزندانم بعد از خود و بیوه شدن تو می‌ترسم! همسرش پاسخ داد: ما نیز به زنان هاشمی و دختران و ایتام خاندان رسول الله تأسی خواهیم کرد و خداوند کفیل و سرپرست ماست و بهترین وکیل خواهد بود.

حبيب با مشاهده این صداقت و حقیقت، در حق او دعای خیر کرد و او را از قصد خود آگاه ساخت. همسرش گفت: از تو خواسته‌ای دارم! حبيب گفت: آن چیست؟ همسرش گفت: ای حبيب! تو را به خدا قسم اگر به خدمت حسین علیه السلام شرفیاب شدی به نیابت از من دست و پایش را بوس و سلام مرا به حضورش برسان.

حبيب بن مظاهر در پاسخ به یاری خواستن امام حسین علیه السلام به صف یاران امام حسین علیه السلام در کربلا پیوست. وقتی حبيب به حسین می‌رسد و هنگامی که به خیمه امام می‌رود از حال و هوای همسرش می‌گوید و اینکه او تمایلی ندارد به بنی‌اسد برود. او می‌خواهد با زینب باشد و امام در جواب حبيب می‌فرماید: خداوند به همسرت جزای خیر بدهد.

باتوا مقاسم!

امامی تو را دعا کرد که حتی نگاهش هم معجزه است چه رسد به لب گشودنش و دست به دعا برداشتنش؛ تو گرچه مریم و آسیه نبودی، ولی زنی بودی که به حبيب بال‌هایی دادی به وسعت پرواز در کنار حسین و همسرت به واسطه دین‌داری تو اکنون در کنار حسین آرمیده است.<sup>۱</sup>



## جلسه هشتم

# توقعات از فرزندان



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا آمَلَكُمُ وَوَلَدَكُمُ فِتْنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾

بدانید اموال و اولادتان، فقط مایه آزمایش شمایند! مبادا به خاطر آن‌ها به خدا و پیامبر خیانت کنید و بدانید که پاداش‌های بزرگ پیش خداست.)

در جلسه قبل درباره مدیریت توقعات زوجین سخن گفتیم. در این جلسه به مدیریت توقعات والدین از فرزندان می‌پردازیم؛ چه اینکه معتقدیم گسستی که بین والدین و فرزندان در دو دهه اخیر به وجود آمده بسیار بیشتر و دهشتناک‌تر از گسست بین زوجین است. اگر مانند پرداختن به آثار طلاق بین زوجین بنا بود پژوهشی با تمرکز بر فراق فرزندان والدین، چه فرار از خانه و افزایش خانه‌های مجردی و چه گسست عاطفی و ارزشی بین والدین و فرزندان انجام شود، یقیناً متوجه این خطر بزرگ می‌شدیم.

مهم‌ترین عاملی که این گسست را ایجاد کرده و طبیعتاً باعث ایجاد احساس نارضایتی در والدین و فرزندان شده همین عدم تعامل صحیح و مدیریت توقعات مبتنی بر درک واقعی طرف مقابل است.

در ادامه به برخی ویژگی‌ها و توقعات بیجای این دو ضلع اصلی خانواده خواهیم پرداخت.

### خانواده مطلوب

قبل از هر چیز باید بدانیم که خانواده مانند کارخانه‌ای است که ورودی‌ها و خروجی‌هایی دارد.

### ورودی‌ها

این ورودی‌ها عبارت‌اند از مرد، زن، مسکن، درآمد و...

### خروجی‌ها

این خروجی‌ها نیز عبارت‌اند از:



## ۱. فرزند

نهاد خانواده همواره از راه تولیدمثل، ماندگاری نسل بشر را تضمین کرده است، لذا دین اسلام بر مسئله تکثیر نسل خیلی تأکید دارد. خداوند در آخرین کتاب آسمانی‌اش می‌فرماید: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَنْتُوا حَرْثُكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَقَدِّمُوا لِنَفْسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَبَيِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» (زنان شما کشتزار شما هستند؛ پس از هر جا [و هرگونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید و برای شخص خودتان [در بهره‌مندی از آن‌ها] پیش دستی کنید و از خدا پروا کنید و بدانید که او را دیدار خواهید کرد و مؤمنان را [به این دیدار] مژده‌دهد).<sup>۱</sup>

در این آیه کریمه، خداوند با بیان تشبیهی زیبا، ضرورت وجود زن را در اجتماع انسانی یادآور می‌شود و به این نکته مهم اشاره می‌کند که زن وسیله فرونشاندن شهوت و هوس‌رانی مرد نیست، بلکه وسیله‌ای برای حفظ و حیات نوع بشر است و اینکه هدف نهایی از آمیزش جنسی، لذت و کام‌جویی نیست بلکه باید از این موضوع برای پرورش فرزندان شایسته استفاده کرد.<sup>۲</sup>

پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «اِظْلُبُوا الْوَلَدَ فَإِنِّي مُكَاتِبٌ بِكُمْ الْأُمَّمُ» (در طلب فرزند باشید؛ زیرا من بر بسیاری شما بر ملل دیگر می‌نازم).<sup>۳</sup>

بکر بن صالح گوید: به حضرت رضا عليه السلام نوشتم: پنج سال است که از بچه‌دار شدن خودداری کرده‌ام؛ چراکه همسرم فرزند نمی‌خواهد و می‌گوید به خاطر نداری تربیت فرزند مشکل است. امام عليه السلام در پاسخ نوشتند: بچه‌دار شو که خداوند روزیش دهد.<sup>۴</sup>

در روایت دیگری امام رضا عليه السلام پندی از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در مورد انتخاب همسر بیان می‌فرمایند که بیان‌گر اهمیت توجه به فرزندآوری در ازدواج است.

۱. بقره، ۲۲۳.

۲. مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۲، صص ۱۴۱-۱۴۲.

۳. حرّانی، تحف العقول، ص ۱۰۵.

۴. کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۳.



پیامبر ﷺ فرمودند: با زن سیاه زایا ازدواج کن و با زن زیبای نازا ازدواج نکن؛ زیرا در روز قیامت، من به شما بر دیگر امت‌ها مباحثات می‌کنم. آیا نمی‌دانی که فرزندان در زیر عرش برای پدران‌شان طلب آمرزش می‌کنند و ابراهیم علیه السلام آن‌ها را حضانت می‌کند و ساره در کوهی از مشک و عنبر و زعفران پرورش‌شان می‌دهد؟<sup>۱</sup>

## ۲. آرامش

از نظر قرآن، یکی از پیامدهای برجسته ازدواج، حصول حالت سکونت، قرار و آرامش فکری و روحی است: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ»<sup>۲</sup> (و از نشانه‌های او اینکه از [نوع] خودتان همسرانی برای شما آفرید تا بدان‌ها آرام گیرید و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد، آری در این [نعمت] برای مردمی که می‌اندیشند قطعاً نشانه‌هایی است.)

## ۳. معنویت

از بدو تولد دستورالعمل‌هایی برای معنویت‌افزایی در خانواده مورد توجه قرار گرفته که نشانگر اهمیت آن در نهادینه‌کردن فرهنگ دینی در فرزندان است:

### ● گفتن اذان و اقامه در گوش کودک

از سنت‌های مهم و ارزشمند برای آغازین لحظاتی که کودک پا بر کره خاکی می‌گذارد، گفتن اذان و اقامه در گوش کودک است. امام رضا علیه السلام فرمودند: هرگاه فرزندی به دنیا آمد، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او، اقامه بخوان.<sup>۳</sup>

فلسفه این سنت، آن است که کودک در برابر القائات و لغزش‌های

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۴.

۲. روم، ۲۱.

۳. عبید اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۰.





شیطانی حفظ شده زمینه رستگاری او فراهم شود!

### ● گشودن کام کودک با آب فرات

از دیگر سنت‌های مورد توجه امام رضا علیه السلام این است که دهان فرزند، پس از تولد، با آب فرات یا عسل گشوده شود:

«اگر توانستی دهان بچه را با آب فرات یا عسل بگشا»<sup>۲</sup> توجه به این دستور، از این حقیقت پرده برمی‌دارد که اسلام برای لحظه لحظه زندگی برنامه دارد، توجه به مسائل فرهنگی و باورهای مذهبی را مورد توجه ویژه قرار داده است.

### ● آموزش قرآن

قرآن آخرین نامه الهی است که در بردارنده برنامه‌ای جامع برای سعادت دنیا و آخرت انسان‌ها است. توجه به قرآن در خانواده و هم‌جواری با آن و حضور در محضر این کتاب آسمانی عامل مهمی برای گسترش فرهنگ دینی در خانواده است. امام رضا علیه السلام فرمودند: برای خانه‌های خود بهره‌ای از قرآن کریم قرار دهید؛ زیرا در خانه‌ای که قرآن قرائت شود، گشایش برای ساکنانش فراهم آید و خیرش فراوان شود و اهل خانه در برکت و فزونی باشند.<sup>۳</sup>

خلاصه کلام اینکه هر اقدامی که برای تقویت بنیان خانواده در تعامل با افراد خانواده صورت بگیرد عبادت محسوب می‌شود:

### ● از نگاه کردن زوجین به یکدیگر

● رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌فرمایند: هرگاه بنده به چهره همسرش و همسرش به چهره او بنگرد، خداوند به آن دو، بانگاه مهرآمیز می‌نگرد.<sup>۴</sup>

۱. مجلسی، بحار الانوار، ج ۸۱، ص ۱۶۲.

۲. بحار الانوار، ج ۱۰۱، ص ۱۱۶.

۳. بحار الانوار، ج ۸۹، ص ۲۰۰.

۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶.



### ● تانگاه کردن فرزندان به والدین

در جای دیگری رسول خدا ﷺ می فرمایند: «مَا مِنْ رَجُلٍ يَنْظُرُ إِلَى وَالِدَيْهِ نَظْرَ رَحْمَةٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِكُلِّ نَظْرَةٍ حَجَّةً مَبْرُورَةً قَبْلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ مَرَّةٍ قَالَ وَإِنْ نَظَرَ إِلَيْهِ فِي الْيَوْمِ مِائَةَ أَلْفِ مَرَّةٍ»<sup>۱</sup> (هر فرزندی که نگاه رحمت بار به پدر و مادر کند، برای هر نظری ثواب حج مقبول داده می شود. سوال کردند یا رسول الله! اگرچه در هر روز صد مرتبه به چهره آنان بنگرد؟ به او ثواب صد حج داده می شود؟ حضرت فرمودند: آری، خداوند عظمت و بزرگی اش وصف ناپذیر است.)

### ● تابوسیدن های فرزند

امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می فرماید: «مَنْ قَبَّلَ وَلَدَهُ كَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ حَسَنَةً وَمَنْ فَرَحَهُ فَرَحَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَمَنْ عَلَّمَهُ الْقُرْآنَ دُعَى بِالْبَوَّيْنِ فَيُكْسِيَانِ حُلَّتَيْنِ يُضِيءُ مِنْ نُورِهَا وَجُوهَ أَهْلِ الْحِجَّةِ» (هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند عَزَّ وَجَلَّ برای او ثواب می نویسد و هرکسی که او را شاد کند، خداوند روز قیامت او را شاد خواهد کرد و هرکس قرآن به او بیاموزد، پدر و مادرش دعوت می شوند و دو لباس بر آنان پوشیده می شود که از نور آنها، چهره های بهشتیان نورانی می شود.)<sup>۲</sup>

### ● تارتباط عاطفی

رسول خدا ﷺ می فرمایند: هرگاه [زن و شوهر] دست یکدیگر را بگیرند، گناهان آن دواز میان انگشتان شان فرومی ریزد.<sup>۳</sup>

### ● «جِهَادُ الْمَرْأَةِ حُسْنُ التَّبَعْلِ» (جهاد زن نیکو شوهرداری است).<sup>۴</sup>

### ● و حتی کارهای روزمره

۱. مستدرک الوسائل ومستنبط المسائل، ج ۱۵، ص ۲۰۴.

۲. کافی، ج ۶، ص ۴۹.

۳. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶.

۴. صدوق، الفقیه، ج ۳، ص ۴۳۹.



#### ۴. محبت

خداوند اولین کسی است که به زوجین هدیه می‌دهد آن هم چه هدیه‌ای؟ هدیه‌ای که غیر از او نمی‌تواند اعطا کند، هدیه‌ای که اگر همه پول‌های عالم را هزینه کنید نخواهید توانست آن را تهیه کرد، چه اینکه با پول می‌توان زن خرید ولی عشق را نمی‌توان، بنابراین خداوند است که محبت را به زوجین هدیه می‌دهد.

﴿وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً﴾ (و میان‌تان دوستی و رحمت نهاد). اولیای دین برای تحقق و تثبیت این محبت در خانواده دستوراتی داده‌اند که یقیناً می‌تواند به افزایش عشق در خانواده منجر شود. پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمودند: هرگاه بنده به چهره همسرش و همسرش به چهره او از روی محبت بنگرد، خداوند به آن دو، با نگاه مهرآمیز می‌نگرد.<sup>۱</sup>

در روایت زیبایی امام هادی عَلَيْهِ السَّلَام از الفت دل‌ها و ایجاد مهر و محبت به‌عنوان ثمرات پیوند آسمانی ازدواج یاد می‌کنند: خداوند، وصلت را مایه الفت دل‌ها و پیوستگی نسبی قرار داد. رشته‌های خویشاوندی را [به واسطه وصلت] به هم پیوست و آن را مایه مهر و محبت ساخت. در این [پدیده]، برای مردمان، نشانه‌هایی [از قدرت و رحمت خداوند] است.<sup>۲</sup>

امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام نیز الفت بخشیدن میان دل‌ها و افزایش مهر و محبت را یکی از فلسفه‌های ازدواج بیان می‌کند و می‌فرماید: «نیکی کردن به خویشاوند و نزدیک ساختن افراد دور به یکدیگر و الفت بخشیدن میان دل‌ها [از آثار ازدواج است].<sup>۳</sup>

#### ۵. مهارت

مهم‌ترین مهارت‌هایی که باید در کلاس خانواده آموزش داده شود ده

۱. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۷۶.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۷۳.

۳. بحار الانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۶۴.



مهارت کلیدی زیر است که نیاز به مجال مفصلی برای تبیین و تشریح دارد و در این مقال به ارائه فهرست آن‌ها اکتفا می‌شود. مهارت‌هایی مانند مهارت عبودیت، مهارت پایداری، مهارت مدیریت احساس، مهارت تفکر، مهارت تصمیم‌گیری، مهارت مدیریت اطلاعات، مهارت ارتباط مؤثر، مهارت همکاری، مهارت مدیریت غریزه جنسی، مهارت همدلی.

### ویژگی‌های فرزند و توقعات والدین

آنچه امروز شاهدش هستیم نسلی است با مختصات کاملاً متفاوت. اگر این نسل را آن‌چنانکه هست شناسیم مطمئناً در تعامل با آن دچار مشکلات فراوان و نهایتاً گسست نسلی خواهیم شد. اگر نتوانیم با فرزندانمان تعامل سازنده - که نهایتاً خود را در میزان و نوع توقعاتمان از آن‌ها نشان می‌دهد - داشته باشیم در آینده نزدیک نسلی که باید ادامه‌دهنده ارزش‌های اصیل و سرمایه‌های گران‌قیمت ما از جمله اسلام، مکتب اهل بیت، قرآن، حجاب، زیارت و... باشد تبدیل به نسلی عصیان‌گر علیه همه خوبی‌ها خواهد شد.

از این نسل به تعبیر مختلفی اسم برده‌اند نسل Z، نسل بومیان دیجیتال و... اما آنچه واقعیت این نسل است این است که:

### ۱- در معرض ارتباطات گسترده است

ارتباطاتی که سه ویژگی دارد:

- سهل الوصول است.
- غیرقابل اعتماد است.
- محدودیت فرهنگی، جغرافیایی، صنفی و... ندارد.

باتوجه به آمارهای رسمی، کاربران ایرانی حضور چشم‌گیری در شبکه‌های اجتماعی دارند. گزارش تحلیلی «بیگ دیتای دیتاک» که رفتار کاربران ایرانی را در سال گذشته (۱۴۰۱) در شبکه‌های اجتماعی مختلف پایش کرده است نشان می‌دهد که ایرانی‌ها علی‌رغم مواجهه بودن با محدودیت‌ها



و فیلترینگ در شبکه‌های اجتماعی، همچنان از این شبکه‌ها استفاده می‌کنند و تلگرام به صدر استفاده ایرانی‌ها از پیام‌رسان‌های مختلف بازگشته است.

براساس گزارشی که دیتاک منتشر کرده است کاربران ایرانی با وجود محدودیت‌های فیلترینگ، کماکان در شبکه‌های اجتماعی مختلف خارجی فعال هستند و از پیام‌رسان‌های بین‌المللی به صورت گسترده استفاده می‌کنند.

● تلگرام: ۵۸ تا ۶۱ میلیون کاربر

● اینستاگرام: ۴۲ تا ۴۶ میلیون کاربر

● توییتر: ۴ تا ۳.۵ میلیون کاربر

براساس این گزارش، اپلیکیشن تلگرام با وجود فیلتر بودن، همچنان در صدر استفاده کاربران ایرانی قرار دارد و بین ۵۸ تا ۶۱ میلیون کاربر ایرانی دارد.

پس از تلگرام، اینستاگرام با داشتن ۴۲ تا ۴۶ میلیون کاربر ایرانی، در رده دوم قرار دارد.

توییتر هم با داشتن ۴ تا ۳.۵ میلیون کاربر ایرانی در رده سوم فعالیت از نظر شمار کاربران ایرانی قرار دارد. این نسل به ارتباطات مجازی و رسانه‌های دیجیتال علاقه شدیدی دارد. به طور مثال در جریان اغتشاشات سال ۱۴۰۱، دانلود و استفاده از فیلترشکن در ایران به شدت افزایش یافت، چون این نسل به رسانه‌های دیجیتال وابستگی دارند و از طرفی در سال‌های گذشته این وابستگی شدیدتر شده است.

### میزان فعالیت کاربران ایرانی در تلگرام

● براساس گزارش دیتاک، کاربران ایرانی تلگرام به صورت میانگین ۲۲ پست در ثانیه منتشر می‌کنند.

● در هر ثانیه، ۲۷ هزار پست تلگرامی توسط کاربران ایرانی مشاهده



می‌شود.

- هر پست تلگرامی به صورت میانگین هزار و دویست بازدید دارد.
- حدود ۱۰ درصد از پست‌های تلگرام محتوای بازنشر شده است. اغلب کانال‌های تلگرامی، محتوا را کپی کرده و سپس بازنشر می‌کنند و محتواها را از کانال‌های مبدأ به صورت مستقیم فوروارد نمی‌کنند.
- تنها ۳۶ درصد از کانال‌های عمومی (Public) در تلگرام به صورت مستمر فعالیت دارند.

### میزان فعالیت کاربران ایرانی در اینستاگرام

علی‌رغم تصور اولیه مبنی بر اینکه با وجود محدودیت روی شبکه اجتماعی اینستاگرام، از شمار کاربران یا فعالیت در این پلتفرم کاسته می‌شود، داده‌هایی که دیتاک منتشر کرده نشان می‌دهد که از زمان ایجاد محدودیت روی این شبکه از شهریور ۱۴۰۱، حجم محتوای عمومی این بستر به مرور افزایش هم یافته است.

- تاکنون ۴۵۰ میلیون پست از ۶ میلیون صفحه عمومی (Public) متعلق به کاربران ایرانی در اینستاگرام منتشر شده است.
- به صورت میانگین ۱۴ پست در ثانیه توسط کاربران ایرانی در اینستاگرام منتشر می‌شود.
- کاربران ایرانی در هر ثانیه بیش از ۲۵ هزار بار پست‌های اینستاگرام را می‌بینند.
- حدود یک درصد از کاربران پس از مشاهده یک پست در اینستاگرام، آن را لایک می‌کنند.

### میزان فعالیت کاربران ایرانی در توییتر

توییتر فارسی با حضور گیک‌های فناوری و فعالان حوزه رسانه، آیتی و سیاست شکل گرفت؛ تا پیش از اعتراضات شهریورماه ۱۴۰۱، شخصیت‌های گروه‌های مرجع نیز به فعالان این پلتفرم اضافه شدند. با



آغاز اعتراضات فعالیت قشر جوان جامعه نیز در توییتر فارسی افزایش یافت.

درمجموع فضای پلتفرم توییتر یک فضای قطبی است و همین موضوع، یکی از دلایل عدم فعالیت پررنگ کسب‌وکارهای ایرانی در این شبکه اجتماعی است.

● تاکنون ۷.۳۵ میلیارد توییت از ۹.۱ میلیون کاربر ایرانی در توییتر منتشر شده است.

● کاربران ایرانی به صورت میانگین در هر ثانیه ۲۳۳ توییت منتشر می‌کنند!

### توقع کوچ از مجازی جذاب به حقیقی سرد ممنوع

این دل‌بستگی به خاطر این است که روابط مجازی تأمین‌کننده نیازهای حقیقی و حتی کاذب فرزندان ماست. نیاز به دیده شدن، نیاز به شخصیت، نیاز به لذت، نیاز به هیجان را برای فرزند همین فضای مجازی تأمین می‌کند. حال اگر روابط حقیقی در خانواده تأمین‌کننده نیاز فرزند نباشد نباید توقع داشت که فضای مجازی جذاب را کنار گذاشته وارد روابط سرد در فضای حقیقی شود.

### چه باید کرد؟

باید از تهدید فضای مجازی فرصتی برای تقویت روابط حقیقی ایجاد کرد. مثلاً ارتباط تصویری با همسر و فرزند و خدایوت به او، به اشتراک گذاشتن حس خوبی که تجربه می‌کنیم، راه‌اندازی گروه‌های خانوادگی برای صلح‌رحم مجازی، فضای مجازی بستری برای تقویت مهارت‌ها و دانش‌های مفید.

- باید فضای حقیقی را در تأمین نیازها توانمند کرد.
- با راه‌اندازی بازی‌های دسته‌جمعی هیجان فرزند را تأمین کنیم.
- با مشورت گرفتن از فرزند و مسئولیت دادن به فرزند، نیاز به شخصیت



راتأمین کنیم.

- با دیدن و تقویت توانمندی‌های او، نیاز به دیده شدن را در فرزند تأمین کنیم.
- با مدیریت زمان باید حضور در هر دو فضا تعدیل کرد.
- مهارت‌آموزی مدیریت زمان می‌تواند حضور فرزند را در فضای مجازی کاهش دهد.

### توقع دوست‌یابی صحیح ممنوع

والدین مدام نگران این هستند که فرزندانشان با افراد ناباب یا جنس مخالف ارتباط برقرار کنند و توقع دارند که علی‌رغم سهولت در ارتباط، گستردگی افراد مرتبط، ایمن بودن ارتباطات مجازی فرزندشان مبتلا نشود. ما به فرزندانمان چه آموزشی برای این خودکنترلی داده‌ایم؟ مثل این است که فرزندی که اصلاً شنا به او نیاموخته‌ایم را در قسمت عمیق استخر بیندازیم و توقع داشته باشیم که غرق نشود، این توقعی بیجاست.

چه باید کرد؟

### آموزش سواد رسانه به فرزندان

- آموختن شاخص‌های دوست خوب
- فرزندان ما باید بدانند که دوست خوب چه ویژگی‌هایی دارد و چگونه می‌شود دوست خوب را از دوست بد تشخیص داد.

### هشدار نسبت به آسیب‌های فضای مجازی

- جلب اعتماد با محبت کردن به او تا در مواقعی که دچار تردید یا انحراف شد از ما کمک بگیرد نه از فضای مجازی
- باتوجه به توسعه امکانات و ابزار ارتباطی، افزایش فرقه‌ها و گروه‌های انحرافی، افزایش شبهات و... نسل جدید در معرض انحرافات اخلاقی زیادی است.





بر اساس آمار سایت بین‌المللی مبارزه با هرزه‌نگاری کانوننت آیز، ۲۴٪ دارندگان تلفن همراه، تصاویر مستهجن در گوشی خود دارند. ۹۰٪ پسران و ۶۰٪ درصد دختران قبل از ۱۸ سالگی به فیلم‌های غیراخلاقی دسترسی دارند. در سال ۲۰۱۸، درآمد صنعت محتوای مستهجن به بیش از ۹۷ میلیارد دلار رسیده است.

هر ثانیه ۱۴۷ گیگابایت دانلود فیلم مستهجن در دنیا رخ می‌دهد.

۵،۵۱۷،۷۴۸،۸۰۰ ساعت در یک سال معادل حدود ۳۶۰/۰۰۰ سال زمان برای دیدن فیلم‌های مبتذل صرف می‌شود.

تنها در سال ۲۰۱۸ به اندازه ۱۱۵ سال فیلم جدید آپلود شده است. ۹۲ میلیون نفر بازدیدکننده در یک روز ۳۳/۵ میلیارد بازدید در طول سال به ثبت رسیده است. ۱۰۹،۰۱۲،۰۶۸،۰۰۰ تعداد فیلم‌های دیده شده در دنیا است، به طور متوسط هر انسان ۱۴ ویدیوی مبتذل دیده است.

توقع پاک ماندن در زمین لیز ممنوع!

با این همه فساد چگونه فرزند من خودش را نگه دارد؟

هرچه فضا آلوده‌تر باشد نیاز به معنویت نیز بیشتر در انسان احساس می‌شود و برای تقویت معنویت باید چند اقدام انجام داد؟

● تقویت ارتباط با مراکز مذهبی اعم از مسجد و هیئات

● ارائه بسته‌های معنویت‌ساز مختصر و مؤثر

● خواندن دعای عهد

● زیاد صلوات فرستادن

● نماز اول وقت

● سلام دادن بر ابا عبدالله عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱. موسسه covenanteyes یک موسسه معتبر آمریکایی است که در ۱۵۰ کشور دنیا دفتر دارد و آمار این سایت مبنای محاسبات راهبردی و تدوین قانون در اتحادیه اروپا و آمریکا قرار می‌گیرد.



### ۳- روحیه هیجان محور دارد

هیجان به خودی خود پدیده مضر نیست. هیجان‌ها ارزش انطباقی دارند و در طول سالیان سال به بقای انسان کمک کرده‌اند. به‌عنوان مثال اگر ما عصبانی نشویم هیچ وقت نمی‌توانیم از حقوق خود دفاع کنیم. اگر در مواقع خطر ترس و اضطراب را تجربه نکنیم در موقعیت‌های خطرناک نمی‌توانیم عکس‌العمل مناسب نشان بدهیم؛ بنابراین ما نیاز داریم که خشم سالم، غم سالم و به‌طور کلی هیجان را به‌طور سالم تجربه کنیم.

هیجان وقتی در دسرساز می‌شود که ما نتوانیم به‌طور سالم آن را تجربه کنیم و خشم، عصبانیت یا اضطراب خود را به‌طور نامناسب بروز دهیم. مثلاً آقا یا خانمی که عصبانی است آن را به‌طور نامناسبی به همسر خود ابراز می‌کند (فحاشی، قهر و...). این ابراز نامناسب هیجان در روابط این فرد به شدت تأثیر می‌گذارد و روابط بین فردی وی تحت تأثیر قرار می‌گیرد.

براساس پژوهش‌هایی که در حوزه جمع‌آوری دیتا (داده و اطلاعات) در شبکه‌های اجتماعی انجام شده، پرتکرارترین هشتگ‌های استفاده شده در توییتر فارسی در سال ۱۴۰۰ کلمه‌های «اگزو»<sup>۱</sup> و گروه‌های «کی‌پاپ»<sup>۲</sup> کره‌ای است که آمار آن به شدت بالاست.

موسیقی خارجی کی‌پاپ کره‌ای ۷۷ درصد، هشتگ پرتکرار حوزه فرهنگی در سال ۱۴۰۰ توییتر فارسی بوده است.

توقع پرهیز مطلق از هیجان ممنوع!

توقع داریم در این دنیای آشفته که از یک طرف موسیقی‌های مبتذل در دل جوانان رسوخ می‌کند و از طرفی مدل‌های مختلفی برای هیجان‌آفرینی نسل نو پدید آورده‌اند فرزندان ما هیچ‌گرایشی به این مقوله نداشته باشند. این

۱. اگزو، گروه خوانندگی پسرانه کره‌ای-چینی است این گروه از نه عضو تشکیل شده است. این گروه در سال ۲۰۱۱ توسط کمپانی اس‌ام انترتینمنت تشکیل شد.

۲. یک ژانر از موسیقی عامه‌پسند و خاستگاه آن کره جنوبی است. این ژانر تحت تأثیر سبک‌ها و ژانرهای مختلفی از سراسر جهان بوده است.



توقع تازمانی که نتوانیم نیاز به هیجان را در فرزندمان تعدیل کرده و تأمین کنیم توقع بیجایی است.

### چه باید کرد؟

#### ارتقاء قدرت تشخیص

گاهی فرزندان ما از روی ناآگاهی مبتلا به هیجان‌های کاذب و بعضاً حرام می‌شوند، وظیفه والدین این است که به آن‌ها بیاموزند هیجان منفی چگونه هیجانی است و چگونه باید مدیریت شود. برای مقابله و کنترل هیجان باید افکاری که این هیجان را ایجاد کرده است شناسایی کنیم و پس از شناسایی این افکار، باید آن‌ها را ارزیابی و بررسی کنیم که این فکارتا چه حد صحیح هستند و چقدر تحریف شده‌اند.

#### جایگزین مثبت

برای این افکار باید فکر جایگزین پیدا کنیم، مثلاً وقتی شخصی در کاری شکست خورده است به جای اینکه فکر کند من کلاً آدم بی‌عرضه‌ای هستم به خود بگویم من باید تلاش بیش‌تری می‌کردم. اگر برخی امور را در مسیر ایجاد و ارضاء هیجان‌ات مضر می‌بینیم باید برای فرزندان جایگزین مناسب در نظر بگیریم، مثلاً موسیقی حلال، بازی‌های رایانه‌ای مطلوب، فیلم‌های خوب و... می‌تواند تا حد زیادی از ابتلاء به هیجان‌های نامطلوب جلوگیری کند.

#### ۴- روحیه فردگرایی و استقلال طلبی دارد

این نسل به دلیل رفتن به سمت فردگرایی، به دنبال داشتن تربیون خاص خود است؛ او در شبکه‌های اجتماعی تربیون خود را دارد. به خاطر همین ویژگی است که اظهارنظرها و احساسات شخصی خود را به صورت آزادانه بروز می‌دهد.

آن‌ها نظرات خود را بیان می‌کنند. این نسل در اینستاگرام استوری پشت استوری می‌گذارد، نظر می‌دهد، کامنت می‌گذارد. نسل جدید اهل گفتگو بحث است، البته نه برای پیدا کردن حقیقت، بلکه برای اقناع دیگران و



همراه‌سازی آن‌ها با خود.

### توقع اطاعت بی‌چون و چرا ممنوع

این نسل حاضر به اطاعت محض از هیچ‌کس نیست، چون خودش را صاحب عقل و اندیشه و نظر می‌داند؛ بنابراین توقع اینکه هرچه ما می‌گوییم بدون هیچ توضیح منطقی، قبول کند توقع بیجایی است.

#### چه باید کرد؟

- باید برای این نسل توضیح داد، تبیین کرد تا بپذیرد.

### الزامات اقناع نسل جدید

#### اعتماد علمی

باید بپذیرند که والدین از نظر علمی در جایگاهی هستند که می‌توانند او را قانع کنند، لذا باید والدین مدام خود را بروز نگه دارند و البته اگر مطلبی را نمی‌دانند اصطلاحاً نپیچانند یا به متخصص ارجاع دهند و یا صریح اقرار به ندانستن کنند و قول بدهند در زمان دیگری بعد از تسلط بر موضوع، گفتگو را ادامه خواهند داد.

#### ارتباط عاطفی

گاهی اقناع فرزند ربطی به کیفیت مطالب ندارد، بلکه فرزند دچار لج‌بازی شده است و می‌خواهد از والدین انتقام سخت‌گیری‌های آن‌ها را با بحث و خورد کردن اعصاب آن‌ها بگیرد در این‌گونه مواقع بحث کردن فایده‌دهنده ندارد بماند، بلکه هرچیزی را که اثبات کنیم منفور فرزند خواهد بود.

#### مهارت گفتگو

گاهی فرزند هم رابطه عاطفی خوبی با ما دارد و هم ما را به‌عنوان استاد خودش قبول دارد ولی گفتگوها نتیجه‌بخش نیست، یکی از علت‌ها این است که والدین در گفتگو از مهارت لازم برخوردار نیستند، در دقایق اول گفتگو به چالش می‌خورند و گفتگو ادامه پیدا نمی‌کند.



## ۵- «فرقه‌گرا» است

«آماندا مونتل» در کتاب «فرقه‌گرایی» در مورد نسل‌ها صحبت می‌کند: فرقه‌گرایی شدیدی در میان نسل جدید وجود دارد و آن‌ها به دلیل تلاطم‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی، غرق در این فرقه‌گرایی شده‌اند. به طور نمونه، در اعتراض‌های اخیر، نسل جوان ما کنش فرقه‌گرایانه داشت. دنباله‌روی از سلبریتی‌ها، کنشی فرقه‌گرایانه است. نسل جدید دنبال اینفلوئنسرها و سلبریتی‌هاست.

کتاب فرقه‌گرایی می‌گوید نسل جدید کاملاً دل‌مشغول سلبریتی‌هاست، چون سلبریتی را دوست دارد. سلبریتی فردی است که همه ایده‌آل‌های جوان را دارد. به طور مثال کسی که درس نخوانده و در اینستاگرام به ثروت زیادی رسیده یا از بازی‌کردن درآمدی بالا کسب کرده، جوان از این فرد طرفداری می‌کند و «فرهنگ طرفداری» رشد می‌یابد.

ما با نسلی مواجهیم که تحت تأثیر فرهنگ شهرت و طرفداری است؛ دوست دارد فن و هوادار باشد. فرهنگ طرفداری رفتاری فرقه‌گونه است که نمی‌تواند بدون وجود نت و شبکه‌های اجتماعی به وجود بیاید. در بین صفحات اینستاگرام بیش‌ترین صفحاتی که در یک سال اخیر مورد بازدید قرار گرفته صفحات سلبریتی‌هاست.



## فهرست 10 صفحه اول ایرانی اینستاگرام

ردیف	نام صفحه	موضوع	تعداد فالوور	جنسیت
1	مهناز افشار	خواننده، مدل و بازیگر	17 میلیون	مؤنث
2	بهنوش بختیاری	خواننده، مدل و بازیگر	9 میلیون	مؤنث
3	سحر قریشی	خواننده، مدل و بازیگر	11 میلیون	مؤنث
4	رامبد جوان	خواننده، مدل و بازیگر	11 میلیون	مذکر
5	الناز شاکرپورست	خواننده، مدل و بازیگر	10 میلیون	مؤنث
6	ترانه علی دوستی	خواننده، مدل و بازیگر	8 میلیون	مؤنث
7	رضا گلزار	خواننده، مدل و بازیگر	13 میلیون	مذکر
8	بهنوش طباطبائی	خواننده، مدل و بازیگر	9 میلیون	مؤنث
9	آرمن ۱۲۱ اقدام	خواننده، مدل و بازیگر	10 میلیون	مذکر
10	تنگین میرصالحی	خواننده، مدل و بازیگر	7 میلیون	مؤنث

## توقع تقلید در امور ممنوع!

تا زمانی که فرزندان ما دنباله‌رو سلبریتی‌ها هستند هرگز در امور گوناگون از والدین، الگوهای دینی و رویه‌های مطلوب پیروی نخواهد کرد.

او سلبریتی‌ها را موفق می‌داند و معتقد است که بدون زحمت، بدون طی کردن مراحل معمول تحصیلی و... می‌توان به این میزان از شهرت و محبوبیت و ثروت رسید و تا زمانی که این تفکر در اوجود داشته باشد چرا باید از والدینی الگو بگیرد که نه شهرتی دارند و نه ثروتی.

## چه باید کرد؟

- تغییر ملاک‌ها، هدف‌گذاری و نگاه فرزند
- شهرت و ثروت به هر قیمتی مطلوب نیست، ببین با چه چیزی قرار است مشهور و ثروتمند شوی؟ با کثیف‌خواری و لودگی در فضای مجازی؟ با به نمایش گذاشتن بدن در فضای مجازی؟ با اهانت به ارزش‌ها و همراهی با دشمنان؟
- بعلاوه اینکه این شهرت‌ها زودگذر است و بسیاری از سلبریتی‌ها در مقطعی مشهور بودند ولی نهایتاً در غربت از دنیا رفتند.
- در حالی که الگوهای دینی و ملی با عمل به ارزش‌های مثبت مشهور و



محبوب شدند آن‌هم یک شهرت ماندگار، تختی چه کرد که مشهور و محبوب شد؟ مگر ما کم کشتی‌گیر داشتیم؟

### ترحم بر حریف

الکساندر مدوید، قهرمان افسانه‌ای کشتی جهان که در رقابت‌های جهانی تولیدوی آمریکا توانست بر غلامرضا تختی غلبه کند، درباره مسابقه معروفش با جهان‌پهلوان ایرانی‌ها چنین می‌گوید: «قبل از آنکه غلامرضا را به طور کامل بشناسم و او را بهترین رفیق ورزشی خود بدانم، به او فقط به عنوان یک رقیب خطرناک و مدعی احترام می‌گذاشتم تا اینکه آن ماجرای معروف پیش آمد.

من از ناحیه پای راست آسیب دیده بودم و غلامرضا در حال عبور از رختکن به چشم دید که پزشک تیم شوروی در حال بانداز پای مصدوم من است. همان لحظه دکتر به من گفت کارت تمام است، حریف فهمید پای راست تو آسیب دیده و راحت شکستت می‌دهد؛ حتی سرمربی تیم از من خواست انصراف بدهم و کشتی نگیرم، اما من روی تشک حاضر شدم و غلامرضا حتی یک بار هم به پای آسیب‌دیده من دست نزد. او کشتی را با نتیجه مساوی و به خاطر وزن بیشتر به من باخت، اما برنده واقعی او بود.<sup>۱</sup>

### ترحم بر حریف

یکی از کشتی‌های قابل توجه غلامرضا با (پتکوف سیراکف) قهرمان نامدار بلغارستان است. غلامرضا در این کشتی حریف را زیر گرفت و او را خاک کرد و باز هم پای او را در سگگ خود تحت فشار قرار داد. دقیقه سوم کشتی بود که فشار سگگ موجب ناراحتی شدید پای سیراکف شد.

او با دست به پایش اشاره کرد، تختی که متوجه ناراحتی او شده بود سیراکف را رها کرد و از جا بلند شد. فریاد اعتراض تماشاچیان بلند شد که چرا این کار را کردی؟ سیراکف که این عمل جوانمردانه را از حریف خود دید، منتظر داور نشد و دست تختی را به عنوان برنده بلند کرد.<sup>۲</sup>

1. <https://www.mehrnews.com/news/4505820>

۲. مجله امید انقلاب، آبان ۱۳۸۵، ش ۳۷۲.



### ترحم بر فقرا

با اینکه در فقر دست و پا می‌زد و نیاز مبرم به پول داشت، وقتی یک شرکت تولید عسل از او خواست که یک کار تبلیغاتی برای آن‌ها انجام دهد و پول هنگفتی دریافت کند، تختی نپذیرفت و گفت: شما در تلویزیون نشان می‌دهید که تختی دارد عسل می‌خورد، بچه‌های فقیر می‌بینند، من نمی‌توانم باعث حسرت خوردن فقرا شوم.<sup>۱</sup>

### مردم دوستی

زمانی که تختی از مسابقات یوکوهامای ژاپن با مدال طلا بازگشت، تیم قهرمان را به دیدار شاه بردند. شاه که کینه تختی را بردل داشت، در مقابل او مکثی کرد و گفت: شما دیگر باید کشتی را کنار بگذاری و مربی شوی.

تختی گفت: من برای این مردم چیزی ندارم جز کشتی. این آخرین فرصت‌های من است که برای آن‌ها کشتی بگیرم و خوشحالشان کنم.<sup>۲</sup>

### حاج قاسم سلیمانی

حاج قاسم چطور ماندگار شد و بیش از ۵۰ میلیون جمعیت در تشییع جنازه او شرکت کردند؟ مگر سردار نظامی کارکشته کم داشته‌ایم؟

### احترام به والدین

راننده حاج قاسم نقل می‌کند تا آنکه آیه **﴿وَاحْفَظْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمُهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾**<sup>۳</sup> را برای حاج قاسم خواندم، شروع به گریه کرد و بعد از گریه گفت: درست است من هر روز یا یک روز در میان، زنگ می‌زدم و احوال پدرم را می‌پرسیدم این دفعه یک عملیات سختی بود و داعشی‌ها در املی این قدر شیعه‌ها را اذیت می‌کردند و خود و بچه‌هایشان را می‌کشتند که من ۴ یا ۵ روز سخت درگیر شدم و نتوانستم با پدرم تماس بگیرم.


۱. امیرحسین فردی، تختی افسانه نبود، ص ۱۲۳.

۲. مجله دیدار آشنا، خرداد ۱۳۸۷، ش ۹۳.

۳. اسراء، ۲۴.

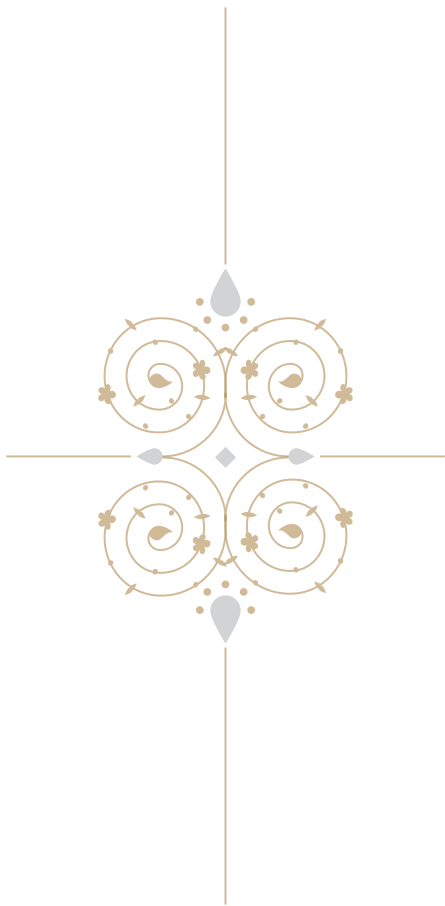






حاج قاسم همان شب با وجود خستگی گفت: به قنات ملک برویم. حدود ساعت‌های یک یا یک‌ونیم شب که رسیدیم به سر مزار مادرشان رفتیم و صبح زود نیز بعد از اقامه نماز صبح، دوباره سر مزار مادرشان رفتیم.

سپهد شهید آن چنان دل بسته پدر و مادرش بود که در آخرین وصیت‌نامه خود محسورشدن و دیدار ملاقات با آنان را از خداوند متعال مسئلت می‌کند و





می نویسد: «خداوند! تو را سپاس که مرا از پدر و مادر فقیر، اما متدین و عاشق اهل بیت و پیوسته در مسیر پاکی، بهره‌مند نمودی. از تو عاجزانه می‌خواهم آن‌ها را در بهشتت و با اولیائت قرین کنی و مرا در عالم آخرت از درک محضرشان بهره‌مند فرمایی.»

این خاطره زیبا را خود شهید سلیمانی نقل می‌کرد: «یک زمانی وقتی می‌خواستم بروم «مأموریت» گفت: «ننه بمون، گفتم ننه کار مهمی دارم دو روزه برمی‌گردم.» گفت: «هی می‌گویی آمریکا، آمریکا، آمریکا، من هم مادرتم...» گفتم قول می‌دهم زود برگردم، گفت ممکن است من را نبینی، خیلی باور نداشتم که مادرم رفتنی است. تصمیم گرفتم که نرم و تأخیر بیندازم. رفتم یک دوری زدم و برگشتم، دیدم خواهرهایم مادرم را قانع کردند. گفت: ننه می‌خواهی بروی برو!

سردار در ادامه این‌گونه روایت می‌کند: «من دم‌آخر چیزی در ذهنم بود و آن اینکه کف پای مادرم را ببوسم. خیلی وقت‌ها دلم می‌خواست این کار را بکنم ولی نمی‌شد یا خجالت می‌کشیدم... ناخودآگاه تا دم‌در رفتم و برگشتم و کف پای مادرم را بوسیدم؛ و این توفیق نصیبان شد.»

### ایثار حاج قاسم

حاج قاسم جانباز شمیایی ۷۰ درصد بود و دست راستش مجروح و



شکمش در عملیات «بستان» پاره شده بود و به حاج قاسم حق پرستاری تعلق می‌گرفت، اما شهید بزرگوار کارت حق پرستاری‌اش را به من داد و گفت این کارت را بده بنیاد شهید و امور جانبازان و ایثارگران کرمان تا برای جانبازانی که به دارو درمان نیاز دارند هزینه کنند. من اطاعت امر کردم و مانده حساب گرفتم ۵۸ میلیون در کارت حق پرستاری ایشان بود و تا آخرین روزهای حیاتشان یک ریال از این پول را دریافت نکردند. حاج قاسم دنیا را کاملاً طلاق داده بود!<sup>۱</sup>

### تلاش حاج قاسم

از شهید حاج قاسم خاطره‌ای در کتاب «ریشه در آسمان» است. کتاب روایت‌کننده بخشی از زندگی شهید سردار احمد سلیمانی، پسرعموی قاسم سلیمانی است که از کودکی باهم بزرگ شده بودند.

شهید حاج قاسم می‌گوید من و احمد ۱۳ سال داشتیم. روزگار سختی بود. پدرانمان مقروض دولت بودند؛ وام کشاورزی گرفته بودند اما حالا نمی‌توانستند پس بدهند. شب‌ها از غم اینکه روزی آدم‌های دولت بریزند و پدرانمان را دستگیر کنند و زندان ببرند، خوابان نمی‌برد. پدر من ۹۰۰ تومان و ۵۰۰ تومان بابای احمد بدهکار بود. ما دو نفر هم قسم شدیم تا به شهر بیاییم و کارگری کنیم و به پدرانمان کمک کنیم. هشت تا نه ماه در کرمان کارگری کردیم. با دستمزدی روزی دو تومان.

من ۳۰۰ تومان و احمد هم کمی بیشتر پول برای پدرانمان بردیم و ۷۰ تومان هم من سوغات خریدم. تصور کنید یک جوان ۱۳ ساله کارگری می‌کند تا پدرش در تنگنای رژیم شاه گرفتار نشود و به زندان نیفتد. خیلی عجیب است؛ حاج قاسم این‌گونه انسانی بود.<sup>۲</sup>

### الگوی کربلایی حضرت علی اکبر

یکی از الگوهای کربلا، علی اکبر، فرزند ارشد سیدالشهدا علیه السلام است، همان

1. <https://iranrhdn.ir/showArticle?id=8414>

۲. مصاحبه با مؤلف کتاب رادیو، سردار محمد رضا حسینی سعدی.



شخصیتی که معاویه به اعتراف به بزرگی او کرد.

روزی معاویه به اطرافیانش پرسید: «چه کسی در این زمان برای خلافت مسلمانان بر دیگران برتری دارد و برای حکمرانی بر مردم از دیگران سزاوارتر است؟»

اطرافیان متملق به ستایش خلیفه پرداختند و او را لایق این منصب معرفی کردند. ولی معاویه گفت: «نه چنین نیست، اولی الناس بهذا الامر علی بن الحسین بن علی، جدّه رسول الله و فیه شجاعة بنی هاشم و سخاه بنی امیه و رهو ثقیف؛ شایسته ترین افراد برای امر حکومت، علی اکبر، فرزند حسین است که جدش رسول خدا است و شجاعت بنی هاشم، سخاوت بنی امیه و زیبایی قبیله ثقیف را در خود جمع کرده است.»<sup>۱</sup>

وقتی کاروان امام حسین علیه السلام در راهی که منتهی به کربلا می شد در منزلگاه بنی مقاتل در حال حرکت بود، امام حسین علیه السلام سرش را روی زمین مرکب گذاشت و اندکی خوابید. وقتی حضرت علیه السلام سر از خواب بلند کرد فرمود: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» حضرت علیه السلام سه بار این جمله را تکرار کرد. حضرت علی اکبر علیه السلام که خیلی مراقب حال پدر بود، جلو آمد و گفت: «يَا أَبَتِ! جُعِلْتُ فِدَاكَ! مِمَّ حَمَدَتَ اللَّهَ وَاسْتَرْجَعْتَ؟» (پدر جان! فدایت شوم. چرا کلمه استرجاع را جاری کردید و خدا را حمد فرمودید؟)

حضرت علیه السلام فرمودند: در این حین که می رفتیم، خوابم برد و دیدم هاتفی را که ندا می کرد: «الْقَوْمُ يَسِيرُونَ وَ الْمَتَانِيَا تَسِيرُ إِلَيْهِمْ!» این کاروان می رود و مرگ هم آن ها را بدرقه می کند.)

اینجا بود که حضرت علی اکبر علیه السلام سوال کرد: «يَا أَبَتِ! أَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟!» (مگر ما برحق نیستیم؟) حضرت علیه السلام فرمود: بَلَى وَاللَّهِ (آری، به خدا سوگند که ما برحقیقیم!)

علی اکبر علیه السلام عرض کرد: «فَإِنَّا إِذَا مَا نُبَالِي أَنْ نَمُوتَ مُحَقِّقِينَ!» (اگر مسیر ما مسیر حق است، دیگر باکی از مرگ نداریم!)



امام حسین علیه السلام وقتی این جمله را شنید، فرمود: «جَزَاكَ اللهُ مِنْ وُلْدِ خَيْرِ مَا جَزَى وُلْدًا عَنْ وَالِدِهِ» (خدایت پاداشی نیکو عطا کند، نیکوترین پاداش که باید فرزندی از پدر خویش دریافت کند).<sup>۱</sup>

در مورد شجاعت حضرت علی اکبر علیه السلام آمده است که «كَانَ عَلِيٌّ الْأَكْبَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الشُّجَاعَةِ يَشْبَهُ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (حضرت علی اکبر علیه السلام در شجاعت و دلآوری شبیه امام علی علیه السلام بود).<sup>۲</sup>

در روز عاشورا اصحاب تا زنده بودند اجازه ندادند یک نفر از اهل بیت پیامبر صلوات الله علیه به میدان برود، اما آخرین فرد از اصحاب که به شهادت رسید، شور و لوله‌ای میان جوانان بنی‌هاشم افتاد. همه از جا حرکت کردند و آماده جان‌فشانی برای امامشان شدند. «اجْتَمَعُوا يَوْذَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا» بنی‌هاشم جمع شدند و شروع کردند با یکدیگر و اداع کردن و خداحافظی کردن.<sup>۳</sup> اولین کسی که از امام حسین علیه السلام کسب اجازه کرد، حضرت علی اکبر علیه السلام بود. در تاریخ طبری نقل شده است که «وَ كَانَ أَوَّلَ قَتِيلٍ مِنْ بَنِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَئِذٍ؛ عَلِيُّ الْأَكْبَرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَنِي الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَنِي عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (نخستین کشته از خاندان ابوطالب علیه السلام در روز عاشورا، علی اکبر علیه السلام، فرزند حسین علیه السلام بود، امام حسین علیه السلام اجازه داد و علی اکبر علیه السلام عازم میدان شد).<sup>۴</sup>

عمر بن سعد با دیدن او در میدان جنگ از او خواست که صحنه جنگ را ترک کند تا در امان باشد. علی اکبر علیه السلام این پیشنهاد را رد کرد و این‌گونه رجز خواند: «أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، نَحْنُ وَبَيْتِ اللَّهِ أَوْلَىٰ بِالنَّبِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ، تَالَلَّهِ لَا يَجْحَمُ فِينَا ابْنُ الدَّعِ، يَأْضُرِبُ بِالسَّيْفِ أَحَامِي عَنْ أَبِي، صَرَبَ غُلَامٍ هَاشِمِيٍّ قُرَشِيٍّ» (من علی، پسر حسین، پسر علی علیه السلام هستم. به خانه خدا سوگند که ما به نبی صلوات الله علیه نزدیک‌تر و اولی هستیم. سوگند به خداوند این زنازاده نمی‌تواند بر ما حکم راند، من شمشیر می‌زنم و از پدرم حمایت می‌کنم. آن‌هم

۱. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۸۲.

۲. مقتل الحسين علیه السلام، شوشتری، ص ۱۸۵.

۳. بحار الانوار، مجلسی، ج ۴۵، ص ۳۲.

۴. یوسفی غروی، وقعه‌الطف، ص ۲۴۱.



شمشیرزدن نوجوانی از تبار هاشم و قریش.<sup>۱</sup>

و پس از آن شروع به نبرد کرد و شجاعتش چنان بود که اهل کوفه چندان جرأتی برای جنگ با علی اکبر علیه السلام نداشتند. مورخین تصریح کرده‌اند که حضرت علی اکبر علیه السلام در میدان مبارزه، آن چنان شجاعتی از خود نشان داد که صدای شیون و ناله از لشکر بلند شد و همه از اطراف او فرار می‌کردند، حتی در اول مبارزه کسی جرئت پیدا نمی‌کرد تا با جوان هاشمی مبارزه کند؛ چه اینکه آن بزرگوار وابسته به خاندانی است که هرکدام در شجاعت زبانزد مردم هستند.<sup>۲</sup>

جدش امیرالمؤمنین علیه السلام شجاعی است که هیچ قدرتمندی در مقابلش توان و یارای مقاومت ندارد، شخصیتی که هرگز از دشمن گریزان نبود، او حیدر کرار است. در بعضی از مقاتل، نامی از تعداد کشته‌شدگان توسط علی اکبر علیه السلام برده نشده؛ بلکه نوشته‌اند: «فَقَاتَلَ قِتَالًا شَدِيدًا، قَتَلَ جَمْعًا كَثِيرًا، فَفَعَلَ ذَلِكَ مِرَارًا، فَقَتَلَ جَمَاعَةً فَقَتَلَ مَقْتَلَةً عَظِيمَةً» (نبرد بسیار سختی کرد، جمع بسیاری را کشت، پس دوباره نبرد کرد، پس گروهی را به قتل رسانید، پس کشتار بزرگی را انجام داد).<sup>۳</sup>

۱. الارشاد، شیخ مفید، ج ۲، ص ۱۰۷.

۲. همان.

۳. مثير الاحزان ابن نما حلی، ص ۶۸.







## جلسه نهم

# توقع از دیگران مبتنی بر ولاء طرفینی



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٌ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۱</sup>

کلیدی ترین مفهوم در نظام اندیشه‌ای شیعه، مفهوم پرکاربرد ولایت است.

### سطوح تحلیل ولایت

مفهوم ولایت در سه سطح قابل تحلیل است:

#### سطح اول: ولایت اعتقادی

اعتقاد به اینکه همه‌کاره عالم خداوند است: ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَاؤُهُمُ الطَّاغُوتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ إِلَى الظُّلُمَاتِ أُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾<sup>۲</sup>

حیات و مرگ، عزت و ذلت، تدبیر عالم هستی، عذاب و عقاب، عفو جزا و... همه در اختیار خداوند تبارک و تعالی است. خداوند این ولایت را به انبیاء و سپس به ائمه اطهار - که در هر زمانی یک نفرشان حجت خدا است - سپرده است.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾<sup>۳</sup>

ولایت را از اساسی‌ترین و مهم‌ترین پایه‌ها و ارکان دین اسلام برشمرده‌اند؛<sup>۴</sup> زیرا شامل مسئله سرپرستی و زمامداری امور دینی اعم از ظاهری و باطنی، جسمی و روحی، دنیوی و اخروی، مادی و معنوی، عبادی و اجتماعی می‌شود؛ مسائلی که همه از شئون دین اسلام هستند و از اموری‌اند که رسول‌الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بر آن ولایت داشته است. به عقیده شیعیان،

۱. توبه، ۷۱.

۲. بقره، ۲۵۷.

۳. نساء، ۵۹.

۴. طاهری خرم‌آبادی، ولایت و رهبری در اسلام، ۱۳۹۰ ش، ص ۱۲۶.



بین ولایت معصومین علیهم‌السلام و ولایت خداوند جدایی و فاصله‌ای نیست و در واقع ولایت آن‌ها، همان ولایت خداست.<sup>۱</sup> این ولایت به معنای واگذاری و استقلال نیست، بلکه ولایت آن‌ها از نوع ظهور و تجلی است؛ یعنی ولایت معصومین همان ولایت خداوند است که در آن‌ها ظهور و جلوه کرده است.<sup>۲</sup> ولایت آن‌ها به اذن و فرمان خداوند است، لذا پیروی از آن‌ها براساس آیه اولی الامر و همچنین آیه ولایت، همانند ولایت خداوند بر همه لازم است.<sup>۳</sup>

### آثار ولایت اعتقادی

آثار زیادی برای ولایت معصومین در روایات ذکر شده است که در این مجال کوتاه به چند روایت بسنده می‌شود.

#### ۱- حصنی برای عذاب

خداوند متعال در حدیث قدسی می‌فرماید: «وَلَايَةُ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ حِصْنِي فَنَ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي»<sup>۴</sup>

#### ۲- ثواب و پاداش الهی

امام باقر علیه‌السلام در حدیث دیگری می‌فرماید: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا قَامَ لَيْلَهُ وَ صَامَ نَهَارَهُ وَ تَصَدَّقَ بِجَمِيعِ مَالِهِ وَ حَجَّ جَمِيعَ دَهْرِهِ وَ لَمْ يَعْرِفْ وَلَايَةَ وَلِيِّ اللَّهِ فَيُؤَالِيهِ وَ يَكُونَ جَمِيعَ أَعْمَالِهِ بِدَلَالَتِهِ الْبَيْتِ مَا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ حَقٌّ فِي ثَوَابِهِ أَبَدًا»<sup>۵</sup> (اگر مسلمانی تمام شب‌ها شب‌زنده‌داری کند و تمام روزها روزه‌داری و تنها به پرداخت وجوه شرعیه واجب اکتفا نکند، بلکه تمام اموال و سرمایه‌اش را در راه خدا صدقه بدهد و در تمام طول عمرش هرساله به حج برود، ولی اهل ولایت نباشد و «ولی‌الله» را نشناسد تا ولایتش را به گردن نهد و اعمالش را طبق دستور او انجام دهد، چنین مسلمانی هرگز انتظار ثواب و پاداش الهی را نداشته باشد.)

۱. حسینی تهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلام، ۱۴۲۱ق، ص ۹۳.

۲. جوادی آملی، ولایت فقیه، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳۳.

۳. حسینی، ولایت علوی از دیدگاه علامه امینی، ۱۳۸۲ش، ص ۹۸.

۴. عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۳۶.

۵. بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۲۹۴، باب ۱۷.



### ۳- تصرف در هستی

ولی الهی قدرت تصرف در هستی را دارد، بلکه قدرت تصرف در انسان‌ها را نیز دارد. در ادامه به چند نمونه از تصرفات ولائی معصومین اشاره می‌کنیم:

#### نمونه اول: حرکت درخت

یک نمونه جالب از تصرفات ولائی در خطبه قاصعه نهج البلاغه آمده است، آنجا که می‌فرماید: «وَلَقَدْ كُنْتُ مَعَهُ ﷺ كَمَا آتَاهُ الْمَلَأْمِنْ قُرَيْشٍ فَقَالُوا لَهُ يَا مُحَمَّدٌ...»؛ من همراه او بودم هنگامی که سران قریش نزد وی آمدند، گفتند: ای محمد ﷺ تو ادعای بزرگی کرده‌ای! ادعایی که هیچ‌کدام از پدران و خاندانت چنین ادعایی نکرده‌اند. ما از تو یک معجزه می‌خواهیم اگر پاسخ مثبت دهی و آن را به انجام برسانی می‌دانیم تو پیامبر هستی و اگر انجام ندهی بر ما روشن می‌شود که ساحرو دروغ‌گویی!

پیامبر ﷺ پرسید: خواسته شما چیست؟ گفتند: این درخت را صدا بزن که از ریشه برآمده، جلو آید و پیش رویت بایستد. فرمود: خداوند بر همه چیز توانا است اگر خداوند این عمل را انجام دهد آیا ایمان می‌آورید؟ گواهی به حق می‌دهید؟ گفتند: آری، فرمود: به زودی آنچه را می‌خواهید به شما ارائه خواهیم داد و می‌دانم که شما به سوی خیر و نیکی بازخواهید گشت و در میان شما کسی است که در درون چاه [بدر] افکنده خواهد شد و نیز کسی است که لشکر احزاب را به راه خواهد انداخت!

سپس صدا زد: ای درخت! اگر به خدا و روز واپسین ایمان داری و می‌دانی که من پیامبر خدا ﷺ هستم با ریشه از زمین بیرون آی و نزد من آی و به فرمان خداوند پیش من بایست!

سوگند به کسی که او را به حق مبعوث ساخته، درخت با ریشه‌هایش از زمین کنده شد، پیش آمد و به شدت صدا می‌کرد، همچون پرندگان به هنگامی که بال می‌زنند و صدایی از به هم خوردن شاخه‌هایش در هوا پراکنده می‌شد و در جلوی رسول خدا ﷺ ایستاد و شاخه‌هایش همچون بال‌های پرندگان به هم خورد.



بعضی از شاخه‌های بلند خود را بر روی پیامبر ﷺ و بعضی از آن‌ها را بردوش من افکند و من در جانب راست آن حضرت بودم؛ اما قریش هنگامی که این وضع را مشاهده کردند از روی کبر و غرور گفتند: به درخت فرمان ده نصفش پیشتر آید و نصف دیگرش در جای خود باقی بماند. پیامبر ﷺ فرمان داد نیمی از آن با وضعی شگفت‌آور و صدایی شدید به پیامبر ﷺ نزدیک شد، آن چنان که نزدیک بود به آن حضرت بپیچد! باز از روی کفر و سرکشی گفتند: دستور بده این نصف بازگردد و به نصف دیگر ملحق شود و به صورت نخستین درآید.

پیامبر ﷺ دستور داد و چنین شد. من گفتم لا اله الا الله! ای پیامبر ﷺ من نخستین کسی هستم که به تو ایمان دارم. نخستین کسی هستم که اقرار می‌کنم درخت با فرمان خدا برای تصدیق نبوت و اجلال و بزرگداشت برنامه و دعوت آنچه را تو خواستی انجام داد.

اما آن‌ها گفتند: نه، او ساحری است دروغ‌گو که سحری شگفت‌آور دارد و در سحر خویش بسیار ماهر است. آیا نبوت تو را کسی جز امثال این [منظورشان من بودم!] تصدیق می‌کند؟! اما من از کسانی هستم که در راه خدا از هیچ ملامتی نمی‌ترسند، از کسانی که سیمایشان سیمای صدیقان و سخنانشان سخنان نیکان است.<sup>۱</sup>

کمی به تعبیرات این خطبه دقت کنید، این تعبیرات به خوبی نشان می‌دهد که این امر خارق العاده با نفوذ و تصرف پیامبر ﷺ در تکوین صورت گرفت. بنابراین آنچه در ذیل این عبارات آمده: «إِنَّ الشَّجَرَ فَعَلَتْ مَا فَعَلَتْ بِأَمْرِ اللَّهِ تَعَالَى»: (درخت آنچه را انجام داد به فرمان خدا بود، اذن و اجازه خدا است) و قوت و قدرتی است که خداوند به پیامبرش برای این گونه تصرفات داده بود. همان گونه که در آغاز این عبارت تعبیر به اذن الله آمده است.

بنابراین تعبیراتی، همچون، فرمان بده، دستور بده تا چنین و چنان شود و

۱. نهج البلاغه، خطبه قاصعه.



کلام پیامبر ﷺ ای درخت! چنین و چنان کن همه و همه دلیل بر ولایت و نفوذ تکوینی پیامبر اسلام ﷺ است.

### نمونه دوم: بینایی ابویوب انصاری

مرحوم علامه مجلسی در بحار الانوار از سلمان فارسی چنین نقل کرده است: «هنگامی که پیامبر ﷺ به مدینه آمد مردم به زمام شتر پیامبر ﷺ چسبیدند و هرکدام تقاضا داشت پیامبر ﷺ به خانه اوارد شود. پیامبر ﷺ فرمود: شتر را رها کنید که او مأموریتی دارد و بر در خانه هرکس بر زمین بنشیند من نزد او خواهم بود [و این بهترین راه برای حل هرگونه اختلاف و تبعیض بود].»

ناقه را رها کردند و او همچنان به سیر خود ادامه داد تا وارد کوجه‌های مدینه شد و بر در خانه ابویوب انصاری نشست، در مدینه کسی از او فقیرتر نبود. مردم نزدیک بود دل‌هایشان از حسرت پاره شود که چرا از پیامبر ﷺ جدا می‌شوند [و این سعادت بزرگ نصیب آن‌ها نشد] ابویوب صدای مادر، در را باز کن: «فَقَدْ قَدِمَ سَيِّدُ الْبَشَرِ وَأَكْرَمُ زَبِيْعَةٍ وَ مُضَرَ، مُحَمَّدُ الْمُصْطَفَى وَ الرَّسُولُ الْمُجْتَبَى!» (آقای انسان‌ها و گرامی‌ترین فرد قبیله بزرگ ربیعه و مُضَر، محمد مصطفی ﷺ و رسول مجتبی تشریف فرما شده است) مادرش در را گشود و بیرون آمد ولی نابینا بود، گفت ای کاش چشم داشتم و به صورت مولایم رسول الله می‌نگریستم.

پیامبر ﷺ دست بر صورت ام‌ایوب گذاشت. چشمانش گشوده شد و این نخستین معجزه‌ای بود که از آن حضرت ظاهر شد. [ممکن است منظور از دست گذاشتن اشاره کردن با دست، یا گزاردن دست از روی لباس باشد.]<sup>۱</sup>

### نمونه سوم: شفای درد بهترین چشمان

این حدیث نیز در کتب شیعه و اهل سنت معروف است که در جنگ خیبر هنگامی که پیروزی به وسیله بعضی از فرماندهان لشکر میسر



نشد. پیامبر ﷺ فرمود: «فردا پرچم را به دست مردی می‌سپارم که خدا و رسولش را دوست دارد و خداوند بر دست او پیروزی فراهم می‌کند». سپس به سراغ علی علیه السلام فرستاد و درحالی که چشمش به شدت درد می‌کرد خدمت حضرت آمد، پیامبر ﷺ آب دهان به چشم او کشید و از آن به بعد هیچ‌گونه دردی احساس نکرد. سپس پرچم را به دست او داد و او خیبر را فتح کرد.<sup>۱</sup>

این حدیث معروف نشان می‌دهد که پیامبر ﷺ با نفوذ تکوینی خود [باذن الله] چشم علی علیه السلام را شفا داد.

### نمونه چهارم: فرمان به آب

در تاریخ زندگی امیر مؤمنان علی علیه السلام نیز آمده است که «در عصر آن حضرت، رود فرات طغیان کرد به طوری که مردم کوفه به وحشت افتادند، به سراغ آن حضرت آمدند و عرض کردند ما از غرق شدن می‌ترسیم؛ زیرا آن قدر آب فرات بالا آمده که سابقه نداشته است و تمام شط مملو از آب است، خدایا را به فریاد ما برس!

امیر مؤمنان علی علیه السلام سوار بر مرکب شد و مردم همراه او چپ و راست در حرکت بودند تا به فرات رسیدند درحالی که امواج خروشانش همه جا را فراگرفته بود، علی علیه السلام ایستاد و مردم به آن نگاه می‌کردند. سخنی به زبان عبرانی فرمود. ناگهان آب فرات یک ذراع فرونشست، رو به مردم کرد و گفت: کافی است؟ عرض کردند: بیشتر بفرمایید. حضرت با چوب دستی که با خود داشت بر آب زد، آب بیشتر فرونشست. مردم خوشحال از کنار فرات بازگشتند.<sup>۲</sup>

آیا این کار چیزی جز تصرف در تکوین به فرمان خدا است؟

### نمونه پنجم: دستور به باد

باز در تاریخ آن حضرت می‌خوانیم که به هنگام عبور از نزدیکی کوفه گروهی

۱. الکامل فی التاریخ ابن اثیر، ج ۲، ص ۲۲۰.

۲. بحار الانوار، ج ۴۱، ص ۲۳۷.



از یهود نزد او آمدند و گفتند: تو امام علی بن ابی طالب هستی؟ فرمود: آری، منم. عرض کردند: در کتاب‌های ما سخن از صخره‌ای به میان آمده که نام شش نفر از انبیاء روی آن نوشته شده است، هرچه دنبال آن می‌گردیم، نمی‌یابیم؛ اگر تو امامی آن را برای ما پیدا کن.

فرمود: به دنبال من بیایید. جمعیت به دنبال آن حضرت حرکت کردند. هنگامی که به صحرا رسید تپه بزرگی از شن در آنجا بود، امام فرمود: «أَيُّهَا الرِّيحُ انْسِفِي الرَّمْلَ عَنِ الصَّخْرَةِ بِحَقِّ اسْمِ اللَّهِ الْأَعْظَمِ» (ای باد! شن‌ها را از روی صخره کنار بزن به حق اسم اعظم خدا! چیزی نگذشت باد وزیدن گرفت و شن‌ها کنار رفتند و صخره آشکار شد).<sup>۱</sup>

### ولایت علما و طی طریقان

این ولایت تکوینی مخصوص خداوند و اولیاء معصوم الهی است و در زمان ما این ولایت در اختیار حجت ابن الحسن علیه السلام است و همه کاره عالم حضرت است. لیکن گاهی به افرادی که مراحل راطی کرده و خود را در شعاع نور حجت خدا قرار داده‌اند نیز به حسب ظرفیتشان اعطا می‌شود.

### نمونه اول: تصرف در اتومبیل توسط شیخ حسن علی نخودکی

محمد جواد دری می‌گوید:

روزی سر مزار حاج شیخ حسن علی نخودکی رحمة الله عليه فاتحه می‌خواندم؛ مردی آمد و بسیار گریست. سبب گریه‌اش را پرسیدم؛ گفت: روزی صاحب این قبر را با اتومبیل خود به شهر تربت می‌بردم، در راه بنزین تمام شد وسیله من از حرکت بازماند و ناچار بودم قریب دو فرسنگ راه را پیاده بپیمایم تا به جاده تهران - مشهد برسم و از اتومبیل‌های عبوری مقداری بنزین بگیرم؛ اما حاج شیخ حسن علی نخودکی به من فرمودند: ماشین را روشن کن.

عرض کردم: بنزین ندارم.

باز اصرار فرمودند و من انکار کردم؛ ولی به سبب اصرار مسافری





دیگر که گفتند: تو ماشین را روشن کن؛ شاید این آقا توجهی فرموده باشد، ناچار پشت فرمان نشستیم و کلید را چرخاندم. با کمال شگفتی اتومبیل روشن شد و مسافران را سوار کردم و به مقصد رساندم.

حاج شیخ به من فرمودند: تا زمانی که مخزن بنزین را باز نکرده باشی؛ این اتومبیل احتیاجی به بنزین نخواهد داشت. من مدت ۱۵ روز بدون ریختن بنزین، مسافرت‌ها کردم تا یک روز وسوسه شدم و باک خودرور را باز کردم تا ببینم در آن چیست، دیدم همچنان خشک و خالی و فاقد بنزین است؛ ولی با کمال تأسف تا مجدداً بنزین در آن نریختم اتومبیل من دیگر حرکت نکرد!

### نمونه دوم: نعلین شفافبخش

آیت‌الله اشتهاردی فرمودند:

همسر اینجانب از درد شدید کمر رنج می‌برد، روزی حضرت آیت‌الله گلپایگانی برای تسلیت فوت پدر همسرم به منزل ما تشریف آوردند.

بعد از اینکه ایشان از منزل رفتند، به همسرم گفتم: شما که از بیماری رنج می‌برید، نبات یا قندی می‌آوردید و به آقا (آیت‌الله گلپایگانی) می‌دادید تا متبرک کنند؛ ایشان گفتند: من سالم کاملاً خوب شده، دیگر بیماری ندارم.

گفتم: چرا؟! مگر چه کردی؟ گفت: وقتی آقا وارد منزل شدند و نشستند؛ نعلین آقا را برداشتم و به موضع درد کشیدم؛ از آن لحظه به بعد تمام دردها از من رخت بربست.<sup>۲</sup>

### نمونه سوم: تصرف در حیوانات

در زمستان سختی که برف زیادی باریده بود، یک شب به حاج محمدصادق

۱. نشان از بی‌نشان‌ها، ج ۱، صص ۵۴ و ۵۵.

۲. ماهنامه دیدار، ش ۳۸، ۹/۵/۱۳۸۲، ص ۴.



تخته فولادی عرض می‌کنند: روباهی پای دیوار تکیه ایستاده و از سرما می‌لرزد. می‌فرمایند: گوش او را بگیرید و بیاورید اینجا. می‌روند روباه را می‌آورند، مرحوم حاجی خطاب به روباه می‌گوید: در اینجا اتاقی هست که چند مرغ و خروس ما در آنجاست؛ تو هم می‌توانی شب‌ها بیایی و در آن اتاق با آن حیوانات بمانی و صبح که شد دنبال کارت بروی.

سپس به خدمتکارشان می‌فرمایند: روباه را ببرید در اتاق مرغ‌ها جای دهید. از آن پس، روباه داستان ما هر شب می‌آمد و مستقیم به اتاق مرغ‌ها می‌رفت و تا صبح پهلوی آن‌ها بود، صبح که می‌شد از تکیه بیرون می‌رفت. بعد از مدتی، یک شب یکی از مرغ‌ها را می‌خورد و صبح زود هم طبق معمول از تکیه خارج می‌گردد؛ اما شب که برمی‌گردد دیگر داخل تکیه نمی‌شود و بیرون تکیه پای دیوار می‌خوابد.

جریان را به حاجی عرض می‌کنند؛ می‌فرمایند: بروید روباه را بیاورید. روباه را می‌آورند. حاجی رو به او کرده و می‌فرمایند: تو تقصیری نداری، طبع روباهی تو غلبه کرد و برخلاف تعهدت عمل نمودی؛ حالا برو جای هر شب بخواب، ولی شرط کن دیگر خطا نکنی. می‌فرمودند: دو ماه دیگر روباه هر شب می‌آمد و صبح می‌رفت بدون اینکه دیگر متعرض این حیوانات بشود؛ تا اینکه زمستان تمام شد!

## ثمره اعتقاد به ولایت تکوینی

### امیدآفرینی، بزرگ‌ترین خاصیت

بزرگ‌ترین خاصیت این اعتقاد [مهدویت] در میان شیعیان، امیدآفرینی است. جامعه تشیع فقط به برجستگی‌های تاریخ خود در گذشته متکی نیست، چشم به آینده دارد. یک نفر معتقد به مسئله مهدویت طبق اعتقاد تشیع، در سخت‌ترین شرایط، دل [را] خالی از امید نمی‌داند و شعله امید همواره وجود دارد؛ می‌داند که این دوران تاریکی، این دوران ظلم، این دوران تسلط ناحق و باطل قطعاً سپری خواهد شد؛ این یکی از مهم‌ترین



آثار و دستاوردهای این اعتقاد است. البته اعتقاد تشیع نسبت به مسئله مهدویت به همین جا محدود نمی‌شود.

«أَشْهَدُ أَنْ الْأُمَّةَ الْأَبْرَارَ وَالْمُخْلِفاءَ الْأَخْيَارَ بَعْدَ الرَّسُولِ... ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلْفُ الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِي بَقَايَاهُ بَقِيَّتِ الدُّنْيَا وَبِيَمِينِهِ رُزْقُ الْوَرَى وَبُجُودِهِ سَبَّتِ الْأَرْضُ وَالسَّمَاءُ وَبِهِ يَمَلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطًا وَعَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْمًا وَجَوْرًا»<sup>۱</sup> (و شهادت می‌دهم که امامان نیکوکردار و جانشینان نیکوکار پس از رسول برگزیده خدا هستند... سپس حجت، جانشین برحق، قائم منتظر مهدی، آن امیدبخشی که به بقایش دنیا باقیست و از برکتش بندگان روزی یافته‌اند و به وجودش زمین و آسمان استوار گشته است و خدا به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می‌کند، پس از آنکه از ستم و بیداد پر شده است. مسئله اعتقاد به مهدویت یک چنین اعتقادی است. این شعله فروزان، این فروغ تابان، در جوامع شیعی در طول قرن‌های گذشته وجود داشته است و همچنان وجود خواهد داشت و ان‌شاءالله دوران انتظار منتظران سر خواهد آمد.<sup>۲</sup>

### سطح دوم: ولایت سیاسی

ولایت سیاسی یعنی تدبیر امور جامعه به عهده امام معصوم است در هر زمانی و آیه اكمال، انتقال ولایت سیاسی از پیامبر به سلسله جلیله ائمه را تصریح می‌کند که بعد از رسول خدا این ولایت به امیرالمؤمنین عَلَيْهِ السَّلَامُ منتقل شد. «الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيتُ لَكُمُ الْإِسْلَامَ دِينًا»<sup>۳</sup> (امروز، دین شما را برایتان کامل و نعمت خود را بر شما تمام کردم و اسلام را برای شما به عنوان آیین برگزیدم.) آیات متعددی بر ولایت سیاسی اهل بیت دلالت دارد که در این مجال کوتاه به آیه ۸۳ از سوره نساء بسنده می‌کنیم: «وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى

۱. علامه مجلسی، زاد المعاد، ص ۴۲۲؛ مفاتیح الجنان، شیخ عباس قمی، دعای عدلیه.

۲. بیانات مقام معظم رهبری در مراسم بیست و ششمین سالگرد رحلت امام خمینی عَلَيْهِ السَّلَامُ، ۱۴ خرداد ۱۳۹۴.

۳. مانده، آیه ۳.



الرَّسُولَ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ  
لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا<sup>۱</sup>

وقتی خبری از پیروزی یا شکست رزمندگان به دستشان برسد، فوری بین مردم پخشش می‌کنند؛ در صورتی که اگر راست و دروغ چنین اخباری را از پیامبر و مسئولان امر جویا شوند، آنان درستی و نادرستی و چگونگی اطلاع‌رسانی‌اش را تشخیص می‌دهند. اگر خدا با این سفارش‌ها، در حقتان لطف و بزرگواری نکند و از شیطنت منافقان پرده بردارد، با تبلیغات منفی‌شان بیشترتان گول شیطان را می‌خورید.

رجوع در مسائل اجتماعی و سیاسی به پیامبر و ائمه معصومین حاکی از اختیار آن‌ها در این حوزه‌ها است. در دوران حضور امام معصوم، مدیریت جامعه با اوست و در دوران غیبت معصوم این اختیار به فقیه جامع‌الشرایط منتقل می‌شود. فقهای شیعه درباره اصل ولایت فقیه اختلاف ندارند؛ اما اختلاف آنان در قلمرو ولایت فقیه است که دایره اختیار ولی فقیه چه مقدار است.

عده‌ای از فقهای پیشین و پسین طرفدار ولایت مطلقه هستند از جمله شیخ مفید، صاحب جواهر، ملا احمد نراقی و همچنین حضرت امام خمینی رحمته الله علیه<sup>۲</sup> امام خمینی در این مورد می‌فرماید: «تمام اختیاراتی که پیامبر و امامان داشته‌اند، فقیه جامع‌الشرایط نیز دارا است.<sup>۳</sup>»

در جای دیگر می‌فرماید: اگر فرد لایقی که دارای دو خصلت فقاقت و عدالت باشد بپا خاست و تشکیل حکومت داد، همان ولایتی را که حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در امر اداره جامعه داشت، دارا می‌باشد.<sup>۴</sup>

ولایت سیاسی منحصر در امام معصوم و فقیه جامع‌الشرایط است و در

۱. نساء، ۸۳.

2. <https://www.islamquest.net/fa/archive/fa256>

۳. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۴۱۷.

۴. امام خمینی، ولایت فقیه، ص ۵۵.



برخی موارد مؤمن عادل و نه کسی دیگر.

### سطح سوم: ولایت اجتماعی

ولایت اجتماعی تعبیر دیگر همان پیوند اجتماعی است، همان پیوندی که امام صادق علیه السلام فرمود: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام قَالَ: الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارِهِمْ وَتَرَاحِمِهِمْ وَتَعَاطِفِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَى»<sup>۱</sup> (مؤمنان در نیکی و مهربانی باهم و توجه باهم چون یک تن باشند که چون دردی گیرد همه اعضاء تن در بی خوابی و تب به دنبال او کشیده شوند). همان که سعدی زیبا سخن سرود:

بنی آدم اعضای یک پیکرند  
 که در آفرینش ز یک گوهرند  
 چو عضوی به درد آورد روزگار  
 دگر عضوها را نماند قرار

کلمه اولیاء با مشتقاتش بیش از ۸۰۰ مرتبه در قرآن کریم به کار رفته که در اکثر موارد به معنای دوست استعمال شده است. خداوند در قرآن کریم منشاء تمام اقدامات اجتماعی را همین ولاء اجتماعی می‌داند. تا زمانی که مردم به یکدیگر عشق نورزند هیچ اقدامی نمی‌کنند و برای دیگران قدمی بر نمی‌دارند.

امر به معروف و نهی از منکر ریشه در همین پیوند اجتماعی دارد، در حقیقت تذکری که از روی محبت و دوستی نباشد اصلاً امر به معروف نیست.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾<sup>۲</sup> (از طرف دیگر، مردان و زنان مسلمان دوستان و یاوران همدیگرند: امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، نماز را با آدابش می‌خوانند، صدقه

۱. بحار الانوار، ج ۷۱، ص ۲۷۴.

۲. توبه، ۷۱.



می دهند و از خدا و رسولش پیروی می کنند. به همین زودی ها خدا از لطف خودش برخوردارشان می کند؛ چون خدا شکست ناپذیر کاردرست است. مؤمنین حقیقی کسانی هستند که در مسیر کمک به هم نوعان خود از همه چیز می گذرند. ﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ آوَوْا وَنَصَرُوا أُولَئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ﴾<sup>۱</sup> (مسلمانانی که مهاجرت کردند و در راه خدا جنگیدند و مسلمانانی که پناهشان دادند و کمک شان کردند، آنان همان مؤمنان واقعی اند و آمرزش و روزی های بهشتی نصیبشان می شود.)

﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا مِنْ بَعْدُ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ فَأُولَئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾<sup>۲</sup> (همچنین، کسانی که بعداً اسلام آوردند و مهاجرت کردند و همراهتان در راه خدا جنگیدند، جزو شمايند؛ البته طبق کتاب خدا، خویشاوندان در ارث بردن از همدیگر، مقدم اند بر دیگران. واقعاً خدا هر چیزی را می داند.)

### گستره ولایت اجتماعی

این ولایت اجتماعی، همه را شامل می شود و فقط دو گروه از این ولاء استثناء شده اند:

۱. نواصب که به اهل بیت فحاشی می کنند و اهانت به اهل بیت را بر خود واجب می دانند.

۲. کفار که در مواجهه با اسلام قرار گرفته اند.

در غیر این دو صورت باید چتر محبت مؤمنین حتی بر سر مستضعفین فکری سایه بیندازد. روایت زیر تکلیف ما را با تمامی مردم دنیا روشن می کند.

۱. انفال، ۷۴.

۲. انفال، ۷۵.



**الف) ضعفا**

از امام صادق علیه السلام سوال می‌کنند که منظور از مستضعفین در آیه ۹۸ سوره نساء<sup>۱</sup> چه کسانی هستند؟ امام می‌فرماید: افراد بیچاره‌ای که اهل ولایت هستند.

حمران با تعجب سوال می‌کند: این‌ها اهل چه ولایتی هستند؟ امام می‌فرماید: اهل ولایت ما نیستند، یعنی مسلمان و شیعه نیستند ولی ولایت اجتماعی دارند. امام صادق علیه السلام از قول خداوند متعال می‌فرماید: «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ قَالَ هُمْ أَهْلُ الْوَلَايَةِ قُلْتُ وَ أَيْ وِلَايَةٍ فَقَالَ أَمَا أَنْهَا لَيْسَتْ بِوَلَايَةٍ فِي الدِّينِ وَلَكِنَّهَا الْوَلَايَةُ فِي الْمُنَاكَحَةِ وَالْمَوَارِيثِ وَالْمُخَالَطَةِ وَهُمْ لَيْسُوا بِالْمُؤْمِنِينَ وَلَا بِالْكَفَّارِ وَهُمْ الْمُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ.»<sup>۲</sup>

(از امام صادق علیه السلام درباره مستضعفین پرسیدم؟ فرمود: آن‌ها اهل ولایت هستند، عرض کردم: چه ولایتی؟ فرمود: هر آئینه آن ولایت در دین نیست، بلکه ولایت (و همبستگی) در ازدواج و ارث و معاشرت است و ایشان نه مؤمنند و نه کافر و از آن‌ها ایند کسانی که به امید خدای عز و جل هستند (و کارشان با خدا است که اگر خواهد عذاب کند یا ببخشد).

بنا بر روایت بالا ما باید با هرکسی که در برابر دین نایستاده است، ولی در عمل متفاوت از ما عمل می‌کند با محبت رفتار کنیم.

**ب) سفهاء**

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام گروه دیگری را هم مطرح و رفتارهای خلاف دین و خلاف عرف آن‌ها را تحلیل و کالبد شکافی می‌کنند. آن‌ها چه کسانی هستند؟ سفهاء، آن‌ها کسانی هستند که کسی برای رشد عقلانیت در آن‌ها تلاشی نکرده و از عقلانیت دینی برخوردار نیستند برای همین نسبت به احکام دین مقید نیستند.

امام می‌فرماید گناه این افراد به گردن علما و متخصصان و توده مؤمنینی

۱. «إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا».

۲. الکافی، ج ۲، ص ۴۰۵.



است که می‌توانستند در ارتباط با آن‌ها، آگاهی بدهند و آن‌ها را اصلاح کنند ولی کم‌کاری کردند.

دقیقاً مانند کم‌حجاب‌ها که متأسفانه نه دستگاه‌های متولی، اقدامات فرهنگی شایانی نسبت به آگاهی‌بخشی به این عزیزان انجام داده و نه توده مردم، متخصصان، مبلغان و... اقدامی برای جهل‌زدایی این قشر انجام داده‌اند.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «عَنْ حَارِثِ بْنِ الْمُغِيرَةِ قَالَ: لَقِيتِي أَبُوبَ عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي طَرِيقِ الْمَدِينَةِ فَقَالَ مَنْ ذَاكَ حَارِثُ قُلْتُ نَعَمْ قَالَ أَمَا لِأَجْمَلَنَّ ذُنُوبَ سُفَهَائِكُمْ عَلَى عُلَمَائِكُمْ ثُمَّ مَضَى فَأَتَيْتُهُ فَاسْتَأْذَنْتُ عَلَيْهِ فَدَخَلْتُ فَقُلْتُ لَقِيتِي فَقُلْتَ لِأَجْمَلَنَّ ذُنُوبَ سُفَهَائِكُمْ عَلَى عُلَمَائِكُمْ فَدَخَلَنِي مِنْ ذَلِكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَقَالَ نَعَمْ مَا يَنْتَعُمُكُمْ إِذَا بَلَغَكُمْ عَنِ الرَّجُلِ مِنْكُمْ مَا تَكْرَهُونَ وَ مَا يَدْخُلُ عَلَيْنَا بِهِ الْأَذَى أَنْ تَأْتُوهُ فَنُؤَيِّبُوهُ وَ نُعَذِّبُوهُ وَ تَقُولُوا لَهُ قَوْلًا يَلِيبُغًا فَقُلْتُ [لَهُ] جَعَلْتُ فِدَاكَ إِذَا لَا يُطِيعُونَا وَ لَا يَقْبَلُونَ مِنَّا فَقَالَ أَهْجُرُوهُمْ وَ اجْتَنِبُوا مَجَالِسَهُمْ»<sup>۱</sup>

(حارث بن مغیره می‌گوید: در راه مدینه امام صادق علیه السلام با من برخورد کردند و فرمودند: کیستی؟ آیا حارثی؟ عرض کردم: آری. فرمودند: همانا من گناه نادانان را به حساب علمای شما می‌گذارم. حضرت علیه السلام این را فرمودند و رفت و من روزی خدمت ایشان رسیدم و اجازه شرفیابی خواستم و نزد ایشان رفتم و گفتم: به من برخوردی و فرمودی: هر آئینه گناه نادانان را به حساب علمای شما می‌گذارم. این سخن شما نگرانی بزرگی بر من وارد کرده است. حضرت علیه السلام فرمودند: آری، چه چیز مانع از آن می‌شود که شما هرگاه خبری از کسی دریافت کردید که شما را ناخوش می‌آید و به ما آزار می‌رساند نزد او بروید و او را نکوهش و توبیخ کنید و آنچه باید به او بگویید؟ من عرض کردم: قربانت گردم، در این صورت از ما فرمان نبرند و سخنی از ما نپذیرند. حضرت علیه السلام فرمودند: شما هم ایشان را ترک کنید و از مجالس آن‌ها کناره‌گیرید.

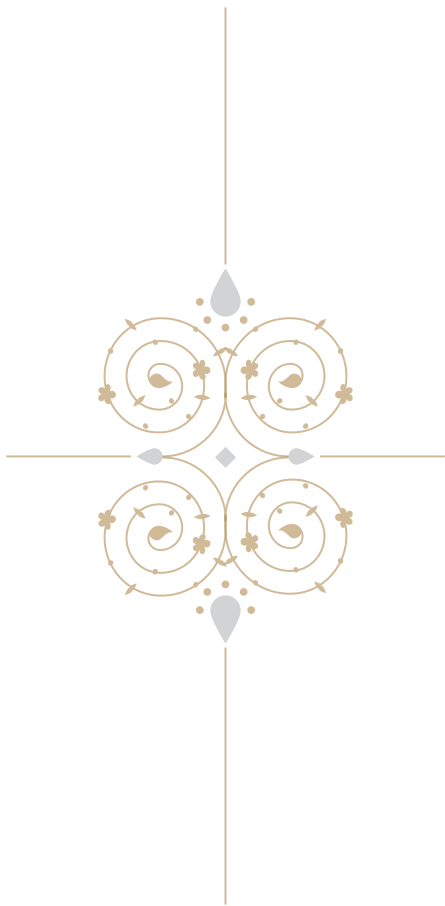
اگر محبت نباشد، نصیحت بی‌نتیجه است!

امام رضا علیه السلام در پاسخ به مطالبه افرادی که می‌گویند چرا با برخی از اقوام تا آنکه مرتکب ناهنجاری‌های اجتماعی می‌شوند برخورد نمی‌کنید و تذکر نمی‌دهید می‌فرماید: در این شرایط که آن‌ها علیه من گارد دارند برخی علیه من شکایت کردند، برخی با من قطع رابطه کرده‌اند و... برخورد من حتی اگر نصیحت هم باشد بد برداشت می‌شود.



می‌توان این‌گونه گفت که اگر با ولاء و محبت  
اجتماعی نتوانیم زمینه پذیرش حرف درست را در  
مردم ایجاد کنیم، نصیحت و اقدام بی‌نتیجه خواهد  
بود. «عَنِ الرَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: جَاءَ قَوْمٌ جُرَّاسَانَ إِلَى  
الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا إِنَّ قَوْمًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِكَ يَتَعَاوَنُونَ أُمُورًا  
قَبِيحَةً فَلَوْ نَهَيْتَهُمْ عَنْهَا فَقَالَ لَا أَفْعَلُ فَقِيلَ وَمِمَّ فَقَالَ لِأَنِّي  
سَمِعْتُ أَبِي يَقُولُ النَّصِيحَةُ خَشْيَةٌ»<sup>۱</sup>

۱. بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۲۲.





ریان بن صلت گفت: گروهی در خراسان خدمت حضرت رضا علیه السلام رسیدند و گفتند: بعضی از خویشاوندان شما کارهای زشتی انجام می دهند، خوب است آن‌ها را نهی کنی، فرمودند: چنین کاری نمی‌کنم، عرض کردند برای چه؟ فرمودند: چون از پدرم شنیدم که فرمودند: نصیحت خشن است (یعنی پذیرش آن دشوار است قبول نمی‌کنند).

اگر ما نسبت به یکدیگر محبتی می‌داشتیم یقیناً سعی می‌کردیم تا یکدیگر را قضاوت نکنیم، همچنین دیگران را با خودمان مقایسه نکنیم و در نتیجه توقعات معقول از دیگران داشته باشیم.

### **ولاء اجتماعی و مدیریت توقعات**

چه کنیم تا بتوانیم در توقعاتمان از دیگران به انحراف نرویم و جانب انصاف و عقلانیت را رعایت کنیم؟ در واقع ولاء اجتماعی چه نقشی می‌تواند در مدیریت توقعات ما از دیگران داشته باشد؟

### **راه‌های جلوگیری از توقعات نامعقول از دیگران**

#### **توجه به اختلاف شرایط زیستی**

طبیعی است که همه افراد در شرایط یکسانی تربیت نشده‌اند. خانواده، محیط، استعداد و... هر فرد با دیگری متفاوت است.



### توقع عمل یکسان توسط همه، توقعی بیجا!

توقع اینکه همه باید یکسان عمل کنند توقع بیجایی است. کسی که در خانواده متدینی بوده که تمام مراحل تربیت را درست انجام داده است و ارزش‌ها را برای او تبیین کرده‌اند تا فردی که در محیطی رشد کرده که ارزش‌ها را وارونه فهمیده است مثلاً حجاب را به عنوان یک اجبار حاکمیتی به او منتقل کرده‌اند، یکسان نیستند و نباید توقع یکسانی از این دو داشت.

### توجه به جامعیت رفتاری

افراد دارای شخصیت چندجانبه هستند. ممکن است تقید یک نفر در عبادات خیلی زیاد، اما در اخلاقیات کمتر باشد. ممکن است کسی در امور سیاسی خیلی انقلابی، اما در عبادات کاهل باشد. ممکن است فردی در روابط اجتماعی خیلی مقید، اما در امور اقتصادی چنین نباشد.

اگر کسی در یک بعد مشکل داشت یا ضعیف بود، دلیل نمی‌شود که ما کل ابعاد شخصیتی او را نادیده بگیریم. توقع اینکه همه آحاد مردم در همه ابعاد کامل باشند، توقع بیجایی است.

### نمونه‌هایی از ولایت اجتماعی

نمونه اول: رضایت فاطمه به مادری حسین علیه السلام

«سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام يَقُولُ: أَتَى جَبْرَيْلُ عليه السلام إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدُ أَلَا أَبَشْرُكَ بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ قَالَ فَانْتَهَضَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ عَادَ إِلَيْهِ الثَّانِيَةَ فَقَالَ لَهُ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَانْعَرَجَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ انْقَضَ إِلَيْهِ الثَّلَاثَةَ فَقَالَ مِثْلَ ذَلِكَ فَقَالَ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَقَالَ إِنَّ رَبِّي جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ فَقَالَ نَعَمْ أَوْ قَالَ ذَلِكَ ثُمَّ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَدَخَلَ عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَقَالَ هَذَا جَبْرَيْلُ عليه السلام أَتَانِي فَبَشَّرَنِي بِغُلَامٍ تَقْتُلُهُ أُمَّتِي مِنْ بَعْدِي فَقَالَتُ لَا حَاجَةَ لِي فِيهِ فَقَالَ هَذَا إِنَّ رَبِّي جَاعِلٌ الْوَصِيَّةَ فِي عَقِبِهِ فَقَالَتُ نَعَمْ إِذْنًا قَالَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى عِنْدَ ذَلِكَ هَذِهِ الْآيَةَ - حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا لِمَوْضِعِ إِعْلَامٍ جَبْرَيْلُ إِيَّاهَا بِقَتْلِهِ فَحَمَلَتْهُ كُرْهًا بِأَنَّهُ مَقْتُولٌ وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا لِأَنَّهُ



مَقْتُولٌ<sup>۱</sup>

در روایتی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌خوانیم: جبرئیل بر محمد صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نازل شد و گفت: ای محمد! خدا تو را مژده می‌دهد به مولودی که از فاطمه متولد شود و امت تو او را بعد از تو می‌کشند. «إِنَّ جِبْرِيْلَ ع نَزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ ص فَقَالَ لَهُ يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِمَوْلُودٍ يُؤَدُّ مِنْ فَاطِمَةَ تَقْتُلُهُ أُمَّتُكَ مِنْ بَعْدِكَ.» (پس از آنکه پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ دو مرتبه از چنین رویدادی ابراز نگرانی می‌کند، جبرئیل مجدد هبوط کرده و فرمود: ای محمد! پروردگارت به تو سلام می‌رساند و تو را مژده می‌دهد که امامت ولایت وصیت را در ذریه آن مولود قرار می‌دهد) «يَا مُحَمَّدُ إِنَّ رَبَّكَ يُبَشِّرُكَ السَّلَامَ وَ يُبَشِّرُكَ بِأَنَّهُ جَاعِلٌ فِي ذُرِّيَّتِهِ الْإِمَامَةَ وَ الْوَلَايَةَ وَ الْوَصِيَّةَ» (در این زمان، پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: راضی شدم «قَدْ رَضِيْتُ.»)

(پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همین ماجرا را به حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ تعریف کرد، فاطمه پیغام داد که مرا به مولودی که امت تو او را پس از تو بکشند نیازی نیست. پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ پیغام داد که خدا امامت ولایت وصایت را در ذریه او قرار داده، او هم پیغام داد که من راضی شدم.)

حضرت زهرا عَلَيْهَا السَّلَامُ بر امت ترحم کردند و حاضر شدند این سختی را به قیمت هدایت امت پیامبر توسط سلسله امامت وصایت بپذیرند.

## نمونه دوم: جان‌فدایی امام کاظم برای شیعه

«عَنْ أَبِي أَحْسَنِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ غَضِبَ عَلَى الشَّيْعَةِ فَخَيَّرَنِي تَنْفُسِي أَوْ هُمْ فَوَقَّيْتُهُمْ وَ اللَّهُ بِتَنْفُسِي»<sup>۲</sup> (حضرت موسی بن جعفر عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: خدای عَزَّ وَجَلَّ بر شیعه غضب کرد، پس مرا مخیر ساخت که یا من و یا آن‌ها فدا شویم، به خدا من با دادن جان خودم ایشان را حفظ کردم.)

## نمونه سوم: سیلی بزن، گناه نکن

شیخ محمد تقی بافقی، یکی از علمای بزرگ و جلیل‌القدر و صاحب مقامات و کرامات و در امر به معروف و نهی از منکر بسیار سختگیر و شجاع و بی‌باک

۱. کامل‌الزیارات، ج ۱، ص ۵۶.

۲. الکافی ج ۱، ص ۲۶۰.



بود، چنانکه در یکی از حمام‌های قدیم دید سرهنگی ریشش را می‌تراشد، نزدیک آمد و به او گفت: مگر نمی‌دانی که در اسلام تراشیدن ریش حرام و گناه است؟ چگونه به این گناه اقدام می‌کنی؟

سرهنگ از جرئت و اهانت ایشان عصبانی شد و کشیده‌ای به صورت شیخ زد و گفت: به تو چه که من ریشم را می‌تراشم؟ شیخ باکمال خونسردی مانند پدري دلسوز که فرزندش را نصیحت می‌کند، طرف دیگر صورتش را به سمت او گرفت و فرمود: یک سیلی هم به این طرف صورتم بزن، ولی خواهش می‌کنم ریشت را نتراش.

سرهنگ از مشاهده این حلم و موعظه خیرخواهانه از عمل خود پشیمان شد و از سلمانی حمام پرسید: این آقا کیست؟ سلمانی گفت: این آقا شیخ محمدتقی بافقی است.

سرهنگ چون شیخ را شناخت بیشتر ناراحت و پشیمان شد. آمد دست آقا را بوسید و عذرخواهی کرد و بعد به دست ایشان توبه کرد و بالاخره از نفس پاک شیخ عاقبت بخیر شد!

### نمونه چهارم: پول بگیر، گناه نکن

ایام فاطمیه بود، من در شمیران پای منبر سید مهدی قوام می‌رفتم، به مناسبت ایام شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام ده شب مراسم عزاداری بود، منبرش که تمام شد، برگشت به من گفت که فلانی! گفتم: بله، گفت: حالش را داری امشب برویم باهمدیگر الواطی کنیم؟ من اول تعجب کردم، گفتم: آقا شوخی‌تان گرفته؟ گفت: نه، امشب می‌خواهیم برویم الواطی، پول منبر را گرفتیم پولدار شدیم، حالش را داری بیا تا برویم؟ آقا اگر شما بروید الواطی، ما هم هستیم، چون شما اگر الواطی هم بروید، معصیت خدا نیست، ثواب و حسنات است.

گفت: پس ماشینت را روشن کن برویم، ماشین را روشن کردیم و نشست بغل دست ما و گفت: راست برو میدان بهارستان. باهم آمدیم میدان



بهارستان سابق، دیدم چند تا زن فاحشه گوشه‌وکنار میدان ایستاده بودند. یکی جوان‌تر بود، سید گفت: برو آن جوان‌تر را صدا بزن بیاید.

ما رفتیم و دیدیم دختر جوانی است اشاره کردم: بیا، خوب ماشین هم داشتیم و فکر کرد ما هم اهل معصیت هستیم، راه افتاد آمد دم در ماشین، همین‌که خواست در را باز کند و بنشیند، سید شیشه ماشین را پایین داد و دست کرد تو جیبش و پاکت پولش را درآورد و گفت: دخترم! من ده شب برای مادرم زهرا علیها السلام منبر رفتم، این پول را امشب به‌عنوان پول منبر و روضه به من دادند، آدرس را هم پشتش نوشتم، این پول را بگیر و به خانها برو تا تمام نشده از خانه بیرون نیا، پولت هم که تمام شد، آدرس و تلفنم را هم نوشته‌ام. بیا من پول بهت می‌دهم، خرجات را می‌دهم، شوهرت می‌دهم، جهیزیه برایت تهیه می‌کنم، تو جوانی، دخترم حیفاست دامن‌ت را از الان به معصیت آلوده کنی!

#### نمونه پنجم: دزدی که سر به راه شد

خانم عفت قوام‌زاده، همشیره آسید مهدی قوام نقل می‌کند: آقای هاشمی نژاد تعریف کرد که از یک میوه‌فروش که روی چرخ میوه ریخته بود برای دیدن سید میوه خریدیم. وقتی خواستیم پول بدهیم، پول را قبول نکرد. گفتم اگر مبلغ را نگیری میوه را نمی‌برم. میوه‌فروش گفت آقا سید دست من را گرفت و از جهنم به بهشت برد، چگونه پول بگیرم؟

بعد تعریف کرد که یک روز سید با عیالش از خانه بیرون رفتند من هم که در محل به دزدی شهرت داشتم به خانه سید رفتم مقداری اسباب جمع کردم و خواستم از خانه بیرون بروم که در خانه باز شد و سید با عیالش وارد شد. مرادید و سلام گرمی کرد و گفت «حالا که تا اینجا آمده‌ای بیا برویم یک چایی بخوریم.»

داخل خانه برگشتیم. سید برایم میوه و چای آورد و گفت: «اهل کجایی؟» گفتم خاک سفید، گفت: «این فرش دستی‌ها مال تو. یک چرخ دستی



و میوه بخر و داخل آن بگذار. هرچه هم که از بارت ماند و نخریدند شب خودم از تو می‌خرم.»

### فداکاری ابوالفضل العباس

حضرت ابوالفضل علیه السلام آن قدر به امام و خاندان امام حسین علیه السلام محبت داشتند که بارفتنش همه چیز تمام شد. او جانش را داد تا حسین بماند.

امام سجاد علیه السلام در مورد فضایل اخلاقی حضرت ابوالفضل علیه السلام می‌فرمایند: خدا عمویم عباس را رحمت کند، به راستی ایثار و جانبازی کرد، جنگ نمایانی کرد تا دستانش قطع شد و خود را فدای برادرش نمود. خداوند در برابر این فداکاری - همانند عمویش جعفر طیار - دو بال به او عنایت کرد تا به یاری آن‌ها، همراه فرشتگان در بهشت پرواز کند.

همانا عباس علیه السلام نزد خداوند تبارک و تعالی مقامی دارد که تمامی شهیدان، در روز قیامت، بر او غبطه می‌خورند و رسیدن به آن مقام را آرزو می‌کنند. امام صادق علیه السلام در آغاز زیارت‌نامه ایشان می‌فرمایند: «سلام بر تو ای بنده نیکوکار و فرمانبر خدا و پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مطیع امیرالمؤمنین علیه السلام و حسن علیه السلام و حسین علیه السلام»





## جلسه دهم

# توقعات از جامعه اسلامی



### بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

﴿كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَ  
 أَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا  
 اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ  
 فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ  
 يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ﴾<sup>۱</sup>

مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آن‌ها وجود نداشت. به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادهایی در میان آن‌ها پیدا شد، در این حال) خداوند، پیامبران را برانگیخت تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی که به سوی حق دعوت می‌کرد، به آن‌ها نازل کرد تا در میان مردم، در آنچه اختلاف داشتند دآوری کند.

(افراد باایمان، در آن اختلاف نکردند) تنها (گروهی از) کسانی که کتاب را دریافت کرده بودند و نشانه‌های روشن به آن‌ها رسیده بود به علت انحراف از حق و ستمگری، در آن اختلاف کردند. خداوند، آن‌هایی را که ایمان آورده بودند به حقیقت آنچه مورد اختلاف بود، به فرمان خود، رهبری کرد. (اما افراد بی‌ایمان، همچنان در گمراهی و اختلاف، باقی ماندند.) و خدا هرکس را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.)

در هر جامعه‌ای مسئولین آن جامعه برای تأمین نیازهای مردم وظایفی برعهده دارند و طبیعی است که مردم نیز با مطالبه انجام وظیفه مسئولین، پیگیر تأمین دغدغه‌های خود باشند. همان‌گونه که در خانواده سالم به عنوان یک جامعه کوچک، درک متقابل، شرط ثبات و پایداری آن خانواده «ارتقاء میزان آرامش در خانواده، ارتقاء سطح نشاط در خانواده و بسترسازی برای کسب معنویت» به شمار می‌رود.

در جامعه نیز درک متقابل زمینه‌ساز ایجاد عناصر فوق خواهد بود، لیکن درک متقابل در یک جامعه، پیچیده‌تر از روابط بسیط بین زوجین یا اعضای



خانواده است، از این رو فهم درست و مدیریت زاویه نگاه به جامعه و پدیده‌های اجتماعی، نقش مهمی در حفظ ثبات و آرامش جامعه دارد.

بر اساس آنچه گفته شد که توقعات زمانی منطقی، معقول و بجاست که تحقق آن خواسته در توان طرف مقابل باشد و البته مانعی نیز نداشته باشد و چنانچه از توان او خارج باشد یا مانعی بر سر راه او باشد توقع، منطقی و معقول نیست.

### واقعیت اول: مدیریت جامعه چندعاملی است

فهم این حقیقت انتظارات ما را از حکومت تعدیل می‌کند. فلسفه ادیان این است که با بسترسازی برای مردم، همه به سمت خداوند (تقرب به خدا یعنی تقرب به اوصاف الهی) حرکت کنند چه اینکه اگر همه مردم اوصاف الهی را در رفتارهای خود تحقق ببخشند تمام دنیا بهشت می‌شود.

- همه نسبت به یکدیگر مهربان باشند، چون خداوند، رحمان و رحیم است.
- همه اهل پوشاندن عیوب و کاستی‌های یکدیگر باشند، چون خداوند ستار العیوب است.
- همه اقداماتشان حکیمانه باشد و از عقلانیت برخوردار باشند، چون خداوند حکیم است.
- همه اهل آگاهی و دانش باشند، چون خداوند ﴿بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾ است.
- و ...

### ارکان جامعه مطلوب

برای ایجاد چنین جامعه‌ای چهار رکن لازم است.

#### ۱- قانون

با این ویژگی که اولاً قوانین آن دچار تعارض منافع نباشد، به این معنی که قوانین بشری در هر کشوری بر اساس منافع اشخاص یا احزاب نوشته



می‌شود و هر دولتی که می‌آید تا جایی که می‌تواند حتی قوانین قبلی را به سمت تأمین منافع خود تغییر می‌دهد.

قانون، شفافیت رأی نمی‌آورد، چون به نفع نمایندگان مجلس نیست. قوانین الهی هرگز مبتلا به این آسیب نیستند، چراکه عبودیت همه بندگان به خدایی خداوند چیزی اضافه نمی‌کند.

امیرالمومنین علیه السلام در این باره می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى خَلْقَ الْخُلُقِ حِينَ خَلَقَهُمْ عَيْنًا عَنْ طَاعَتِهِمْ، آمِنًا مِنْ مَعْصِيَتِهِمْ، لِأَنَّهُ لَا تَضُرُّهُ مَعْصِيَةٌ مِنْ عَصَاءٍ، وَلَا تَنْفَعُهُ طَاعَةٌ مِنْ أَطَاعَةٍ» (خداوند سبحانه و تعالی، موجودات را بیافرید و چون بیافرید از فرمانبرداریشان بی‌نیاز بود و از نافرمانیشان در امان؛ زیرا نه نافرمانی نافرمایان او را زبانی رساند و نه فرمانبرداری فرمانبرداران سودی. آنگاه روزی هایشان را میانشان تقسیم کرد و جای هر یک را در این جهان معین کرد).

قوانین باید قابل تحقق باشند؛ برخی قوانین بشری کاربردی نیست و امکان تحقق در جامعه را ندارد، مانند قانون حجاب و عفاف، تبصره ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی (مصوب ۱۳۷۵) که می‌گوید: «زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند، به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد.»

این قانون از ابتدای تصویب هرگز اجرایی نشده است؛ چراکه حجاب شرعی یعنی پوشاندن تمام بدن به جز وجه و کفین درحالی که در هیچ برهه تاریخی این سطح از حجاب نه رعایت شده و نه الزام و اجباری بر رعایت آن بوده است. نهایتاً با ناهنجاری پوشش برخورد می‌شده است، یا مثلاً وام مسکن که اقساط ماهانه وام ۹۶۰ میلیون تومانی مسکن حدود ۱۹ میلیون و ۳۰۰ هزار تومان است و کل بازپرداخت آن دو میلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان برآورد می‌شود.

کدام خانواده امکان این را دارد که ماهی حدود ۲۰ میلیون پرداخت وام



داشته باشد؟

قانون‌گذار باید جامعیت علمی داشته باشد؛ کسی که می‌خواهد قانونی را وضع کند باید تخصص‌های مختلف داشته باشد تا قوانینی که وضع می‌کند با یکدیگر تضاد نداشته باشد، مثلاً قوانین اجتماعی نباید با مباحث تربیتی تضاد داشته باشد، قوانین اقتصادی نباید با اخلاق در تضاد باشد.

متأسفانه در کشور ما وام‌هایی که توسط بانک‌ها پرداخت می‌شود اگرچه حساسیت به خرج داده شده تا حرام شرعی نباشد ولی با عقود شرعی، سودهای ۳٪ گرفته می‌شود که نهایتاً به ایجاد فاصله طبقاتی منجر می‌شود که با اخلاق اسلامی در تضاد است. قوانین الهی از این آسیب هم مبرا هستند چراکه خداوند اشراف کامل به همه جوانب و حتی گذشته و آینده بشریت نیز دارد.

## ۲- مجری

ویژگی‌های مجری قانون که در ساماندهی امور جامعه مؤثر است:

### پاک‌دست باشد

مجریانی که خود اهل هوی و هوس هستند قوانین خوب را نیز یا اجرا نمی‌کنند یا بد اجرا می‌کنند. متأسفانه افزایش کمی و کیفی رشوه‌حاکمی از این است که مجری بیشتر دنبال منافع خود است تا اجرای قانون؛ درحالی‌که این عمل در اسلام مورد مذمت قرار گرفته است.

پیامبر خدا ﷺ: «يَا عَلِيُّ! مِنَ السُّحْتِ، مَمْنُ الْمَيْتَةِ وَمَمْنُ الْكَلْبِ وَمَمْنُ الْحَمْرِ وَمَهْرُ الزَّانِيَةِ وَالرَّشْوَةُ فِي الْحُكْمِ وَأَجْرُ الْكَاهِنِ»<sup>۱</sup> (ای علی! از جمله مال‌های حرام، بهای مردار است و بهای سگ و شراب و کابین زن بدکاره و رشوه گرفتن در قضاوت و مزد پیشگو). و همچنین ایشان می‌فرمایند: «إِيَّاكُمْ وَالرَّشْوَةَ؛ فَإِنَّهَا حَصُّ الْكُفْرِ وَلَا يَشْتُمُ صَاحِبُ الرَّشْوَةِ رِيحَ الْجَنَّةِ»<sup>۲</sup> (از رشوه گرفتن دوری کنید؛ که آن کفر محض است و رشوه‌گیر بوی بهشت را استشمام نمی‌کند).

۱. مکارم الأخلاق: ۲/۳۲۷/۲۶۵۶.

۲. بحار الأنوار: ۱۰۴/۲۷۴/۱۲.



در روایت دیگری امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ می‌فرماید: «فَأَمَّا الرَّشْوَةُ يَا عَمَّارُ فِي الْأَحْكَامِ؛ فَإِنَّ ذَلِكَ الْكُفْرُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ وَرَسُولِهِ»<sup>۱</sup> (ای عمار! رشوه گرفتن در امر قضاوت؛ کفر ورزیدن به خداوند بزرگ و پیامبر اوست).

### توانمند باشد

بسیاری از مجربان ما، قدرت مدیریت و انجام مأموریت را ندارند. مسئولی که قدرت مدیریت خانواده خود را ندارد چگونه می‌خواهد امور اجتماعی پیچیده را مدیریت کند

اگرچه در جوامع امروزی چاره‌ای نیست جز اینکه انتخاب مسئولین را به عهده مردم بگذارند و آن‌ها هم خیرالموجودین را انتخاب کنند، اما در اسلام به کسانی که می‌خواهند بر صندلی مسئولیت تکیه بزنند توصیه شده است که حتماً از توانمندی بالایی برخوردار باشند.

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در مذمت فردی که مسئولیتی را بدون داشتن شایستگی لازم می‌پذیرد، فرمود: «مَنْ تَوَلَّى عَمَلًا وَهُوَ يَغْلُمُ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ بِأَهْلٍ، فَلَيْتَبَوَّءُ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ»<sup>۲</sup> (هرکه ریاست و مسئولیتی را بپذیرد و بداند که اهلیت آن را ندارد، در قبر و قیامت جایگاه او پراز آتش خواهد شد).

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در روایتی دیگر فرمودند: «مَنْ تَقَدَّمَ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَهُوَ يَرَى أَنَّ فِيهِمْ مَنْ هُوَ أَفْضَلُ مِنْهُ فَقَدْ خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْمُسْلِمِينَ»<sup>۳</sup> (هرکه جلودار - مسئول - عده‌ای از مسلمانان شود، درحالی که می‌داند در بین مسلمین فردی بهتر از او وجود دارد، پس خائن به خدا، رسولش و مسلمانان خواهد بود).

### ۳- رهبری

رهبر صالح ویژگی‌هایی باید داشته باشد:

۱. معانی الأخبار: ۱/۲۱۱.

۲. تاریخ اسلام، ج ۱۲، ص ۲۸۵.

۳. الغدير، ج ۸، ص ۲۹۱.



### ۱. تخصص و تعهد داشته باشد

در روایتی این ویژگی‌ها مورد توجه قرار گرفته است. امام حسن عسکری علیه السلام می‌فرماید: «وَأَمَّا مَنْ كَانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِنًا لِنَفْسِهِ حَافِظًا لِدِينِهِ مُخَالِفًا لِهَوَاهُ مُطِيعًا لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِ أَنْ يُقَلِّدُوهُ...» (هریک از فقها که بر نفس خود مسلط باشند و دین خود را حفظ کنند و با هوای نفس خود مخالفت ورزند و امر خدا را اطاعت کنند بر همگان واجب است که از او تقلید نمایند.)

### ۲. باید فقیه و متخصص باشد. (من كان من الفقهاء)

### ۳. باید متعهد و متدین باشد. (صائنا لنفسه، مخالفا لهواه و...)

### ۴. اهل مصلحت‌اندیشی باشد.

رهبر موفق کسی است که مصالح مکتب و امت را درست تشخیص دهد و به آن عمل کند. مصلحت‌اندیشی به معنای مماشات و حيله‌گری نیست، بلکه به معنای اهم و مهم کردن مسئله‌هایی است که منافع مکتب و امت را تأمین می‌کند. درک مصلحت نیاز به اشراف به تمامی جوانب امر دارد، لذا در هر حیطة‌ای کشف مصلحت و اعمال آن برعهده ولی گذاشته شده است. مثلاً در عرصه خانواده، مرجع کشف مصلحت برای فرزندان و همسر، پدر خانواده است، لذا مدیریت خانواده نیز برعهده وی است. در عرصه جامعه، مرجع تشخیص مصالح امت با ولی جامعه است که در دوران حضور امام معصوم این مرجعیت اختصاص به معصوم دارد و در دوران غیبت، این مهم از اختیارات ولی فقیه خواهد بود.

نمونه‌های فراوانی در تاریخ داریم که مصلحت‌اندیشی درست، مانع نابودی دین و مسلمین شده است. در ادامه به اختصار سه نمونه را ذکر می‌کنیم.

### نمونه اول: عفو سران مشرکین

پیامبر اکرم در جنگ‌های مختلف شیوه‌های متفاوتی را در برخورد با اسرا



و غنایم جنگ برگزیدند؛ برای نمونه درحالی که آن حضرت برخورد بسیار سختی در جنگ با یهودیان بنی قریظه داشتند، زنان آنان را به اسیری گرفته، مردان آن‌ها را کشتند و اموال آنان را تقسیم کردند.<sup>۱</sup>

در فتح مکه در برابر شعار سعد بن عباده که آن روز را «یوم الملحمه، روز قتل مردان و اسیری زنان اعلام داشت به حضرت علی فرمان دادند که شعار الیوم یوم المرحمة، روز رحمت و بخشایش را فریاد بزنند و پس از فتح مکه به دستور پیامبر پرچم امان در خانه ابوسفیان برافراشته شد.

هرکس به خانه ابوسفیان درآید یا درب خانه خود را ببندد یا به مسجد الحرام وارد شود در امان اعلام می‌شود و با فرمودن عبارت «انتم الطلقاء» آنان را آزاد شده دانستند.<sup>۲</sup>

### نمونه دوم: تخریب مسجد

درحالی که مسجد در دین اسلام از احترام والایی برخوردار است، تخریب یا بی‌حرمتی به آن قابل پذیرش نیست، پیامبر در تبعیت از وحی الهی مسجد ضرار را به آتش کشیده و آن را به مزبله تبدیل کرده است که طبیعتاً به علت وجود مفسده در این مسجد و مصلحت در تخریب آن بوده است.<sup>۳</sup>

### نمونه سوم: عدم اقدام برای اصلاحات فرهنگی

حضرت در این خطبه به موارد متعدد اقتصادی، عبادی، اجتماعی و... از احکام مسلم دین و قرآن اشاره می‌کنند که علی‌رغم اطلاع داشتن از این ناهنجاری‌ها اقدامی برای اصلاح انجام ندادند به خاطر یک مصلحت مهم‌تر و آن هم حفظ وحدت امت اسلامی بود.

«اینکه من در دوران حکومتم به اصلاح این امور نپرداختم فقط یک دلیل عمده داشت و آن هم حفظ وحدت جامعه بود.»

«مُّ أَقْبَلَ بِوَجْهِهِ وَ حَوْلَهُ نَأْسٌ مِنْ أَهْلِ بَيْتِهِ وَ خَاصَّتِهِ وَ شِيعَتِهِ فَقَالَ قَدْ

۱. ترجمه ارشاد مفید، ص ۱۰۰.

۲. بحار الانوار، ج ۲۱، ص ۱۳۰.

۳. عروسی حویزی، تفسیر نورالثقلین، ج ۲، ص ۲۶۹.





عَمِلَتِ الْوَلَدَةُ قَبْلِي أَعْمَالًا خَالَفُوا فِيهَا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُتَعَمِدِينَ  
لِخِلَافِهِ نَاقِضِينَ لِعَهْدِهِ مُعَيِّرِينَ لِسُنَّتِهِ وَ لَوْ حَمَلْتُ النَّاسَ عَلَى تَرْكِهَا وَ حَوْلُهَا  
إِلَى مَوَاضِعِهَا وَ إِلَى مَا كَانَتْ فِي عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَتَفَرَّقَ عَنِّي  
جُنْدِي حَتَّى أَتْبِقَ وَخُدِي أَوْ قَلِيلٌ مِنْ شِيعَتِي الَّذِينَ عَرَفُوا فَضْلِي وَ فَرَضَ إِمَامَتِي  
مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَرَأَيْتُمْ لَوْ أَمَرْتُ  
بِمَقَامِ إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَرَدَدْتُهُ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِي وَضَعَهُ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ  
وَآلِهِ وَ رَدَدْتُ فَدَكَ إِلَى وَرَثَةِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَ رَدَدْتُ صَاعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى  
اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَمَا كَانَ وَ أَمْضَيْتُ قَطَائِعَ أَقْطَعَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ  
لِأَقْوَامٍ لَمْ تَمُضْ لَهُمْ وَ لَمْ تُنْفَذْ دَارَ جَعْفَرٍ إِلَى وَرَثَتِهِ وَ هَدَمْتُهَا مِنَ الْمَسْجِدِ  
وَ رَدَدْتُ قَصَايَا مِنَ الْجُورِ فَضِي بِهَا وَ نَزَعْتُ نِسَاءً تَحْتَ رِجَالِ بَعْضِ حَقِي فَرَدَدْتُهُنَّ  
إِلَى أَرْوَاجِهِنَّ وَ اسْتَقْبَلْتُ بَيْنَ الْحُكْمِ فِي الْفُرُوجِ وَ الْأَحْكَامِ وَ سَبَيْتُ ذُرَارِيَّ بَنِي  
تَغْلِبَ وَ رَدَدْتُ مَا قُسِمَ مِنْ أَرْضِ حَبِيبٍ وَ مَحْوُثِ دَوَاوِينِ الْعِظَايَا وَ أَعْطَيْتُ كَمَا  
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُعْطِي بِالسَّوِيَّةِ وَ لَمْ أَجْعَلْهَا دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ  
وَ اللَّقِيثِ الْمِسَاحَةِ وَ سَوَّيْتُ بَيْنَ الْمُنَاكِحِ وَ أَنْفَذْتُ حُمْسَ الرَّسُولِ كَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّ  
وَ جَلَّ وَ فَرَضَهُ وَ رَدَدْتُ مَسْجِدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى مَا كَانَ عَلَيْهِ وَ  
سَدَدْتُ مَا فَتِحَ فِيهِ مِنَ الْأَبْوَابِ وَ فَتَحْتُ مَا سَدَّ مِنْهُ وَ حَرَمْتُ الْمَسْحَ عَلَى الْخُنَّازِيِّ  
وَ حَدَدْتُ عَلَى التَّبَيُّدِ وَ أَمَرْتُ بِإِحْلَالِ الْمُتَعَتِّينَ وَ أَمَرْتُ بِالتَّكْبِيرِ عَلَى الْجَنَائِزِ  
حُمْسَ تَكْبِيرَاتٍ وَ أَلَزَمْتُ النَّاسَ الْجَهْرَ بِ: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» وَ أَخْرَجْتُ مَنْ  
أَدْخَلَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَسْجِدِهِ مَنْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْرَجَهُ وَ أَدْخَلْتُ مَنْ أَخْرَجَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَنْ  
كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَدْخَلَهُ وَ حَمَلْتُ النَّاسَ عَلَى حُكْمِ الْقُرْآنِ وَ عَلَى  
الْظَّلَاقِ عَلَى السُّنَّةِ وَ أَخَذْتُ الصَّدَقَاتِ عَلَى أَصْنَافِهَا وَ حُدُودَهَا وَ رَدَدْتُ الْوُضُوءَ  
وَ الْغُسْلَ وَ الصَّلَاةَ إِلَى مَوَاقِيتِهَا وَ شَرَائِعِهَا وَ مَوَاضِعِهَا وَ رَدَدْتُ أَهْلَ نَجْرَانَ إِلَى  
مَوَاضِعِهِمْ وَ رَدَدْتُ سَبَايَا فَارِسَ وَ سَائِرَ الْأُمَمِ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ  
عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا لَتَفَرَّقُوا عَنِّي وَ اللَّهُ لَقَدْ أَمَرْتُ النَّاسَ أَنْ لَا يَجْتَمِعُوا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا  
فِي فَرِيضَةٍ وَ أَعْلَمْتُهُمْ أَنَّ اجْتِمَاعَهُمْ فِي التَّوَافِلِ بِدَعَاةٍ فَتَنَادَى بَعْضُ أَهْلِ عَسْكَرِي  
مَنْ يُفَاتِلُ مَعِي يَا أَهْلَ الْإِسْلَامِ غَيَّرْتُ سُنَّتَهُ عَمَرُ يَهْتَانَا عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ



رَمَصَانَ تَطْوَعًا وَ لَقَدْ خِفْتُ أَنْ يَثُورُوا فِي نَاحِيَةِ جَانِبِ عَسْكَرِي مَا لَقِيتُ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّةِ مِنَ الْفُرْقَةِ وَ طَاعَةِ أُمَّةِ الصَّلَاةِ وَ الدُّعَاةِ إِلَى النَّارِ وَ أُعْطِيتُ مِنْ ذَلِكَ سَهْمَ ذِي الْقُرْبَى الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: «إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّنَجُّ الْجَمْعَانِ» فَنَحْنُ وَ اللَّهُ عَنِّي ذِي الْقُرْبَى الَّذِي قَرَنَتَا اللَّهُ بِنَفْسِهِ وَ بِرَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فَقَالَ تَعَالَى «فَلِلَّهِ وَ لِلرَّسُولِ وَ لِذِي الْقُرْبَى وَ الْيَتَامَى وَ الْمَسَاكِينِ وَ ابْنِ السَّبِيلِ» فِينَا خَاصَّةً: «كَيْ لَا يَكُونَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَ مَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَ مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَ اتَّقُوا اللَّهَ فِي ظُلْمِ آلِ مُحَمَّدٍ: «إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ» لِمَنْ ظَلَمَهُمْ رَحْمَةً مِنْهُ لَنَا وَ غَنَى أَعْنَانَا اللَّهُ بِهِ وَصَى بِهِ نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ لَمْ يَجْعَلْ لَنَا فِي سَهْمِ الصَّدَقَةِ نَصيباً أَكْرَمَ اللَّهُ رَسُولَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ أَكْرَمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ أَنْ يُطْعِمَنَا مِنْ أَوْسَاحِ النَّاسِ فَكَذَّبُوا اللَّهَ وَ كَذَّبُوا رَسُولَهُ وَ جَحَدُوا كِتَابَ اللَّهِ النَّاطِقِ بِحَقِّنَا وَ مَنَعُونَا فَرَضاً فَرَضَهُ اللَّهُ لَنَا مَا لَيْحِي أَهْلَ بَيْتِ نَبِيِّ مِنْ أُمَّتِهِ مَا لَقِينَا بَعْدَ نَبِيِّنَا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ «وَ اللَّهُ أَلْمُسْتَعَانُ» عَلَى مَنْ ظَلَمْنَا وَ لَاحْوَالَ وَ لَاقُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ»<sup>۱</sup>

سپس رو به حاضران کرد درحالی که پیرامون ایشان گروهی بود از اهل بیت و خواص و شیعیانش، فرمود: والیان پیش از من عمداً با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مخالفت برخاستند و پیمان او را شکستند و روش او را دگرگون کردند و اگر من بخواهم مردم را به ترک این کردارهای مخالف پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ادار کنم و آنان را به سوی حق بازگردانم و به همان روش که در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بود تغییرشان دهم، همه لشکریانم از پیرامونم بپراکنند تا آنکه من می‌مانم با گروه اندکی از شیعیانم که فضل مرا شناخته‌اند و از روی قرآن و سنت رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم مرا واجب الطاعة می‌دانند.

شما بگویید که اگر من درباره مقام ابراهیم فرمانی صادر کنم که آن را به همان جایی برگردانم که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در آنجایش نهاد و فدک را به وارثان فاطمه پس دهم و صاع پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به میزانی برگردانم که در دوران آن حضرت بود و زمین‌هایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم به مردمی واگذار



که حکم ایشان درباره آن‌ها اجرا نشده است و من آن را اجرا کنم و خانه جعفر را که از او ستانند و جزء مسجد کردند به وارثان او برگردانم و آن را از مسجد خراب کنم و احکام و قوانین خلاف حق را که طبق آن‌ها حکم شده به حق برگردانم و آن احکام خلاف را لغو کنم و زنانی را از زیر دست مردانی که بناحق خود را شوهر آنان می‌دانند برگیرم و آن‌ها را به شوهرهای شرعی‌شان بازگردانم و با آن‌ها بنا به حکم خدا درباره فروج و مقررات مقابله کنم و زن و بچه بنی تغلب را به اسارت گیرم و آنچه را از زمین‌های خیبر تقسیم شده برگردانم و دفتر هدایا و حقوق و مستمری را از میان ببرم و درآمد اسلامی را مانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم میان مسلمانان، برابر و برادروار تقسیم کنم و بیت‌المال را دست‌گردان توانگران نسازم و خراج و مالیات از روی مساحت زمین را لغو کنم و امر نکاح را بر پایه برابری و برادری مسلمانان استوار کنم و خمس پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را چنان که خداوند سبحان فرو فرستاده و مقرر داشته اجرا کنم و مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را به همان وضعی برگردانم که بود و هر دری را از آن گشودند ببندم و هر دری را که بستند باز کنم و مسح وضو را از روی کفش ممنوع کنم و برای نوشیدن شراب حد اجرا کنم و فرمان دهم که متعه حج و متعه زنان حلال‌اند و فرمان می‌دادم بر جنازه‌ها پنج بار الله اکبر بگویند و مردم را وادارم تا بسم الله الرحمن الرحیم را در حمد و سوره نماز بلند بخوانند و هرکس را به همراه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مسجدش درآوردند بیرون بیندازم و آن‌کسی را که از مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بیرون انداخته‌اند وارد آن سازم و مردم را به حکم قرآن و اجراء طلاق، طبق قانون قرآن و موافق سنت اسلام وادارم و زکات را از همه گونه‌هایش، طبق مقررات دریافت می‌کنم وضو غسل و نماز را به هنگام و بنا به شریعت و در محل خودش برگردانم و اهل نجران را به مکان خود بازگردانم و اسیران فارس و ملت‌های دیگر را به مقررات کتاب خدا و سنت رسولش برگردانم، در این صورت همه از گردن پراکنده می‌شدند.

به خدا سوگند که من به مردم فرمان دادم در ماه رمضان همان نماز فریضه را به جماعت بخوانند و به آن‌ها اعلان داشتیم که جماعت در نماز نافله،



بدعت است و دستور خدا نیست، ولی فریاد گروهی از سربازانم که همراه من با دشمن می‌جنگیدند بلند شد، آن‌ها فریاد می‌زدند که ای مسلمانان! سنت عمر دگرگون شد، علی ما را از نماز نافله ماه رمضان بازمی‌دارد و من ترسیدم که مبادا در بخشی از سپاهم جنجالی پیا شود.

من از دست این امت، از نظر تفرقه‌اندازی و پیروی آن‌ها، از پیشوایان گمراهی و از دعوت‌گران به سوی دوزخ چه‌ها که نکشیدم! من از این خمس، بهره‌ذی‌القربی را که خداوند فرموده است: «إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقِيَّةِ الْجَمْعَانِ» عطا می‌کنم. به خدا سوگند مقصود از ذی‌القربی ما هستیم که خداوند ما را با خود و رسول خود قرین ساخته است و فرموده از آن خداست و از آن رسول خدا و از آن ذی‌القربی و یتیمان و مساکین و ابن‌سبیل تا اینکه دست‌گردان توانگران شمانشود و آنچه را رسول به شما داد بگیرید و آنچه که شما را از آن باز داشت و انهدید و از خدا بپرهیزید؛ زیرا خدا سخت‌کیفر است برای کسانی که به ایشان ستم کنند [خاندان محمد ﷺ].

این مهری است که خدا به ما داده و ما را با آن بی‌نیاز ساخته است و درباره آن به پیغمبرش سفارش کرده و از زکات و صدقه به ما بهره‌ای نداده است. خداوند رسول خویش و ما اهل بیت را گرامی داشته از اینکه چرک مال مردم را به ما بخوراند. پس این مردم، خدا را تکذیب کردند و رسول خدا ﷺ را هم تکذیب نمودند و کتاب خدا را که به حق ما گویاست، انکار کردند و از مقرری‌ای که خدا برای ما مقرر کرده است از ما دریغ ورزیدند. خاندان هیچ پیغمبری از امت خود آن ندید که ما پس از پیامبر دیدیم و خداوند علیه کسی که به ما ستم روا داشته یاور ماست و از او کمک می‌خواهیم و لا حول ولا قوة إلا بالله العلی‌العظیم.)

#### ۴- مردم

ویژگی‌های مردمی که می‌توانند در جامعه‌سازی مؤثر باشند:



### مردم باید در میدان باشند

مردم در یک جامعه اگر نسبت به ارزش‌ها بی‌توجه باشند و در رهروی از رهبر خود اهتمام نداشته باشند، آن جامعه به سامان نخواهد رسید، حتی اگر رهبر آن جامعه امیرالمومنین باشد.

امیرالمومنین در جای‌جای نهج‌البلاغه از اینکه مردم زمانه او، پای کار نبودند گله می‌کند و آن‌ها را به سهمگین‌ترین عبارات‌ها مورد خطاب قرار می‌دهد.

«يَا أَشْبَاهَ الرِّجَالِ وَ لَا رِجَالَ، حُلُومَ الْأَطْفَالِ وَ عُقُولُ رِبَاتِ الْحِجَالِ، لَوِدِدْتُ أَنِّي لَمْ أَرْكُمُ وَ لَمْ أَعْرِفِكُمْ مَعْرِفَةً وَ اللَّهُ جَزَتْ نَدْمًا وَ أَعْقَبَتْ سَدْمًا. فَاتَّكُمُ اللَّهُ لَقَدْ مَلَأْتُمْ قَلْبِي قَيْحًا وَ سَحَنْتُمْ صَدْرِي غَيْظًا وَ جَزَعْتُمُونِي نُعَبَ التَّهْمَامِ أَنْفَاسًا وَ أَفْسَدْتُمْ عَلَيَّ رَأْيِي بِالْعُضْبَانِ وَ الْخِذْلَانِ، حَتَّى لَقَدْ قَالَتْ قُرَيْشٌ إِنَّ ابْنَ أَبِي طَالِبٍ رَجُلٌ شُجَاعٌ وَ لَكِنْ لَا عِلْمَ لَهُ بِالْحَرْبِ. اللَّهُ أَبُوهُمْ! وَ هَلْ أَحَدٌ مِنْهُمْ أَشَدُّ لَهَا مِرَاسًا وَ أَقْدَمُ فِيهَا مَقَامًا مِنِّي؟ لَقَدْ نَهَضْتُ فِيهَا وَ مَا بَلَغْتُ الْعِشْرِينَ وَ هَا أَنَا ذَا قَدْ ذَرَفْتُ عَلَى السِّتِينَ؛ وَ لَكِنْ لَا رَأْيَ لِمَنْ لَا يُطَاعُ»<sup>۱</sup>

(ای به صورت مردان عاری از مردانگی، با عقل کودکان و خرد زنان به حمله آریمده، کاش نه شما را دیده بودم و نه می‌شناختم‌تان. این آشنایی برای من، به خدا سوگند، جز پشیمانی و اندوه هیچ ثمره‌ای نداشت.

مرگ بر شما باد که دلم را ملامال خون گردانیدید و سینه‌ام را از خشم آکنده ساختید و جام زندگی‌م را از شرنگ غم لبریز کردید و با نافرمانی‌های خود اندیشه‌ام را تباہ ساختید تا آنجا که قریش گفتند: پسر ابوطالب مردی دلیر است، ولی از آیین لشکرکشی و فنون نبرد آگاه نیست. خدا پدرشان را بیامزد. آیا در میان رزم‌آوران، رزم‌دیده‌تر از من می‌شناسند یا کسی را که پیش از من قدم به میدان جنگ نهاده باشد. وقتی که من به آوردگاه می‌رفتم هنوز به بیست سالگی نرسیده بودم و حال آن‌که اکنون از شصت سالگی برگذشته‌ام. آری، کسی را که از او فرمان نمی‌برند چه رأی و اندیشه‌ای

۱. نهج‌البلاغه، خ ۲۷.



تواند بود!

اگر مردم در میدان مطالبه‌گری غایب باشند مسئولین فاسد و رانت‌خوار کشور را به نابودی خواهند کشاند. اگر مردم در میدان امر به معروف و نهی از منکر غایب باشند فساد و فحشاء جامعه را به گند خواهد کشید. اگر مردم در میدان مصرف بهینه غایب باشند به‌زودی با اتمام منابع انرژی مواجه خواهیم شد.

اگر مردم در میدان فرزندآوری غایب باشند به‌زودی با جامعه‌ای پیر و فرتوت مواجه خواهیم شد و ...

در تمام تاریخ، هر ملتی که شکست خورده و هر مکتبی که افول کرده به علت نبود یا نقص یکی از ارکان چهارگانه فوق بوده است. اگر بعد از پیامبر، دین به انحراف رفت، چون رهبری امیرالمومنین انکار شد و افرادی بر کرسی حکومت تکیه زدند که هیچ صلاحیتی نداشتند، مردم پای‌کار علی علیه السلام نبودند و او را تنها گذاشتند، قرآن که کتاب قانون بود به حاشیه رفت و سلیقه‌های انسانی جای ضابطه‌های قرآنی را گرفت و نهایتاً امام حسین علیه السلام مجبور به قیام شد.

امام علیه السلام در دعوت‌نامه‌ای که برای مردم بصره فرستاد به این عوامل اشاره کرده است: «أَمَّا بَعْدُ: فَإِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَىٰ خَلْقِهِ، وَأَكْرَمَهُ بِنُبُوتِهِ، وَ اخْتَارَهُ لِرِسَالَتِهِ، ثُمَّ قَبَضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَ قَدْ نَصَحَ لِعِبَادِهِ وَ بَلَغَ مَا أُرْسِلَ بِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَ كُنَّا أَهْلَهُ وَ أَوْلِيَاءَهُ وَ أَوْصِيَاءَهُ وَ وَرَثَتَهُ وَ أَحَقَّ النَّاسُ بِمَقَامِهِ فِي النَّاسِ، فَاسْتَأْثَرَ عَلَيْنَا قَوْمُنَا بِذَلِكَ، فَرَضِينَا وَ كَرِهْنَا الْفُرْقَةَ وَ أَحْبَبْنَا الْعَافِيَةَ، وَ نَحْنُ نَعْلَمُ أَنَّا أَحَقُّ بِذَلِكَ الْحَقِّ الْمُسْتَحَقِّ عَلَيْنَا مِنْ تَوَلَّاهُ... وَ قَدْ بَعَثْتُ رَسُولِي إِلَيْكُمْ بِهَذَا الْكِتَابِ، وَ أَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَىٰ كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَإِنَّ السُّنَّةَ قَدْ أَمِيَّتْ، وَإِنَّ الْبِدْعَةَ قَدْ أَحْيِيَتْ، وَإِنْ تَسْمَعُوا قَوْلِي وَ تَطِيعُوا أَمْرِي أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ، وَ السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ!»



(اما بعد: خداوند محمد ﷺ را بر خلقش برگزید و او را به پیامبری خود گرامی داشت و برای انجام رسالتش وی را انتخاب کرد، سپس او را به نزد خویش برد درحالی که حق خیرخواهی بندگان را ادا و رسالتش را به درستی ابلاغ کرده بود (سپس افزود): ما خاندان پیامبر ﷺ و اوصیاء وارثان او شایسته ترین مردم به جانشینی وی بودیم، ولی قوم ما، ما را (به ناحق) کنار زدند و ما نیز (به ناچار) پذیرفتیم، چراکه تفرقه را ناخوش داشته و عافیت (سلامت دین و امت اسلامی) را دوست داشتیم، درحالی که ما به یقین می دانستیم از کسانی که بر این مسند تکیه زدند، سزاوارتریم... اکنون فرستاده خود را با این نامه به سوی شما اعزام کردم و شما را به کتاب خدا و سنت پیامبرش فرامی خوانم چراکه (این گروه) سنت پیامبر ﷺ را از بین برده و بدعت (در دین) را احیاء کردند، اگر سخنانم را بشنوید و فرمانم را اطاعت کنید، شما را به راه راست هدایت می کنم. والسلام علیکم ورحمة الله)

## شهادت امام حسین علیه السلام، محصول چیست؟

### تعریف کتاب قانون

وقتی قرآن از دست دانشمندانی چون اهل بیت علیهم السلام بیرون آمد و در اختیار جاهلان قرار گرفت طبیعی است که با تحریف همان قرآن علیه اهل بیت توطئه کردند.

### نمونه: مناظره امیرالمؤمنین با ابوبکر

امام صادق علیه السلام فرمود: پس از گرفتن بیعت برای ابوبکر و آماده شدن حکومت برای او، ابوبکر کس فرستاد تا کارگزار فاطمه علیها السلام را از فدک بیرون کند. فاطمه زهرا علیها السلام نزد ابوبکر آمدند و فرمودند: ای ابوبکر، چرا ارث پدرم رسول خدا را از من دریغ می داری و چرا کارگزارم را از فدک بیرون کرده ای؟ پیامبر، سرزمین فدک را به امر الهی برای من قرار داده است.

ابوبکر گفت: شاهدان خود را در این موضوع بیاور. حضرت زهرا علیها السلام ام ایمنم را آوردند. ام ایمن پیش از ادای شهادت گفت: ای ابوبکر تا گفته رسول خدا



را که دلیل حقانیت سخن من است ذکر نکنم گواهی نمی‌دهم، تو را به خدا سوگند می‌دهم آیا نمی‌دانی که پیامبر خدا ﷺ فرمود: «ام ایمن زنی از اهل بهشت است؟» ابوبکر گفت: چرا، می‌دانم. ام ایمن گفت: پس هم اکنون گواهی می‌دهم که خداوند به رسولش وحی کرد که حق خویشاوند را به او بده. «فات ذالقرنی حقه» در این هنگام حضرت رسول فدک را به امر خدا به زهرا داد.

امام علی علیه السلام نیز آمدند و همچون ام ایمن بر این قضیه شهادت دادند. ابوبکر نوشته‌ای برای حضرت زهرا علیها السلام نوشت و به حضرت داد. در این هنگام، عمر از راه رسید و پرسید این چه نوشته‌ای است؟ ابوبکر گفت: فاطمه می‌گوید فدک از آن اوست و ام ایمن و علی علیهما السلام نیز شهادت داده‌اند، من هم فدک را برای زهرا علیها السلام نوشتم.

عمر نوشته را از حضرت گرفت و پاره پاره کرد. حضرت فاطمه علیها السلام با گریه از نزد ابوبکر رفت. فاصله‌ای نشد امام علی علیه السلام در حالی که ابوبکر در مسجد نشسته بود و مهاجر و انصار دور او بودند به نزد ابوبکر آمد و فرمود: ای ابوبکر چرا میراث فاطمه را از او بازمی‌گیری با اینکه وی در زمان پیامبر، مایک آن بوده است؟

ابوبکر گفت: این «فی‌۶» حق مسلمانان است. اگر فاطمه شاهد آورد که پیامبر خدا بدو داده پذیرفته است وگرنه هیچ حقی ندارد. امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: ای ابابکر، آیا درباره ما حکمی جز حکم خدا درباره مسلمانان داری؟ ابوبکر گفت: نه. حضرت فرمود: اگر مالی در دست مسلمانان باشد که مالک او باشند آنگاه من درباره آن مال ادعا داشته باشم و آن را از خود بدانم. در این صورت از چه کسی شاهد می‌خواهی؟ ابوبکر گفت از تو شاهد می‌خواهم.

حضرت فرمود: پس چرا از فاطمه درباره چیزی که در دست او بوده و در زمان پیامبر و پس از پیامبر مالک او بوده است شاهد خواسته‌ای و از مسلمانان که ادعا می‌کنند: این مال آنان است شاهد نمی‌خواهی؟ با اینکه اگر من





ادعای چیزی داشته باشم از من شاهد می‌طلبی.

ابوبکر حرفی برای گفتن نداشت و ساکت ماند، ولی عمر گفت: ای علی با ما بحث نکن، ما تاب پاسخ‌گویی به دلیل تو را نداریم، اگر شاهدان عادل آوری و گرنه فدک حق مسلمانان است و برای تو فاطمه حقی در آن نیست. امام علی خطاب به ابوبکر گفت: آری. حضرت فرمود: به من بگو: آیه تطهیر ﴿انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس أهل البیت و یطهرکم تطهیرا﴾ خداوند اراده کرده تا پلیدی را از شما اهل بیت بزدايد و شما را پاک سازد، در شأن ما نازل شده و یا در شأن دیگران؟ ابوبکر گفت: در شأن شماست.

حضرت فرمود: اگر هر نفر شهادت دهد که فاطمه، دختر رسول خدا کار زشتی انجام داده تو با فاطمه چه می‌کنی؟ ابوبکر پاسخ داد بر او حد جاری می‌کنم به مانند دیگر زنان. حضرت فرمود: در این صورت تو به نزد خدا کافر خواهی بود. ابوبکر گفت: چرا؟ حضرت فرمود: چون تو گواهی خدا را در حق فاطمه که او را پاک می‌داند رد کرده‌ای و گواهی مردم را در ارتباط با فاطمه پذیرفته‌ای؟ آن‌گونه که حکم خدا و رسولش را درباره فدک رد می‌کنی و نمی‌پذیری که خدا و رسولش، فدک را برای فاطمه قرار داده‌اند و فاطمه در زمان پیامبر، فدک را گرفته است، بعد می‌آیی و گواهی یک عرب بیابانی را می‌پذیری و فدک را از فاطمه می‌گیری و چنین می‌پنداری که حق مسلمانان است و تو در نتیجه این گفته پیامبر را که «مدعی باید شاهد بیاورد و برای مدعی علیه، قسم کافی است» رد کرده‌ای.

امام صادق علیه السلام فرمود: پس از این بحث و گفتگو مردم خشمناک شدند و سخن ابوبکر را نپذیرفتند و یک صدا می‌گفتند: به خدا سوگند علی راست می‌گوید.<sup>۱</sup>

### رهبری پلیدها

امام حسین علیه السلام فرمودند که اگر بنا باشد رهبر جامعه اسلامی شخص آلوده‌ای مانند یزید باشد باید فاتحه اسلام را خواند، چون چیزی از اسلام

۱. بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۱۲۷، ح ۲۷.



نخواهد ماند!

### عدم همراهی مردم

امام علیه السلام خود به این مسئله اشاره کرده و فرمودند مردم در هنگام خطر، خدا و پیغمبرشان را نیز فراموش می‌کنند و از میدان می‌گریزند، ایشان فرمودند: «إِنَّ هَذِهِ الدُّنْيَا قَدْ تَغَيَّرَتْ وَ تَنَكَّرَتْ وَ أَدْبَرَ مَعْرُوفُهَا فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا صُبَاتَةٌ كَصَابَةِ الْإِنْيَاءِ وَ حَسِيسٌ عَيْشٌ كَالْمَرْعَى الْوَيْبِلِ أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الْحَقَّ لَا يَعْمَلُ بِهِ وَ أَنَّ الْبَاطِلَ لَا يَنْتَهِي عَنْهُ لِيَرْغَبَ الْمُؤْمِنُ فِي لِقَاءِ اللَّهِ مُحِقًّا فَإِنِّي لَا أَرَى الْمَوْتَ إِلَّا الْحَيَاةَ وَ لَا الْحَيَاةَ مَعَ الظَّالِمِينَ إِلَّا بِرَمَائِنَ النَّاسِ عِبِيدِ الدُّنْيَا وَ الدِّينِ لَغْفٌ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَهُ مَا دَرَّتْ مَعَايِشُهُمْ فَإِذَا مَحُصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَانُونَ»<sup>۲</sup>

(راستی این دنیا دگرگونه و ناشناس شده و معروفش پشت کرده و از آن جز نمی‌که بر کاسه نشیند و زندگی‌ای پست، همچون چراگاه تباه چیزی باقی نمانده است. آیا نمی‌بینید که به حق عمل نمی‌شود و از باطل نهی نمی‌گردد؟ در چنین وضعی مؤمن به لقای خدا سزاوار است و من مرگ را جز سعادت و زندگی با ظالمان را جز هلاکت نمی‌بینم. به راستی که مردم بنده دنیا هستند و دین بر سر زبان آن‌هاست و مادام که برای معیشت آن‌ها باشد پیرامون آن‌اند وقتی به بلا (و رنج و سختی) آرموده شوند دین‌داران اندک‌اند.)

یکی از مؤیدات فرمایش امام علیه السلام پاسخ احنف ابن قیس نسبت به دعوت‌نامه سیدالشهدا است. احنف بن قیس، یکی از سران قبایل بصره است که در جنگ صفین همراه امام علی علیه السلام بود، ولی وقتی که امام حسین علیه السلام در مسیر حرکت به سوی کربلا بود طی نامه‌ای از او کمک

۱. إِنَّا اللَّهُ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ وَعَلَى الْإِسْلَامِ السَّلَامُ إِذْ قَدْ بَلَّيْتَ الْأُمَّةَ بِرَأْسِ مِثْلِ يَزِيدَ، وَلَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ يَقُولُ: أَلْخِلَافَةُ مُحَمَّدَ عَلِيٍّ آلِ أَبِي سَفِيَانَ. (موسوعة كلمات الامام الحسين عليه السلام، ۲۸۵، ج ۲، ص ۲۵۲)

امام حسین علیه السلام (در پاسخ به پیشنهاد مروان بن حکم که با یزید بیعت کن) فرمود: در این صورت باید گفت: انا لله وانا اليه راجعون و فاتحه اسلام را خواند زیرا امت اسلام گرفتار چوپانی همانند یزید شده است و من خودم از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: خلافت بر آل ابوسفیان حرام است.

۲. تحف العقول، ص ۲۴۵.



خواست و گفت: «قد جَرَبْنَا آلَ أَبِي الْحَسَنِ فَلَمْ نَجِدْ عِنْدَهُمْ إِيَالَةَ وَلَا جَمْعًا لِلْمَالِ وَلَا مَكِيدَةً فِي الْحَرْبِ»<sup>۱</sup> (ما فرزندان ابوالحسن را آزموده‌ایم. در نزد این‌ها از توانایی حکومت کردن، جمع‌آوری مال و ثروت و حيله‌ومکر در جنگ خبری نیست.)

وی با این جمله راز همراهی گذشته‌اش با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام را فاش کرد، زیرا گفت من بارها خاندان علی عَلَيْهِ السَّلَام را درک کرده‌ام، کنار آن‌ها که باشی، نه پول و ثروتی نصیبت می‌شود و نه پست و مقامی و نه در جنگ‌ها اهل نیرنگ هستند. پس قسم اول از این جریان به دنبال منافع مالی و دنیوی بودند و هر جبهه‌ای که این مسائل در آن تأمین می‌شد، به آن می‌پرداختند.

حال که این حقیقت روشن شد که مدیریت امور جامعه تک‌عاملی نیست و عوامل مختلف در ساماندهی آن مؤثر است باید توقعات ما از جامعه مبتنی بر این واقعیت باشد و متأسفانه امروز برخی توقعات از نظام و رهبری توقعات بجایی نیست.

### واقعیت دوم: مدیریت جامعه اسلامی با موانعی همراه است

باید بدانیم که این دستاوردها در چه شرایطی به دست آمده است؟ آیا شرایط پیشرفت هموار بوده یا موانع بسیاری در مسیر داشته‌ایم؟ برای درک بهتر موضوع، فرض کنیم عده‌ای در میدان مسابقه مشغول دویدن هستند و در این بین، کسی تازه وارد میدان شده و شروع به دویدن با بقیه می‌کند، درست است که تا رسیدن به نفر اول، فاصله زیادی دارد، اما باید توجه کرد که او دیرتر از بقیه وارد میدان شده است و اکنون با سرعت بیش‌تری مسیر را طی می‌کند و در همین مدت کوتاه افراد زیادی را پشت سر گذاشته است، در این صورت باید درک کرد که این شخص با انگیزه و توان بیش‌تری طی طریق می‌کند و در این صورت نه تنها نباید به خاطر فاصله موجود او را سرزنش کرد، بلکه باید به خاطر تلاش بی‌وقفه مورد تشویق و تحسین نیز قرار داد.



حال ما در این مختصر قصد نداریم به دستاوردهای جمهوری اسلامی بپردازیم - که در جای خود مفصل بحث شده است - بلکه فقط می‌خواهیم بررسی کنیم که این دستاوردها در چه شرایطی برای جمهوری اسلامی حاصل شده است، لازم است ابتدا نیم‌نگاهی به تلاش‌های دشمنان علیه حاکمیت بیندازیم:

### ۱- توطئه‌های تجزیه‌طلبانه علیه نظام جمهوری اسلامی

تنها یک روز پس از انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ اولین گروه تجزیه‌طلب در ترکمن صحرا با حمله به شهربانی گنبد، نیروهای حاضر در پاسگاه را خلع سلاح کردند. این اولین و آخرین غائله گروه تجزیه‌طلب در ایران نبود. گروه تجزیه‌طلب ترکمن در این کار با گروه فداییان خلق و یک کشور بیگانه مشارکت داشت.

روز دوازدهم فروردین ۱۳۵۸ سخنگوی دولت موقت پشت میکروفون قرار می‌گیرد و خبری را براساس اطلاعاتی که به دولت رسیده است اعلام می‌کند. گویا توطئه جدیدی که از خارج مرزهای کشور هدایت می‌شود در راه است. بعد از وقایع گنبد، نوبت خوزستان است و بعد از چند ماه اقدامات مسلحانه شروع شده و فقط یک نمونه از آن انفجار دو بمب در آبادان است که طی آن تعدادی از مردم شهید و زخمی می‌شوند.<sup>۱</sup>

البته این پایان ماجرا نبود، اقدامات تروریستی جندالشیطان در جنوب شرق ایران و اقدامات گروهک جیش‌الظلم در شرق کشور و دیگر گروهک‌ها همگی در راستای تضعیف نظام بوده و اقدامات این گروهک‌ها به حدی بود که آیت‌الله خاتمی، نماینده ولی فقیه در زنجان اعلام کردند: بنا بر اخبار واصله فقط در اغتشاشات اخیر ۱۷ پرچم تجزیه‌طلبی علیه ایران بلند شد.<sup>۲</sup>



## ۲- توطئه‌های ۴۴ ساله نظامی علیه جمهوری اسلامی ایران

آقای محسن رفیق دوست، وزیر وقت سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و از فرماندهان ارشد جنگ در زمینه هماهنگی رژیم عراق با آمریکا و شوروی در حمله به ایران می‌گوید: <sup>۱</sup> کسی اگر با مطالعه چگونگی شروع جنگ فکر کند که صدام خودش به ایران حمله کرد، خیلی ساده لوح است.

من به عنوان کسی که در کوران مسائل بودم حرف می‌زنم، زمانی که وزیر سپاه بودم رفتم بلغارستان با آقای ژیکف، رئیس جمهور بلغارستان ملاقات کردم. او به من گفت: «دو هفته قبل از شروع جنگ عراق علیه ایران، طه یاسین رمضان اینجا آمد و من چون پیرترین مسئول کمونیست‌های جهان بودم با من ملاقات کرد و گفت که ما دو هفته دیگر به ایران حمله می‌کنیم، شما به دنیای کمونیست بگویید که ما می‌خواهیم به ایران حمله کنیم».

ژیکف در ادامه گفت: طه یاسین رمضان ادامه داد که ما تصمیم نهایی خودمان را گرفته‌ایم و کار تمام شده است. با شوروی هم هماهنگ کرده‌ایم، فردا پس فردا تعداد زیادی هواپیمای عراقی می‌آیند به طرف شما که توی اردن بنشینند و در دید رادارهای شما خواهند بود، شما نگران نباشید این‌ها علیه شما نیست؛ بلکه علیه ایران است.»

یعنی یک توافق کلی شده بود بین شرق و غرب که انقلاب اسلامی را از بین ببرند و عراق نیز در طول جنگ جنایات بسیاری علیه این نظام داشت از جمله جنگ شیمیایی که طبق گفته سردار نیک‌خواه فقط حدود ۲۵۰ هزار جان‌باز شیمیایی داریم.<sup>۲</sup>

می‌توان به این موارد، هجوم گروهک تروریستی منافقین، جنگ نفتکش‌ها و حمله به هواپیمای مسافری ایران، آرایش جنگی ۴۴ ساله علیه ایران، تجاوز مکرر پرنده‌های جاسوسی، تلاش برای محاصره دریایی،

۱. روزنامه جمهوری اسلامی، شنبه ۳/۶/۱۳۸۵، ص ۱۴.

۲. دیپلماسی ایران، کد خبر: ۱۹۰۷۱۳۹.



سامان دهی جنگ هیبریدی علیه ایران و... را نیز اضافه کرد.

### ۳- توطئه‌های ۴۴ ساله فرهنگی علیه جمهوری اسلامی ایران

این توطئه هم در نوع خود بی‌سابقه است، به نحوی که برخی مخالفین علناً اعلام کردند هدفشان از بین بردن فرهنگ دینی مردم است.

شجاع‌الدین، نویسنده خارج‌نشین در کتاب خود می‌گوید: <sup>۱</sup> ما صرفاً با جمهوری اسلامی مبارزه سیاسی نخواهیم کرد، بلکه کار ما فرهنگی هم هست و اصولاً استراتژی جدید ما مبارزه فرهنگی است، ما باید بینش و فرهنگ مردم را عوض کنیم تا جمهوری اسلامی ساقط شود.

از این روی پس از جنگ تحمیلی، تهاجم همه‌جانبه فرهنگی علیه نظام جمهوری اسلامی سازماندهی شد. در این تهاجم، گروه‌های معاند و ضدانقلاب که با پیروزی انقلاب منافع خود را با انقلاب در تضاد می‌دیدند با نظام سلطه، همسو همراه شدند و در این راه از ابزارهای متنوعی بهره بردند که در همین راستا می‌توان از ۲۹۵ شبکه فارسی‌زبان علیه جمهوری اسلامی نام برد.<sup>۲</sup>

بازی‌های رایانه‌ای و ناامید کردن مردم نسبت به آینده، ترویج سبک زندگی اشرافی و غربی، نفوذ در ساحت هنر، ترویج ابتذال و اباحه‌گری، ترویج فساد و فحشا از دیگر مواردی بود که دشمنان ایران برای از بین بردن فرهنگ انجام داده‌اند. در اهمیت فرهنگ و تلاش دشمنان برای نابودی آن، مقام معظم رهبری در جایی فرمودند: <sup>۳</sup> «چند سال قبل از این در زمان حیات امام بزرگوار بود این قضیه، یکی از وزرای رئیس جمهور وقت آمریکا، علناً و صریحاً در مقابل چشم خبرنگارها گفت که ما باید ریشه ملت ایران را بکنیم. ببینید چقدر این حرف ابلهانه است، ریشه ملت ایران! توی همه دنیا پخش شد. قضیه این‌ها قضیه ملت است، نه فقط قضیه دولت،

۱. هویت، ص ۱۹.

۲. خبر فوری، کد خبر: ۲۴۱۲۸۸۲.

۳. بیانات مقام معظم رهبری در تاریخ ۱۴/۰۸/۱۳۸۶.



ریشه ملت ایران. خب معلوم است که ریشه یک ملت آن روز، چهل پنجاه میلیونی را که نمی‌شد کند که همه را از بین برد. معنایش این بود که ملت را بی‌ریشه کنیم، فرهنگ این ملت را بگیریم، آن چیزهایی را از این ملت بگیریم که آن‌ها را وادار می‌کند به این ایستادگی و مقاومت.

#### ۴- توطئه‌های ۴۴ ساله اقتصادی علیه جمهوری اسلامی ایران

اولین تحریم اقتصادی آمریکا علیه ایران از سال ۱۹۸۰ در واکنش به گروگان‌گیری سفارت آمریکا انجام گرفت. این تحریم قرارداد فروش صدها میلیون دلار تجهیزات نظامی را که در زمان محمدرضا پهلوی به امضا رسیده بود، لغو فروش تجهیزات نظامی به ایران را غیرقانونی کرد. ۱۲ میلیارد دلار دارایی‌های دولت ایران در آمریکا را مصادره و کلیه مبادلات تجاری بین ایران و آمریکا را ممنوع کرد. این توطئه‌ها هم‌اکنون نیز وجود دارد و در آخرین تحریم‌ها علیه ملت ایران در اقدامی بی‌سابقه اقدام به تحریم «سپاه» نهاد رسمی نظامی یک کشور کردند که نشان از عجز ایشان در تحریم‌ها دارد.

#### ۵- توطئه‌های ۴۴ ساله امنیتی علیه جمهوری اسلامی

برخی از این عوامل عبارت‌اند از:

##### الف: شیوع بیماری‌های خطرناک

یکی از چالش‌های جوامع، بویژه جوامع در حال توسعه ابتلا و شیوع برخی بیماری‌هاست. یکی از این بیماری‌های خطرناک بیماری ایدز است. دولت فرانسه ۴۰ سال قبل، مجوز صادرات خون‌های آلوده به ۱۰ کشور جهان از جمله ایران را صادر کرد.

این خون‌ها توسط «انستیتو مریو» که به ویروس ایدز یا اچ.آی.وی آلوده بود، جان هزاران نفر را گرفت. پس از آنکه فرانسوی‌ها به آلوده بودن این خون‌های صادراتی پی بردند مصرف داخلی آن را ممنوع کردند؛ اما هیچ‌گاه از صادرات آن به دیگر کشورها جلوگیری نکردند!



**ب: مواد مخدر**

باتوجه به جوانی جمعیت و بی‌کاری در ایران و مجاورت آن با عمده‌ترین تولیدکننده مواد مخدر جهان یعنی افغانستان، اعتیاد، تعداد زیادی از مردم بویژه جوانان را دچار خود کرده است. این بحران درصد قابل توجهی از خانواده‌ها را درگیر کرده و زمانی خطرناک‌تر و هشداردهنده می‌شود که با ورود مواد مخدر جدید صنعتی، با تنوع و پیچیدگی زیاد خود ابعاد گسترده‌تر و بحران‌زایی را به خود بگیرد.

**ج: خطر سلاح‌های کشتار جمعی**

جهان با خطر نابودی توسط سلاح‌های شیمیایی، میکروبی و اتمی روبروست. هزاران بمب اتم در کشورهای جهان وجود دارد که گفته می‌شود تنها یک‌هزار عدد از این بمب‌ها برای آنکه چندین بار کره زمین را نابود کند، کافی است. محمد البرادعی، مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در این باره می‌گوید: جهان نمی‌تواند به نظام امنیت بین‌المللی فعلی که شامل ۹ کشور هسته‌ای است، ادامه دهد.

در حال حاضر ۲۷ هزار کلاهک هسته‌ای در جهان وجود دارد و احتمال اینکه یکی از آن‌ها اشتباه یا غیرعمد مورد استفاده قرار گیرد، وجود دارد. در این میان، جمهوری اسلامی منطقه‌ای قرار گرفته که از آن به‌عنوان بحران‌خیزترین و بی‌ثبات‌ترین منطقه جهان یاد می‌شود. در این منطقه و پیرامون آن، کشورهای دارنده سلاح اتمی وجود دارند که بالقوه چالش و تهدید بزرگی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شوند.

**۶- توطئه‌های ۴۴ ساله سیاسی علیه جمهوری اسلامی ایران**

اواخر آذرماه ۱۳۵۸ تهران درگیر سوز و سرمای پاییزی، هنوز ۱۰ ماه بیشتر از انقلاب اسلامی مردم ایران نگذشته بود که رئیس‌جمهور وقت آمریکا و تیم اطلاعاتی و امنیتی‌اش از پنتاگون وزارت دفاع تا آژانس اطلاعات مرکزی (سازمان سیا) و مشاور امنیت ملی ایالات متحده طی چند جلسه به یک دستور کار مشخص رسیدند. برای انجام مراحل نهایی کار، صورت جلسه به کاخ سفید فرستاده شد تا با امضا و دستور جیمی کارتر در جایگاه ریاست





جمهوری ایالات متحده پای سند، عملاً طرح دولت آمریکا برای تماس با اپوزیسیون، جنگ تبلیغاتی و روانی و درنهایت هم براندازی انقلاب تازه به بار نشسته مردم ایران کلید بخورد.

کارتر پای صورت جلسه کارگروه امنیتی و اطلاعاتی اش این گونه دستور حمله تبلیغاتی علیه ایران را صادر کرده بود: «باهدف ترغیب استقرار یک رژیم مسئولیت پذیر و دموکراتیک در ایران عملیات تبلیغاتی و اقدام سیاسی و اقتصادی انجام دهید؛ با رهبران اپوزیسیون ایران و دولت های ذی نفع ارتباط برقرار کنید تا تعاملاتی را ترغیب کنید که بتواند به شکل گیری یک جبهه طرفدار غرب منجر شود که قادر به تشکیل یک دولت جایگزین باشد.» جیمی کارتر با این کار بابی را باز کرد که قرار بود تا سال های سال باز بماند و از سوی رؤسای جمهور بعدی هم مورد استفاده قرار گیرد.<sup>۱</sup>

پس مهم است که بدانیم موفقیت هایی که در حال حاضر جمهوری اسلامی دارد در چه شرایط تحریمی و جنگی حاصل شده است که توجه به این موضوع، اهمیت دستاوردها را دوچندان می کند.

### توقعات مردم از نظام جمهوری اسلامی

به برخی از توقعات دیگری که مردم از نظام جمهوری اسلامی دارند می پردازیم و هریک را مختصراً توضیح می دهیم تا ببینیم کدام یک از آن منطقی و کدام یک اساساً غیرقابل تحقق است.

### توقع اینکه هیچ اختلاف و فساد بین مسئولین کشور نباشد!

ما در مورد مفهوم انسان صحبت می کنیم، یکی از تعاریف لغوی انسان یعنی کسی که خلقتش را فراموش کرده و موجودی ممکن الخطاست که البته خوب خطاهایش را خواهد خورد و اینکه توقع داشته باشیم این موجود در همه موارد معصوم باشد امری غیرمنطقی است چراکه خود ما نیز در زندگی روزمره دچار خطاهایی شده ایم و مسئولین هم از بین خود ما به این مقام رسیده اند و از کره مریخ نیامده اند!



1. <https://khl.link/f/51787>

## ۲- با بسیاری از مفسدین برخورد شود

این گزاره منطقی است و هر حکومتی که داعیه دار عدالت اجتماعی باشد باید این کار را بخشی برنامه‌های اصلی خود قرار دهد، اما سوال اینجاست که آیا با مفسدین برخورد نمی‌شود؟!

مردم از کجا متوجه فساد می‌شوند؟ از برخورد و پیگیری قوه قضایه نسبت به مجرمان؟

مهم‌ترین اختلاسی که در طول تاریخ بعد انقلاب بر سر زبان‌ها افتاد، اختلاس ۳ هزار میلیاردی بود که برخی نفرات اصلی اعدام و برخی دیگر به حبس ابد محکوم شدند و ضمن اینکه تمام پول به خزانه بیت‌المال بازگشت، نفر اصلی اختلاس یعنی مه‌آفرید خسروی به موجب حکم قاضی سراج به رد مال و پرداخت جزای نقدی معادل یک چهارم مبلغ دو هزار و ۵۰۰ میلیارد تومان محکوم شد.<sup>۱</sup>

## ۳- اعلام مفسدین با اسامی اختصاری

چرا مفسدین با اسامی اختصاری مثل «ب ز» و امثالهم اعلام می‌شوند، مگر نه اینکه امیرالمومنین علیه السلام مفسدین را رسوا می‌کرد و برای آن‌ها آبرویی نمی‌گذاشت؟!

این گزاره نیز منطقی به نظر می‌رسد به شرط اینکه جرم مشهود و اثبات شده باشد؛ اما در مواردی که هنوز جرم اثبات نشده است اعلام و رسانه‌ای کردن آن منجر به ضررهای جبران‌ناپذیری می‌شود که نمونه اخیر آن آقای دکتر مرادی بود که مریضی ادعا کرده بود این دکتر به خاطر حجاب خدمات نداده است، ولی وقتی این موضوع رسانه‌ای شد با ورود قوه قضائیه پلمب مطب آقای دکتر در دستور کار قرار گرفت که بعدها با انتشار دوربین مداربسته مشخص شد حرف مریض بی‌اساس بوده و در همان زمان خانم‌های چادری دیگری نیز در همان مطب حضور داشته‌اند

۱. خبر آنلاین، کد خبر: ۳۵۶۶۳۰.



که به درمان توسط دکتر پرداخته‌اند.<sup>۱</sup> سوال اینجاست آیا می‌توان لطمه و فشاری که در این ماجرا به شخص آقای دکتر مرادی و خانواده ایشان وارد شده است را جبران کرد؟

برخورد علنی بسیار خوب است، اما به شرطی که جرم اثبات شده و مشهود باشد، اما تجربه ثابت کرده است که اگر در جو هیجان رسانه‌ای برخورد تند و ضربتی صورت گرفت، لطمات وارده قابل جبران نخواهد بود.

#### ۴- باید برای رفاه مردم و پویایی اقتصاد دست از خصومت با دنیا برداشت

۱. در دنیا ۲۰۶ کشور داریم، آیا با همه این کشورها سر ناسازگاری و دشمنی داریم؟ قطعاً خیر، از میان کشورها فقط بخش کوچکی از آن‌ها در دنیا هستند که روحيات استعمارگرانه دارند و به قدری منافع کشورشان برای آن‌ها مهم است که دیگران را قربانی منافع خود می‌کنند، مشکل ما با آن کشورهاست، نه تمام کشورهای دنیا.

۲. اگر بگویید چرا با همان کشورهای زورگو مستکبر سازش نمی‌کنید، می‌پرسیم مرز سازش کجاست؟ و چه حد یقینی برای آن تصور کنیم؟ همان‌طور که از اسم این کشورها مشخص است، آن‌ها به دنبال منافع خود هستند و حاضرند تمام خدمات را دریافت و ذره‌ای خدمات ندهند که در حافظه تاریخی ملت ایران بارها و بارها بدعهدی دولت‌های مختلف آمریکا در قبال منافع ایران ثبت و ضبط شده است.

۳. کشورهایی که اهل سازش با ابرقدرت‌های زورگو ظالم بودند به چه سرنوشت شومی دچار شدند! عبدالله صالح یمنی، محمد مرسی مصری، معمر قذافی لیبیایی، عمرالبشیر سودانی و... همه کسانی که به جبهه مقاومت پشت کرده و به سراب وعده‌های آمریکا و عربستان دلخوش کردند اکنون عاقبت آن‌ها را مقایسه کنید با سرنوشت بشار اسد، متحد وفادار ایران.



اصلاً چرا راه دور برویم؟! به همین افغانستان، همسایه خودمان نگاه کنید. وقتی به غرب‌گرایان‌شان می‌گفتیم با آمریکا پیمان امنیتی نبندید، می‌گفتند قرار است آمریکا اینجا را هم مثل کره و ژاپن کند! اکنون اما می‌توان بیست سال کشتار ویرانی و آوارگی به بهانه نابودی طالبان و برقراری ثبات و امنیت را دید و عاقبت اشرف غنی، رفیق آمریکایی‌ها را به نظاره نشست.

### ۵- به جای هزینه برای تسلیحات نظامی به فکر آبادانی کشور باشید

۱. فقط کافی است نگاهی به کشورهای همسایه بیندازیم تا ببینیم هرچقدر سطح رفاه بالا باشد، ولی امنیت نباشد آسایش و راحتی نیز نخواهد بود، در حقیقت اگر امنیت نباشد همه امکانات تحت شعاع آن قرار می‌گیرد. براساس داده‌های پایگاه اطلاعات تروریسم (GTD) فقط تعداد حوادث، مرگ‌ومیر و جراحات در کشور عراق که توسط کنسرسیوم ملی مطالعات تروریسم و پاسخ به تروریسم (START) در دانشگاه مریلند جمع‌آوری شده است در سال ۲۰۱۶ حدود ۳۳۵۶ مورد عملیات نظامی در این کشور اتفاق افتاد که در آن حدود ۱۳ هزار نفر کشته و حدود ۱۵ هزار نفر هم زخمی و مجروح شده‌اند. اینجاست که ارزش روایت پیامبر رحمت فهمیده می‌شود که فرمودند: «نِعْمَتَانِ مَجْهُولَتَانِ الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ» (دو نعمت پوشیده و ناشناخته است، امنیت و عافیت)

۲. در کدام کشور دنیا معمول است که بودجه نظامی را خرج اقتصاد کشور کنند. هر کشوری بودجه‌های مختلفی را تصویب و براساس آن، کشور اداره می‌شود، هیچ عقل سلیمی نمی‌پذیرد که بودجه بخش‌های مختلف برای هم مصرف شود و این کار موجب ضربه زدن به اموری است که گاهی جبران خسارت آن ناممکن می‌شود.

۳. تمامی کشورها حتی اگر در معرض تهدید نباشند بازهم بودجه نظامی خود را افزایش می‌دهند و ایران باینکه بیش‌ترین تنش‌ها



و دشمنی‌ها را در منطقه و بلکه در سطح جهان دارد، اما در عین حال بودجه نظامی کم‌تری نسبت به رقبای خود را دارد.

کمپین بین‌المللی منع و نابودی سلاح‌های هسته‌ای (ICAN) در گزارشی که در ۱۳ می ۲۰۲۰ (۲۴ اردیبهشت ۱۳۹۹) منتشر شد، اعلام کرد براساس تخمین‌ها در سال ۲۰۱۹، هند ۲ میلیارد و ۳۰۰ میلیون دلار و پاکستان و رژیم صهیونیستی نیز هرکدام یک میلیارد دلار صرف سلاح هسته‌ای کرده‌اند، این در حالی است که بودجه نظامی ایران در سال جاری ۶۶ میلیارد دلار است.

این مسئله نشان می‌دهد که هزینه‌های هسته‌ای سه کشور هسته‌ای پیرامون ایران، تقریباً معادل ۶۵ درصد از کل بودجه نظامی ایران است. بودجه تسلیحات هسته‌ای تل‌آویو به تنهایی معادل یک‌ششم کل بودجه نظامی ایران است. بودجه نظامی ایران کسری از بودجه نظامی رقبایش را تشکیل می‌دهد. عربستان سعودی دارای بودجه دفاعی ۵۵ میلیارد دلاری است که میزان آن حتی از بودجه عمومی ایران نیز فراتر می‌رود. بودجه نظامی رژیم صهیونیستی نیز به ۲۵ میلیارد دلار می‌رسد که ۳۰۷ برابر بودجه نظامی ایران است.<sup>۱</sup>

## ۶- اگر نظام همه امکانات را برای من فراهم کند به وظیفه‌ام در تکثیر جمعیت عمل می‌کنم

۱. اگر این تفکر را مردم در زمان انقلاب هم داشتند هیچ‌گاه برای اصلاح وضع موجود و سرنگونی شاه اقدامی نمی‌کردند مگر ما مأمور به وظیفه نیستیم؟ اصلاً بالفرض حکومت فعلی فاسد، آیا می‌توان با این استدلال در پیشگاه الهی حاضر شد؟

۲. فرزندآوری نیاز به تقویت اعتقاد دارد نه امکانات؛ آمار فرزندآوری در کشورمان نگران‌کننده است و واقعیت این است که نرخ باروری کل در ۳۰ سال، ۷۰ درصد کاهش یافته است و نکته قابل توجه این است که



1. <https://www.start.umd.edu/gtd>

کم‌ترین مشارکت در فرزندآوری در خانواده‌های مرفه پیدا می‌شود.

اقای صادق پیوسته، جامعه‌شناس و پژوهشگر در مصاحبه با جهاد دانشگاهی تهران، می‌گوید: مرفه‌ترین منطقه ایران را پیدا کنید و شاخص‌های رفاه اجتماعی آن منطقه را بسنجید. برای مثال منطقه ۳ تهران که اکثریت ساکنین آن شرایط رفاهی خوبی دارند را در نظر بگیرید.

با وجود آنکه ساکنین این منطقه از تهران شرایط رفاهی خوبی دارند، اما اصلاً شاهد رشد سریع جمعیت و تعداد زیاد فرزند در این منطقه نیستیم. حتی خانواده‌های زیادی در این منطقه از تهران داریم که بدون فرزند هستند. از سوی دیگر اغلب خانواده‌هایی که فرزند زیادی دارند، حاشیه‌نشین هستند؛ بنابراین توجه به این امر، نظریه تک‌عامل بودن «اقتصادی» در امر فرزندآوری را رد می‌کند.<sup>۱</sup>

## ۷- به جای کمک به همسایه‌ها به امور داخلی کشور بپردازد

برای رسیدن به واقعیت، این ماجرا را از منظر عقلی، انسانی و شرعی مورد بررسی قرار می‌دهیم:

### واقعیت مطلب از جهت عقلی

در هر نقطه‌ای از این کره خاکی جنگ یا تجاوزی اتفاق بیفتد مردم آن کشور برای حفظ تمامیت ارضی کشورشان، جان و ناموس خود، به دفاع برمی‌خیزند و تمام هدف خود را دفاع از سرزمین خود قرار می‌دهند. حال اگر مردم کشوری بدانند دشمنی هست که در موقعیتی دورتر قرار دارد و در حال کشتار افراد دیگر کشورهاست و اگر آن کشور را اشغال کند نوبت به کشور آن‌ها می‌رسد چه کار باید انجام دهند؟ آیا باید همین‌طور دست‌روی‌دست بگذارند تا دشمن به مرزهای کشورشان برسد، بعد شروع به دفاع بکنند؟

عقل سلیم هیچ انسانی این را نمی‌پذیرد که دشمن تا حد امکان نزدیک



شود و بعد به مبارزه بپردازد، بلکه باید در دورترین مکان از مرزهای کشور خود که مقدور است به دفاع و مبارزه دست بزنند. ضمن اینکه اگر ما همین پول را فقط خرج امکانات نظامی کردیم و مثلاً یک زیردریایی به قیمت ۱۵۰ میلیون دلار تهیه کردیم در جنگ هر لحظه امکان آسیب خوردن به آن و یا حتی غرق شدن وجود دارد، اما اگر به جای این هزینه هنگفت سالی فقط یک میلیون دلار به یک گروه چریکی مثل حزب الله یا حشد الشعبی کمک کردیم هم آن‌ها را با منش خود آشنا کردیم و هم در مواقع حساس همان گروه‌های نیابتی در کشورهای مجاور به کمک ما می‌آیند و سیاستی که ایران در این موضوع اتخاذ کرد منجر به جنگ‌های نیابتی شد که عصبانیت شدید دشمنان را در پی داشته است.

### واقعیت مطلب از جهت انسانی

در نهاد هر انسانی، بدون در نظر گرفتن اعتقادات، دین و مذهبی که به آن پایبند است، روحیه و خصلت نوع دوستی وجود دارد و اگر شخصی را در حال رنج و سختی و ظلم ببیند، این خصلت فطری او، نمی‌تواند آن شخص را بی تفاوت بگذارد، به همین خاطر او متألم می‌شود و از درد و رنج دیگران رنجور و ناراحت می‌شود و درصدد این برمی‌آید که این رنج و ظلم را از او دور کند.

حال اگر عده‌ای از انسان‌ها را ببینیم که بالاترین ظلم‌ها را به آن‌ها می‌کنند و آن‌ها را به بدترین روش‌ها می‌کشند و حتی به زنان و بچه‌های کوچک و شیرخواره هم رحم نمی‌کنند، آیا انسانی وجود دارد که بی تفاوت از این موضوع عبور کند و بگوید به من چه ارتباطی دارد؟

خیر، ذات و فطرت هیچ انسانی این را نمی‌پذیرد و هرکسی با شرایطی که وجود دارد در فکر کمک به این افراد است. گروهی با کمک مالی، گروهی با دعا، گروهی با روشننگری از این موضوع و عده‌ای نیز پا را فراتر گذاشته و خود شخصاً برای دفاع از انسان‌ها پیامی خیزند.



### واقعیت مطلب از جهت شرعی

دین مبین اسلام دینی اجتماعی و در جای جای آن توصیه به حقوق دیگران کرده است و در این دین شریف کسانی که تنها به خواسته‌های نفس توجه می‌کنند نهی کرده و آن‌ها را مورد سرزنش قرار می‌دهد، آنجا که پیامبر فرمودند: «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ»<sup>۱</sup> (هرکه صبح کند و اهمت‌امی به کار مسلمانان نداشته باشد، پس مسلمان نیست).

فهم‌های ناقص از دین، منجر به این می‌شود که عده‌ای عبادت را فقط مسائل فردی دانسته و با شعار جدایی دین از سیاست، نگاه کاریکاتوری نسبت به دین را رونق بخشند.

### ۸- مردم را آزاد بگذارید تا در همه‌آمور، خودشان انتخاب‌کننده باشند

این حرف اشکالات متعددی دارد از جمله اینک:

#### ۱- ممکن است آزادی یک عده باعث محدودیت عده‌ای دیگر شود

فرض کنید عده‌ای از افرادی که موافق حمل سلاح گرم در خیابان هستند دست به اعتراض زده و طبق قانون، درخواست حمل سلاح در خیابان را به صورت قانونی داشته باشند، مشخص است که جامعه دچار چه مشکلات عدیده‌ای می‌شود. به این آمار توجه کنید:

به گزارش ایرنا در تازه‌ترین رکورد خشونت‌های مسلحانه در آمریکا که پایانی بر آن متصور نیست، در طول یک هفته تعطیلات سال نو میلادی بیش از ۶۵۰ نفر بر اثر تیراندازی و خودکشی با اسلحه جان خود را از دست داده‌اند.<sup>۲</sup>

نهاد آرشيو خشونت مسلحانه که آمار تیراندازی‌ها در آمریکا را منتشر می‌کند، اعلام کرد تعداد کل کشته‌شدگان در آمریکا به دلیل کشته‌شدن با استفاده از اسلحه و تیراندازی‌های غیرعمد، در طول یک هفته تعطیلات ۲۵۵ نفر بوده است. در این گزارش آمده است که این رقم شامل ۱۲

۱. الکافی، ج ۲، ص ۱۶۳.





تیراندازی جمعی است.

آرشیو خشونت مسلحانه می‌گوید که در این دوره زمانی، ۳۹۶ نفر دیگر از اسلحه برای خودکشی استفاده کردند. براساس این گزارش، ۵۵۰ نفر دیگر بر اثر تیراندازی در همین مدت مجروح شده‌اند. تعداد کشته‌شدگان شامل هفت کودک در رده سنی ۱۱ سال و نوجوانان در رده سنی ۱۲ تا ۱۷ سال است. آرشیو خشونت مسلحانه روزانه از ۷۵۰۰ منبع، آمار مرگ و جراحات ناشی از اسلحه در سراسر آمریکا را جمع‌آوری می‌کند.

خشونت مسلحانه به‌طور مستمر در سراسر آمریکا رخ می‌دهد و شهرهایی مانند پورتلند (اورگان، غرب)، آلبوکرکی (نیومکزیکو، جنوب) و فرزنو (کالیفرنیا، غرب) در طول سال ۲۰۲۱، رکوردهای جدید قتل را به نام خود ثبت کردند.

بنابر اعلام مرکز اطلاعات آرشیو خشونت با اسلحه آمریکا (GVA) در سال جاری میلادی حداقل ۳۸۱ فقره «تیراندازی جمعی» رخ داد که این آمار یعنی وقوع بیش از ۷۰۱ درصد تیراندازی جمعی در هر روز.

براساس تعریف آرشیو خشونت با اسلحه، تیراندازی دسته‌جمعی در آمریکا به آن دسته از تیراندازی‌هایی اطلاق می‌شود که در آن فرد مهاجم اقدام به تیراندازی به حداقل چهار نفر کرده باشد.

برای هر ۱۰۰ آمریکایی حدود ۱۲۰ قبضه اسلحه وجود دارد. آرشیو خشونت با اسلحه آمریکا ۱۳ خرداد ماه گزارش داد که تا دوم ژوئن سال جاری (۱۲ خرداد ۱۴۰۱) بیش از هشت هزار نفر بر اثر خشونت با سلاح گرم در آمریکا کشته و ۱۵ هزار نفر دیگر مجروح شده‌اند.<sup>۱</sup>

بر اساس داده‌های آرشیو خشونت مسلحانه، در یک سال گذشته، تیراندازی‌های جمعی در آمریکا بیش از ۱۹ هزار کشته و بیش از ۳۷ هزار مجروح برجای گذاشته است. همچنین در ۵ سال گذشته بیش از ۹۵ هزار



نفر در آمریکا جان خود را در تیراندازی‌ها از دست داده و ۱۸۶ هزار نفر دیگر مجروح شده‌اند.<sup>۱</sup>

**۲- باتوجه به رسانه‌زدگی مردم، در حقیقت رسانه‌ها انتخاب می‌کنند نه مردم!** حتماً تاکنون درباره شرطی‌سازی حیوانات چیزهایی شنیده‌اید. روشی که سیرک‌بازان زیاد به کارش می‌برند و برای تربیت حیوانات و کنترل رفتار آن‌ها، بین رفتار مدنظر با یکی از غرایز آن‌ها ارتباط برقرار می‌کنند. به‌عنوان مثال زمانی که می‌خواهند شیر از حلقه آتش رد شود، این‌گونه شرطی‌اش می‌کنند که اگر نپرد تنبیه سختی در انتظار اوست و بدین ترتیب، ترس از تنبیه انگیزه‌ای برای شیر می‌شود که خطر احتمالی را به جان بخرد و بپرد.

سرژ چاکوتین، اندیشمند روسی معتقد بود انسان را هم می‌توان شرطی کرد. از طریق تغذیه، میل جنسی، ترس، دشمنی، عرق ملی و... کنترل کردن انسان، اعتقاد چاکوتین بود. او می‌گفت اگر بدانیم در هر موقعیت و زمان، کدام یک از این غرایز کارآمد است می‌توانیم انسان‌ها را شرطی و رفتارشان را کنترل کنیم.<sup>۲</sup>

برای اینکه بفهمیم انسان‌ها چگونه شرطی می‌شوند فقط کافی است به آماري که مربوط به ده سال قبل است نگاهی بیندازیم تا ببینیم چه حجم محتوای رسانه‌ای در جهان تولید می‌شد و امروزه این آمار و ارقام کجا است!

- هر روز بیش از ۲۹۴ میلیارد ایمیل فرستاده می‌شود.
- هر روز بیش از ۲ میلیون پست و بلاگ نوشته می‌شود.
- اگر فیس بوک کشور بود، امروز سومین کشور بزرگ دنیا بود.
- در هر ثانیه دو کاربر جدید وارد لینکدین می‌شود.
- هر روز بیش از دو میلیارد لایک در فیس بوک زده می‌شود.
- هر روز بیش از ۳۴۰ میلیون توییت در توییتر منتشر می‌شود.

1. <https://irna.ir/xjLr84>

2. <https://edu.ima.ir/news/84745315/>



● بیش از ۲۷۰ هزار دلار در دقیقه آنلاین هزینه می‌شود.

بیش از یک‌ونیم میلیارد کاربر آنلاین گفته‌اند که رویدادها را از طریق برندهای اجتماعی دنبال می‌کنند! این رقم ۲۰ درصد جمعیت جهان است. در مجموع هر روز کاربران بیش از ۲۰ هزار سال در فیس‌بوک وقت صرف می‌کنند. مبادلات از طریق تجارت اجتماعی ظرف مدت ۵ سال آینده به بیش از ۳۰ میلیارد دلار می‌رسد.<sup>۱</sup>

### ۳- ایران تنها کشوری که اصل نظامش را به فراندوم گذاشت!

ما تنها کشوری در جهان هستیم که قانون خود را به رأی گذاشتیم و مردم برای اجرای قوانین نیز چهارچوب اسلام را انتخاب کرده‌اند و آزادی‌ها نیز باید بر همین اساس باشد. به عبارت دیگر در همه‌جای دنیا قانون هست، اختلاف آنجا شکل می‌گیرد که عده‌ای می‌گویند قانون‌گذار باید خدا باشد و عده‌ای قانون‌گذار را مردم می‌دانند که ما اولی را انتخاب کردیم و هنجارهای جامعه نیز متناسب با آن تعریف می‌شود.

### ۹- حکومت به جای درگیری با غیرمحببه‌ها به اختلاس‌ها، و... پردازد

۱. نمی‌توان به بهانه پرداختن به یک آسیب، از پرداختن به دیگری بازماند، چراکه این دو هیچ تزاممی باهم ندارند، همچنان که رهبری اخیراً فرمودند: «مسئله خانم‌ها که فقط پوشش نیست؛ زن مسئله تحصیل دارد، مسئله اشتغال دارد، مسئله ازدواج دارد، مسئله فعالیت سیاسی دارد، مسئله حضور در مسائل اجتماعی دارد، مسئله حضور در مدیریت‌های بالای دولتی دارد؛ این‌ها همه مسائل زن است. در کدام [یک] از این‌ها در کشور آزادی وجود ندارد؟ جمهوری اسلامی در کدام‌یک از این موارد در کار زن‌ها دخالت کرده و جلوی آزادی‌شان را گرفته؟ این همه دختر محصل، این همه دختر دانشجو، این همه زن دارای مشاغل بالای دولتی، این همه خانم‌های تشکیل‌دهنده اجتماعات بزرگ، این حضور فعال زن‌ها در اجتماعات مؤثر دوران

۱. خبرگزاری مشرق، کد خبر: ۱۹۴۶۳۹.



مبارزات، قبل از پیروزی انقلاب، بعد از پیروزی انقلاب، در جنگ، در پشت جبهه تا امروز در تظاهرات، در راهپیمایی‌ها، در بیست و دوّم بهمن، در روز قدس؛ زن در کجای دنیا این همه فعالیت انجام می‌دهد که زنان ایرانی و بانوان ایرانی با افتخار و سربلندی دارند انجام می‌دهند؟»

طرفداران برهنگی مدت‌هاست به این استدلال استناد می‌کنند، درحالی‌که هیچ‌گاه نمی‌توانند به ربط منطقی بین این دو گزاره جواب دهند که آیا بالفرض برهنگی در ایران از ایالت‌های آمریکا نیز آزادتر شود آیا دیگر دزدی و اختلاس نخواهیم داشت؟! آیا اساساً بین هرچه کوتاه‌تر شدن لباس و دزدی نکردن از بیت‌المال ربطی وجود دارد؟

اتفاقاً ما پا را فراتر می‌گذاریم و می‌گوییم هر چوبی که می‌خوریم محصول عمل نکردن به دستورات اسلام است، حالا چه دزدی که به خاطر توجه نکردن به تعالیم اسلام در مورد حقوق مالی است و چه ولنگاری جنسی که محصول بی‌عفتی در جامعه است و بعید نیست بگوییم پایه‌گذاران این شبهه را کسانی تشکیل می‌دهند که می‌خواهند جامعه سرگرم مسائل جنسی شده و خود آزادانه و بدون هرگونه مزاحمتی به کثافت‌کاری‌های خود بپردازند.

۲. بحث حجاب یک بحث صرفاً تربیتی نیست، بلکه ابعاد سیاسی و امنیتی دارد و توجه به این نکته از جهت عقلی و شرعی اهمیت ماجرا را آن‌چنانکه باید و باشد نشان می‌دهد.

مقدمتاً این نکته مهم است که بدانیم همه انگیزه‌های سطوح بی‌حجابی یکسان نیست و اگر بی‌حجابی ابزاری برای مبارزه سیاسی باشد دیگر نمی‌توان به‌عنوان یک گناه فردی و یا حتی اجتماعی به آن نگاه کرد، بلکه نیاز به اقدامات ویژه و مهم‌تری دارد و این نکته آنجا اهمیت دوچندان پیدا می‌کند که این گناه بخواهد نظام اسلامی را تهدید کند.



اما از جهت عقلی، عقل همه عقلای عالم، وجود نظام را برای تمام اجتماعات بشری لازم و ضروری می‌داند و به دلیل اهمیت و حیاتی بودن آن، هرآنچه که باعث اختلال در این نظام شود، منع می‌کند و در این راستا به دلیل تقدم منفعت جمعی بر منفعت فردی به ایجاد محدودیت دامنه آزادی‌های فردی و گروهی حکم می‌کند؛ بنابراین به حکم عقل سلیم هم، وجود هر امری که به اختلال نظام بینجامد، قبیح و ناپهناج است و در مقابل، هر چیزی را که موجب نظام‌مندی و ثبات آن در اجتماع شود، لازم و ضروری می‌داند.

بسیاری از فقها و اصولیون نیز حکم عقل به قبح اختلال در نظام و منع از آن را از مستقلات عقلیه شمرده‌اند. حجاب و حفظ نظام اسلامی وجوب شرعی به دلیل نقش بنیادین حجاب در جامعه است. تأمل در آثار و آسیب‌های بی‌حجابی در نظام‌های لیبرالیستی، گویاترین و بدیهی‌ترین دلیل این ادعاست. تزلزل نظام خانواده و تولد فرزندان نامشروع که تهدید جدی نسبت به نظام حکومتی و سیاسی- اجتماعی تلقی می‌شود، سبب تحریم بی‌حجابی در شریعت اسلامی شده است. از این رو، حکومت اسلامی هرگز نمی‌تواند نسبت به آن بی‌تفاوت بماند.

کارگزار حکومت اسلامی وظیفه پاسداری از نظام اسلامی را دارد. او حتی موظف است که پیش از فراگیر و گسترده شدن با آن برخورد کند؛ زیرا به هنگام فراگیر شدن، به سختی می‌توان بحران اختلال نظام را مهار کرد. رهبر انقلاب فرمودند: «وقتی در جامعه گناه منتشر شود و مردم با گناه خو بگیرند، کار کسی که در رأس جامعه قرار دارد و می‌خواهد مردم را به خیر و صلاح و معروف و نیکی سوق دهد، با مشکل مواجه خواهد شد؛ یعنی نخواهد توانست یا به آسانی نخواهد توانست و مجبور است با صرف هزینه فراوان این کار را انجام دهد. یکی از موجبات ناکامی تلاش‌های امیر مؤمنان با آن قدرت و عظمت در ادامه این راه که بالاخره هم به شهادت آن بزرگوار منجر شد، همین بود. امروزه رویکرد و راهبرد دشمنان نظام اسلامی، جنگ نرم باهدف براندازی آن است که ممکن است به دو صورت



محقق شود:

۱. نافرمانی مدنی به معنای مقاومت صلح‌آمیز در برابر قانون یا سرپیچی از انجام وظیفه در وضعیتی که فرد حس کند پیروی از قانون و انجام وظیفه ممکن است پیامدی داشته باشد، از این رو به منظور مخالفت با حکومت، نسبت به نقض بعضی قوانین و زیرپا گذاشتن هنجارهای مورد احترام حکومت اقدام کند.<sup>۱</sup>

۲. استحال به معنای عدم قبول ارزش‌ها، اهداف و ارکان نظام و اعتقاد به تغییر نظام حکومتی و ارکان آن با استفاده از ابزارهای حقوقی و قانونی.<sup>۲</sup>

تأمل در این دو نوع براندازی نرم نشان می‌دهد که یکی از راهبردهای براندازی نظام سیاسی اسلامی، استفاده از قدرت تحریک‌کنندگی، پوشش نامناسب و عریان‌گری است؛ ماجرای فتح اندلس توسط اروپاییان نمونه تاریخی مستندی در این نوع قابل ذکر است. از آنچه گذشت این نکته به دست می‌آید که وظیفه دینی مردم تنها نماز، روزه، حج و زکات نیست، بلکه یکی از وظایف دینی مردم و حتی از واجب‌ترین وظایف آن‌ها، وفاداری به نظام اسلامی است.<sup>۳</sup>

بر این اساس، دلیل اینکه قاطبه فقهای معاصر پس از انقلاب اسلامی و حاکمیت فقیه جامع‌الشرایط، حفظ نظام اسلامی را واجب می‌دانند، این است که حفظ جمهوری اسلامی لازمه حفظ اسلام قلمداد می‌شود. بنیان‌گذار انقلاب، حضرت امام خمینی رحمته‌الله‌علیه به صورت‌های گوناگون تأکید می‌فرمودند که حفظ نظام اسلامی از همه تکالیف شرعی واجب‌تر است و نیز فرمودند: «مسئله حفظ نظام جمهوری اسلامی در این عصر و با وصفی که در دنیا مشاهده می‌شود و با این نشانه‌گیری‌هایی که از چپ و راست و دور و نزدیک نسبت به این مولود شریف می‌شود از اهم واجبات عقلی و شرعی است که هیچ چیز به آن مزاحمت نمی‌کند و از اموری است که

۱. واربرتون، مسائل فلسفه سیاسی و نقدی بر آن‌ها، ص ۸۰۰.

۲. قمری وفا، براندازی در سکوت، ص ۲۵.

۳. مصباح یزدی، نظریه حقوقی اسلام، ج ۲، ص ۲۳.



احتمال خلل در آن عقلاً منجّز است.»

در بیانی دیگر می‌فرمایند: «اگر حفظ اسلام جزو فریضه‌های بزرگ است... حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است.» علت این حکم این است که «آنچه در این حکومت مطرح است اسلام و احکام مترقی آن است. بر ملت عظیم‌الشأن ایران است که در تحقق محتوای آن به جمیع ابعاد و حفظ و حراست آن بکوشند که حفظ اسلام در رأس تمام واجبات است... و امروز بر ملت ایران خصوصاً بر جمیع مسلمانان عموماً واجب است این امانت الهی را که در ایران به‌طور رسمی اعلان شده... با تمام توان حفظ نموده و در راه ایجاد مقتضیات بقای آن و رفع موانع و مشکلات آن کوشش نمایند.»<sup>۱</sup>

بر همین اساس، رهبری در یکی از سخنرانی‌های اخیر خود فرمودند: «در مسئله پوشش، حُب بله، مسئله حجاب محدودیت شرعی و قانونی است؛ آنجا محدودیت دولتی نیست، قانونی است و شرعی است؛ کشف حجاب، حرام شرعی و حرام سیاسی است؛ هم حرام شرعی است، هم حرام سیاسی است. خیلی از کسانی که کشف حجاب می‌کنند نمی‌دانند این را، اگر بدانند که پشت این کاری که این‌ها دارند می‌کنند چه کسانی هستند، قطعاً نمی‌کنند.»<sup>۲</sup>

حاصل سخن؛ آنچه که در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، امنیتی، قضایی و... موجب اختلال نظام اسلامی شود، حرام و آنچه لازمه حفظ نظام باشد با این بیان، منع اختلال در نظام و جوب حفظ نظام، دوروی یک سکه به‌شمار می‌رود و به اصطلاح، اختلال نظام، ضدعام حفظ نظام است.

۳. اگر به فرض محال روزی مجبور شدیم بین بی‌حجابی و اختلاس فقط یکی را خط‌بزنیم حتماً باید بی‌حجابی را خط‌زد، چرا که ضررهای بی‌حجابی در جامعه بسیار بیشتر از اختلاس است و پیامدهای فراوانی دارد.

۱. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۱۷۶.

۲. سخنرانی در جمع کارگزاران نظام، ۱۴۰۲/۱/۱۵.



## پیامدهای فردی بی‌حجابی

### الف: سقوط شخصیت انسانی زن

نخستین کسانی که به واسطه حضور نامناسب خود در میان نامحرمان در معرض آسیب و تهدید قرار می‌گیرند خود زنان بدحجاب هستند. به‌طور طبیعی بدحجابی و آرایش چهره، به‌نوعی توجه و نگاه نامحرمان را به خود جلب می‌کند، بدیهی است که این کار زمینه برخی از تحریکات را برای طمع‌ورزی ایجاد می‌کند و زمینه تنزل شخصیت زن را تا حد یک عروسک یا یک کالای بی‌ارزش به سقوط می‌کشاند و ارزش‌های والای انسانی او به کلی به دست فراموشی سپرده می‌شود و تنها به‌عنوان وسیله‌ای برای کامیابی‌های جسمی مورد توجه قرار می‌گیرد.<sup>۱</sup>

خانم‌ها باید بدانند که بیش‌ترین آستانه تحریک‌پذیری مردها از طریق «نگاه» است. به‌گونه‌ای که تحت تأثیر نگاه و شهوت به‌طور معمول تا یک‌سوم کنترل عقلایی خود را از دست می‌دهند و کسانی که هوس‌ران هستند به فکر رهزنی می‌افتند و خواسته و ناخواسته همچون صید، دختران را به دام می‌اندازند و همچون سارق حرفه‌ای که ماشینی نظر او را جلب کرده برای سرقت اقدام می‌کند، به همین جهت اگر کسی می‌خواهد خویشتن را یا مال خویش را محافظت کند، باید هرچه بیشتر مراقبت کند تا از دید رهنزان به دور باشد.


### ب: افزایش التهاب روحی و روانی

بی‌تردید اگر زنان با حجاب و پوشش مناسب در جامعه حضور یابند، خود و خانواده و دیگر افراد جامعه از آرامش روانی برخوردار خواهند بود، اما اگر زنان به‌صورت تحریک‌آمیز در اجتماع ظاهر شوند، التهاب و هیجان روحی بینندگان هر لحظه با دیدن صحنه‌ای تازه افزایش می‌یابد و از آنجاکه ارضای غریزه در تمامی موارد دلخواه، ممکن نیست، باعث برهم خوردن تعادل روحی بینندگان می‌شود.

۱. برگزیده تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۲۹۲.

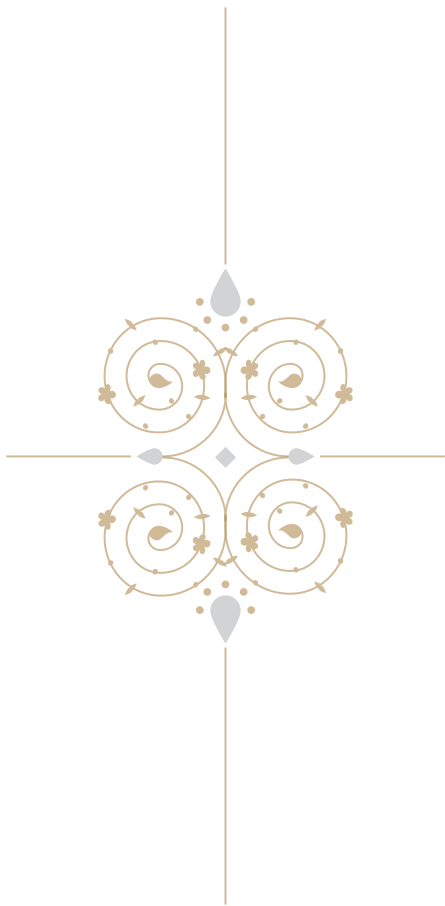






همچنین بی‌حجابی و بدحجابی و پیروی از مُد و آرایش، موجب می‌شود که زنان دیگری که قادر به تهیه آن نوع پوشش نیستند نیز دچار فشارهای روانی شوند و تعادل روحی خود را از دست دهند. این التهابات و تهییجات، بیماری‌ها و اختلالات روحی و جسمی فراوانی را به دنبال خواهد داشت.

علاوه بر این که فرد بدحجاب ناخواسته در مسابقه خودنمایی و خودآرایی با دیگر زنان دچار شده و





همواره این دغدغه پنهان برای اوجود دارد که آیا توانسته گوی سبقت را در این زمینه از دیگران بریاید و یا حداقل خود را به دیگران برساند یا نه؟

### پیامدهای خانوادگی بی‌حجابی

بنیان خانواده، مقدس‌ترین پیوند اجتماعی است. برای ثبات این نهاد، عفت و حجاب مهم‌ترین عامل به‌شمار می‌آید. اگر زنان آرایش‌ها و خودنمایی‌ها را به بیرون منزل بکشانند و مورد نگاه‌های هوس‌آلود نامحرمان قرار بگیرند گاهی ناخواسته عامل پیامدهای منفی خواهند شد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

### الف: تأخیر در ازدواج

جلوه‌نمایی دختران و زنانی که هریک دارای محاسن خاص خود هستند، موجب تردید پسران در برگزیدن همسر شایسته زندگی‌شان می‌شود و در آرزوی رسیدن به دختری که جامع تمام زیبایی‌ها باشد ازدواج را به تأخیر می‌اندازند.

این موضوع در حالی است که برخی دختران تصور می‌کنند چنانچه با چهره‌ای آرایش کرده در اجتماع حاضر شوند زمینه ازدواج آن‌ها بیشتر فراهم می‌شود، اما واقعیت آمارها خلاف آن را اثبات کرده است!



## ب: کاهش جذابیت زنان نرده‌مسران

براساس پژوهش‌های پژوهشگران جهاد دانشگاهی، در اثر رعایت نکردن حجاب و افراط در جلوه‌گری زنان، آستانه ادراکی مردان تغییر کرده و درک آن‌ها از زیبایی زنان کمتر می‌شود؛ در نتیجه، اثرات زیان‌بخشی در روابط خانوادگی آنان گذاشته و به ایجاد تنش، جدایی و طلاق می‌شود.<sup>۱</sup>

## ج: افزایش جدایی و طلاق

در محیطی که فرهنگ حجاب و عفاف، مطرح است، دو همسر، متعلق به یکدیگرند و احساسات و عواطفشان مخصوص یکدیگر است. پیوندهای قلبی، عمیق و محکم و عشق در خانواده حاکم است؛ اما اگر مردان به راحتی و به آسانی در تمام صحنه‌های اجتماعی به زنان آرایش کرده و متنوع دسترسی داشته باشند، ضمانتی برای ثبات محبت و دلبستگی آنان به همسرانشان نخواهد بود؛ چراکه به قول بابا طاهر «هرآنچه دیده بیند دل کند یاد».

و هرآنچه دل از آن یاد کند به هر قیمتی که باشد در پی آن خواهد رفت بدین ترتیب هر روز دل به دلبری می‌بندد و از دیگری دل می‌برد.<sup>۲</sup> از سوی دیگر، وقتی زن با آرایش و بدحجابی در جامعه ظاهر می‌شود، چه بسا با پیشنهادهای وسوسه‌انگیزی از سوی دیگر مردان مواجه شود، در نتیجه نسبت به زندگی فعلی خود دل‌سرد شده و یکی از دواراه خیانت یا جدایی را برگزیند.

نگاهی به آمار و حشمتناک طلاق در آمریکا به عنوان بزرگ‌ترین نماد برهنگی و آزادی‌های جنسی گواه بر این ادعا است. گزارشی که از سوی مؤسسه کنیسی منتشر شده است، نشان می‌دهد که ۳۷ درصد از مردان آمریکایی در دوران ازدواج خویش از لحاظ جنسی به همسر خود وفادار نمی‌مانند و ۲۹ درصد از زنان آمریکایی نیز در دوران ازدواج خود به همسرشان خیانت می‌کنند.

۱. عباس رجبی، حجاب و نقش آن در سلامت روان، قم، مرکز انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، ۱۳۸۴ش، اول، ص ۱۶۷.

۲. محمود اکبری، مرورید عفاف، قم، انتشارات ظفر، ۱۳۸۰ش، اول، ۷۱.



حیرت‌آور این است که از هر پنج کودک آمریکایی که در سال ۱۹۸۶ به دنیا آمده‌اند سه نفر تا قبل از ۱۸ سالگی شاهد طلاق و جدایی والدین خود خواهند بود.<sup>۱</sup>

## پیامدهای اجتماعی بی‌حجابی

### الف: پایمال شدن ایمان و فضایل اخلاقی جامعه

بی‌حجابی یکی از این عوامل مهمی است که نقش عمده‌ای در تضعیف و پایمال کردن فضایل اخلاقی همچون حیا، عفت و غیرت دارد. در جامعه بی‌حجاب، شهوت‌رانی، هوس‌رانی، هرزه‌گری، گناه، ارتباطات نامشروع و اختلاط‌های غیرشرعی جای معنویت، صفا، عشق و محبت واقعی رامی‌گیرد. در این جامعه بذر شهوت به‌سرعت در دل و جان مردم بخصوص جوانان نفوذ کرده و آنان را از امور اساسی و اصلی زندگی و پرداختن و معنویات و تکالیف الهی بازمی‌دارد. طبیعی است جامعه‌ای که فاقد ایمان و اخلاق باشد بستر بسیار مناسبی است برای افزایش ناهنجاری‌ها، خصایص رذیله، خشونت، فساد، فحشاء، ناامنی، بزهکاری، آدم‌ربایی، خیانت، جنایت و ده‌ها معضل دیگر که همگی محصول بی‌توجهی به حکم شرعی حجاب بوده و دیر یا زود شعله آن دامن خود فرد را هم آتش خواهد زد.<sup>۲</sup>

### ب: افزایش التهاب و ناهنجاری اجتماعی

حضور نامناسب زنان، جذابیت آن‌ها را در نظر جنس مخالف بیشتر کرده و تلاش و پی‌گیری جنس مخالف را برای وصالش فزونی خواهد بخشید، لذا اگر زنان آرایش کرده و به‌صورت تحریک‌آمیز در اجتماع ظاهر شوند، التهاب و هیجان روحی بینندگان هر لحظه با دیدن صحنه‌ای تازه افزایش می‌یابد و از آنجاکه ارضای غریزه جنسی در تمامی موارد دلخواه، ممکن نیست، باعث برهم خوردن تعادل روحی بینندگان می‌شود.

۱. حامد حسینیان، صدفی برای مروراید، قم، موسسه بوستان کتاب، ۱۳۹۰ش، اول، ص ۶۹.

۲. مسعود صفی یاری، راز حجاب، قم، نورالسجاد، ۱۳۸۹ش، دوم، ص ۷۱.



### ج: گسترش فساد اجتماعی

حضور تحریک‌آمیز زنان و نگاه آلوده مردان به آن‌ها زمینه تحریک قوای جنسی را فراهم می‌کند و این امر مخصوصاً نسبت به دختران و پسرانی که در مراحل بلوغ قرار دارند شدت بیش‌تری یافته به‌گونه‌ای که اغلب مفسده‌های اجتماعی در همین سنین تولید و رشد می‌کنند.

دقت در آمار و اخبار منتشره از وضعیت اجتماعی تمدن غرب به‌عنوان مهد برهنگی و آزادی پوشش زنان صحت چنین بینشی را مورد تأیید قرار می‌دهد که در اینجا به برخی از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

سطح روابط جنسی پیش از ازدواج و حاملگی در میان جوانان پیشرفت‌های مخربی را در میان کشورهای غربی شاهد بوده است. در پاسخ به این سؤال که چه تعداد از جوانان آمریکایی زیر ۲۰ سال در روابط جنسی نامشروع شرکت دارند، اکثر متخصصان این زمینه به عددی بالاتر از ۶۰ درصد اشاره می‌کنند. در انگلستان براساس گزارش‌ها بیش از یک‌پنجم جوانان تا پیش از ۱۶ سالگی سابقه روابط جنسی نامشروع را پیدا می‌کنند. در آمریکا ای در سال ۱۹۹۶م، ۳۱ درصد از پاسخگویان مونث ابراز داشته‌اند که پیش از آنکه به بلوغ برسند و از لحاظ جنسی آماده باشند، برای روابط جنسی تحت فشار قرار گرفته‌اند.<sup>۱</sup>

به‌طور قطع چنین آماری اثر فراوانی بر میزان حاملگی پیش از ازدواج دارد. در ایالات متحده، مطابق برآوردها «هرساله یازده درصد از دختران زیر ۲۰ سال ازدواج نکرده حامله می‌شوند.» به‌عبارت دیگر «در هر ۶۴ ثانیه یک مادر جوان ازدواج نکرده یک فرزند به دنیا می‌آورد.»

ویلیام جی. بنت، وزیر پیشین آموزش ایالات متحده می‌گوید: «تولدهای نامشروع در ایالات متحده از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۹۰، ۴۰ درصد افزایش یافته است.»

مرکز گزارش «نیوزاند وُرد (اخبار و جهان) ایالات متحده» برآورد می‌کند که



مطابق روندهای موجود در ابتدای دهه اول قرن ۲۱ از هر دو کودک آمریکایی یکی به طور نامشروع به دنیا می‌آید.

«هرساله بیش از یک میلیون دختر جوان آمریکایی حامله می‌شوند که ۷۵ درصد آن‌ها خارج از ازدواج صورت می‌گیرد.» شیوع این روابط جنسی نامشروع به دیگر ملت‌های غربی نیز سرایت کرده است.

نیوزویک در شماره اروپایی خود در ۲۰ ژانویه ۱۹۹۷ نوشت: «در سوئد بیش از نیمی از کودکان متولد شده، به پدر و مادری تعلق دارند که ازدواج نکرده‌اند.<sup>۱</sup> در فرانسه و انگلیس این آمار در حد یک سوم است. جالب آن است که در گزارشی که از سوی فعالین خویشتن‌داری جنسی در سال ۲۰۰۶ منتشر شده، درصد تحمیلی یا اختیاری بودن روابط جنسی دانش‌آموزان زیر ۱۸ سال به تفکیک جنسی مورد بررسی قرار گرفت.

براساس این گزارش ۸۱ درصد از دخترانی که رابطه جنسی را تجربه کرده بودند، جامعه را در اطلاع‌رسانی ناصحیح و فرهنگ غلط را در الزام به ناپوشیدگی و بی‌عفتی مقصر دانسته و بیان کردند که به انتخاب و اختیار خود در روابط شرکت نکرده‌اند. این دختران در بیان عوامل، تأثیرهای محیط و هم‌سالان و نگرانی از قضاوت‌های دوستانشان را از مهم‌ترین عوامل رفتارهای جنسی خود برشمردند.<sup>۲</sup>

### د: افزایش خشونت و آزار جنسی زنان

یکی از آثار سوء بدحجابی، اذیت و آزار جنسی زنان بدحجاب به وسیله مردان و جوانان ولگرد و لاابالی است. گویا این قبیل مردان پوشش ناقص و نامناسب برخی دختران و زنان را به منزله چراغ سبزی می‌دانند که نشان‌دهنده تمایل زنان بدحجاب به کارهای خلاف و گناه‌آلود است و همین نکته از نظر ذهنی و روانی از دیدگاه آنان مجوز اذیت و آزار جنسی زنان

۱. حامد حسینیان، صدفی برای مرورید، قم، موسسه بوستان کتاب.

۲. زینب برخوردار، فضیلت انگاری عفاف و حجاب با تکیه بر دیدگاه فارابی، فصل‌نامه اخلاق، ص ۱۴.



بدحجاب است.<sup>۱</sup>

مدیرکل مبارزه با مفاسد نیروی انتظامی در این باره می‌گوید: «با بررسی و رجوع اجمالی به آمار مزاحمت برای نوامیس در سال ۸۵، می‌بینیم بیشتر مزاحمت‌ها برای خانم‌هایی اتفاق می‌افتد که نوع پوشش آن‌ها خارج از حد متعارف بوده است و درصدی از آدم‌ربایی و تجاوز به عنف نیز اختصاص به همین افراد داشته است.»

وی اظهار داشت: «به طور کلی پوشش‌های نامناسب برای جامعه ناامنی به وجود می‌آورد و بیش‌ترین تعرضات نیز به افراد بدحجاب برمی‌گردد و این تعرض ممکن است یک متلک یا آدم‌ربایی و تجاوز به عنف باشد.»<sup>۲</sup>

فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ نیز در این باره چنین می‌گوید: خانم‌هایی که بدپوشش هستند چهار برابر خانم‌هایی با پوشش مناسب مورد مزاحمت‌های خیابانی قرار می‌گیرند.<sup>۳</sup>

### ه: ترویج فرهنگ مصرف‌و‌زیان‌های اقتصادی ناشی از آن

اشتغال زنان به آراستن خویش و عرضه زیبایی‌های جسمی، فرهنگ غلط مصرف را ترویج و زیان‌های جبران‌ناپذیری بر اقتصاد خانواده و کشور تحمیل می‌کند.

آخرین بررسی‌های انجام شده در کشور نشان می‌دهد که ایران، سومین کشور مصرف‌کننده و هفتمین کشور واردکننده لوازم آرایشی در جهان است در حالی که تنها یک سوم مواد آرایشی زنان ایرانی، تولید داخل و بیش از دوسوم آن به صورت واردات، پشت ویتترین‌های و سوسه‌انگیز خرید می‌نشینند؛ وارداتی که بنا به آمارهای غیررسمی ۲۵ تا ۳۰ درصد کل

۱. بخش فرهنگی دفتر آیت‌الله فاضل لنکرانی، پرسمان حجاب‌شناسی، قم، انتشارات امیرالعلم، بی‌تا، اول، ص ۴۱.

۲. کیهان، ۸۶/۱/۲۷.

۳. سردار رادان، فرمانده وقت نیروی انتظامی تهران بزرگ، شبکه یک سیمای جمهوری اسلامی، برنامه «چراغ خاموش» ۱۳۸۷/۲/۲۹.





آن طریق قاچاق و تجارت چمدانی وارد کشور می‌شود و به دلیل تقلبی و غیراستاندارد بودن نه تنها زیبایی را به پوست‌های ایرانی هدیه نمی‌کند، بلکه زمینه‌ساز شیوع انواع بیماری‌های پوستی همچون پیری زودرس پوست، حساسیت‌های پوستی، عفونت‌های پوستی و... می‌باشد!

البته ما نسبت به حتی یک ریال دزدی هم خصوصاً از بیت‌المال حساس هستیم، اما آیا کسانی که به دنبال مقایسه بی‌حجابی با اختلاس هستند با مطالعه آمار فوق‌هنوز هم می‌توانند ادعا کنند اختلاس از بی‌حجابی مهم‌تر است؟!

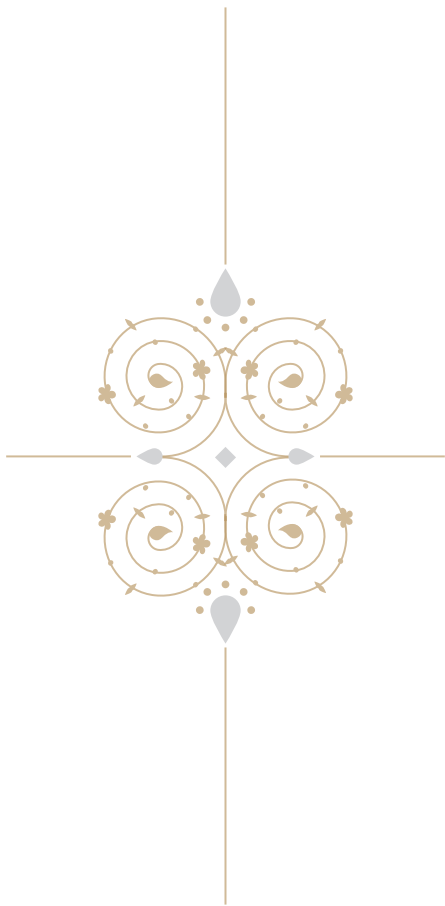
والحمد لله رب العالمین







کتب منتشر شده  
در این مجموعه





مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: طرح درس کودک و نوجوان  
موضوعات مرتبط: جمعیت، تربیت  
فرزند، پیوندهای اجتماعی

کاری از گروه تولید محتوای غیور  
مردان ایران زمین

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● نسل حسینی

آشنایی کودکان و نوجوانان با مفاهیم عمیق عاشورا

دوران نوجوانی، دورانی است که شخص علاقه زیادی به شرکت در گروه‌ها و فعالیت‌های اجتماعی دارد و به نوعی در صدد است تا شخصیت اجتماعی خود را شکل دهد.

«طرح درس نسل حسینی» با الهام از معارف عاشورایی و حسینی به نوجوانان یاد می‌دهد که چگونه در اجتماع به فعالیت بپردازند و در قبال دیگران مسئولیت‌پذیر باشند و با دیگران به خوبی همکاری و همدلی کنند.

## ● عناوین جلسات

- درس اول: شیرینی کنار هم بودن!
- درس دوم: به من همکاری بده!
- درس سوم: دختران فرشته‌اند!
- درس چهارم: از تنهایی بدم می‌آید!
- درس پنجم: با هم قوی‌تریم!
- درس ششم: ما همه با هم هستیم!
- درس هفتم: به کسی نگو، ولی...!
- درس هشتم: کشتی نجات!
- درس نهم: فقط به عشق حسین (ع)!
- درس دهم: برای ظهور کاری کنیم!

## ● سر سفره بچه‌ها

برکت فرزندآوری

انسان‌ها ذاتاً فرزندخواه‌اند اما ممکن است در اثر تاثیر پذیری از جامعه و وضعیت معیشتی و ترس از فقر در امر فرزندآوری تردید کنند. ما دلایل عقلی و علمی و شرعی زیادی داریم که اثبات می‌کند فرزند برکت الهی است. «کتاب سر سفره بچه‌ها» مجموعه‌ای از سوالات مردم در زمینه فرزندآوری را با زبانی انتقادی مطرح کرده است و با بیانی شیوا، علمی و مردم‌پسند جواب آن را بیان کرده است.

## ● عناوین جلسات

۱. خرج و برج بچه‌ها و جیب ما
۲. تحریم و جنگ و قحطی
۳. گر جان دهد دندان و نان با هم دهد
۴. جامعه کند است آقا زودتر
۵. سری که درد نمی‌کند دستمال چر؟!!
۶. تربیت بهتر شود، وقتی که بچه کم شود
۷. ما خود هنوز اول راه نرفته ایم
۸. بچه داره بیچاره؛ آن هم به مقادیر زیاد
۹. مگر «فرزند کمتر زندگی بهتر» نبود؟!
۱۰. بچه‌ها مانع رشدش شده‌اند
۱۱. من که کلفت نیستم
۱۲. بچه‌های بیشتر درگیری ما بیشتر
۱۳. اختلافات است در جایی که جمعی جمع شد



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: محتوای پشتیبان  
موضوعات مرتبط: فرزندآوری، جمعیت

کاری از اداره امور مبلغین سازمان  
تبلیغات اسلامی

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از اداره راهبری محتوای تبلیغی با همکاری موسسه امیر بیان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● کتابچه ازدحام تنهایی

### هم‌بستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی

آدم‌ها زیادند؛ اما زیاد تنه‌ایند. وقتی بیرون خانه‌ایم، چندین برابر اجدادمان آدم می‌بینیم. وقتی هم داخل خانه‌ایم، چندین برابر اجدادمان با دیگران پیام ردوبدل می‌کنیم؛ اما با هیچ‌کس نیستیم. به این‌ها که می‌اندیشیم، چرای بزرگی چنبیره می‌اندازد بر ذهن و ضمیرمان. واقعاً چرا؟ چرا من در میان جمع و دلم جای دیگر است؟ چه چیزی سر جایش نیست؟

«کتابچه ازدحام تنهایی» با طرح مسائلی در مورد زندگی فردی و جمعی سعی دارد به گره‌های ذهنی مخاطب در زمینه همبستگی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی پاسخ دهد.

## ● عناوین جلسات

۱. در تراجم عبادات فردی و عبادات جمعی اولویت با کدام است؟
۲. آرامش واقعی انسان در تنهایی است یا جمع؟
۳. در هنگام خطر، آسیب‌پذیری انسانی که تنها منافع خود را می‌بیند بیشتر است؟ یا کسی که منافع جمعی برایش مهم است؟
۴. راه‌حل مشکلات ما منفعتهای طلبی فردی است یا همبستگی اجتماعی؟
۵. همدلی چطور از بین می‌رود؟

## ● ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها

### چرا حسین علیه‌السلام تنها ماند؟

ما انسان‌ها فطرتاً موجوداتی اجتماعی آفریده شده‌ایم و قدرت و برتری ما در باهم بودن است و هر قدر از هم دورتر شویم، ضعیف‌تر خواهیم شد. بر همین اساس، شیاطین جن و انس برای ضربه‌زدن به انسان‌ها همواره به دنبال ایجاد تفرقه و جدایی میان آدمیان بوده‌اند. در نقطه مقابل نیز ایجاد همدلی و هم‌بستگی میان مردم.

«کتاب ازدحام تن‌ها، اجتماع دل‌ها» با قلمی شیوا، اقناعی و احساسی و الهام‌گرفته از عاشورای حسینی به بیان مطالبی در این مورد می‌پردازد.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۳۹۹  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از اداره راهبری محتوای تبلیغی با همکاری موسسه امیر بیان

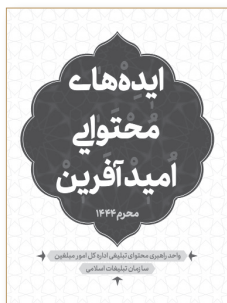
برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

- مجلس اول: اشک تنهایی
- مجلس دوم: تن‌های آرام
- مجلس سوم: رنج تنهایی
- مجلس چهارم: تنها میان تن‌ها
- مجلس پنجم: همدلی در خطر
- مجلس ششم: شیرین‌ترین شهد
- مجلس هفتم: فرمانده دل‌ها
- مجلس هشتم: اجتماع عزیز
- مجلس نهم: دست‌های هم‌آهنگ
- مجلس دهم: همدلان عاشق
- مجلس یازدهم: همراهان سنگ‌دل





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: ایده

کاری از واحد راهبری محتوای تبلیغی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● کتابچه ایده‌های محتوایی امیدآفرین

«ایده‌های محتوایی امیدآفرینی»

امید کلید اساسی همه‌ی قفهاست و بدون آن هیچ گامی نمی‌توان برداشت. سیاست تبلیغی و رسانه‌ای دشمن و فعال‌ترین برنامه‌های آن، مایوس‌سازی مردم از آینده است. «کتابچه ایده‌ها» ده ایدهٔ برتر محتوای تبلیغی امیدآفرین است که توسط ده مجموعهٔ تولید محتوای تبلیغی ارائه شده است. این کتاب سعی دارد ده ایده که می‌تواند با الهام گرفتن از مضامین عالی عاشورایی امید را در دل مخاطب زنده کند. را معرفی کند.

## ● عناوین ایده‌ها

ندای امید: زیباترین نوای عاشورا  
هفتاد و سومین یار  
ز جامعهٔ حسینی تا جهان مهدوی  
آبروی دو عالم  
به توان او  
حسین پیروزترین رهبر جهان  
با کاروان عشق در کربلا  
فتنهٔ اعتقادی، مشروطهٔ اقتصادی  
سلام فرمانده  
باپچه‌هایم سر یک سفره!

## ● هفتادوسومین یار

«نقش آفرینی و زمینه‌سازی برای ظهوری»

کربلا، هر سال تکرار می‌شود و حرکت کاروان حسینی تظاهرات حضرت حجت اروحنا فداه ادامه دارد، ما باید به این کاروان بپیوندیم و نقش خود را در این کاروان پیدا کنیم و در عرصه فردی و خانوادگی و اجتماعی نقش آفرینی کنیم.

«کتاب هفتادوسومین یار» با قلمی شیوا و تبلیغی و با الهام از معارف عالی عاشورایی حسینی به لزوم نقش آفرینی افراد در دوران قبل از ظهور می‌پردازد و با نگاهی امید آفرینانه حوادث عاشورا را برای مخاطب تحلیل می‌کند.

## ● عناوین جلسات

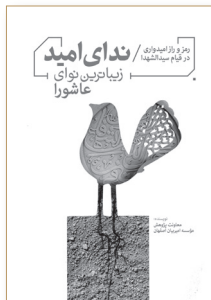
جلسه دهم: سریش به نی نمی‌شد اگر...  
جلسه اول: بوی پیراهن خونین کسی می‌آید  
جلسه دوم: حسین را جدی بگیر  
جلسه سوم: به چشم خدا بیا  
جلسه چهارم: نبرد برای آرامش  
جلسه پنجم: بی‌قرار امامت باش  
جلسه ششم: قوی باش  
جلسه هفتم: جور دیگر باید دید  
جلسه هشتم: چشم انتظار حضور  
جلسه نهم: پیمانۀ پُر ندای امید زیباترین نوای عاشورا  
امید و امیدآفرینی در قیام سیدالشهداء

مخاطب: مسجدی-هیئتی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از معاونت پژوهشی امیر بیان قم

برای دریافت کتاب اسکن کنید





## ● ندای امید زیباترین نوای عاشورا

### امید و امیدآفرینی در قیام سیدالشهداء

حماسهٔ کربلا به مثابه یک کتاب مقدس است که سوره‌ها و آیه‌هایی دارد و تا قیام قیامت برای هر انسان آزاده‌ای درس آموز است. روح حاکم بر همهٔ این سوره‌ها و آیه‌ها امید و امیدواری است. «کتاب ندای امید، زیباترین ندای عاشورا» با بیان نشانه‌هایی از امید در کربلا به ضرورت و اهمیت امید و امیدواری در جامعه امروز می‌پردازد و مخاطب را به این سمت وسو سوق می‌دهد.

## ● عناوین جلسات

- جلسه اول: اهمیت مسئله امیدواری و جایگاه آن در قیام عاشورا
- جلسه دوم: از گرفتاری تا امیدواری
- جلسه سوم: سبک زندگی حسینی؛ امیدوار زیستن
- جلسه چهارم: حر الگوی امیدواری در وقت اضافه
- جلسه پنجم: امید حسینی و یزیدی
- جلسه ششم: امید کارآمد
- جلسه هفتم: بزرگ‌ترین حربهٔ یزیدیان زمان
- جلسه هشتم: بهترین الگوی امیدواری برای جوانان
- جلسه نهم: مهم‌ترین ویژگی علمداران منجی
- جلسه دهم: نبرد امید و یأس، کربلایی به وسعت تاریخ

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از موسسه تخصصی خطابه  
امیر بیان اصفهان

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی

### «تحلیلی از علل «تورم مزمن» در ایران

یکی از عوامل اصلی که امروز اعتقادات مردم را هدف قرار داده است، مشکلات اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران است. «کتاب فتنه اعتقادی، مشروطه اقتصادی» به بررسی علل تورم در ایران پرداخته و از تورم به عنوان مسئله‌ای که مشکلات متعددی را به مردم تحمیل کرده، آسیب‌شناسی جدیدی ارائه می‌دهد؛ سپس با الهام از سیره ائمه معصومین مخصوصاً سیدالشهدا برای حل این مشکل راه‌حل‌هایی ارائه می‌کند.

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای حسینیة  
اندیشه

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

- جلسه اول: مشکلات اقتصادی؛ عامل هجمه به اعتقادات ملت ایران
- جلسه دوم: مقابله ملت ایران با فاصله طبقاتی
- جلسه سوم: سیره علوی در برخورد با فاصله طبقاتی
- جلسه چهارم: نقش فرهنگ «جمع‌المال» در شهادت امام حسین
- جلسه پنجم: اخلاقیات رذیله، عامل تحقق فرهنگ «جمع‌المال»
- جلسه ششم: برخورد امیرالمؤمنین با ساختارهای اجتماعی مادی
- جلسه هفتم: تحلیلی جدید از روایت «التأش عبیدالتنیا»
- جلسه هشتم: ضرورت هم‌زمانی حجم عظیم تولید با اوج زهد در مصرف
- جلسه نهم: تناسب اوقاف با انگیزه‌های ملت ایران
- جلسه دهم: علت غلبه بر قیام مسلم







مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای گام دومی‌ها

## ● از جامعه حسینی تا جهان مهدوی ویژگی‌های جامعه حسینی مقدمه‌ساز ظهور

یکی از تلقی‌های غلطی که از دین اسلام وجود دارد این است که دین اسلام دینی فردی است و به ساحت‌های اجتماعی کاری ندارد در حالی که کاملاً برعکس است و دین اسلام اساساً در وهله اول اجتماعی است. «کتاب از جامعه حسینی تا جهان مهدوی» با مقایسه انواع جامعه‌ها و بیان ویژگی‌های اجتماعات مختلف به مخاطب می‌فهماند می‌کند که دین اسلام دینی اجتماعی است و قابلیت این را دارد که یک جامعه با اهداف بزرگ، مستقل، مقاوم و قوی را تشکیل می‌دهد.

### ● عناوین جلسات

- جلسه اول: جامعه‌ای با هدف بزرگ، جامعه‌ای با هدف کوچک
- جلسه دوم: جامعه رابطه محور، جامعه ضابطه محور
- جلسه سوم: جامعه اجتماعی، جامعه تنها
- جلسه چهارم: جامعه مستقل، جامعه منفعل
- جلسه پنجم: جامعه مقاوم، جامعه شکننده
- جلسه ششم: جامعه هوشمند، جامعه ساده‌اندیش
- جلسه هفتم: جامعه کلان‌نگر، آینده‌نگر و جامع‌نگر
- جلسه هشتم: جامعه خودباور، جامعه خودتحقیر
- جلسه نهم: جامعه شجاع، جامعه ترسو
- جلسه دهم: جامعه قوی، جامعه ضعیف

### ● سلام فرمانده

«آشنایی با شخصیت‌ها و مفاهیم سرود «سلام فرمانده»



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس کودک و نوجوان

کاری از گروه تولید محتوای غیورمردان ایران زمین

سرود «سلام فرمانده»، کار فرهنگی صحیحی بود که با اینکه مختص قشر کودک و نوجوان بود؛ اما تمامی اقشار جامعه را درگیر خود کرد. «کتاب سلام فرمانده» به معرفی شخصیت‌ها و مفاهیم سرود سلام فرمانده با قلمی شیوا و کودکانه می‌پردازد.

### ● عناوین جلسات

- بخش اول: نامه‌ای به امام زمان علیه‌السلام (زندگی‌نامه علی بن مهزیار)
- بخش دوم: مشعل تاریخ (زندگی‌نامه میرزا کوچک‌خان جنگلی)
- بخش سوم: یار سبید و سیزدهم (معرفی ۳۱۳ نفر یار امام زمان)
- بخش چهارم: سردار دل‌ها (زندگی‌نامه حاج قاسم سلیمانی)
- بخش پنجم: ثروتمندترین مرد جهان! (زندگی‌نامه آیت‌الله بهجت)
- بخش ششم: می‌خواهم گمنام بمانم! (معرفی مفهوم سرباز گمنام)
- بخش هفتم: یار وفادار! (زندگی‌نامه عمار یاسر)
- بخش هشتم: مرد اهل بیته! (زندگی‌نامه سلمان فارسی)
- بخش نهم: در مسیر امام حسین علیه‌السلام! (زندگی‌نامه علی لندی)
- بخش دهم: لشکر تک نفره! (زندگی‌نامه حسین فهمیده)

برای دریافت کتاب اسکن کنید



### ● ظلم سکوت

سکوت در برابر ظلم، هم یاری ظالم و هم خوار کردن مظلوم است.

سخنرانی ویژه روز قدس «روایت نامسلمانی سکوت کنندگان در برابر ظلم»

امام سجاد علیه السلام می‌فرماید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ... أَنْ تُعْصِدَ ظَالِمًا، أَوْ تُخَذَّلَ مَلْهُوفًا»

خدایا! به تو پناه می‌بریم از این‌که ظالمی را یاری کنیم، یا ندای دردمند و ستم‌دیده‌ای را بی‌جواب بگذاریم؛ و البته سکوت در برابر ظلم، هم یاری ظالم و هم خوار کردن مظلوم است.

«اللَّهُمَّ إِنِّي أَعْتَذِرُ إِلَيْكَ مِنْ مَظْلُومٍ ظَلِمَ بِخَضْرَى فَلَمْ أَنْصُرْ»

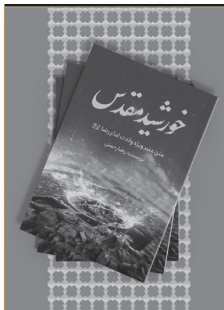
خدایا از تو عذر می‌خواهیم، از اینکه در برابر دیدگانمان به مظلومانی ستم شده و ما ایشان را یاری نکردیم.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

### ● خورشید مقدس

متن سخنرانی ویژه ولادت امام رضا علیه السلام در پاسخ به اهانت به مقام نورانی امام مهربانی



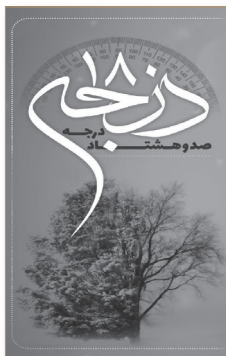
مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

وقتی دشمن مقابل نور علی بن موسی الرضا علیه السلام کم می‌آورد، چه می‌کند؟ می‌خواهد هتک خورشید کند. او نابودی خودش را دیده، دست به انتحار می‌زند، یک روز به ساحت نور عالم امکان یعنی رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم اهانت می‌کند. نوری که پیغمبر فرمود: «اولین نوری که خدا در این عالم خلق کرد، نور من بود؛ اَوَّلُ مَا خَلَقَ اللَّهُ نُورِي» وقتی دشمن، متعرض به وجود نورانی امام رضا علیه السلام می‌شود معلوم می‌شود که کار امام رضا علیه السلام در جهان گرفته است.

کاری از گروه تولید محتوای کام‌دومی‌ها

برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای

کاری از گروه تولید محتوای امیربیان  
(شعبه مرکزی)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

## ● سخنرانی چندرسانه‌ای ۱۸۰ درجه

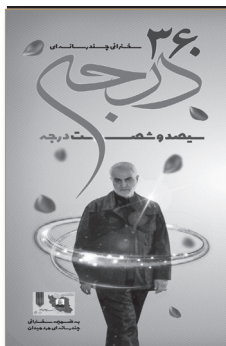
سواد رسانه و مقابله با جنگ رسانه‌ای

یکی از مشکلات اصلی ما در انقلاب اسلامی این است که همیشه روایت اول را از وقایعی که اتفاق می‌افتد برای ما نیست و اگر روایت نکنیم دشمن روایت می‌کند و برای ما مشکلاتی درست می‌کند و باعث شکست ما در جنگ رسانه‌ای می‌شود.

کتاب «۱۸۰ درجه» در قالب یک جلسه سخنرانی پیرامون سواد رسانه، انواع و روش‌های تحریف در فضای مجازی تهیه شده و در پایان هم راهکارهای مقابله با آن نیز بیان شده است.

## ● سخنرانی چند رسانه‌ای ۳۶۰ درجه

اتصال به خدا راه‌گشای محاصرات ۳۶۰ درجه در زندگی



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای

کاری از گروه تولید محتوای امیربیان  
(شعبه مرکزی)



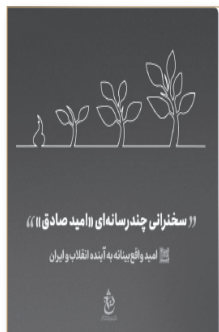
برای دریافت کتاب اسکن کنید

وقتی در محاصره ۳۶۰ درجه قرار می‌گیریم باید باور داشته باشیم که تنها نیستیم و خدا و امام زمان در کنار ما هستند؛ باید بدانیم وقتی نگاه حاج قاسم در مقابله با محاصره ۳۶۰ درجه نظامی جواب می‌دهد، در همه محاصره‌های ۳۶۰ درجه‌ای دیگر که در بحران‌ها و امتحانات روزگار به آن‌ها برخورد می‌کنیم نیز جواب می‌دهد. چه این محاصره اقتصادی باشد و چه اجتماعی و آبرویی و حیثیتی و چه جمعیتی و نسل و نیروی انسانی؛ اتصال به خدا و توکل بر خدا راه‌گشا است.



## ● سخنرانی چند رسانه‌ای امید صادق

امید واقع‌بینانه به آینده انقلاب و ایران



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای  
کاری از گروه تولید محتوای امیربیین  
شیراز  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



رهبر انقلاب در بیانیه‌ی گام دوم فرمودند: «اکنون به شما فرزندان عزیزم در مورد چند سرفصل اساسی توصیه‌هایی می‌کنم... اما پیش از همه چیز، نخستین توصیه‌ی من امید و نگاه خوش‌بینانه به آینده است. بدون این کلید اساسی همه‌ی قفل‌ها، هیچ گامی نمی‌توان برداشت. آنچه می‌گویم یک امید صادق و متکی به واقعیت‌های عینی است. اینجانب همواره از امید کاذب و فریبنده دوری جسته‌ام، اما خود و همه را از نومییدی بیجا و ترس کاذب نیز برحذر داشته‌ام و برحذر می‌دارم... شما جوانان باید پیش‌گام در شکستن این محاصره تبلیغاتی [نامید] باشید؛ در خود و دیگران نهال امید به آینده را پرورش دهید. ترس و نومییدی را از خود و دیگران برانید. این نخستین و ریشه‌ای‌ترین جهاد شما است.»

سخنرانی چند رسانه‌ای «امید صادق» نقاط امیدواری نسبت به انقلاب و آرمان‌های آن را جهت ایجاد امید در مخاطب بیان می‌کند.

## ● سخنرانی چند رسانه‌ای شهید کم‌نظیر

معرفی اسطوره جهاد تبیین «شهید بهشتی»



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: سخنرانی چند رسانه‌ای  
کاری از مؤسسه تخصصی خطابه  
امیربیین اصفهان  
برای دریافت کتاب اسکن کنید



یکی از شاخص‌ترین و بارزترین قربانیان شهیدای ترور در زمان معاصر شهید کم‌نظیر، عالم، مجتهد، مبارز و شخصیت خودساخته آیت‌الله شهید دکتر سید محمدحسین بهشتی است. شخصیتی که از حیث علمی و عملی حرف‌های بسیاری برای گفتن دارد و تعابیری که دوست و دشمن در مورد ایشان به کار برده‌اند انصافاً کم‌نظیر است.

البته تلخ‌تر و سخت‌تر از ترور فیزیکی افراد و اشخاص، ترور شخصیت‌ها و واژگونی حقایق است که با توجه به جمله‌ماندگاری که امام خمینی(ره) در رثای این شهید عزیز فرمودند: «بهشتی مظلوم زیست، مظلوم مُرد و خار چشم دشمنان بود» جهت امتثال همه‌جانبه‌ی امر امام خامنه‌ای در عرصه‌ی جهاد تبیین و جنگ روایت‌ها بر آن شدیم تا گامی هرچند ناچیز در مسیر روایت صحیح برداشته و به از بین بردن مظلومیت این شهید بپردازیم.

این اثر بر محور بیان حرکت شهید بهشتی در ۴ عرصه: «بهشتی که بود؟» «بهشتی چه کرد؟» «بهشتی چه شد؟» و در ادامه «در مورد شهید بهشتی و ادامه راه او چه باید بکنیم؟» سازمان‌یافته است.





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب  
کاری از گروه تولید محتوای شهید  
حاج قاسم سلیمانی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● قدرت پنهان «ویژه مخاطب عام»

بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی

ما قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم. ما یک جامعه زنان داریم که به برکت ائمه معصومین علیهم السلام این‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ اما چون این ظرفیت و قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم از این ظرفیت بزرگ استفاده خاصی نمی‌شود. این‌ها می‌توانند با هم دیگر فضای خانواده و جامعه و شهر را تغییر بدهند.

کتاب «قدرت پنهان» به بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه: فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی قابل استفاده برای عموم مبلغین است.

## ● عناوین جلسات

- مجلس اول: زن میدان
- جلسه دوم: اقتدار علوی و عظمت فاطمی
- جلسه سوم: کدام آزادی؟
- جلسه چهارم: مادر عاطفه‌ها!
- جلسه پنجم: الگویی برای همیشه

## ● قدرت پنهان «ویژه مخاطب خاص»

بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی

ما قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم. ما یک جامعه زنان داریم که به برکت ائمه معصومین علیهم السلام این‌ها دور هم جمع می‌شوند؛ اما چون این ظرفیت و قدرت پنهان عواطف را مدیریت نکردیم از این ظرفیت بزرگ استفاده خاصی نمی‌شود. این‌ها می‌توانند با هم دیگر فضای خانواده و جامعه و شهر را تغییر بدهند.

کتاب «قدرت پنهان» به بازخوانی سیره حضرت زهرا علیها السلام در مدیریت عواطف اجتماعی و تبیین جایگاه زنان ایران اسلامی در سه عرصه: فردی، خانوادگی و اجتماعی پرداخته است. این محتوای تبلیغی برای مخاطب خاص بوده و برای فضای علمی و نخبگانی قابل استفاده است.

## ● عناوین جلسات

- مجلس اول: از «سیده نساء العالمین» تا «رهبری جامعه زنان»
- مجلس دوم: رهبری جامعه زنان؛ از «مدیریت عواطف اجتماعی» در اسلام تا «مردوارگی زن» در غرب
- مجلس سوم: از «پرده‌نشینی» تا «مدیریت عواطف اجتماعی»
- مجلس چهارم: انقلاب اسلامی و رستاخیز «مدیریت عواطف اجتماعی»
- مجلس پنجم: مدیریت عواطف اجتماعی؛ از «مصدق‌یابی» تا «نهادسازی»

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● آغوش جاودانه

تکرار فاطمه علیها السلام در مادری‌ها

زنان سرور تاریخ که به‌کنار، سرور زنان تاریخ هم به «مادری» خود می‌بالید. فاطمه داستان ما عمری داشت و نگاهی داشت به‌بلندای تاریخ؛ پس به کیفیت و عمق زندگی‌اش پرداخت. وقتی نداشت برای هدر دادن؛ برای همین، در همین فرصت کوتاه، خواست که مشغولِ «بهترین» کار باشد و مشغول «مادری» شد. کتابچه «آغوش مادری» با پاسخ به شبهات زنان در حوزه فرزندآوری به این مسأله می‌پردازد که مادری‌کردن جایگاه پرافتخاری است برای زنان، و عمیق‌ترین لذت‌ها و عبادت‌ها و خاطره‌ها را مادران می‌چشند؛ اما این دارد کم‌رنگ می‌شود.

## ● برشی از کتاب

دغدغه‌های مادرانه در فرزندآوری می‌خواهم رشد فردی کنم بچه نمی‌گذارد وقت کم دارم، بچه وقت می‌خواهد آرامش لازم دارم، بچه شلوغ است تربیت سخت است، من بلد نیستم من کلفت نیستم، بچه داری یعنی بشور و بساب یکی دو تا بچه شیک است ولی بچه زیاد بی‌کلاسی است من پول ندارم بچه خرج دارد زنگ خطر و آمارهای درنگ‌آور روضه‌های مادرانه



مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از: اداره راهبری محتوای تبلیغی

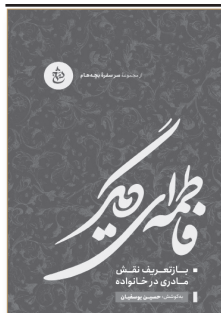
برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● فاطمه‌ای دیگر

باز تعریف نقش مادری در خانواده

با این الگوگیری از فاطمه زهرا علیها السلام می‌توان کاری کرد که زنانمان «فاطمه‌ای دیگر» باشند و فرزندانی علوی بیاورند و سربازانی مهدوی تربیت کنند. کتاب «فاطمه‌ای دیگر» کوشیده است با الگوبرداری از زندگی فاطمه زهرا علیها السلام و بررسی ویژگی «مادری» آن حضرت، ارزش این مفهوم عمیق و عزیز یعنی «مادری» را توصیف کند. به این امید که با «بازتعریف نقش مادری در خانواده» بتوانیم تکرار فاطمه زهرا (س) را در خانواده‌های خود ببینیم و از آن بهره‌ها بگیریم.



مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۰

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از: اداره راهبری محتوای تبلیغی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● عناوین جلسات

- مجلس اول: مادرانه‌های فاطمی
- مجلس دوم: مادری که مادری می‌کرد!
- مجلس سوم: رنج شیرین مادری
- مجلس چهارم: مانند فاطمه علیها السلام
- مجلس پنجم: عبادت‌های خانوادگی





کتاب ۳ جلدی «تبیین با نور قرآن»

نویسنده: آیت الله العظمی آية الله في الله خاتون

مخاطب: عمومی

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از اندیشکده سعدا

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● تبیین با نور قرآن

تبیین در پرتوی ۳۰ آیه از ۳۰ جزء قرآن کریم

تبیین همیشه در تاریخ پراهمیت بوده اما در عصر حاضر اهمیت بیشتری پیدا کرده است تا جایی که رهبر حکیم انقلاب، فرمان «جهاد تبیین» را صادر کرده و آن را فریضه‌ای قطعی و فوری نامیده‌اند. کتاب «تبیین با تبیان» با الهام از کتاب تبیین به بررسی ۳۰ موضوع تبیینی در حوزه جهاد تبیین که فریضه‌ای قطعی و فوری است می‌پردازد.

## ● فهرست کتاب

جلد اول: تعریف و لوازم تبیین

۱. تعریف (تبیین و جهاد تبیین)

۲. لوازم تبیین

ایثار و شهادت، وحدت، بصیرت، خوش اخلاقی، شجاعت، مردم‌داری، تقوا، غیرت دینی، استقامت، دشمن‌شناسی

جلد دوم: موضوعات نیازمند تبیین؛ اصول و امهات تبیین

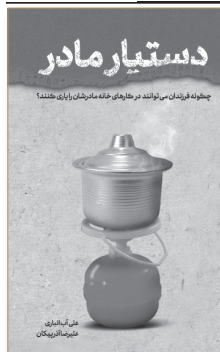
ظلم‌ستیزی، امریبه‌معروف، فرزندآوری، استقلال، عدم اعتماد به دشمن، زنان، جهاد اقتصادی، ولایت‌پذیری، انتظار، جهاد کبیر، توحید

جلد سوم: موضوعات نیازمند تبیین؛ واقعیت‌های میدان و نقاط امیدبخش

ظرفیت‌ها، چالش‌ها، دستاوردهای نظام، افول دشمن، عبور از بحران‌ها، امید به وعده‌ها، نگاه جهانی به انقلاب

## ● طرح درس دستیار مادر

چگونه فرزندان می‌توانند در کارهای خانه مادرشان را یاری کنند؟



دستیار مادر

چگونه فرزندان می‌توانند در کارهای خانه مادرشان را یاری کنند؟

مخاطب: کودک و نوجوان

سال تولید: ۱۴۰۱

نوع محتوا: طرح درس

کاری از گروه تولید محتوای غیور

مردان ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

کتاب «دستیار مادر» وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری مادرشان را بیان می‌کند و آموزش‌هایی درباره مسائل اقتصادی در قالب داستان و بازی و معما بیان می‌کند.

## ● عناوین جلسات

ماه میهمانی

قوانین زندگی

مسئولیت‌پذیری

رعایت حقوق همسایه

تمیز باش

مسیر موفقیت

استاد شو

سالم باش

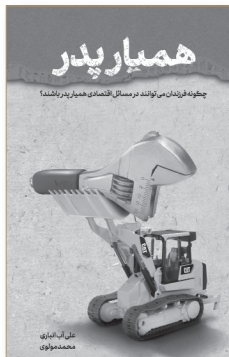
خلاقیت

مادر همیار



## ● طرح درس همیار پدر

چگونه فرزندان می‌توانند در مسائل اقتصادی همیار پدر باشند؟



مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس  
کاری از گروه تولید محتوای غیور  
مردان ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

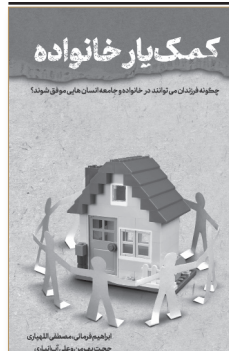
این طرح درس تلاشی است در جهت تولید محتوای متناسب برای مبلغانی که در ایام تبلیغی برای کودکان و نوجوانان کلاس برگزار می‌کنند. در این کتاب با بیان وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری پدرانشان در مسائل اقتصادی آموزش‌هایی در قالب داستان و بازی و معما بیان شده است.

## ● عناوین جلسات

- محافظان منزل
- راز سلامتی
- دل‌های بزرگ
- اشتباهی بزرگ
- همیار پدر
- رمز موفقیت ۱
- رمز موفقیت ۲
- شیرین زبونی
- قشنگترین شب دنیا
- بهترین الگوها

## ● طرح درس کمک‌یار خانواده

چگونه فرزندان می‌توانند در خانواده و جامعه انسان‌هایی موفق شوند؟



مخاطب: کودک و نوجوان  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: طرح درس  
کاری از گروه تولید محتوای غیور  
مردان ایران زمین



برای دریافت کتاب اسکن کنید

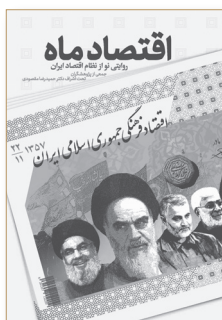
کودکان علاقه زیادی به ایجاد نقش در جامعه دارند و خانواده به عنوان یک جامعه کوچک و واحد تشکیل‌دهنده جامعه مکانی است برای ایفای نقش فرزندان. کتاب کمک‌یار خانواده با بیان وظایف کودکان و نوجوانان در همیاری خانواده‌شان در مسائل اقتصادی آموزش‌هایی در قالب داستان و بازی و معما بیان شده است.

## ● عناوین جلسات

- محراب خونین شهادت حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
- بهترین واژه‌ها (پدر و مادر)
- دعای مقبول
- نشان ادب (سلام)
- بهترین هم‌نشین (دوست)
- مثل آینه
- سنگ‌های صبور (روز قدس)
- سرمایه گرانبها (ارزش عمر)
- آداب خواب و بیداری
- فروغ جاودانی (روز معلم، شهادت شهید مطهری)







مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۲  
نوع محتوا: پشتیبان

کاری از مرکز راهبری اقتصاد مقاومتی

برای دریافت کتاب اسکن کنید



## ● اقتصاد ماه

پاسخ به ۱۰ سؤال مهم در مورد آقای اقتصاد جمهوری اسلامی ایران

فضای اقتصاد ایران آلوده است و تصور ما از اقتصاد ایران چیزی غیر از واقعیت است، چیزی است که دشمن برای ما تصویر کرده نه واقعیت آن. کتاب «اقتصاد ماه» با ارائه روایتی نو از نظام اقتصادی ایران مبتنی بر نظام جامع مسائل اقتصادی است که هدف آن، ارائه پاسخ‌هایی کوتاه به مهم‌ترین مباحث و گره‌های ذهنی مردم همچون شکاف طبقاتی، تورم، گرانی و اوضاع اقتصادی ایران است و مبلغ را برای پاسخ به سؤالاتی که حتماً در فضای تبلیغی امسال، با آن مواجه هست، فراهم می‌کند.

## ● عناوین جلسات

جمهوری اسلامی، شاخص فلاکت  
از اقتصاد دنیا چه خبر؟  
این بود عدالت؟!  
داستان شکاف طبقاتی  
رابطه دولت‌ها و اقتصاد  
دولت انقلابی و تورم؟!  
ماجرای خودرو!  
ماجرای مسکن!  
این همه مشکل چرا؟  
بن بست شکن‌های اقتصاد

## ● راز رزق

بررسی قواعدی که رزق و روزی را به زندگی‌مان سرازیر می‌کند.



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۲  
نوع محتوا: پشتیبان

کاری از گروه تولید محتوای گام دومی‌ها

برای دریافت کتاب اسکن کنید



زندگی بسیاری از ما پر است از نگرانی. نگرانی از آینده شغلی، نگرانی از وضعیت بد اقتصادی، نگرانی از تلاش‌های بی‌ثمر و صدها نگرانی دیگر. چطور می‌خواهیم این نگرانی‌ها را برطرف کنیم؟ «راز رزق» کتابی است که ما را با قواعد رزق و روزی که قرآن و روایات بیان می‌کنند، آشنا می‌کند که بسیاری از این نگرانی‌ها را از بین خواهد برد و با بیان قواعد رزق و روزی راه حل‌هایی ارائه می‌دهد که پای روزی‌های جدید را به زندگی‌مان باز کنیم.

## ● عناوین جلسات

جلسه اول: رمضان پُررزق  
جلسه دوم: زیباترین رابطه  
جلسه سوم: از روزی لذت تا لذت روزی  
جلسه چهارم: رنج شیرین روزی‌ها  
جلسه پنجم: استقلال روحی، رزق و روزی درونی  
جلسه ششم: رزق روحی آرامش  
جلسه هفتم: رزق تربیتی  
جلسه هشتم: رزق زمان  
جلسه نهم: رزق اجتماعی  
جلسه دهم: نق ولایت در رزق و روزی



## ● رزقی نو

راه‌حل‌های رهایی از مشکلات اقتصادی



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۲  
نوع محتوا: پشتیبان

کاری از گروه تولید محتوای گام دومی‌ها

برای دریافت کتاب اسکن کنید



در رزقی‌نو ده جلسه منبر مکتوب با قلمی تبلیغی و مفاهیم بلند قرآنی است که هدف آن پرداختن به مفاهیم اقتصادی اصیل اسلامی بوده و افقی جدید را به روی مخاطب می‌گشاید

## ● عناوین جلسات

رازق کیست؟

نقش من در رزق و روزی چیست؟

نقش شکر در رزق و روزی من

رزق اجتماعی، رزقی نو

نقش خانواده در رزق اجتماعی

نقش نزدیکان و همسایگان در رزق اجتماعی

نقش نظام اخوت اسلامی در رزق اجتماعی

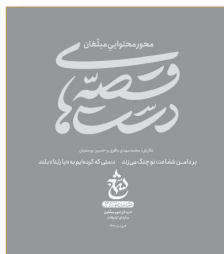
مؤلفه‌های قدرت اقتصادی؛ قدرت فرهنگی

تعاون مهمترین عامل قدرت اقتصادی

نقش حکومت در رزق و روزی من

## ● قصه دست‌ها

خط سیر پیروزی‌های حق بر باطل



مخاطب: مبلغان  
سال تولید: ۱۴۰۰  
نوع محتوا: متن ترویجی

کاری از حسین یوسفیان و محمد مهدی باقری

چرا تقابل حق و باطل را یادمان می‌رود؟ و چرا شیرینی وعده پیروزی حق را در تلخ آب ناامیدی محو می‌کنیم؟ کمی اوج بگیریم تا بدانیم ماجرا از چه قرار است. اگر قرار به آسیب‌شناسی باشد، وضعیت چطور است؟ اگر قرار به ارزیابی باشد، حقیقت چه است؟ اگر قرار به راه‌حل‌یابی باشد، عقل چه می‌گوید؟ و اگر قرار به الگوگیری باشد، قرآن چه می‌فرماید؟ کتابچه «قصه دست‌ها» سؤالات بالا و بیشتر را با بیانی ساده و شیوا برای مخاطب تشریح می‌کند و در او حس امیدواری به پیروزی جبهه حق را ایجاد می‌کند.

## ● عناوین جلسات

تاریخ را نمی‌توان خنثی دید؟ یعنی بدون جنگ حق و باطل؟ پس آرامش و صلح چه می‌شود؟

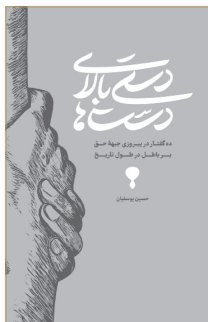
آیا خط سیری در معجزه‌های پیامبران می‌توان یافت؟

اساساً پیروزی و شکست چیست؟

فقط امید به نصرت الهی کافی است؟ یا اینکه این پیروزی تاریخی شرط‌شروطی هم دارد؟

مهره‌های ابلیس، در سپاه باطل، چگونه می‌خواهند این جنگ را بترند؟ و اینکه آیا همیشه عیان جنگیده‌اند یا از جایی در تاریخ، پنهان‌تر عمل کردند؟ با تواضع به حق و صبر، چگونه امید و اعتماد گسترش می‌یابد؟





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۰  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از حجت الاسلام حسین یوسفیان

## ● دستی بالای دست‌ها

ده گفتار در پیروزی جبهه حق بر باطل در طول تاریخ

تاریخ را دست‌های پنجه‌درپنجه دو جبهه ساخته‌اند: جبهه حق، جبهه باطل. ما انسان‌ها نیز بازیگران میدانیم که با انتخاب خودمان پشت سر فرماندهان دو جبهه حرکت می‌کنیم. خبر خوشی هم در کار است: دست خدا با جبهه حق است و هم‌او وعده پیروزی داده است به دست پیامبران و رسته پیروان آنان.  
کتاب «دستی بالای دست‌ها» با قلمی زیبا و امید آفرین پیروزی‌های جبهه حق بر باطل را در ادوار مختلف تاریخی بیان می‌کند.

## ● عناوین جلسات

- گفتار اول: دست به کار شو
- گفتار دوم: معجزه دست‌های خدا
- گفتار سوم: دست‌های شیطانی
- گفتار چهارم: دستی که رو شد
- گفتار پنجم: تردستی ابلیس
- گفتار ششم: دنیا دست کیست؟
- گفتار هفتم: دست‌های شفا بخش
- گفتار هشتم: دست‌های رحمت
- گفتار نهم: دست‌های پشت پرده
- گفتار دهم: پیروزی دست‌ها

## ● «به توان او»

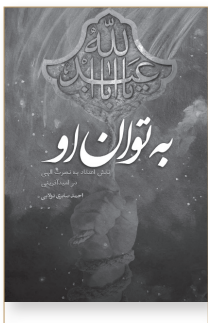
«نقش اعتقاد به نصرت الهی در امیدآفرینی»

بخشی از کتاب:

مهم‌ترین علت پیروزی امام حسین در کربلای سال ۶۱ ثبات قدمی بود که ایشان و یارانشان در کربلا داشتند.  
مهم‌ترین عامل ایجاد ناامیدی و وجود مشکلات حل‌نشده در زندگی است.

## ● عناوین جلسات:

- جلسه اول: نهضت حسینی، تدابیر مدافعین، اقدامات مهاجمین
- جلسه دوم: ویژگی‌های تربیت‌شده مکتب حسینی
- جلسه سوم: عوامل ایجاد مشکلات
- جلسه چهارم: موضعگیری‌ها در برابر مشکلات
- جلسه پنجم: ابزار نصرت الهی
- جلسه ششم: ابعاد و عرصه‌های نصرت الهی
- جلسه هفتم: شرایط نزول نصرت الهی
- جلسه هشتم: شرایط نزول نصرت الهی
- جلسه نهم: شرایط نزول نصرت الهی
- جلسه دهم: شرایط نزول نصرت الهی



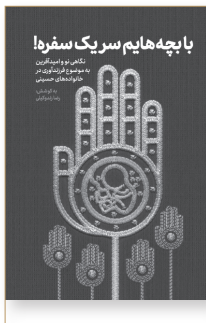
مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای به سوی ملکوت



برای دریافت کتاب اسکن کنید





مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای شهید  
حاج قاسم سلیمانی



برای دریافت کتاب اسکن کنید

## ● «با بچه‌هایم سر یک سفره»

«نگاهی نو و امیدآفرین به موضوع فرزندآوری در خانواده‌های حسینی»

### ● معرفی

۱۰ جلسه منبرک و ۱۰ جلسه منبر کامل به همراه روضه برای پاسخ به دغدغه‌ها و سؤالات مهم مردم در حوزه جمعیت و فرزندآوری که هر طلبه در تبلیغ با آن مواجه است تولید شده است. این محتوا تحت اشراف فعالین حوزه جمعیت و اساتیدی همچون استاد عباسی ولدی نوشته شده است.

### ● عناوین جلسات:

- جلسه اول: سر سفرهٔ بچه‌های حسین!
- جلسه دوم: چشمانی که به دست اوست!
- جلسه سوم: به سختی اش می‌ارزد!
- جلسه چهارم: سفرهٔ تنهایی
- جلسه پنجم: سر کدام سفره نشسته‌ای؟
- جلسه ششم: معامله شیرین!
- جلسه هفتم: سفره را او پهن می‌کند!
- جلسه هشتم: تربیتش با ما!
- جلسه نهم: جای پای عباس
- جلسه دهم: سفرهٔ همیشه‌باز!



مخاطب: عمومی  
سال تولید: ۱۴۰۱  
نوع محتوا: منبر مکتوب

کاری از گروه تولید محتوای تبلیغی  
امیران‌بیان (امیربیان شعبه قم)



برای دریافت کتاب اسکن کنید

## ● «با کاروان عشق در کربلا»

«تبیین انواع کربلا در زندگی امروز ما، برای دستیابی به قله‌های امیدآفرین در آزمایش‌های زندگی»

### ● بخشی از کتاب:

حضرت آقا می‌فرمایند: تاریخ را با قصه اشتباه نکنیم. تاریخ یعنی شرح حال ما در صحنه‌ای دیگر. آزمایش کربلا در صحنه‌های دیگر و در زمان‌های دیگر نیز روی می‌دهد؛ یعنی در ادامهٔ کربلای امام حسین در سال ۶۱ هجری، کربلاهای دیگر نیز هست.

### ● عناوین جلسات:

- جلسه اول: تبیین موضوع بحث
- جلسه دوم: کربلای اقتصادی
- جلسه سوم: کربلای علمی
- جلسه چهارم: کربلای جهاد تبیین
- جلسه پنجم: کربلای رسانه‌ای
- جلسه ششم: کربلای رسانه‌ای
- جلسه هفتم: کربلای خانوادگی
- جلسه هشتم: کربلای خانوادگی
- جلسه نهم: کربلای سیاسی
- جلسه دهم: کربلای فرهنگی

